

# جهان بینی اجتماعی عرفان و تصوّف اسلامی

## مبانی عرفانی روابط تجاری بین‌الملل در اسلام

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین  
بین‌المللی از دیدگاه حکمت

(جلد ۳)

دکتر بیژن بیدآباد



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

مترهی تو. ما را دانشی نیست جز آنچه تو به ما آموختی. همانا توئی دانشمند حکیم

قرآن کریم  
آیه ۳۲ سوره بقره

طبع و تکثیر این کتاب به هر شیوه‌ای و ترجمه بخش یا تمامی  
آن به هر زبانی به شرط رعایت امانت آزاد می‌باشد.

# فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳

## فصل اول

### تجارت بین الملل

تحول نظریات تجارت بین الملل.....	۹
موافقان و مخالفان جهانی سازی.....	۱۴
تلاش جهانی برای تنظیم تجارت بین الملل.....	۱۹

## فصل دوم

### سازمان تجارت جهانی

مقدمه.....	۳۳
سازمان تجارت جهانی.....	۳۳
دسترسی به بازار.....	۴۰
موافقتنامه کشاورزی.....	۵۴
موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی.....	۶۲
موافقتنامه منسوجات و پوشاک.....	۶۴
موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت.....	۶۶
موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری.....	۶۹
موافقتنامه رویه های ضد دامپینگ.....	۷۴

۷۸	موافقتنامه سوئیس‌ها و اقدامات جبرانی
۸۷	سایر اقدامات حمایتی و اضطراری
۹۴	موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی
۹۷	موافقتنامه بازرسی پیش از حمل
۹۹	موافقتنامه قواعد مبدأ
۱۰۳	موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود
۱۰۷	موافقتنامه عمومی تجارت خدمات
۱۰۹	موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری
۱۱۳	موافقتنامه‌های میان چند طرف
۱۱۴	موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی
۱۱۵	موافقتنامه خرید دولتی
۱۱۶	سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی
۱۱۷	تجارت و محیط زیست
۱۲۷	موافقتنامه پیشنهادی چند جانبه سرمایه گذاری و تجارت
۱۲۸	تسهیل تجاری
۱۲۹	شفافیت خریدهای دولتی

## فصل سوم

### حقوق مالکیت فکری

۱۳۵	مقدمه
۱۳۷	منشاء حقوق مالکیت فکری
۱۴۱	منع بخل نسبت به جامعه
۱۴۴	منع ربای اجتماعی
۱۴۶	منع عدم افشای علم
۱۵۰	ملاحظات فقهی مالکیت فکری
۱۵۶	مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل

## فصل چهارم

### کنوانسیون تجارت بین‌الملل

۱۶۳	.....	مقدمه
۱۶۵	.....	اصول ارشادی
۱۶۸	.....	اصول اجرائی

## فصل پنجم

### کنوانسیون بین‌المللی مالیه عمومی

۱۸۳	.....	مقدمه
۱۸۴	.....	مداخله دولت در امور اقتصادی افراد
۱۸۶	.....	مالیات بر ارزش افزوده
۱۸۸	.....	رفع نارسایی سایر مالیات‌ها
۱۹۲	.....	پیشنهاد اخذ مالیات عشر بر ارزش افزوده در سطح بین‌المللی
۱۹۵	.....	اصول کلی کنوانسیون پیشنهادی مالیه بین‌المللی
۱۹۶	.....	تشکیلات دولت
۱۹۷	.....	درآمد دولت
۲۰۰	.....	هزینه دولت
۲۰۱	.....	برنامه
۲۰۲	.....	بودجه

## فصل ششم

### اعلامیه روابط بین‌الملل

۲۰۷	.....	مقدمه
۲۰۸	.....	روش شناسی

---

۲۰۸	اصول پیشنهادی حقوق بین‌الملل عمومی .....
۲۱۵	اصول پیشنهادی سیاست خارجی .....
۲۲۲	اصول پیشنهادی دیپلماسی .....

### ضمیمه

### منابع و مأخذ

۲۳۱	منابع فارسی و عربی .....
۲۵۸	منابع انگلیسی .....

## بنام خدایی که بر ذات وی محال است هرگز برد عقل بی

### پیشگفتار

در این کتاب ضمن اشاره به برخی آیات قرآن کریم و با مراجعه تفسیر عرفانی آنها دیدگاه اسلام را به برخی از مسائل تجارت بین الملل بررسی می‌نمائیم و موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را از این منظر بررسی و تحلیل می‌کنیم. این کتاب یکی از مجلدات مجموعه جهان‌بینی اجتماعی عرفان و تصوف اسلامی است و بسیاری از مطالبی که لازم بود تا در این کتاب درباره نحوه بررسی و نگرش به مسائل مذکور می‌شد در مجلدات دیگر آورده شده و لذا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. در بخش اول ابتدا اشاره‌ای به مسائل نظری و تاریخی تجارت بین الملل و جهانی‌سازی می‌پردازیم. در بخش دوم با اشاره به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی تعریضی به نظریات اسلام از دیدگاه عرفا و صوفیه می‌شود. در فصل سوم به بررسی ماهیت حقوق مالکیت معنوی/ فکری می‌پردازیم که از مهمترین موارد مرتبط با موافقتنامه‌های تجاری سازمان تجارت جهانی در ارتباط با روابط تجاری مخصوصاً میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته است. فصول بعدی به کنوانسیون پیشنهادی در ارتباط با تجارت و مالیات و روابط بین الملل اختصاص یافته است.

نظرات خوانندگان چه از بعد انتقادی و چه از بعد تکمیلی برای تکمیل کتاب بسیار سودمند است و دریافت نظرات افراد با نگرشهای مختلف فکری مورد درخواست نگارنده نیز هست و حتی در برنامه تنظیمی خود برای شرفیابی به مگه معظّمه و انجام مناسک حج تمتّع در نظر دارم در حاشیه انجام این فریضه دینی مطالب این کتاب را با محققین آنجا نیز مطرح تا از نزدیک نظرات و انتقادات برادران اهل سنت را نیز دریافت نمایم. لذا از خوانندگان درخواست دارد تا از تذکره نقائص و اشتباهات خودداری نفرمایند تا در ویرایش‌های بعدی اصلاح گردد.

بیژن بیدآباد<sup>۱</sup>





## مقدمه

تقابل دولت‌ها هرچه بیشتر باشد هزینه‌های اجتماعی مردم متبوع طرف‌های متقابل را افزون می‌نماید و نهایتاً وضعیت کشورها را به تعادل جدید و با هزینه‌های سنگین برقرار می‌سازد. لذا می‌توان به تعادل جدیدی بین کشورها با هزینه کمتر تن داد که هم به نفع ملت‌ها و هم به نفع دولت‌های جهان است لذا براین اساس پیشنهاد می‌شود که طبق توافقی همه‌پذیر، همه کشورها با پذیرش اصول مشخصی که به آنها خواهیم پرداخت به تعادلی جدید و کم‌هزینه‌تر و کارآء دست یابند.

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرح‌های تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی، منافع را متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

وضع تعرفه معمولاً رابطه مبادله کشور را بهبود می‌بخشد حجم تجارت را کاهش می‌دهد و ممکن است حتی در مواردی رفاه کشور را بهبود بخشد ولی ممکن است کشورهای دیگر نیز اقدام متقابل بکنند که در این صورت هر دو کشور معمولاً زیان می‌کنند. استدلالاتی در حمایت از تعرفه شده است که مهمترین آنها می‌گویند تعرفه برای حمایت از تولید کنندگان داخلی در مقابل سیاست ارزان فروشی کالاهای وارداتی دیگران است، تعرفه موجب رشد صنایع داخلی می‌شود تا آنکه به

کارآیی برسند و اینکه تعرفه در جهت حمایت از صناعی است که از نظر دفاع ملی اهمیت دارد. به هر حال همه این استدلال‌ها نیازمند ارزیابی هستند. دلایل مختلف دیگری از قبیل ایجاد اشتغال و برقراری توازن در موازنه تجاری و حتی اهداف غیر اقتصادی نیز گاه عنوان می‌شوند که اهمیت خاص خود را دارند.

از لحاظ نظام حقوقی اسلام قوانین موضوعه و توافقات تقنینی بین‌المللی تا آنجا مورد قبول است که در تضاد و تناقض با شریعت محمدی ص نباشد. در باب این موضوع بحث‌های مفصلی مطرح است که نگرش‌های تقنینی بین‌المللی را در این ارتباط با دستورات شریعت اسلام تطبیق داده و مقبولیت و عدم مقبولیت آن‌ها را می‌سنجد.<sup>۱</sup> بر طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری منابع و قواعد حقوق بین‌الملل شامل عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از خصوصی و عمومی که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند و رسوم بین‌المللی و اصول عمومی حقوقی مقبول ملل متمدن است و نهایتاً تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مؤلفین ملل مختلف را به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی می‌داند.

در حقوق بین‌الملل اسلام منابع حقوقی فوق از لحاظ مرتبه در مراتب بعد از شریعت قرار می‌گیرند. در ابتدا احکام اولیه اسلام مبتنی بر قرآن کریم و شریعت محمدی ص منبع اولیه مقبولیت، قضاوت و داوری است و پس از آن سایر منابع حقوقی قرار خواهند گرفت. مسلم است تمام منابع بعدی چنانچه تضاد یا تناقض با قرآن کریم نداشته باشند می‌توانند مقبولیت داشته باشند و ملاک اصلی سنجش منابع حقوقی موضوعه بین‌المللی موافقت با شرع است. در مورد امور مستحدثه باید با اعمال دیدگاه حکمت و کاربرد عقل توافقی یا تناقض موضوع را با دستورات قرآن کریم سنجید. این سنجش عقلی خود شرایط تفصیلی و متقنی دارد و موضوع کتابهای دیگری در این زمینه است که از شرح آن در اینجا خودداری می‌نمائیم.<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> یکی از بررسی‌های جالب کتاب نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر نگارش حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، چاپ کتابخانه صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴ می‌باشد که مواضع اسلام را با اعلامیه حقوق بشر می‌سنجد.

<sup>۳</sup> این بحث به تفصیل در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) «تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستیهای فقه متداول در کشف احکام شارع» آورده شده است. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

همه اقتصاددانان بر این موضوع اذعان دارند که تجارت منجر به تقسیم بین‌المللی کار و تخصص در بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم می‌آورد و در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکارناپذیر است. تاریخچه فعالیت‌های بین‌المللی برای تسهیل تجارت حاکی از مذاکرات بسیار طولانی و روند بطئی برای رسیدن به این هدف بوده و هرچند قدم‌های مهمی در ارتباط با آن برداشته شده ولی تا رسیدن به هدف اصلی یعنی حذف موانع بر سر راه تجارت فاصله زیادی باقی مانده است. غایت اهداف اقتصاددانان در این امر به کندی قابل حصول است و بشر هرچه دیرتر به آنان دست یابد از توسعه و رشد خود صرف‌نظر کرده است. لذا باید روشی در سطح بین‌المللی اتخاذ شود تا آنچه قرار است در سده‌های آتی نصیب بشر گردد در یک دهه قابل حصول باشد.

در این ارتباط ضمن پرداختن به پیشرفت‌های نظری و عملی در تسهیل روابط تجاری در سطح بین‌المللی و قدم‌های مهمی که در این ارتباط برداشته شده است به این موضوع می‌پردازیم که ضرورت دارد تا کنوانسیون پیشنهاد گردد و کشورهای علاقمند ضمن قبول این کنوانسیون کلیه موانع تجاری بین‌متعه‌دین را از میان خود بردارند.



# فصل اول

## تجارت بين الملل



## تحول نظریات تجارت بین الملل

امروزه همه متفق القولند که تجارت در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکار ناپذیر است. تجارت منجر به تقسیم بین المللی کار و تخصص در بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم آورده است. نظریه‌های اقتصاد بین الملل وابستگی متقابل آثار روابط اقتصادی کشورها را بررسی می‌نماید. روابط اقتصادی میان کشورها همراه با روابط اقتصادی میان بخشهای درون کشورها سبب می‌شود تا مسائل متفاوتی بروز کند که نیاز به ابزارهای تحلیلی نسبتاً متفاوتی دارد.

نظریه سوداگری<sup>۴</sup> از جمله نظریات تجاری است که پایه تفکرات اقتصادی قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی را تشکیل می‌دهد و در ممالکی نظیر بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند رواج داشت. سوداگران (مرکانتالیست‌ها) معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد. هر کشور که به طلای بیشتری دست می‌یافت قدرتمندتر تلقی می‌شد و از آنجائی که مقدار طلای موجود ثابت بود لذا یک کشور خاص می‌توانست به زیان سایر ممالک از تجارت بهره‌مند گردد.

آدام اسمیت<sup>۵</sup> نظر سوداگران را که ثروت یک کشور به میزان دارائی طلا و نقره آن بستگی دارد و کشورها فقط به ضرر سایر کشورها می‌توانند از تجارت سود ببرند را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزاتر تولید شود لذا هر دو کشور از تجارت سود می‌برند<sup>۶</sup>. او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور در تولید کالایی تخصص پیدا می‌کند که در آن دارای مزیت مطلق است و کالایی را وارد می‌کند که در آن مزیت مطلق ندارد. بدین ترتیب با تخصص بهینه عوامل تولید در سطح جهان، تولید جهان و

<sup>4</sup> Mercantalism

<sup>5</sup> Adam Smith (1776), An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.

<sup>6</sup> Suranovic. 1999. Chapter 40.



نتیجتاً رفاه همه کشورهای افزایش می‌یابد. نظریه مزیت مطلق اسمیت فقط بخش کوچکی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که مزیت مطلق در آن وجود دارد.

دیوید ریکاردو در سال ۱۸۱۷ نظریه مزیت نسبی را ارائه نمود که بخش مهم تجارت جهانی را شامل می‌شود. سئوالی که اسمیت نتوانست به آن جواب بدهد این بود که آیا تجارت بین کشورهایی که در تولید تمامی کالاها دارای مزیت مطلق هستند برقرار می‌باشد؟ را ریکاردو بر پایه مفروضات زیر پاسخ داد:

۱. دو کشور دو کالا
۲. نظریه ارزش کار
۳. نیروی کار در یک کشور کاملاً متحرک و در سطح بین‌المللی غیر متحرک
۴. رقابت کامل در بازار عوامل تولید و محصولات
۵. توزیع درآمد در یک کشور تحت تاثیر تجارت نیست
۶. تغییرات فنی صورت نمی‌گیرد
۷. هزینه تولید ثابت است
۸. هزینه حمل و نقل صفر است
۹. تجارت پایاپای وجود دارد.

طبق نظریه وی اگر کشوری در تولید هر کالا دارای مزیت مطلق باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود زیرا که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد که هزینه نسبی تولید آن در داخل کشور پایین‌تر باشد و کالایی را وارد می‌نماید که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد. لذا حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین طرفین صورت گیرد و کشوری که دارای کارآیی کمتری است باید در صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت نسبی بیشتری دارد.<sup>۷</sup> از سوی دیگر باید کالایی که در آن مزیت مطلق بیشتری ندارد را وارد کند. ریکاردو نظریه خود را در اوایل قرن نوزدهم مطرح نمود و در انگلستان

<sup>7</sup> Law of Comparative Advantage

نیروی کار مهمترین عامل تولید قلمداد می‌گردد. در آن دوران اکثر کارگران مهارتهای تخصصی کمی داشتند و بنابراین فرض نیروی کار همگن فرض درستی بود.<sup>۸</sup> اما با گذشت زمان به مرور این فرض نقض گردید. سرمایه در کنار نیروی کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردید و نیروی کار نیز برحسب مهارتها متمایز شدند. تکنولوژی با سرعت زیاد تغییر یافت و بنگاه‌های تولیدی با نوع تکنولوژی متفاوت از هم متمایز گردیدند. اقتصاد مقیاس در برخی صنایع بوجود آمد و سرمایه و نیروی کار هر دو از تحرک جهانی برخوردار شدند.<sup>۹</sup>

هابرلر<sup>۱۰</sup> با ارایه نظریه هزینه فرصت در سال ۱۹۳۶ نظریه ارزش کار ریکاردو را از بن بست خارج نمود. طبق این نظریه، هزینه تولید یک کالا براساس مقدار کالای دیگری که باید از تولید آن صرفنظر کرد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود تعریف می‌شود. لذا کشوری که دارای هزینه فرصت کمتری در تولید یک کالا است در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد. در این نظریه این فروض همگنی نیروی کار و تنها عامل تولید بودن نیروی کار وجود ندارد و هزینه یا بهای یک کالا برابر با نیروی کاری نیست که در تولید آن بکار رفته است. در آن کشوری که هزینه فرصت از دست رفته یک کالا پائین تر باشد دارای مزیت نسبی در تولید آن کالا نسبت به کالاهای دیگر است. نظریه هزینه فرصتهای از دست رفته بصورتی قابل قبول قانون مزیت نسبی را بیان می‌کند و می‌پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیرهمگن معمولاً به نسبت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. هابرلر از نخستین افرادی است که بین تجارت خارجی و توسعه اقتصادی پیوند برقرار می‌کند و ابراز می‌دارد که منابع بین‌المللی ابزار مادی لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد و موجب رفع انحصار و انتشار اطلاعات و تکنولوژی می‌گردد.<sup>۱۱</sup>

نظریه هزینه نسبی ریکاردو تا حدودی علت تحقق تجارت را توضیح می‌دهد اما از اینکه چرا

<sup>۸</sup> از فروض نظریه ریکاردو، ارزش کار است که بیان می‌دارد ارزش یا قیمت یک کالا با مقدار کاری که در تولید آن صرف شده است تعیین می‌گردد که امروزه مورد توجه اقتصاددانان نیست.

<sup>۹</sup> Jones & Kenen, 1996, pp: 10-11. Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

<sup>۱۰</sup> Haberlar

<sup>۱۱</sup> پورمقیم، ۱۳۷۵، صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶، صفحه ۴۶.

نسبتهای هزینه نسبی برای کشورهای مختلف متفاوت است توضیحی ندارد. هکشر و اوهلین<sup>۱۲</sup> به این سوال پاسخ می‌دهند و نظریه خود را بر اساس مفروضات زیر بنا می‌نمایند:

- ۱- دو کشور و دو کالا و دو عامل تولید وجود دارد.
- ۲- هر دو کشور از تکنولوژی یکسانی برخوردارند.
- ۳- بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد.<sup>۱۳</sup>
- ۴- وجود سلیقه‌های یکسان در هر دو کشور.
- ۵- وجود بازار رقابت کامل در بازار عوامل تولید و بازار کالاها.
- ۶- هزینه حمل و نقل وجود ندارد.
- ۷- تحرک کامل عوامل تولید در داخل و عدم تحرک در سطح بین المللی.
- ۸- قیمت کالاها برابر با هزینه نهایی آنهاست.

این نظریه بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از عوامل تولید تأکید دارد و با توجه به فروض بالا بیان می‌نماید که هر کشوری کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است لذا وفور نسبی عوامل تولید بر قیمت داخلی آنها تأثیر می‌گذارد و مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا را نشان می‌دهد.<sup>۱۴</sup> این نظریه در تعیین قیمت عوامل، بخش عرضه را بر تقاضا ترجیح می‌دهد، در صورتیکه اگر بخش تقاضا در تعیین قیمت عوامل مهمتر در نظر گرفته شود این امکان وجود دارد که کشوری که دارای نیروی کار بیشتر است به صادرات کالاهاى سرمایه‌بر پردازد. این نظریه همچنین مطرح می‌کند که تجارت - تا قبل از برگشت‌پذیری بازدهی عوامل تولید - باعث حذف یا کاهش اختلاف در قیمت عوامل تولید میان کشورها می‌شود. همچنین می‌توان نشان داد که تجارت ممکن است بر هزینه‌های کاهنده نیز استوار باشد. در صورتی که سلیقه‌ها یا شرایط تقاضا مشابه باشند اختلاف در استعداد عوامل تولید منجر به تفاوت در قیمت نسبی عوامل تولید میان کشورها می‌شود که به نوبه خود منجر به تفاوت در قیمت نسبی کالاها و تفاوت در تجارت می‌گردد. لذا در نظریه هکشر- اوهلین تفاوت بین‌المللی در شرایط عرضه به تنهایی الگوی تجارت را تعیین می‌کند و طبق

<sup>12</sup> Heckscher - Ohlin

<sup>13</sup> Constant return to scale

<sup>14</sup> Jones & Kenen, 1996, pp: 20-11. Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

این نظریه هر کشور به صدور کالایی دست خواهد زد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب را بکار برد. این نظریه یک نتیجه‌گیری مهم دارد که تحت شرایط شدیداً محدودکننده، تجارت موجب خواهد شد که اختلاف مطلق در قیمت عوامل تولید همه کشورهای از بین برود. با این حال تحت محدودیتهای کمتر و شرایط عادیتر، تجارت تفاوت قیمت مطلق عوامل تولید را کاهش می‌دهد.

لیندر<sup>۱۵</sup> در سال ۱۹۶۱ نظریه فراوانی عوامل تولید را ارائه نمود. بر اساس این نظریه فراوانی عوامل تولید فقط در مورد کالاهای اولیه مصداق دارد و در مورد کالاهای صنعتی کاربرد ندارد. وی بیان می‌دارد که یک کشور در ابتدا کالاهای خود را برای بازارهای داخلی تولید می‌کند، و بعد از آن است که صادرات آن کالاها را به سایر کشورها - حتی با وجود درآمد سرانه یکسان و نسبت یکسان سرمایه و نیروی کار - آغاز می‌نماید. این نظر بر خلاف نظریه هکشر و اوهلین است زیرا آنها معتقد بودند که دو کشور با مشخصات فوق دارای هزینه‌های نسبی یکسانی هستند لذا حجم تجارت بر خلاف نظریه لیندر پایین است. نظریه لیندر فقط در کشور سوئد تأیید شد و از نظر کاربردی ضعیف است.<sup>۱۶</sup>

نکته اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر می‌کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا بکار می‌برد و محصولی را وارد می‌کند که عامل تولید نسبتاً کمیابش را در تولید آن کالا بکار می‌گیرد. لئونتیف به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که می‌بایست صادرکننده کالاهای سرمایه‌بر باشد صادرکننده کالاهای کاربر است. این نتیجه به معمای لئونتیف<sup>۱۷</sup> شهرت یافت.<sup>۱۸</sup> لئونتیف علت این نتیجه‌گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارآفرینی برتر آمریکائیان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پرکیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود. اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتزکن در صدد رفع این معما

<sup>15</sup> Staffan Linder

<sup>16</sup> دولتشاهی، ۱۳۷۱، صفحه ۲۰.

<sup>17</sup> Leontief Paradox

<sup>18</sup> رحیمی بروجردی ۱۳۷۴ صص ۲۰-۲۵ و پورمقیم ۱۳۷۵ صص ۱۰۲.

برآمدند و علت این تناقض بیشتر در سرمایه‌انسانی یا نیروی کار متخصص آمریکا بارز گردید.

## موافقان و مخالفان جهانی سازی

طبق نظریات اقتصادی تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر رشد منجر می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجائیکه بنگاهها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند لذا انگیزه و امکان بیشتری در بکارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر منجر به افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه افزایش درآمد ناخالصی داخلی و نتیجتاً رفاه جامعه می‌شود. همچنین بازبودن تجاری سبب دست یافتن بنگاههای یک کشور به دانش و فناوری کشورهای دیگر و بهره‌برداری از آنها به منظور افزایش بهره‌وری تولید می‌گردد و از مجاری عمده چنین امری سرمایه‌گذاریهای خارجی است. هرچه اقتصاد بازتر باشد امکان استفاده از مزایای تجارت و تخصیص بهتر منابع وجود خواهد داشت.<sup>۱۹</sup> مزیت دیگر تجارت آزاد بهبود وضعیت مدیریت کشورهاست زیرا مسئولین مجبور می‌شوند تا سیاست‌های سنجیده‌تری را در اقتصاد کلان اتخاذ نمایند تا موجب تقویت بنگاههای داخلی در رقابت در بازارهای جهانی و نیز جذب سرمایه گذاری خارجی شوند. لذا برخی اقتصاددانان جهانی‌سازی را به عنوان یک محرک قوی می‌دانند که کلید توسعه اقتصادی است. ولی گروهی دیگر عقیده دارند که با جهانی‌سازی نابرابری بین ملت‌ها افزایش می‌یابد، مشاغل کمتر می‌شوند و موانعی برای استانداردهای زندگی و پیشرفت اجتماعی پدید می‌آید.

دیوید هلد<sup>۲۰</sup> به تعلقات منفی محافظه کاران و عناصر بومی و ملی اشاره دارد و به قول او نگرانیهای ملی‌گرایانه آنها را مانع از نگرش مثبت به جهانی شدن می‌داند. مارکسیست‌ها جهانی شدن را پدیده‌ای امپریالیستی می‌دانند که با یک ایده‌ئولوژی توجیه‌گر به دنبال مشروعیت بخشیدن به پروژه «نئولیبرالی جهانی شدن» می‌باشند. طبق نظر آنها روابط اقتصادی یا سیاسی مشروط به سیاست‌ها و اولویت‌های اتخاذ شده توسط قدرت‌های بزرگ است، زیرا فقط آنها از توانایی نظامی و اقتصادی

<sup>۱۹</sup> درجه باز بودن اقتصاد با نسبت کالاهای قابل تجارت به تولید هر کشور اندازه‌گیری می‌شود. همچنین درجه باز بودن اقتصاد براساس معیار حساب سرمایه عبارت از نسبت خروج سرمایه به تولید ناخالص ملی می‌باشد

<sup>۲۰</sup> دیوید هلد، جهانی شدن و مخالفان آن

کافی جهت ایجاد و حفظ شرایط لازم برای نوعی نظم باز نئولیبرالی بین‌المللی برخوردارند. مطابق نظر آنها بدون اعمال سلطه آمریکا، نظم جهانی لیبرالی موجود که پایه و اساس افزایش وابستگی متقابل بین‌المللی را تشکیل می‌دهد قادر به ادامه حیات نیست از این لحاظ جهانی شدن چیزی بیش از آمریکایی شدن به حساب نمی‌آید.

گروهی از نظریه پردازان روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی همچون ایمانوئل و والرشتاین و طرفداران آنها معتقدند که جهانی شدن با ظهور و رشد نظام جهانی سرمایه‌داری از قرن شانزدهم شروع شد و گروهی نیز با تأکید بر قدیمی بودن این پدیده کلاً برای آن پنج مرحله اصلی در نظر می‌گیرند.<sup>۲۱</sup>

اغلب نظریه‌های جهانی شدن بر تضعیف نقش دولتها و از میان رفتن مرزها و در نتیجه گسترش پدیده جهانی شدن تأکید دارند و برخی حتی از نابودی دولتها و از میان رفتن آن سخن می‌گویند. برای مثال برخی مانند اوهم احتمال محو دولتها از حیات و صحنه سیاسی را مطرح کرده‌اند. برخی نیز از تأثیر جهانی شدن بر تضعیف هویت قومی و ملی سخن می‌گویند و بر این باورند که نیروهای جهانی به ویژه شرکت‌های فراملی و نهادهای اقتصادی جهانی با تشیع و تقویت فرهنگ جهانی آنقدر قدرتمند می‌شوند که وجود مداوم دولت‌های ملی را مزاحم فعالیت خود می‌بینند.

برخی جهانی شدن اقتصاد را روند افزایش ادغام بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید می‌دانند. براساس این دیدگاه جهانی شدن سبب ادغام بیشتر اقتصادها در یکدیگر می‌شود و بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید کار و سرمایه از طریق کاهش موانع تجاری تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و ترتیبات تجاری بین‌المللی به سمت همگون شدن پیش می‌روند.

مدافعان بازار آزاد تبادل نامحدود و فرامرزی کالاها را به سود همه شرکت کنندگان در بازار می‌دانند که به رفاه بیشتر ملل می‌انجامد. در عوض مخالفان ابراز می‌دارند که وقتی شرکتی فراملی در جایی که نیروی کار ارزان و هزینه‌های بیمه اجتماعی و زیست محیطی صفر است اقدام به تولید می‌کند مخارج مطلق خود را کاهش می‌دهد و رهاورد چنین پدیده‌ای کاهش همزمان بهای کالای تولیدی و نیز ارزش نیروی انسانی در کشور مرفه است. بکارگرفتن بهتر سرمایه‌ها در تولیدات

<sup>۲۱</sup> مراحل جنینی، نخستین، خیزش (۱۹۲۰-۱۸۷۰)، مبارزه برای برقراری هژمونی (از دهه ۱۹۲۰) و مرحله ناطمینی (از دهه ۱۹۶۰ به بعد).

فرامرزی به شکل‌گیری سازمان‌های غول‌آسای کمپانی‌های فراملی می‌انجامد که قدرتی فزاینده و کنترل‌ناپذیر دارند. لذا به جای آنکه کشورها و شرکت‌های ملی در فروش محصولات رقابت کنند کارگران برای بدست آوردن فرصت‌های شغلی، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا در مراکز تولید کمپانی‌های فراملی کار بیابند این پروسه به چارچوب اقتصاد ملی آسیب می‌رساند و رهاورد این فرآیند پدید نیامدن فرصت شغلی جدید به رغم رشد اقتصادی است. این وضعیت به Great Jobless شهرت یافته است یعنی نوعی رشد اقتصادی که هیچ فرصت اشتغال جدیدی پدید نمی‌آورد و به تغییر اساسی رابطه سرمایه و کار می‌انجامد. همبستگی جهانی جنبش‌های کارگری علیه دولت‌ها و سرمایه‌داران که روزگاری حربۀ تبلیغاتی بود، اینک ابزار طرف مقابل گشته است. کارگران بنگاه‌های ملی در مقابل کارگران کمپانی‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند.

برخی از مخالفان جهانی‌سازی بر این باورند که واقعیت اینست که نرخ رشدی که از آزادسازی اقتصادی پیش‌بینی می‌شود بدست نمی‌آید و در عوض نتیجه این کار فساد تدریجی فرهنگ و محیط زیست و گسترۀ رو به تزاید فسادهای اجتماعی خواهد بود. در این ارتباط این گروه معتقدند که برخلاف گزارش بانک جهانی که مسئله اصلی در مقوله جهانی شدن و اقتصادهای نئولیبرال در حوزه تجارت آزاد را حداقل کردن نقش دولت و حذف محدودیتها در جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم دانسته است و برتری اینگونه سیاستها را با اشاره به موفقیت‌های کشورهای شمال (ثروتمند) در مقابل جنوب (فقیر) اظهار کرده است، اینگونه ادعاها از سوی کشورهای جنوب مورد سوال قرار گرفته است. در مطالعات انجام شده از سوی کشورهای جنوب بر این موضوع تأکید می‌شود که تحقیقات انجام شده در گزارشات بانک جهانی بر اساس تفاسیر غلط حقایق می‌باشد. گزارشات به موارد زیر اشاره می‌کنند:

۱. آزادسازی و جهانی‌سازی هر دو در کشورهای مختلف طی سالیان متمادی بصورت روندی ناپیوسته مطرح بوده است و می‌توان این دو را کم و بیش روند تجارت و تحرک آزاد سرمایه طی دهه‌های اخیر دانست. در این مدت اکثر کشورها تحت نظام برتون وودز نه تنها اعمال کنترل سرمایه می‌نمودند بلکه تولید داخلی، بازار سرمایه و نیروی کار آنها نیز در راستای اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها تحت پوشش مقررات و قوانین گسترده‌ای بوده است.

۲. انتظار می‌رفت که نظام آزاد در کشورهای پیشرفته صنعتی طی دهه‌های اخیر در رابطه با تجارت آزاد و جابجائی آزاد سرمایه موجب بهبود وضعیت اقتصادی آنها گردد. در حالیکه این انتظار به حقیقت نپیوست و اقتصاد آزاد نتوانست بسیاری از انتظارات را برآورده سازد.
۳. دهه‌های اخیر در کشورهای صنعتی با نوسان، کندی رشد اقتصادی، بیکاری انبوه و مشکلات اجتماعی همراه بوده است. تجارت و تحرک آزاد سرمایه در این دوره در کشورهای صنعتی پیش از دوران مقررات زدایی در بازارهای داخلی و خارجی بوده است.
۴. بیکاری انبوه کشورهای صنعتی در دهه‌های اخیر ناشی از اقتصاد آزاد بوده است. سطوح بالای بیکاری همراه با فقر و تداوم روند آزادسازی، نیاز به سیاستهای حمایتی را تأیید می‌نماید.
۵. شکستهای اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را نمی‌توان به دلیل عوامل خارجی از قبیل فنآوری دانست. آزادسازی تحرک سرمایه و بازارهای مالی به اقتصاد و رشد کشورهای پیشرفته صنعتی از دو طریق مشخص زیان وارد ساخته است. نخست آنکه بدلیل موج بودن بازارها هزینه سرمایه بالا رفته و در ثانی، دولتها را وادار ساخته است تا سیاستهای تورم زدایی یا کاهش رشد را دنبال نمایند.
۶. تحت یک رژیم اقتصاد آزاد احتمال کمی دارد که کشورها بتوانند روند نرخ رشد خود را با استفاده از سیاستهای جاری مبنی بر انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار بالا برند. جهانی‌سازی نه فقط نمی‌تواند به رشد اقتصاد و اشتغال کمک نماید حتی احتمال می‌رود که در داخل کشورهای صنعتی نیز موضوع تقسیم نیروی کار را پدید آورد و موجب بدتر شدن کشمکش‌های بین کارگران کشورهای صنعتی و در حال توسعه شود.
۷. آزادسازی و جهانی‌سازی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته در روندی کندتر اتفاق افتاده است. علیرغم بکارگیری اصلاحات گسترده سیاستهای تجاری در کشورهای در حال توسعه هنوز گستره سیاست آزادسازی توسط این کشورها کاملاً محدود است. آزادسازی جریان سرمایه در کشورهای در حال توسعه بیش از اصلاحات تجاری و عمدتاً بخاطر جذب سرمایه مستقیم خارجی بوده است.
۸. سیاستهای آزادسازی و جهانی‌سازی و کاهش نقش دولت برای کشورهای در حال توسعه توصیه شده است و ادعا شده که پیاده نمودن چنین سیاستهایی برای اقتصاد کشورهای



آسیایی شرقی (شامل ژاپن پس از سال ۱۹۴۵) و چین پس از مائو، موفقیت آمیز بوده است. در صورتی که تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان می‌دهد که این کشورها طی دوران صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی خود آن دسته سیاستهایی را پذیرفته‌اند که مخالف سیاستهای پیشنهادی سازمانهای مالی بین‌المللی بوده است. برای مثال در دوره‌ای این دو کشور بطور گسترده به کنترل واردات خود پرداختند و موانعی برای سرمایه‌گذاری خارجی بوجود آوردند و سیاستهای هدایت صنعتی دولتی را پیش گرفتند و به این طریق توانستند تغییرات ساختاری گسترده‌ای ایجاد کنند و سطح زندگی مردم خود را بالا ببرند.

۹. وضعیت درخشان اقتصادی چین در دوران پس از مائو نشان می‌دهد که این کشور از الگوی توسعه بانک جهانی که مبتنی بر خصوصی سازی، آزادسازی و بازار رقابتی انعطاف پذیر است تبعیت نمودند. هرچند سیاست بازار نیز در اعمال شد ولی بازارها در چین منعطف و رقابتی نبودند.

۱۰. گفته می‌شود که سیاستهای نئولیبرالی پذیرفته شده توسط کشورهای آمریکای لاتین تحت قیومت مؤسسات برتون وودز در دهه گذشته بهترین نوع آن نبوده و علت عدم موفقیت این کشورها در حصول رشد اقتصادی بدین سبب بوده است. مخالفین این نظر ابراز می‌دارند که اتخاذ چنین سیاستهایی شامل آزادسازی مالی بیشتر و رقابت بین‌المللی می‌باشد که زمانی که بخشهای بزرگی از اقتصاد ملی ضعیف هستند خود ناشی از تداوم عدم سرمایه‌گذاری کافی بدلیل بحران بدهی می‌باشد که اوضاع را در این کشورها وخیم‌تر نموده است.

۱۱. در رابطه با اقتصاد کشورهای آفریقائی، می‌توان بیان کرد که وضعیت موجود بدلیل اوضاع ضعیف اقتصادی آنهاست که ناشی از ادغام بیشتر آنها در اقتصاد جهان می‌باشد. این کشورها در معرض شوکهای شدید خارجی ناشی از نرخهای بهره و قیمت‌ها قرار گرفتند که وخامت اوضاع آنها را در تعامل بیشتر با کشورهای جهان رفع نمود.

۱۲. بدون توجه به سطوح توسعه و درجه ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهان تقریباً کلیه آنها علائق و وابستگی‌های مشترکی در رابطه با موضوعات جهانی شدن و آزادسازی دارند. این کشورها می‌توانند با یکدیگر سکوی مذاکراتی قوی تشکیل دهند و محور مذاکرات خود را بر موضوعات مهمی نظیر جلوگیری از فشارهای مداومی از سوی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آمریکا به انکنتاد - که از نمایندگیهای سازمان ملل

می‌باشد- وارد آورده می‌شود متمرکز سازند.

نظریات و ملاحظاتی که موافقان و مخالفان تجارت آزاد ارائه می‌نمایند هرکدام به ابعادی از موضوع می‌پردازد و بسیاری از آنان تحلیل‌های ایدئولوژیک بر مبنای نظرات نویسندگان است و پایه‌های ایدئولوژیک آن بر تحلیل نظری مطلب می‌چربد و هرچند هم با توجه به ملاحظات سیاسی عصر حاضر بسیاری از آنها قابل قبول هم می‌نمایند ولی بیان علمی و نظری ندارند. آنچه که از لحاظ علمی امروزه می‌توان به آن استناد جست نظریه‌های علمی اقتصاد بین‌الملل و تجارت بین‌الملل است که بعضاً در بخش قبل به آن اشاره شد. نظریه هکشر- اوهلین علیرغم فروض زیادی که برای ساده‌سازی موضوع دارد افزایش کارائی، تولید و رفاه را بر مبنای منطق نظری اقتصاد نئوکلاسیک بیان می‌نماید که همین چارچوب نظری مؤید حصول شرایط بهتر در اثر تجارت در چارچوب فروض آن تئوری می‌باشد.

## تلاش جهانی برای تنظیم تجارت بین‌الملل

تجربه سالهای بین دو جنگ (۱۹۲۱-۱۹۳۹) نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. در حقیقت جنگ جهانی اول مشکلات زیادی برای کشورهای اروپایی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش ارزش پول و بیکاری گسترده بوجود آورد که دولتهای اروپایی و آمریکا را وادار نمود تا با اجرای سیاستهای حمایتی و اقدامات تلافی جویانه از صنایع خود حمایت نمایند. پس از گذشت حدود ده سال از جنگ جهانی اول کشورهای اروپایی اقتصاد را بازسازی کردند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه‌ای توسعه داده و باین ترتیب وجود محدودیتها مانع از شکوفایی تجارت بین‌الملل می‌شد. به همین دلیل کنفرانسی زیر نظر جامعه ملل در سال ۱۹۲۷ در شهر ژنو تشکیل شد تا موانع تجاری را برطرف نموده و راه را برای ایجاد یک لیبرالیسم اقتصادی فراهم نماید و کشورها را برای رعایت شرط دول کامله الوداد<sup>۲۲</sup> (رفتار برابر با یکدیگر) آماده نماید. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس به صورت توصیه و سفارشات ارشادی باقی ماند و جامه عمل نپوشید.

رکود اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد.<sup>۲۳</sup> این امر منجر به آن شد تا کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند. از سوی دیگر وقوع جنگ جهانی دوم و بروز خشونت‌ها و لزوم ترمیم خرابیهای جنگ نظریه تنظیم روابط تجاری بر اساس رقابت سالم را بیشتر تقویت کرد. کشورهای عمده تجاری موافقت کردند تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO)<sup>۲۴</sup> بوجود آید. ولی از آنجائیکه آمریکا آن را تهدیدی برای حق حاکمیت خود دانست این سازمان بوجود نیامد.

در سال ۱۹۳۴ رئیس جمهور آمریکا طبق قانون مجاز شد تا با کشورهای دیگر در جهت کاهش تعرفه‌های متقابل مذاکره کند. در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ) به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا روزولت کنفرانسی نیز با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز<sup>۲۵</sup> تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تاسیس صندوق بین‌المللی پول<sup>۲۶</sup> (IMF) و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)<sup>۲۷</sup> (IBRD) نیز امضاء شد که این کارها را می‌توان به عنوان تلاشی برای جلوگیری از بازگشت به هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول حاکم شده بود قلمداد کرد. در سال ۱۹۴۵ قانون ۱۹۳۴ بار دیگر بوسیله کنگره آمریکا مطرح و تمدید گردید و طبق آن تعدادی از کشورها برای انجام مذاکرات چند جانبه در مورد کاهش تعرفه‌های تجاری با یکدیگر به مذاکره نشستند در همین زمان اولین قطعنامه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشورها را برای تهیه پیش‌نویس یک سازمان تجاری دعوت کرد. در این کنفرانس در ژنو، سه موضوع مطرح گردید کاهش تعرفه‌های گمرکی، تهیه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و پیش‌نویس سازمان تجارت بین‌الملل.

<sup>23</sup> Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-

<sup>24</sup> International Trade Organization

<sup>25</sup> Bretton Woods

<sup>26</sup> International Monetary Fund

<sup>27</sup> International Bank for Reconstruction and Development

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل نیز مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیت‌های تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. برای تاسیس این سازمان در سال ۱۹۴۵ آمریکا برگزاری کنفرانسی را پیشنهاد کرد که سرانجام در سال ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد. ولی این کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت. متعاقب این کنفرانس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند کشور از جمله آمریکا را مسئول پی‌گیری تاسیس سازمان تجارت بین‌المللی کرد. این کمیته مقدمات تهیه منشور تجارت جهانی را تدارک دید. متعاقب آن در سال ۱۹۴۸ کنفرانسی در هاوانا با شرکت ۵۶ کشور جهان برگزار گردید. در این کنفرانس منشور تهیه شده مورد اعتراض بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بنابراین پیشنهادهای دیگری هم به آن اضافه شد. کنفرانس هاوانا جدای از مساله تجارت به موضوعات دیگر نیز نظیر اشتغال، توسعه و فعالیت کارتل‌ها هم پرداخت. چون کشورهای در حال توسعه منشور هاوانا را به نفع کشورهای پیشرفته می‌دانستند و کشورهای پیشرفته نیز آن را به سود کشورهای در حال توسعه می‌دیدند عملاً فقط کشورهای استرالیا و لیبریا موفق به تصویب آن در پارلمان خود شدند و سایر کشورها حتی آمریکا که خود از طراحان آن بود نتوانستند آن را به تأیید کنگره خود برسانند.

هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین‌المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز یعنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ملحق شود. این طرح ابتدا با استقبال ۵۰ کشور مواجه شد تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) به عنوان یک کارگزار تخصصی سازمان ملل متحد تاسیس شود. منشور (ITO) بسیار بلند پروازانه و فراتر از نظامات تجارت جهانی قرار داشت و شامل مقررات اشتغال، موافقتنامه‌های کالایی، رویه‌های کسب و کار محدودکننده، سرمایه‌گذاری بین‌المللی و خدمات می‌شد و بنابراین عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی، قراردادی مشتمل بر چند ماده بود که میان ۲۳ کشور منعقد گردید. این قرارداد به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات<sup>۲۸</sup> معروف گردید که از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد. پیمان گات به خاطر تحقق اهدافی منعقد گردید که از آن جمله می‌توان به افزایش اشتغال، تولید، درآمد واقعی و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو اشاره کرد. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی‌شود و تجارت جهانی نیز توسعه نمی‌یابد مگر با رفع

<sup>28</sup> General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی که البته استثنائات متعددی نیز داشت که مبتنی بر ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی بود. عدم ایجاد سازمان تجارت بین‌الملل از یک طرف و ادامه حیات گات باعث شد تا گات رفته رفته وظایف سازمانی و تشکیلاتی بیابد و عملاً به عنوان یک سازمان بین‌المللی تجاری ادامه فعالیت نماید.<sup>۲۹</sup>

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد و در طول این دوره رشد بازرگانی بین‌المللی از نرخ بالایی برخوردار بود. این سازمان بسیار خوب استقرار یافت اما در طول ۴۷ سال یک سازمان و موافقتنامه موقتی بود. نحوه فعالیت گات تاکنون انجام مذاکرات تجاری به منظور کاهش و الزام‌آور نمودن محدودیت تعرفه‌های گمرکی و دیگر موانع تجاری موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی بوده است.

نتیجه اولین دور مذاکرات در ژنو (۱۹۴۷) توافق راجع به ۴۵۰۰۰ مورد امتیازات تعرفه‌ای بود که بر ۱۰ میلیارد دلار تجارت که حدود یک پنجم کل تجارت جهان را در بر می‌گرفت اثر داشت. ۲۳ کشور شرکت کننده همچنین توافق کردند که باید برخی از قواعد تجاری مندرج در منشور ITO را نیز بپذیرند. آنها معتقد بودند که این کار باید به سرعت و در عین حال به صورت موقتی انجام شود تا از ارزش امتیازات مورد مذاکره حمایت شود و این در حالی بود که منشور ITO همچنان در دستور مذاکره بود.

علیرغم تلاش زیاد در مذاکرات چهار دوره آنسی فرانسه (۱۹۴۹)، تورکوئی انگلستان (۱۹۵۱)، ژنو (۱۹۵۶) و دور دیلون (۱۹۶۱-۱۹۶۰)، توافق بر کاهش اندک نرخ‌های تعرفه‌ای حاصل گردید. عمده دلایل این امر را تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EC) و عدم تمایل اعضای آن به اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهای غیر عضو و نیز عدم تمایل انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع به کاهش ترجیحات تجاری خود بود. به علاوه در این ادوار شیوه مذاکره کالا به کالا نیز تقریباً به حالت اشباع خود رسیده بود.

در دور کندی (۱۹۶۷-۱۹۶۴) بر خلاف چهار دور مذاکرات قبلی پیشرفتهای چشمگیری حاصل

<sup>29</sup> Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan Journal of International Law (No. 16 1995) P. 32.

گردید و مجدداً گروه وسیعی از محصولات به ویژه محصولات صنعتی مورد مذاکره قرار گرفتند که به کاهش متوسط تعرفه‌های صنعتی از ۳۶ تا ۳۹ درصد منجر گردید. عمده دلایل این امر کاهش قدرت انگلستان در ارتباط با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و استفاده از پذیرش اصل کاهش عمومی به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بود. بر اساس این اصل به جای مذاکره در مورد تک تک کالاها هر گروه از کالاها مثل کالاهای صنعتی یا گروهی از کالاهای صنعتی انتخاب می‌شدند و مذاکره در مورد این گروه صورت می‌پذیرفت و نتایج حاصله به تمامی کالاهای گروه تعمیم داده می‌شد. به علاوه در این دور مذاکرات کشورهای در حال توسعه از رعایت در اصل دول کامله الوداد و اصل معامله متقابل معاف گردیدند و همچنین مذاکراتی در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای صورت پذیرفت.

مذاکرات دور توکیو (۱۹۷۳-۱۹۷۹) به مذاکرات چند جانبه تجاری معروف شده است. دور توکیو با حضور ۱۰۲ کشور انجام شد. این دور از مذاکرات به تلاش‌های گات برای کاهش فزاینده تعرفه‌ها ادامه داد. موضوعات مورد بحث در این دور علاوه بر کاهش بیشتر تعرفه‌های گمرکی به موانع غیرتعرفه‌ای و سایر اقداماتی که باعث تحریف تجارت بین‌الملل می‌گردند (از قبیل دامپینگ) نیز تسری یافت. به علاوه در این دور توجه خاصی به مسائل تجاری کشورهای در حال توسعه معطوف گردید و بر این اساس سیستم ترجیحات عمومی که در کل برای کشورها شرایط آسانتری را در نظر می‌گرفت بوجود آمد. در نتیجه این دور از مذاکرات، به طور میانگین یک سوم حقوق و عوارض گمرکی در نه بازار بزرگ صنعتی پائین آمد و میانگین تعرفه محصولات صنعتی نیز ۴/۷ درصد کاهش یافت. کاهش تعرفه‌ها در یک دور هشت ساله مرحله‌بندی شدند. در موضوع‌های دیگر، دور توکیو نتایج متفاوتی داشت این دور نتوانست با مشکلات اساسی که بر تجارت محصولات کشاورزی اثر می‌گذاشت مقابله کند و تهیه موافقتنامه جدید در خصوص حفاظت‌ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) متوقف شد. با وجود این در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای موافقت‌هایی شکل گرفتند که در برخی موارد مقررات گات را تفسیر می‌کردند و در موارد دیگر زمینه‌هایی کاملاً جدید داشتند. در اکثر موارد تعداد کمی از اعضای گات (عمدتاً کشورهای صنعتی) این ترتیبات و موافقتنامه‌ها را امضاء کردند و از آنجا که تمام اعضای گات آنها را نپذیرفتند به صورت غیررسمی مجموعه مقررات نامیده شدند. این موافقتنامه‌ها چند جانبه نبودند اما نقطه شروعی به حساب می‌آمدند. تعدادی از این مجموعه مقررات در دور اروگوئه اصلاح و به

تعهدات چندجانبه تبدیل گشتند که توسط تمام اعضای سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. تنها چهار موافقتنامه میان چند طرف<sup>۳۰</sup> باقی ماند که در زمینه خریدهای دولتی، گوشت گاو، هواپیمای غیرنظامی و محصولات لبنی هستند. در سال ۱۹۹۷ اعضای سازمان تجارت جهانی توافق کردند که موافقتنامه‌هایی مربوط به گوشت گاو و محصولات لبنی را از پایان همان سال لغو کنند. مجموعه مقررات دور توکیو را می‌توان به موارد زیر خلاصه نمود:

- رویه‌های صدور و مجوز واردات
- یارانه‌ها و تدابیر جبرانی
- خریدهای دولتی
- ضد دامپینگ
- موانع فنی تجارت
- ارزش‌گذاری گمرکی
- ترتیبات محصولات لبنی
- ترتیبات گوشت گاو
- تجارت هواپیماهای غیرنظامی

هرچند گات حوزه‌ای محدود و ماهیتی موقتی داشت اما بی‌تردید در بهبود اطمینان بخشی به آزادسازی بیشتر تجارت جهانی موفقیت‌هایی را به همراه داشت. و حتی برخی بر این باورند که کاهش دائمی تعرفه‌ها به تنهایی به نرخ بالای رشد تجارت جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (به طور میانگین ۸ درصد در سال) کمک فراوانی کرد. نیروی محرکه آزادسازی تجاری اطمینانی بود تا رشد با ثبات تجارت، رشد تولید در عصر گات را سرعت بخشد. هجوم اعضای جدید طی دور اروگوئه دلالت بر این موضوع داشت که سیستم تجارت چندجانبه یک نقطه حرکت خوب برای توسعه و ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و تجاری است.

موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها به چنین سطح پائینی با رکود اقتصادی در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولت‌ها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش

<sup>30</sup> Plurilateral Agreements

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

رقابت خارجی مواجه بودند بیاندا شدند. نرخ بالای بیکاری و تعطیل شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت خود سیاست استفاده از یارانه‌ها را دنبال کنند.

در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تجارت جهانی مهمتر و پیچیده‌تر از ۴۰ سال قبل شده بود. جهانی سازی اقتصاد در راه بود، تجارت خدمات که در مقررات گات وجود نداشت، مورد علاقه بسیاری از کشورها قرار گرفته بود و سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش یافته بود. توسعه خدمات به مسائلی همچون افزایش تجارت جهانی کالاها وابسته شده بود. در سایر موارد نیز گات کمبودهایی داشت، به عنوان مثال در کشاورزی از مفرهای موجود در سیستم چندجانبه شدیداً بهره‌برداری می‌شد و تلاش برای آزادسازی تجاری کشاورزی با موفقیت کمی روبرو بود. در بخش منسوجات و پوشاک استثنائاتی در نظام عادی گات در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توافق قرار گرفت و به ترتیبات الیاف چندگانه منجر گردید. علی‌رغم اینکه ساختار نهادی گات و سیستم حل اختلاف خود مایه نگرانی بودند. این مشکلات و سایر عوامل اعضای گات را به تلاشی جدید برای تقویت و توسعه سیستم چندجانبه فراخواند. این تلاش در دور اروگوئه با اعلامیه مراکش و تشکیل سازمان تجارت جهانی نتیجه داد.

مذاکرات دور ارگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) جامع‌ترین دور مذاکرات بود که هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضاء امضاء گردید. در انتهای دور اروگوئه ۱۲۳ کشور شرکت داشتند و تقریباً همه مسائل تجاری را در برمی‌گرفت. این دور بزرگترین مذاکره تجاری تا آن زمان بود و شاید بتوان گفت بزرگترین مذاکره در نوع خود در تاریخ تجارت بین‌الملل است. دور اروگوئه در مواقعی به نظر می‌رسید که به شکست منجر می‌شود، اما در پایان این دور بزرگترین اصلاح سیستم تجارت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را به ارمغان آورد. علیرغم پیشرفتهای سخت دور اروگوئه مشاهده برخی نتایج دور از انتظار بود. تنها طی دو سال، شرکت کنندگان روی مجموعه‌ای از کاهشها در حقوق و عوارض واردات بر محصولات گرمسیری که بیشتر توسط کشورهای در حال توسعه صادر می‌شد موافقت کردند. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند که برخی از این ضوابط بی‌درنگ اجرا شدند. آنان خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای



تجاری در سطح جهان شدند که بسیار مهم بود.

تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه‌ها، دارائیهای فکری، اقدامات سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات و خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود. بذر اولیه دور اروگوئه در نوامبر ۱۹۸۲ در اجلاس وزرای اعضای گات در ژنو پاشیده شد. گرچه وزراء قصد داشتند که یک مذاکره جدید و مهم راه اندازند. اما اجلاس بر سر موضوع کشاورزی متوقف گردید. با وجود این، اجماع برای قبول آغاز دور جدید توسط وزراء چهار سال به طول انجامید و در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادل استه<sup>۳۱</sup> اروگوئه گرد هم آمدند. دستور جلسه مذاکرات در واقع همه موضوعات مهم در سیاستهای تجاری بود. گفتگوها در پی این بود که سیستم تجاری را به حوزه‌های جدید خصوصاً تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسعه دهد و تجارت در بخشهای حساس کشاورزی و منسوجات را اصلاح کند. تمام ماده‌های اولیه گات برای بازنگری در دستور کار قرار گرفت و این بزرگترین دستور مذاکرات تجاری بود که تا آن زمان مورد قبول قرار گرفته بود. دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۸۸، وزراء برای ارزیابی نیمی از دور اروگوئه و بررسی پیشرفت کار دوباره در مونترال کانادا گرد هم آمدند. هدف این بود که دستور جلسه را برای دو سال باقیمانده روشن کنند اما گفتگوها به بن بست انجامید تا اینکه مسئولین رسمی در ماه آوریل سال بعد در ژنو دیدار کردند.

وزراء طی اجلاس مونترال در زمینه مجموعه نتایج اولیه که شامل برخی امتیازات در مورد دسترسی به بازار و محصولات گرمسیری به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه و ایجاد سیستم حل و فصل اختلافات کارا و نیز مکانیسم بررسی سیاست تجاری بود توافق کردند که برای اولین بار سیاستها و رویه‌های تجاری اعضای گات به صورت جامع و سیستماتیک بازنگری می‌شد. قرار بود این دور از مذاکره موقعی که در دسامبر ۱۹۹۰ وزراء بار دیگر در بروکسل با یکدیگر دیدار کردند خاتمه یابد اما آنان در مورد چگونگی اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به توافق نرسیدند و تصمیم گرفتند که به گفتگوها ادامه دهند. بدین ترتیب دور اروگوئه وارد سردترین دوران خود شد.

<sup>31</sup> Puntadel Este

علی‌رغم چشم انداز ضعیف سیاسی، کار فنی بطور قابل توجهی ادامه یافت که به تنظیم اولین پیش‌نویس موافقتنامه نهایی منجر شد که در دسامبر ۱۹۹۱ در ژنو در دستور کار قرار گرفت. این پیش‌نویس همانند دستورالعمل پونتادل استه بود و فقط استثناء در مورد کاهش حقوق و عوارض واردات و بازکردن بازارهای خدمات به آن اضافه شده بود. این پیش‌نویس مبنایی برای موافقتنامه نهایی قرار گرفت. در طول دو سال بعد، مذاکرات با انتظارات شکست و موفقیت ادامه یافت. نکات اختلاف‌برانگیز جدیدی به بخش کشاورزی، خدمات، دسترسی به بازار، قواعد ضد دامپینگ و ایجاد یک نهاد جدید اضافه شد که مورد اختلاف بیشتر ایالات متحده و اروپا بود.

در نوامبر ۱۹۹۲، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا اکثر اختلافاتشان در زمینه کشاورزی را با روشی حل کردند که بطور غیررسمی توافق Blair House نامیده می‌شود. در ژوئیه ۱۹۹۳ گروه چهار (Quad) ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا اعلام کردند که در مذاکرات تعرفه‌ها و سایر موضوعات مرتبط (دسترسی به بازار) به پیشرفت مهمی دست یافته‌اند. حل نهایی موضوعات و مذاکرات برای دسترسی به بازار کالاها و خدمات تا ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ طول کشید. در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تمام وزرای ۱۲۳ کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش موافقتنامه را امضاء کردند.

این تأخیر فوایدی هم در برداشت از جمله باعث مذاکراتی شد که پیشرفت بیشتری را نسبت به آنچه در ۱۹۹۰ ممکن بود حاصل گردد به ارمغان آورد. برای مثال برخی از جنبه‌های مربوط به خدمات و مالکیت معنوی (دارایی فکری) و همچنین تشکیل سازمان تجارت جهانی از آن جمله است. مشکل دستیابی به موافقتنامه کاملی که تقریباً همه موضوعات تجاری را در برگیرد باعث این نتیجه‌گیری شد که مذاکره‌ای در این مقیاس دوباره امکان‌پذیر نیست. موافقتنامه‌های دور اروگوئه جدول زمانی برای مذاکرات جدید در مورد برخی موضوعها را در برداشت. در سال ۱۹۹۶ بعضی کشورها علناً خواستار دور جدیدی از مذاکرات شدند. باید توجه داشت که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت از ابتدا شامل دو بخش بود. یکی موافقتنامه‌ای بین‌المللی با مقرراتی برای هدایت تجارت بین‌الملل و دیگر سازمانی بین‌المللی که بعدها ایجاد شد تا از موافقتنامه حمایت کند.

مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار در دور اروگوئه در مقایسه با ادوار پیشین تا حدود زیادی وضعیت را بهبود بخشید. ویژگی‌های اصلی نتایج این دور را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- کاهش تعرفه‌هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.
- با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نموده‌اند محدودیتهایی را که طبق ترتیبات الیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره ۱۰ ساله یعنی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ تدریجاً حذف کنند.
- موافقتنامه راجع به کشاورزی چارچوبی را برای قراردادن تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزادسازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.
- کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، که فعالانه در مذاکرات شرکت نمودند، تعرفه‌های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده‌اند.
- تقریباً تمامی تعرفه‌های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایشهای بیشتر تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه‌هایی که تثبیت گردیده بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

گات هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است. امروز موافقتنامه گات وجود دارد، اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و بروز شده است. موقعی که گات بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد بازرگانی بین‌المللی عمدتاً شامل تجارت کالا بود. از آن زمان بتدریج تجارت در خدمات (حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور، مشاوره و غیر آن) اهمیت بیشتری می‌یافت و همینطور تجارت در ایده‌ها (اختراعات و طراحی و کالاها و خدمات موضوع آنها که مجموعاً دارایی فکری نامیده می‌شود). موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اصلاح شده در موافقتنامه‌های جدید سازمان تجارت جهانی وارد گشته است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS) را در یک سازمان جمع می‌دارد و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. بطور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. گات به عنوان یک سازمان بین‌المللی دیگر وجود ندارد، ولی موافقتنامه گات هنوز زنده است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی

است. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل‌تری از درون گات بیرون آمد.

گات موقت بود، موافقتنامه عمومی هرگز در پارلمانهای اعضاء به تصویب نرسید و هیچ شرطی برای تاسیس یک سازمان را در بر نداشت. سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های آن دائمی هستند و به عنوان سازمان بین‌المللی مبنای قانونی مستحکم دارد. زیرا اعضاء موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را به تصویب پارلمانهای خود رسانده و خود موافقتنامه‌ها بر نحوه عمل سازمان تجارت جهانی ناظر و حاکم هستند. سازمان تجارت جهانی دارای اعضاء است در حالی که گات دارای طرفهای متعاقد بود و این ویژگی گات را به عنوان یک متن قانونی زیرسؤال می‌برد. گات با تجارت کالا در ارتباط بود در حالی که سازمان تجارت جهانی خدمات و دارائیهای فکری را هم پوشش می‌دهد. سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی سریع‌تر و خودکارتر از سیستم قدیمی گات است و اجرای احکام آن نمی‌تواند متوقف شود.

مفاد موافقتنامه ۳۸ ماده‌ای گات و مواد الحاقی به آن جهت عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی ملحوظ گردید لذا کشورهایی که داوطلب عضویت در سازمان تجارت جهانی هستند به دنبال درخواست خود باید با تشکیل سه گروه کاری در سه زمینه مشخص مذاکرات سیستماتیک یا چند جانبه، مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار و مذاکرات مربوط به تعهدات خاص در بخش خدمات به مذاکره بپردازند. جلب رضایت دو سوم کشورهای عضو جهت عضویت کشور متقاضی در سازمان تجارت جهانی ضروری است. بطور کلی الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض و رفتارهای مبتنی بر آن
- ۲- مخالفت با رویه‌های دامپینگ
- ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
- ۴- ارزش گذاری گمرکی
- ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
- ۶- تدوین مقررات تجاری

- ۷- پذیرش شرط حذف کلی محدودیت‌های مقداری
- ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
- ۹- پذیرش چارچوب مربوط به بنگاه‌های تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیر تبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می‌کند
- ۱۰- توافقی‌هایی که اتحادیه گمرکی در مرز کشورهای هم مرز و مناطق آزاد تجاری را شامل می‌شود
- ۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات

الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هر کشور متفاوت است.

دور جدید مذاکرات تجاری جهان در دوحه از ابتدای فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی آغاز شد که هنوز (در سال ۲۰۱۱) ادامه دارد.<sup>۳۲</sup> موضوعاتی که در دور دوحه در دستور کار مذاکرات قرار گرفت شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست‌های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت‌سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه‌یافته‌ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه‌های قبلی سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

<sup>32</sup> The Doha agenda, [http://www.wto.org/English/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/doha1\\_e.htm](http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm)

# فصل دوم

## سازمان تجارت جهانی



## مقدمه

پایه و اساس سازمان تجارت جهانی بر تفکر اقتصاددانان غرب پی‌ریزی شده است. کشورهایی که در آنها ابزارهای نظام سرمایه‌داری در بخشهای مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای هماهنگ و تنگاتنگ تدریجاً طی پنج قرن نضج گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین‌المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هر یک زائیده و در عین حال متأثر از دیگری است پیچیده‌تر از آن می‌نماید که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هر چند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته‌اند و اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود بپردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاستهای مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان، اقدام به ریشه‌کن کردن مشکلات نمایند. سیاستگذارای اقتصادی، سیاسی و بازرگانی و وقوف بر مسائل و تحولات بین‌المللی، به روز بودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه‌ها در تصمیم‌گیری از ویژگیهای مورد نیاز بقا در دهکده جهانی عصر حاضر است.

## سازمان تجارت جهانی

چارچوب نظام تجارت جهانی بر این اساس طرح گردیده که به کشورها در ارتقاء توسعه اقتصادی‌شان از طریق بسط تجارت کمک کند. حذف تعرفه‌ها و دیگر موانع تجارت در خلال مذاکرات میان اعضاء به عنوان راهکار بسط تجارت مورد پذیرش واقع شده است. دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان تجارت جهانی مد نظر دارد، در مورد کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون کاهش تعرفه‌ها، رفع محدودیت‌های مقداری و دیگر اقدامات غیرتعرفه‌ای مطرح می‌گردد. هدف مذاکرات تجاری چندجانبه آزادتر کردن دسترسی به بازارها است. در مورد کالاها، شرط لازم گات آن بود که تعرفه باید به عنوان تنها وسیله حمایت از صنعت داخلی مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، تعرفه‌ها باید دو ویژگی پیش‌بینی‌پذیری و ثبات در نرخ را داشته باشند تا دسترسی



به بازار تحقق یابد.

اینکه مقررات این سازمان عادلانه است یا نه جای بحث دارد و در ارتباط با مخالفت با اهداف و مقررات این سازمان، در سالهای اخیر، همزمان با نشست‌های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض‌های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می‌گردد.

در سازمان تجارت جهانی از بدو تاسیس با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر گردید از سال ۱۹۹۵، کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ‌سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می‌کند. از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین‌المللی کشورهای در حال توسعه در سازمانهای بین‌المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست ولی در عوض کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان تجارت جهانی دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می‌توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب کنند.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت از اول ژانویه ۱۹۹۵ در قالب سازمان تجارت جهانی، قواعد نظام تجارت چند جانبه را پایه‌ریزی کرد. گات ۱۹۴۷ تکمیل یافته یا گات ۱۹۹۴ به عنوان مهمترین موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد اداره امور تجارت کالایی می‌باشد. مواد این موافقتنامه مبین اصول کلی سازمان تجارت جهانی است و چند موافقتنامه و تفاهم‌نامه دیگر نیز برای توضیح این مواد امضا شده‌اند. اهم موضوعات گات ۱۹۹۴ عبارتند از: شرط دولت کامله‌الوداد، شرط رفتار ملی، جداول امتیازات، آزادی ترانزیت، مسائل مربوط به ارزشیابی، عوارض و تشریفات گمرکی، شفافیت مقررات تجاری، حذف محدودیتهای مقداری و استثنائات آن، حمایت‌های مجاز بر حسب اقتضای شرایط، یارانه‌ها، بنگاههای تجاری دولتی، استثنائات، حل و فصل اختلافات، ترتیبات

در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و همچنین در موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی اهداف گات و سازمان تجارت جهانی اعلام شده‌اند. اهداف گات از قرار زیر می‌باشد:

- ۱- ارتقای سطح زندگی
- ۲- تضمین اشتغال کامل
- ۳- حجم زیاد و افزایش دائمی در آمد واقعی و تقاضای مؤثر
- ۴- استفاده کامل از منابع موجود جهان
- ۵- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالاها

در موافقتنامه تاسیس تجارت جهانی اهداف بصورت زیر کامل گردیدند.

- ۱- توسعه و گسترش تولید تجارت کالا و خدمات
- ۲- استفاده بهینه از منابع موجود در جهان
- ۳- حفظ و حراست محیط زیست
- ۴- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهای که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته‌اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) فقط ناظر بر تجارت کالا بود، سازمان تجارت جهانی در دو حوزه اصلی دیگر شامل خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز وارد شد. در حوزه خدمات، موافقتنامه عمومی خدمات و در حوزه مالکیت فکری، موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق

<sup>33</sup> <http://www.irtr.gov.ir>

طبق پاراگراف پنجم سند نهایی، کشورهایی که جزء طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷ نمی‌باشند، قبل از پذیرش موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت، ابتدا باید مذاکرات مربوط به پذیرش گات ۱۹۴۷ را به انجام رسانده و بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شوند لذا کشور متقاضی برای الحاق به گات باید موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۹۴۷ را بپذیرد.

مالکیت فکری از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه محسوب می‌شوند. ضمناً کالاهایی که قبلاً از نظام تجارت آزاد بین‌المللی دور مانده بودند (نظیر محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) نیز تحت شمول موافقتنامه‌های کالایی این سازمان درآمد. هر یک از موافقتنامه‌های عمومی از این قابلیت برخوردارند که ذیل آنها موافقتنامه‌های خاص تنظیم شود. سازمان تجارت جهانی با طیف وسیعی از فعالیتها، نظیر کشاورزی، منسوجات و پوشاک، بانکداری، ارتباطات راه دور، خریدهای دولتی، استانداردهای صنعتی، مقررات بهداشت مواد غذایی، دارائیهای فکری و غیره ارتباط دارد، موافقتنامه‌های آن طولانی و پیچیده است لکن اصول بنیادین آن به صورت زیر می‌باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم می‌شود.

شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه‌کننده کالای خارجی با کالا و عرضه‌کننده کالای داخلی صورت نگیرد. ماده ۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات، هر دو به صراحت رفتارهای تبعیض آمیز را منع کرده‌اند. طبق این مواد کالا و خدمات وارداتی به کشورهای عضو باید مشمول مقرراتی مشابه و یکسان با همه اعضا که همان شرط دول کامله الوداد می‌باشد است.

طبق ماده ۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رفتار تبعیض آمیز نسبت به کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی ممنوع است. طبق این ماده کشورهای عضو از اتخاذ آن دسته از سیاستهای داخلی که به اعطای امتیازات و مساعدت‌ها نسبت به کالاهای مشابه وارداتی منجر شود منع شده‌اند. مثلاً نمی‌توانند بر تولیدات داخلی مشابه کالاهای وارداتی مالیات کمتری وضع نمایند.

(۲) اصل آزادسازی تجارت

طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ هیچ یک از اعضا حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها،

محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت‌ها شامل کلیه محدودیتها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاستهای نرخ ارز و غیره می‌گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها صورت می‌گیرد.

(۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی

هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند. این اصل در طول پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی به نتایج مطلوبی رسیده و سطح تعرفه‌های گمرکی بتدریج کاهش یافته‌اند.<sup>۳۴</sup>

(۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری

طبق ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود. در مقررات ماده ۳ موافقتنامه عمومی این امر راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه

این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت

<sup>34</sup> Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90

کشورهاست. ارائه راه‌حلها در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد.

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند.

این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
- هر نوع محدودیتی که مثلاً برای واردات کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور صادرکننده دیگر نیز خود به خود منظور می‌گردد.
- دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک‌تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می‌گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و در این ارتباط گزارش‌های منظمی از این بررسیها منتشر می‌کند. از این جهت شفاف بودن سیاستها و مقررات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در چارچوب سازمان تجارت جهانی این کار از دو طریق صورت می‌پذیرد:

- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاستها و قوانین خود.

▪ انجام بررسی‌های منظم درباره تک‌تک کشورهای عضو و سیاست‌های تجاری آنها.

اگرچه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو بخشی از الزامات توافقی‌های دور اروگوئه است، اما انجام این بررسی‌ها عملاً پیش از اتمام مذاکرات این دور آغاز گردیده بود. کشورهای حاضر در دور اروگوئه در جلسه وزیران در دسامبر سال ۱۹۸۸ با آغاز این بررسی‌ها موافقت کردند و متعاقب آن، در سال بعد اولین بررسی از این نوع انجام گردید، اما به دلیل آنکه در آن هنگام این بررسی تحت قواعد گات صورت می‌پذیرفت از اینرو صرفاً تجارت کالاها را پوشش می‌داد ولی سپس حوزه بررسی نیز گسترش یافت و تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر گرفت.

اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه‌های کشورهای از طریق نظارت پیوسته.
- بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی‌های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
- امکان‌پذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان.

بر اساس ماده ۳ موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت وظیفه اصلی سازمان تجارت جهانی اجرا و مدیریت موافقتنامه‌های دور اروگوئه و فراهم ساختن مجمعی برای مذاکرات میان اعضاء در خصوص روابط تجاری چندجانبه می‌باشد. در ماده ۴ این موافقتنامه، ساختار تشکیلاتی سازمان تشریح شده است. رکن اصلی این سازمان، کنفرانس وزراء متشکل از نمایندگان کشورهای عضو می‌باشد که حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. شورای عمومی مرکب از نمایندگان کشورهای عضو است که در فواصل بین اجلاس وزراء به انجام وظایف محوله که در این موافقتنامه مقرر گردیده است می‌پردازد. در ماده ۴، تشکیل شورایی برای تجارت کالا، شورایی برای تجارت خدمات و شورایی برای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی تحت نظارت شورای عمومی، پیش‌بینی شده است. این شوراها مسئول نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های مربوطه می‌باشند و عضویت در این شوراها برای نمایندگان کلیه کشورهای عضو آزاد است. در همین ماده آمده است که کنفرانس وزراء باید یک کمیته تجارت و توسعه، یک کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها و یک کمیته بودجه مالی و اداری ایجاد نمایند. همچنین مقرر شده که کمیته تجارت و توسعه به عنوان بخشی از وظایفش باید بطور ادواری مواد خاص موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه را به نفع

کشورهای عضو در حال توسعه بررسی نموده و به شورای عمومی گزارش نماید. عضویت در این کمیته‌ها نیز برای تمامی نمایندگان کشورهای عضو آزاد است. در ماده ۶، تأسیس دبیرخانه سازمان که در راس آن دبیرکل قرار دارد پیش بینی شده است. کنفرانس وزراء باید دبیرکل را منصوب و حدود اختیارات، وظایف و شرایط تصدی وی را معین نمایند. دبیرکل نیز کارمندان دبیرخانه را انتخاب می‌کند. مسئولیت دبیرکل و کارمندان دبیرخانه منحصرأ ماهیتی بین‌المللی دارد و آنها نباید دستوری از هیچیک از دولت‌ها و هر مقامی خارج از سازمان را بپذیرند. طبق ماده ۱۱، اعضاء اصلی این سازمان همان طرف‌های متعاقد در گات می‌باشند. تصمیم‌گیری برای پذیرش عضو جدید در سازمان، در حیطه اختیارات کنفرانس وزراء با دو سوم آراء کشورهای عضو است.<sup>۳۵</sup>

### دسترسی به بازار

در مذاکرات دور اروگوئه و در بخش مربوط به دسترسی به بازار از طریق کاهش تعرفه‌ها توافق گردید که کشورهای پیشرفته متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی خود را بااستثنای مواد سوختی طی یک دوره پنج ساله با ۳۸ درصد کاهش از ۶/۳ درصد به ۳/۹ درصد برسانند. البته برحسب گروه‌های کالایی، این کاهش تعرفه‌ها یکسان و متوازن صورت نگرفته. بطور مثال بالاترین کاهش بین ۴۰ تا ۷۰ درصد مربوط به بخش‌هایی نظیر چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه، فلزات و ماشین‌آلات غیر برقی می‌شد که در حال حاضر نیز تعرفه‌های متعادلی دارند. در حالیکه کاهش‌های بین ۲۰ تا ۲۵ درصد مربوط به بخش‌هایی نظیر منسوجات و پوشاک، تجهیزات حمل و نقل، چرم، کفش، لاستیک و کالاهای سفری بود که با مشکلات تعدیل ساختاری مواجه بودند و سطوح حمایت از آنها نیز بالا بود. علاوه بر این، واردات مشمول تعرفه صفر از ۲۰ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافت که البته در بین گروه‌های کالایی متوازن نمی‌باشد. افزایش سهم واردات معاف از تعرفه در مورد محصولات نظیر ماشین‌آلات، فلزات، فرآورده‌های معدنی، چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه و فرآورده‌های شیمیایی بیشتر و در مقابل سهم واردات محصولاتی نظیر منسوجات و

<sup>۳۵</sup> هر کشوری باید پس از انجام مذاکرات مربوط به پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شود و پس از الحاق به گات ۱۹۴۷، موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های پیوست آن را بپذیرد. از طرفی عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرش دیگر موافقتنامه‌های مورد نظر یعنی گات ۱۹۹۴ و همینطور دیگر موافقتنامه‌های غیر کالایی و تصمیمات وزیران خواهد بود.

پوشاک و چرم کمتر خواهد بود. سهم واردات مشمول تعرفه‌های بالا (بیش از ۱۵ درصد) به بازار کشورهای پیشرفته نیز از ۷ درصد به ۵ درصد تنزل کرد. همه این موارد مربوط به گذشته است و مذاکرات برای کاهش نرخ‌ها در بخش‌های مختلف همچنان ادامه دارد.

در مورد کشورهای در حال توسعه درصد کاهش معینی در متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی همچون کشورهای پیشرفته اعمال نخواهد شد، بلکه هر کشور متناسب با سیاست‌های آزاد سازی تجاری درصد کاهش مشخصی را در مورد متوسط نرخ تعرفه کالاهای صنعتی وارداتی خود متعهد می‌گردد. کشورهای در حال توسعه پذیرفتند که تمام یا بخش قابل توجهی از ردیف‌های تعرفه‌ای خود را با نرخ‌های تعرفه ثابتی محدود و لازم‌الاجرا (Binding) تثبیت نمایند که بطور متوسط سهم واردات کالاهای صنعتی این کشورها - با تعرفه ثابت - از ۱۴ درصد به ۵۹ درصد افزایش یابد. در این میان برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر آرژانتین، برزیل، کلمبیا، جامائیکا و اروگوئه پذیرفتند که ۱۰۰ درصد واردات صنعتی خود را مشمول نرخ‌های تعرفه‌ای ثابت و لازم‌الاجرا قرار دهند. کشورهای اروپای شرقی عضو گات نیز موافقت کردند که به جای ۷۴ درصد، ۹۶ درصد واردات محصولات صنعتی خود را طی یک دوره پنج ساله مشمول تعرفه‌های ثابت تثبیت شده و لازم‌الاجرا قرار دهند.

یکی از تبعات مهم عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی همین کاهش تعرفه‌های گمرکی است که از نتایج اعمال این موافقتنامه می‌باشد. اثر این کاهش بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت و قرار گرفتن در شرایط رقابت بین‌المللی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

میزان و حدودی که دولتها عملاً از لحاظ قانون هر کشوری در حقوق مالکیت افراد مداخله می‌نمایند در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. موارد مداخله دولت معمولاً بر اساس ایدئولوژی و آرمان‌های سیاسی جوامع و حکومت‌های مختلف متفاوت است. در نظام‌های با گرایش سوسیالیستی معمولاً مالکیت بسیاری از تأسیسات و منابع و ذخائر معدنی و سیستم‌های خدماتی عمومی نظیر بانکها، حمل و نقل و همچنین بنگاههای تولیدی به دولت تعلق می‌گیرد ولی در نظام‌های سیاسی لیبرال فعالان بخش خصوصی مجاز به تملک این نوع دارایی‌ها هستند.



آنچه که در غالب نظام‌های سیاسی از لحاظ تصرف و تملک و همچنین مداخله در امور مالی افراد برای دولت‌ها مشترک است یکی وصول مالیات و عوارض است. وصول مالیات توسط دولت‌ها بر این اصل بنا شده که افراد بایست هزینه دولت را تأمین و همواره هزینه خدمات ارائه شده توسط آن را بپردازند. این دو گروه هزینه یعنی هزینه‌های لازم برای امر تصدی‌گری دولت و هزینه‌های لازم برای توسعه، عمران یا ارائه خدمات دولتی دو بخش عمده از علل وصول مالیات است. افراد یک جامعه عملاً با پرداخت مالیات بطور ضمنی تصدی‌گری دولت را تأیید می‌نمایند و چنانچه نهادهای مدنی قوی باشند افراد جامعه با عدم پرداخت مالیات می‌توانند مشروعیت حکومت را زیر سؤال برند و دست حکومت را در انجام فعالیت‌های تصدی‌گری خود محدود سازند. چون عمر و اثر قوانین معمولاً طولانی‌تر و باقی‌تر از عمر دولت‌هاست عملاً اجازه نمی‌دهد که افراد بتوانند با عدم پرداخت مالیات به برخوردهای مقطعی سیاسی با دولت‌ها بپردازند.

دیگر از موارد مداخله دولت‌ها در امور مالی افراد سلب مالکیت از فرد از طریق انتقال مالکیت به نفع مصالح عمومی است. این مورد در تصرف اجباری و لاقط خرید اجباری به قیمت عادلانه توسط ارکان دولتی نظیر شهرداری‌ها به وضوح قابل مشاهده است که دولت‌ها برای احداث تأسیسات یا معابر ملزم به تصرف حقوق ملکی افراد می‌شوند.

نظارت دولت بر امور عام المنفعه نیز از اشکال مداخله دولت در امور مالی افراد است که از این طریق دولت‌ها با مداخله در امور صاحبان تأسیساتی که برای امور عمومی افراد ضروری است سعی می‌نمایند تأمین احتیاجات افراد جامعه را مد نظر قرار داده و آنها را حفظ نمایند. مواردی نظیر ارتباطات، برق، آب و مشابه آن از این گروه است. البته مسائل متعددی در این ارتباط بالخصوص دربارهٔ قیمت‌گذاری کالاها و خدمات عمومی مطرح است که دیدگاه‌های مختلف سیاسی در جوامع مختلف نظرات متنوعی در این ارتباط دارند. طیف این نظرات از مصادره بنگاه‌های مولد خدمات عمومی تا استقلال و مالکیت مطلق آنها دیده می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید<sup>۳۶</sup>: «او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و (بدانید که) بازگشت همه خلایق

<sup>۳۶</sup> سوره ملک، آیه ۱۵. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ».

به سوی اوست». لفظ این آیه هر چند اشاره به کار و شغل ندارد ولی آزادی بهره‌برداری از زمین را بطور کلی مطرح ساخته و هیچ تبعیض بین افراد بشر در این حق قرار نداده است. برخی استثنائات شغلی و خرید و فروش کالاها مبنی بر حرمت و یا کراهت مشاغل یا کالا در فقه اسلام ذکر شده که اینجا به آن نمی‌پردازیم. حصول روزی نامشروع نیز منع شده است، مثلاً روشهای کسب درآمد نظیر تقلب، کلاهبرداری، سرقت، معامله محرمانه، قوادی و مشابه آن نهی شده و برخی امور شغلی نیز مکروه دانسته شده تا کمتر افراد به آن اشتغال داشته باشند از این امور منجمله تکدی، قصابی، شکار، غسالی و مشابه آن است. در سایر موارد خداوند بصورت تنبیهی مانع مصرف و اشتغال را مورد عتاب قرار می‌دهد و به پیامبر خود می‌فرماید که<sup>۳۷</sup>: «بگو کیست (یعنی چه کسی حق دارد!) که زینت‌های خداوند از روزی پاک که برای بندگانش قرار داده حرام دارد (مانع شود)». یعنی از لحاظ اقتصادی نباید هیچ منعی برای تولید، انتقال، تجارت و مصرف کالاها که خداوند آنها را پاک قلمداد نموده ایجاد نمود.

در ارتباط با دسترسی به بازار باید اذعان داشت که در اسلام وظایف نظارتی و تنظیم بازار در حد مشخص و محدود تعیین گردیده است و مانع از دسترسی به بازار نیست. در این ارتباط قاعده ضد احتکار فقط برای ارزاق مردم آن هم در صورت نیاز مبرم آنها مطرح است. این قاعده فقط در مورد قوت مردم که گندم تلقی می‌شود قابل اعمال است و قابلیت تعمیم به سایر کالاها را ندارد. و حتی روایت شده است که «اگر مواد خوراکی آنقدر زیاد است که زندگی مردم در سعه است احتکار آن اشکال ندارد و اگر در مضیقه و سختی بکار می‌برند احتکار طعام ممنوع است»، علیرغم نظر برخی بر اینکه حکم جلوگیری از احتکار را می‌توان به باقی کالاها تعمیم داد از لحاظ حکمت وضع این حکم معقول به نظر نمی‌رسد. در این ارتباط به فرمان مالک اشتر اشاره می‌شود که علی‌ع در بررسی و نظارت بر تجار افعال ناروایی چون احتکار را مثال می‌زنند و به مالک امر می‌فرمایند که در این امور نظارت نماید. و این تمثیل حضرت افاده به تعمیم به جمیع کالاها نمی‌نماید.

در این ارتباط باید به این موضوع اشاره نمود که آیات بسیاری در قرآن اغنیا را نکوهش می‌کند که به جمع دارایی (که نوعی احتکار هم هست) اقدام می‌نمایند و همواره آنها را انذار و تحریض می‌کند تا به محرومان جامعه کمک نمایند ولی هیچگاه تائید نمی‌فرماید که می‌توان اموال آنها را

مصادره و بفروش رساند یا قیمت بر کالاهای آنان گذاشت. با همین استدلال می‌توان عدم تطبیق برخی احادیث و اخبار مروی از معصوم را در تضاد با روح قرآن کریم دانست و حکم احتکار را تعمیم نداد. چه که فرموده‌اند اگر روایتی از ما برخلاف قرآن بود آن را به دیوار زنید.

از طرف دیگر سیاست‌های تنظیم بازار در اسلام قابلیت تعمیم به نرخ‌گذاری و قیمت کالاها ندارند. در فرمان مالک اشتر درباره نظام قیمت‌گذاری می‌فرماید: «باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گردد با نرخهای نه به زیان فروشنده و نه خریدار» مفهوم این عبارت از لحاظ اقتصادی بهینگی پارتو می‌باشد که از کارآئی بازار برخوردار است و در این حالت عمل معامله بر روی منحنی قرارداد در جعبه اجورث قرار دارد که در کتب اقتصاد خرد مسطور است. در این حالت به شرط رقابتی بودن بازارها عادلانه‌ترین توزیع اقتصادی از لحاظ کارآئی وجود خواهد داشت. لذا مفهوم کلام حضرت در این است که قیمت‌ها بایست توسط بازار تعیین شود و نه قیمت‌گذاری دولتی.

در این ارتباط باید گفت که اجرای سیاست‌های دسترسی به بازار در اسلام محدود به موارد ذکر شده است و نه بیش از آن. در اسلام مالکیت محترم است و حدود مالکیت نیز محصور نشده و فقط ویژگی‌هایی برای آن در نظر گرفته شده که منبعث از منشاء حصول مال می‌شود. در این ارتباط مال باید از محل مشروع احصاء شده باشد و داشتن مال نیز مورد اشکال نیست هرچند آیات قرآن عدم انفاق را سرزنش نموده‌اند ولی حکماً جز مالیات‌های شرعی متداول محدودیتی قانونی و شرعی که مستمسکی برای جلب و مصادره اموال دیگران باشد ذکر نشده است. بر این اساس مرز مالکیت مرز مشخصه مهمی در اسلام است که محدوده فعالیت افراد ملت و دولت را در عدم تعرض به مالکیت فردی مشخص می‌کند. تغییر این محدوده باید براساس توافق عمومی صورت پذیرد و مکانیزم‌های سیاسی و تقنینی باید برای جابجایی این مرز تعبیه نمود. و مسلماً جابجایی این مرز با نظر یکسویه حاکمیت نباید تحقق پذیرد. با توجه به این موضوع لازم است تا به مبحث مالکیت بعنوان یکی از اصلی‌ترین، پیچیده‌ترین و مبنایی‌ترین مباحث قابل طرح در اداره امور عمومی بپردازیم. در حقوق عمومی عملاً تعریف مالکیت مرز تعامل میان دولت و ملت را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر تعریف قبول شده از مالکیت است که بنای کلیه قوانین و چارچوب‌ها را در یک نظام سیاسی بنیان‌گذاری می‌نماید. تعریف مالکیت حیطة دخالت دولت در امور خصوصی افراد و همچنین

حمایت ملت از دولت را مشخص می‌کند. زیرا دولت صاحب و مالک آن حقی است که از ایثار ملت در اختیار وی قرار داده شده است. جمله اخیر مبنای ایدئولوژیک قوی در اسلام دارد و حکومت اسلامی پس از تعیین واجبات و محرمات تا آن حد وارد امور داخلی مردم می‌شود که مردم بپذیرند. یعنی آراء، تصمیمات و نظر جمعی بر مبنای خرد جمعی جامعه مبنای جدا کردن حق از افراد و اعطای آن به حاکمیت به عنوان نماینده جامعه است.

مداخله کلی اسلام در فعالیت‌های اقتصادی افراد بر مبنای اصول مشخص استوار است از جمله موارد احترام به مالکیت افراد در همهٔ زمینه‌ها به گونه‌ای منتج از حقوق طبیعی افراد است که آزادی انسانها را در داشتن اموال کسب شده از راه مشروع بیان می‌نماید. ولی در عوض دستورات اخلاقی مکملی وجود دارد که افراد را ترغیب می‌کند تا اموال مملوک خود را کنز نمایند و در حد میسور در جهت رفاه عمومی جامعه و حمایت از اقشار و افراد ضعیف جامعه بکار برند و کفاره بسیاری از گناهان و استجاب بسیاری از اعمال در این ارتباط تعریف و افراد تشویق شده‌اند که بدان عمل نمایند.

یکی از اصول دیگر نهی مالکیت در موارد خاص است. لذا دارائی‌های کسب شده از برخی طرق را غیر مشروع می‌داند این موارد علاوه بر موارد غیر مشروعی است که در حقوق سایر کشورها دیده می‌شود. برای مثال منع ربا یا تولید و تجارت مسکرات و مواد مخدر و سایر کالاهای حرام از این قبیل است که در قلمرو معاملات ممنوع قرار می‌گیرند و در اسلام منع شده‌اند.

در غیر این جوازی در مورد مداخله در بازار و منع دسترسی به آن حتی در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مستند قرآنی دیده نمی‌شود هر چند برخی به استناد به سنت برخی مداخلات در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات را بر می‌شمرند که با توجه به این آیه قرآن که فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان را بین خودتان به باطل مخورید مگر اینکه تجارتي باشد که از آن راضی باشید و خودتان را نکشید همانا خداوند به شما رحیم است و هر کس از روی دشمنی و ستمگری چنین کند، پس او را به زودی در آتش دوزخ درآوریم، و این برای خدا آسان است.» این آیه مبین این است که عدم رضایت در تجارت به معنی باطل بودن آن است و تراضی طرفین شرط صحت آن می‌باشد و مسلماً مداخله شخص ثالث مانند دولت منجر به باطل شدن تجارت می‌گردد.

یعنی اگر دولت اقدام به قیمت گذاری نماید هر چند طرف خریدار خشنود از این قیمت گذاری باشد ولی به دلیل عدم رضایت فروشنده شرط تراضی از بین می‌رود و اگر معامله انجام شود اکل باطل تلقی می‌گردد. در شرح بیشتر این آیه در ارتباط با موارد اکل می‌فرمایند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل مخورید، تأدیب در اموال و انفس است. بدانکه الفاظ چنانکه گذشت، برای حقایق به اعتبار عناوین مرسله بدون اعتبار خصوصیتی از خصوصیات مصادیق آنها، اعم از کلی یا جزئی وضع شده‌اند. مثلاً لفظ زید برای ذات مخصوص زید وضع شده بدون اعتبار حالت و خصوصیتی از حالات و خصوصیات او. چه زید در حال کودکی زید است و در حال پیری نیز زید است و همچنین بر حسب تجسم و تجردش، در حالی که با ماده بشری خویش باشد زید است و در حالی که فارغ از ماده است نیز زید است و مقتدر هم باشد زید است و مجرد از تقدّر نیز زید است. پس هیچ یک از خصوصیات احوال و یا خصوصیات نشئه‌ها در وضع و اطلاق آن معتبر نیست. و غریب شمردن کسانی که ادراکشان از عوالم حسّ تجاوز نمی‌کند و حصر کردن آنها مفاهیم را در مصادیق حسّی حجت بر خودشان است نه برای ما؛ چون آنها بر حسب نشئه‌ای که در آن هستند مصادیق سایر نشئه‌ها را درک نمی‌کنند، پس تعمیم مفاهیم برای آنها امکان پذیر نیست، و در اخبار تصریحات و اشاراتی به آنچه که ما ذکر کردیم وجود دارد. خداوند ما را به آنها بینا سازد. بنابراین اکل به معنی خوردن در هیچ خصوصیتی از خصوصیات اکل حیوانی از داخل کردن چیزی در دهان حس و جویدن آن با دندان و فرو بردن و ادخال آن در شکم و همچنین خصوصیات اکل و یا خصوصیات مأکول و خصوصیات چیزی از نشئه‌ها در آن اعتبار نشده است. پس آن (اکل) اسم عملی است که باعث قوام فاعل و ازدیاد قوت او به هر نحوی و در هر نشئه‌ای که واقع شود گردد. پس بازی کردن اطفال اکل است برای آنان بر حسب نوعی از اکل که همان خیال حیوانی بازی است، و تجارت تجار و زراعت کشاورزها و نکاح نکاح‌کننده‌ها بر حسب نیروئی از نیروهای آنان اکل حساب می‌شود. بلکه فعل هر فاعلی در هر نشئه‌ای که باشد اکل برای اوست. و مال اسم است برای مملوک و هر اندازه که ملکیت در آن قوی‌تر باشد صدق اسم مال قوی‌تر است. بنابراین اعراض دنیوی جز آنچه که شارع یا عرف اعتبار کرده است، هیچ حیثیت مملوکیّت بر آنها نیست، مثلاً هر چه که تحت استیلائی مرد باشد آن را مال حساب کنند مال او و مملوک او مال است و قوای نفسانی که تحت تصرف نفس است و هیچ حیثیتی جز حیثیت مملوکیّت برای نفس ندارد به صدق مال سزاوارتر است. و همچنین است علوم و

صنایعی که ملکه شده‌اند، و یا ملکه نشده‌اند ولی در خزینة عقل ثابت هستند (نیز مال محسوب می‌شوند). و خطاب در بَیِّنُکُمْ برای جماعت ذکور است خواه در عالم کبیر یا در عالم صغیر انسانی باشند، در نشئه طبع و یا در غیر آن باشند. و از باب تغلیب (غلبه اسم مذکر بر مؤنث) زنان را نیز شامل می‌شود. و باطل به فعلی که غایتی ندارد یا غایت عقلی و یا عرفی ندارد و به فعلی که به غایت خود نرسیده، و به سنت و طریقه‌ای که بر اساس مستحکم بنا نشده باشد، و به سنتی که بر اساس الهی بنا نشده باشد گفته می‌شود. و به چیزی هم که اصلاً حقیقتی ندارد باطل گفته می‌شود مانند عدم‌ها یا چیزی که در نفس الامر حقیقت ندارد مانند سراب، و نیز به چیزی که تحقق ذاتی ندارد بلکه تحقق آن عرضی است مانند ماهیات و به چیزی که به خودش تحقق ندارد و بلکه به علت محقق می‌شود مانند وجودات امکانی و به چیزی که تحقق آن مخفی باشد به نحوی که عدم‌ها بر آن غالب باشد مانند ملکوت سفلی که چون عدم بر آن غلبه دارد باطل است، اگرچه سایر معانی باطل نیز بر آن صادق است. پس آیه شریفه بر حسب مصادیقش دارای وجوه متعددی است که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است. پس نخستین مصادیق آیه که به فهم عوام نزدیکتر است همان خوردن معروف است که با جویدن و بلع متحقق می‌شود. و معنی آیه این است که اعراض دنیوی را بین خودتان به سبب راه باطل که شارع آن را سنت نکرده و مباح ندانسته است یا به سبب مبدأ باطلی که عبارت از نفس و شیطان است با جویدن مخورید. زیرا که حاکم و محرک فعل یا نفس و شیطان است یا عقل و رحمان. و دانستی که شیطان به جهت غالب بودن عدم‌ها بر او باطل است. دومین مصداق آیه این است که اموال دنیوی خود را بین خودتان به باطل تصرف نکنید، به هر دو معنی که آن نیز نزدیک به فهم عموم است. سوم اینکه افعال خودتان را به هر دو معنی باطل نکنید. چهارم: افعال تکلیفی قالبی نبوی را بحسب مبداء باطل یا به غرض باطل انجام ندهید. پنجم: افعال تکلیفی قلبی ولوی بین خودتان را به سبب باطل به هر دو معنی انجام ندهید. ششم: قویاتان را بین خودتان در راه باطل صرف نکنید. هفتم: علوم خودتان را (از راه باطل) اخذ نکنید و (در راه باطل) صرف نکنید. هشتم: مدد حیات و ماده زندگانی خود را (به باطل) صرف نکنید. نهم: مشاهدات و مشهودات خودتان را (از طریق باطل) نگیرید. **إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ** مگر اینکه تجارتي باشد که مورد رضایت شما باشد که به آنچه که گذشت امکان تعمیم دارد. **وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ** و خودتان را مکشید، عبارت یا مربوط به معطوف علیه است از باب اینکه صرف کردن اموال بدون معیار موجب قتل انفس می‌شود، و نهی از آن همانند علت نهی از آن (صرف اموال) است یا اینکه

حکم مستقل است، و تعمیم آن مخفی نیست. إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا زیرا خداوند به شما رحیم است، عَلَتْ نَهَى خدای تعالی از صرف اموال به باطل و قتل انفس است، چون رحمت او همانند سایر تکالیف داعیه‌ای بر این نهی است. « در همین سوره در جای دیگر می‌فرماید: «و به سبب رباخواریشان و خوردن اموال مردم به باطل و حال آنکه از آن منع شده بودند، برای کافرین عذابی دردآور مهیا کرده‌ایم. «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ» و هر که انجام دهد این را، صرف و قتل را، «عُدْوَانًا» بطور دشمنی، برای دشمنی یا فعل دشمنی یا عدواناً دشمن بدارد یا در حالی که او دشمنی دارد یا آن را عدوانه انجام دهد برای اینکه تمیز باشد یعنی کسی که آن را از عمد و تجاوز از حدود الهی یا از عداوت از نفسش انجام می‌دهد «و ظَلَمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» و بطور ظلم پس او را بر روی در آتش می‌افکنیم و این برای خدا آسان است».

در آیه دیگر در قرآن کریم پیامبر اکرم ص مأمور به ابلاغ می‌شود که: «ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو: این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص اینها (یعنی لذات کامل بدون الم، و نیکوتر از اینها) در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم. بگو که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در نهان و گناهکاری و ظلم به ناحق و شرک به خدا را که بر آن شرک هیچ دلیلی نفرستاده است و این که چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید، همه را حرام کرده است.» بااستناد این آیه می‌توان گفت که دولت نباید کالاهایی که مباح هستند را ممنوع نماید یا از طریق وضع تعرفه بر آنان یا قیمت‌گذاری موجب مداخله در جریان معاملات آنان شود و بطور کلی باید دولت در این امور عملکردی خنثی داشته باشد. در شرح آیات آخر مذکور می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خارج کرده حرام کرده، گویا که ترک زینت و ترک مأكول و مشروب پاکیزه را از لوازم عبادت و طلب آخرت می‌شمردند، پس آنها را اولاً امر به تزین و اکل و شرب کرد و ثانیاً تأکیداً تحریم آن را انکار نمود. و توصیف به اخراج برای بندگان اشاره به این دارد که زینت اولاً و بالذات برای کسی است که عبد خدا گشته و برای غیر او به تبعیت اوست، نه اینکه بر او برای عبادتش حرام باشد. «وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» و پاکیزه‌ها از رزق، بدنی و نباتی و حیوانی و انسانی و رزق روحانی

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

از ارزاق نفوس و قلوب و ارواح. «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» بگو این برای کسانی است که ایمان آوردند در حیات دنیا، بدانکه دنیا و آخرت بالذات برای خلیفه خدا خلق شده‌اند، و این یکی از وجوه قول اوست: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (اگر تو نبودى افلاک را خلق نمى کردم). پس هر کسی که به او با اتصال تقلیدی متصل شود که آن قبول دعوت ظاهری و قبول چیزی است که به بیعت عامه، بر آن اخذ کرده، و با معاهده اسلامی دستش را بر دست خلیفه عقد بسته، یا با اتصال ایتامی متصل شده که آن قبول دعوت باطنی و قبول آنچه بر آن با بیعت خاصه اخذ کرده و دستش را بر دست خلیفه به معاهده ایمانیه عقد کرده، پس داخل ایمان شده که آن صورت نازله از خلیفه است، در نازلترین مراتب قلب او که همان صدر است سپس صورت دیگری که دارای ملکوتیتی در مرتبه دیگری از قلبش است که از این مرتبه برتر است داخل می‌شود، و هکذا تا اینکه به حقیقت خلیفه متحقق شود، پس آن دو به قدر اتصالش برای اوست و از خلیفه بحسب آن ارث می‌برد، و هرکس که به چیزی از اتصالها متصل نباشد آن دو بر او حرامند، و هرگاه از آنچه غالب شده چیزی از دنیا تملک کند در دست او غصبی است، و برای این گفت: «هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا» از غیر تقیید به خلاصی از دست غیر، یعنی آنها چه بر آن غلبه کند یا بر آن غلبه نکنند، و چون در آخرت غلبه غیر بر آن امکان ندارد گفت: «خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» خالص آنها روز قیامت باشد، خالصه با رفع و با نصب قرائت شده، و اعراب آیه اینکه هی مبتدا و للذين آمنوا خبر آن است، یا حال است و فی الحیاة الدنیا خبر است، یا خبر بعد خبر است، یا حال است از فاعل آمنوا، یا از مستتر در ظرف، یا ظرف لغو متعلق به امنوا یا به قول او للذين آمنوا یا به عاملی از افعال خاص حال است، یا خبر بعد خبر، یا خبر ابتداء است مثل: مغضوبٌ علیها فی الحیوة الدنیا، و خالصه بر قرائت رفع خبر هی است یا خبر بعد خبر، یا خبر مبتدای محذوف، و بر قرائت نصب حال از یکی از عوامل سابق است، و از صادق ع است بعد آنکه نه‌های زمین را ذکر کرد پس هرچه را که سیراب کند و هرچه که سیراب شود پس آن مال ماست و هرچه برای ماست پس برای شیعیان ماست، و برای دشمن ما چیزی از آن نیست مگر آن را غضب کرده، و همانا ولی ما در اوسع آنچه از بین این و آن است می‌باشد، یعنی آنچه بین آسمان و زمین است، سپس این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» مغضوبین بر آناند در روز قیامت خالصه برای آنان است بدون غضب و در قول او تعالی: «اليوم احل لكم الطيبات» بعد قول او: «اليوم يثس الذين كفروا من دينكم» و بعد قول او: «اليوم اكملت لكم دينكم» اشاره به آن است. «كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ» اینچنین آیات را تفصیل



می‌دهیم، یعنی آیات تکوینیه را از استحقاق کل آنچه که حق آن است و اعطاء هر ذی‌حقی حق او را به آیات تدوینیه «لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» برای قومی که می‌دانند، در سلوک به آخرت اشتداد دارند، و در علمشان زیادی می‌نمایند، زیرا که علم آنچه که باشد متعلق به آخرت است با ازدیاد و اشتداد و هر ادراکی تعلق به آخرت ندارد، یا متعلق به آن باشد لکن اشتداد بر آن نباشد و بلکه بواسطه اغراض دنیویه متوقف یا منکوس باشد نزد اهل الله علم نامیده نمی‌شود، بلکه جهلی است، و چون اسم علم بر آن اطلاق شود از باب مشاکلت و موافقت با مخاطبان آنان است. پس کم است چیزی که از آنچه که مشعر به ذم آن باشد منفک گردد یا اسم علم از آن نفی می‌شود «و لقد علموا لمن اشتزیة ماله فی الآخرة من خلاق و لبس ما شروا به انفسهم لو كانوا یعلمون» (و به تحقیق آنان می‌دانستند که برای خریداران آن در آخرت بهره‌ای نیست، و خود را به بد چیزی فروختند اگر می‌دانستند) «یعلمون ظاهراً من الحیة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون» (آنان به ظاهر زندگی دنیا آگاهند و از آخرت غافلند) «ذلک مبغیهم من العلم» (این محل رسیدنشان از علم است) و به تحقیق اشباه مردم آن را عالم نامیده‌اند در حالی که جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند و فقط دروغ می‌بندند. و برای این است که شیعیان‌شان که با بیعت خاصه و لویه با آنها بیعت کرده‌اند ایمان در قلبشان داخل شده علما و عرفایند، به طریق حصر: شیعیان ما علما هستند، شیعیان ما عرفا هستند. پس کسی که سالک به آخرت و سائر به خدا به قدم ایتام به امام حق منصوص از خدا نباشد و اگر در علوم حکمیه و ظنون فرعیه آن بلغ ما بلغ باشد عالم نامیده نمی‌شود، و او از تفصیل آیات نفعی نمی‌برد. زیرا که نظر او به آیات از حیث انفس آن است، یا از حیث جهات دنیوی آن، نه از حیث اینکه آن آیات دال بر خدا و بر امور آخرت است، چنانکه از صادق ع نقل شده که او به ابوحنیفه در جمله کلامش گفت: و من تو را نمی‌بینم که از کتاب خدا حرفی بشناسی. و هر کس به آنها به ایتام با بیعت و لویه متصل شود و اگر حروف تهجی را نخوانده باشد پس او عالم عارف است، و او منتفع به آیات و تفصیل آن است، زیرا که نظر او به اشیاء آفاقیه و انفسیه از حیث صدور آن از خدا و دلالت آن بر او می‌باشد. و چون اکل و شرب را برای آنها مباح نمود و آن را با اختصاص زینت و رزق‌های پاکیزه به آنها تاکید کرد اراده نمود که پیامبرش ص را امر کند به بیان محرّمات بالذات و موجبات برای حرمت مباحات بالعرض، برای بیان پاکیزه از غیر پاکیزه پس گفت تعالی: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» بگو نیست جز اینکه پروردگارم اعمال زشتی که از آن ظاهر می‌شود و آنچه پنهان

می‌گردد و گناه و بغی به غیر حق را حرام کرد و اگر به خدا شرک ورزید و اگر بر خدا چیزی که نمی‌دانید بگوئید برای آن سلطانی نازل نمی‌شود، پس تعالی به طریق حصر پنج چیز را ذکر کرد که به سه اصول محرّمات رجوع دارد. بدانکه خدا انسان را از نطفه ضعیفی که صورتش را حافظ نباشد خلق کرد، و در آن لطیفه سیّاره سالکه به خدا به قدم صدق بر طریق مستوی و خط مستقیم از جمادیت که نازلترین مرتبه موالید است به نباتیت سپس از آن به حیوانیت سپس به بشریت که ملکوت بین دو ملکوت سفلیه که دار شیاطین و اجنه و سجن متکبرین و معذبین از آدمیان می‌باشد است و علویه که آن دار ملایکه ذوی الاجنحه و دار سعدا و اصحاب یمین است، به ودیعه نهاد، پس چون علم او را به علم او و شعور او را به شعور او مستحکم کرد، و اراده او و اختیار او و تمیزش بین خیر و شرّ حقیقی تقویت شد مستعدّ قبول تکلیف و دعوت نبوی می‌شود، پس اگر توفیق ساعده او شد و دعوت نبوی را درک کرد و این دعوت را قبول نمود و منقاد تحت حکم داعی شد مسلمان گشته و بر توحید حقیقی و ایمان و قبول دعوت باطنی ولوی مشرف می‌گردد، و در این هنگام به اعتبار اشراف او بر ایمان و توحید مؤمن و موحد نامیده می‌شود. و اگر دعوت عامّ را درک نکرد، یا آن را قبول نکرد، یا بر مقتضای آن عمل نکرد، تا استعداد او قریب به دعوت خاصه باطل شود و طریق قلب و اماراتش و طریق توحید و علاماتش مخفی گردد، یا استعداد قریب او برای قبول دعوت خاصّه باطل نشود و استعداد قریب برای او برای آن باقی بماند و لکن از این قوه و استعداد به فعل خارج نشود و به عدّ و توجه گاه به آنچه استعدادش آن را اقتضاء می‌کند و طلب آنچه که او را دلالت می‌کند بر طریق قلب و از قوه به فعل خارجش می‌نماید، و گاهی بر آنچه که نفسش اقتضاء آن می‌کند و از مشتہیات حیوانیه تهوی می‌نماید، در این صورت مؤمن موحد نمی‌باشد نه حقیقتاً و نه مجازاً، بلکه زمانی که برای او آن استعداد قریب باقی نماند، کافر است، سواء اینکه به دینی و کتابی و نیئی اقرار بکند و مسلمان و مؤمن نامیده شود یا اینکه اقرار نکند و کافر نامیده شود، یا مشرک است زمانی که بر او استعداد باقی بماند سواء اینکه به خدا در ظاهر صنم و کوبی و غیر آن دو شرک بورزد یا نورزد، و سواء اینکه به دینی و نیئی اقرار بکند یا نکند، و سواء اینکه با نیئی یا ولیئی به بیعت عامّه یا خاصّه بیعت کرده باشد یا نکرده باشد، و سواء اینکه به ائمه جور و مظاهر شیاطین اتصال یا اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد، و به همین معنی کفر و شرک در آیات به کفر به ولایت و شرک به ولایت تفسیر شده است و این دو غیر کفر و شرک ظاهری است برای جواز اتصاف مسلم و مؤمن به آن دو، و کافر به این معنی مطیع نفس و شیطان

است و افعال او جز از طاعت آن دو نیست و هکذا اخلاق او. و آن یا در قبح متناهی است به حیثی که شرع و عقل و عرف آن را قبیح می‌شمارند مانند زنا و لواط و سبیت مفرطه و شره مفرط از چیزی که هر کس آن را قبیح می‌شمارد و فاعل آن حین انجام آن را از مردم حتی از امثالش مخفی می‌دارد و فواحش نامیده می‌شود. و افعال جوارح که این چنین باشند فواحش ظاهری است، و رذائل نفس فواحش باطنی است. و به تحقیق بعضی افعال جوارح زمانی که عادت گشته باشد به حیثی که فاعل آن از خلق مخفی ندارد باطنی نامیده شوند مانند نکاح زوجه پدر که در جاهلیت بود، و مانند نکاح محارم که در بین هندی‌ها بوده، و مانند تجسس و غیبت و تهمت و تنابز به القاب با اینکه اشد از نکاح محارم است که در بین مسلمانان شایع است. زیرا که فاحشه بودن آن از نظرهای امثال فاعل آن مخفی است. و به تحقیق فاحشه که فاعلش آن را مخفی بدارد باطنی تفسیر می‌شود، مانند زنا و لواط و ظاهره‌ای که مخفی نمی‌کند مانند نکاح زوجه پدر، عکس آنچه ذکر شد، و بر آن وجهی است. یا در قبح غیرمتناهی است به حیثی که عقول جزئی از امثال او آن را قبیح نمی‌شمارد، و فاعلش از امثالش مخفی نمی‌دارد و آن اثم است مانند شرب خمر و نیند، یا به حیثی که عقول جزئی از امثالش خیر و مدح فاعل آن می‌شمارد و فاعل آن به اعلان آن مباحات می‌کند مانند حکومت‌ها و قضاوت‌های غیرشرعی که آن مثال قضاوت‌های شرعی و سایر مناصب شیطانی است که امثال او آن را از جهل تمناً می‌کند. و به عبارتی دیگر یا فاعلش و اخلاقش را به صورت افعال زنان یا به صورت افعال خنث و یا به صورت افعال مردان ظاهر می‌سازد. و به عبارتی دیگر فاعل آن در انظار جزئی مخطنه اما زنانه است یا مخطنانه یا مردانه است. و به این سه به فواحش و اثم و بغی اشاره شده است. و حاصل حصر اینکه انسان یا کافر یا مشرک یا کفر و شرک حقیقین است یا مؤمن است، و کافر، جمیع آنچه که از او صادر می‌شود قولاً یا فعلاً یا خلقاً بر او محرّم است زیرا که آن تابع کفر محرّم است و آن بر سه قسم منقسم می‌شود و از ذکر کفر تنها به آنچه که برای استلزام آن ذکر شد اکتفا کرد و شمول آن محرّمات مشرک و مؤمن از حیث کفر است، و برای مشرک جهت کفر و جهت ایمان است، و آثار آن از حیث کفر ملحق به آثار کفر است و از حیث ایمان به ایمان. و مؤمن، آثارش از حیث ایمان برای او حلال است مگر نسبت قولی به خدا بدون علم بر تفصیلی که می‌آید و چون مراد به بغی مطلق تبسّط و حکومت و ریاست باشد او تعالی با قولش بغیر الحق آن را از بغی بغیاً مقید نمود، استطال و عدم احتیاج به جعل قید بیاناً خلاف ظاهر است و قید اشراک به ما لم ينزل به سلطاناً اشاره دارد به اینکه مراد به شرک به خدا شرک به ولایت

و شرک به ولایت تکوینیه است یا به مرمت معاش یا تلذذ نفس، و آن دو اگر از جهت امر الهی باشد چون سلطانی به آن نازل نشود شرک به خدا نمی‌شود. و شرک به ولایت تکلیفیه اگر به اشراک از امر امام ع باشد به اتباع او اشراک به خدا چون سلطانی بر آن نازل نشود نمی‌باشد و شرک به خدا حلاً و شهوداً نیست مگر اشراک به ولایتین، پس تقیید اینجا ایضاً در محل آن است و حاجتی به تکلفاتی که آن را مرتکب شده‌اند نیست و موحد حقیقی یا مشرف بر توحید است یا اینکه قول او و فعل او و خلق او و اعتقاد او از حیث توحیدش است یا از حیث توحیدش و ایمانش نیست. پس آنچه از حیث ایمان باشد پس آن حلال است: «کفر گیرد ملتی ملت شود» و آنچه که از حیث ایمان نباشد پس آن ملحق به افعال کافر و اخلاق او است لکن مؤمن به قوت محبتش یا از وجدانش و شهودش یا از عادت سابقی که از سهولت خطاب در گفتن چیزی که از عالم وقتش اخذ نکرده بر زبانش جاری شود و آن را از شهودش و وجدانش یقین نداشته یا یقین داشته لکن موافق حالش نباشد یا موافق حال شنونده بحسب وقت و مکان نباشد، پس خدای تعالی از آن نهی کرد، و اگر از حیث ایمانش باشد پس بنابراین تقدیر قول او تعالی «ما لا تعلمون»، «ما لا تعلمون عینه او وقته، او مستمعه، او موافقه لحاکم» (آنچه را که عین آن یا وقت آن یا مستمعش یا موافقتش با حاکم است را نمی‌دانید) می‌شود، و چون ائمه جور متحقق به این محرّمات هستند و گذشت که این محرّمات ذاتی آنهاست تفسیر آن به ائمه جور صحیح است، و در بعضی اخبار به سلاطین از بنی امیه و سایر ولایات جور تفسیر شده است. و از صادق نقل است که همانا قرآن دارای ظاهر و باطن است، پس جمیع آنچه که در قرآن خدا حرام کرده همان ظاهر و باطن از آن ائمه جور است و جمیع آنچه که خداوند در کتاب حلال کرده همان ظاهر و باطن از آن ائمه حق است. و سر آنچه ما گفتیم از اینکه ائمه جور متحققین متجوهرین به جمیع محرّماتند، و ائمه حق متحققین و متجوهرین به جمیع محلاتند. و از او ع در بیان «ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون» است که: ای تو و دو خصلت است که هلاک شد کسی که هلاک شد، ای تو به رأی خودت فتوا دهی و به آنچه که نمی‌دانی دین برداری، و در روایتی است: که دین خدا را به باطل برداری و به مردم فتوا دهی به آنچه که نمی‌دانی. و غرض اینکه همانا اعتقاد و فتوا اگر به وحی یا تحدیث نباشد و نه به تقلید صاحب وحی و تحدیث، پس آنها «قول علی الله بما لا يعلم» است. پس وای و سپس وای بر کسی که در دینش به رأیش استبداد نماید بدون اینکه از اهلس اخذ کرده باشد، و بر کسی که بدون علم و اخذ از صاحب وحی و تحدیث مردم را فتوا دهد حیث اینکه خداوند او را با کافر و مشرک قرین

گردانیده.»

بلکه همانطور که در سوره بقره می‌فرماید: «و اگر توجه کنید اصل اموال شما متعلق به شماست نه ستم کنید و نه ستم پذیرید». به عبارت دیگر این اصل از لحاظ ابعاد اقتصادی شرایط تعادل و قیمت بازار در مکانیزم عرضه و تقاضا را در اقتصاد مطرح می‌نماید که یکی از مفاهیم اساسی اقتصادی است. اگر دولت اقدام به قیمت گذاری کالا یا خدمت نماید عملاً منابع و سود تجارت یا تولید را از گروه تولیدکننده و فروشنده به گروه مصرف‌کننده و خریدار منتقل می‌نماید و این ظلم به تولیدکننده و عرضه‌کننده تلقی می‌گردد.

## موافقتنامه کشاورزی

در دور اروگوئه، کشاورزی تحت شمول قواعد عمومی تجارت سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. موافقتنامه کشاورزی حول سه محور اصلی زیر می‌باشد:

۱. دسترسی به بازار: لغو موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه و حفظ دسترسی جاری و برقراری حداقل دسترسی و کاهش نرخهای تعرفه کالاهای کشاورزی از جمله توافقیها می‌باشد.
۲. حمایت داخلی: حمایت‌های سبز که مجاز شمرده می‌شوند. حمایت‌های کاهش یابنده موسوم به حمایت‌های زرد باید در بخش کشاورزی هر کشوری محاسبه و در طول زمان کاهش پیدا کنند.
۳. یارانه‌های صادراتی: حمایت‌های یارانه‌ای از صادرات در بخش کشاورزی باید محاسبه و در طول زمان کاهش یابند.

در زمینه کشاورزی بر اساس موافقتنامه مربوطه، یارانه‌ها و حمایت‌های داخلی برای کشورهای در حال توسعه باید به میزان ۱۴ درصد و یارانه‌های صادراتی به میزان ۲۴ درصد کاهش یابند، و تنها حمایت‌هایی که آثار اختلالی بر تجارت یا تولید نداشته باشند از کاهش معاف هستند. به علاوه بر اساس ماده ۱۵ موافقتنامه کشاورزی (رفتار ویژه و متمایز) کشورهای در حال توسعه عضو مجاز شده بودند تعهدات مربوط به کاهش را در دوره‌ای حداکثر ۱۰ ساله به اجرا بگذارند. در حال

حاضر این شرایط منوط به مذاکرات است.

در دور دوحه مذاکرات بسیاری در بخش کشاورزی صورت گرفت. کاهش یارانه‌های صادراتی کشاورزی یکی از مباحث مهم این مذاکرات در بخش کشاورزی بود که به دلیل عدم توافق کشورهای در حال توسعه هنوز مورد موافقت قرار نگرفته است و در حال حاضر در دستور بررسی برای تصمیم‌گیری قرار دارد. موافقت‌های اولیه در دور دوحه در سال ۲۰۰۴ حاکی اقدامات عمده‌ای در جهت کاهش و حذف یارانه‌های کشاورزی در بین کشورهای متعاقد بوده است.

سیاست‌های حمایتی خاصی از جمله قیمت‌های تضمینی جهت خرید محصولات اساسی، حفظ و تثبیت حداقل قیمت‌ها، بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق اعطای یارانه‌های متعدد مبارزه با آفات و بیماری‌ها، وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی بر محصولات کشاورزی و وارداتی و غیره در بخش کشاورزی از جمله موارد مهم قابل طرح در این بخش می‌باشد.

زمینه مشوق‌های تولیدی کشاورزی قوانین و مقررات مختلفی در کشورها معمولاً به تصویب رسیده که بسیاری از آنان بطور مستقیم تولیدات بخش کشاورزی را حمایت می‌کنند و برخی دیگر بطور غیر مستقیم از طرق مختلف منجر به حمایت بخش کشاورزی می‌شوند. در بخش موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به برخی از این مشوق‌ها که بالاخص از طریق حمایت محصولات صنعتی بر بخش کشاورزی اثر خواهد گذاشت اشاره خواهیم کرد. این مشوق‌ها شامل مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های مشارکتی، مشوق‌های زیربنایی (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها می‌باشند که اغلب آنها در بخش کشاورزی هم اثر مستقیم و هم غیرمستقیم دارند.

در ارتباط با این موضوع باید به ممنوعیت احتکار بین‌المللی ارزاق و الزام خوراک‌رسانی به گرسنگان جهان اشاره نمود. گرسنگی یکی از پدیده‌های بارز قرون اخیر در سطح بین‌المللی است و در جهان میزان تلفات ناشی از گرسنگی از تلفات ناشی از حوادث بسیار بیشتر است.

خانوارها در کشورهای در حال توسعه به طور میانگین ۷۰٪ درآمدشان را صرف غذا می‌کنند و خانوارها در کشورهای صنعتی ۱۸٪-۱۵٪ درآمدشان را به غذا اختصاص می‌دهند. در یک برآورد

از ترکیب گرسنگان جهان ۷۰٪ را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. در حالی که زنان روستایی به تنهایی نیمی از غذای جهان و ۸۰٪-۶۰٪ غذا در اغلب کشورهای در حال توسعه را تولید می‌کنند.

بر اساس گزارشات سازمان ملل متحد، بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ شمار کودکانی که در کشورهای آفریقایی از کم وزنی مفرط رنج می‌برند، افزایش داشته است. کمبود ریزمغذی‌ها که یکی از عوامل اصلی کم وزنی مفرط کودکان است، یکی از اصلی‌ترین مشکلات بهداشتی جهان را تشکیل می‌دهد، زیرا کمبود ویتامین A و کم خونی ناشی از کمبود آهن و روی، احتمال مرگ زود هنگام کودکان و مادران، کاهش بهره‌دهی کودکان و تنزل قابل توجه کیفیت زندگی، بهره‌وری و رشد اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه به شدت افزایش داده است. کم خونی ناشی از کمبود آهن، حدود ۷۰٪ از مادران غیرباردار در هند و بیش از ۵۰٪ از زنان منطقه صحرای آفریقا را رنج می‌دهد. کمبود ویتامین A نیز بر سیستم ایمنی ۴۰٪ از کودکان زیر پنج سال کشورهای در حال توسعه اثر گذاشته و بطور معمول سالانه به مرگ یک میلیون کودک در این کشورها می‌انجامد. در برخی از کشورها، این آمارها بسیار ناامیدکننده‌تر هستند که از آن میان می‌توان به آمار ۴۰ درصدی کودکان هندی که از کمبود ویتامین A پیش از رفتن به مدرسه رنج می‌برند اشاره کرد.

آژانس برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد در اطلاعیه‌ای به مناسبت روز جهانی غذا با اشاره به شکسته شدن رکورد آمار گرسنگان جهان، بر این موضوع تاکید دارد که روند کمک‌رسانی غذایی اکنون در پایین‌ترین سطح خود در بیست سال اخیر قرار دارد، و این موضوع در حالی است که آمار گرسنگان جهان به دلیل تاثیر ترکیبی نرخ بالای مواد غذایی، بحران مالی جهانی و تغییرات الگوهای آب و هوایی رو به افزایش است.

مدیر اجرایی بانک جهانی<sup>۳۸</sup> در این ارتباط می‌گوید: امروزه توجه سیاست‌سازان جهانی بر بدبختیهای ناشی از بحران مالی متمرکز است. اما، بحران واقعی گرسنگی و سوءتغذیه است... ۷۵٪

<sup>38</sup> Ngozi Okonjo-Iweala

درصد مردم فقیر جهان روستایی هستند و زندگی بیشتر آنان وابسته به کشاورزی است و کشاورزی ابزار اساسی برای مبارزه با گرسنگی، سوء تغذیه و حمایت از کاهش فقر و توسعه پایدار است.<sup>۳۹</sup>

رئیس<sup>۴۰</sup> سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد در اعتراض به بی توجهی سازمانهای بین‌المللی به گسترش گرسنگی در جهان در یک حرکت نمادین در خرداد ۱۳۸۸ دست به اعتصاب ۲۴ ساعته در مقر فائو در رم زد. وی رئیس سازمان خوار بار و کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) به منظور فراخواندن سازمانهای بین‌المللی برای مبارزه با گسترش گرسنگی در جهان اعتصاب غذا کرد. وی با ابراز نگرانی از افزایش شمار گرسنگان جهان طی سالهای اخیر از همه مردم جهان خواست در این اعتصاب غذا شرکت کنند. دیوف اظهار داشت که ما از تمام منابع طبیعی و تکنیکی برای از بین بردن گرسنگی در جهان برخورداریم و اینکه چنین اقدامی انجام نمی‌شود، تنها دلایل سیاسی دارد.

در کشور آمریکا میزان خوراکی که زباله می‌شود برابر با ۳۰٪ غذای مصرفی آن کشور است و میزان آن در سال ۲۰۰۸ میلادی ۴۸/۲ میلیارد دلار برآورد شده است. سهم بسیاری از رقم فوق مربوط به زباله‌های غذایی رستورانها و هتل‌ها و قهوه‌خانه‌ها و کافه‌تریاهای مدارس و دبیرستانها و دانشگاه‌ها و نهارخوری‌های محل‌های کار می‌باشد.<sup>۴۱</sup> این زباله‌ها همگی ناشی از اسراف در استفاده مواد غذایی بیش از نیاز مصرفی است که مازاد آن بصورت زباله ناچاراً دور ریخته می‌شود. بطور کلی خرید و نگهداری مواد غذایی بیش از اندازه مصرف خود موجب هزینه‌های دیگری از قبیل حمل و نگهداری برای مصرف کنندگان نیز می‌شود که معمولاً از نظر دور می‌افتد. در این ارتباط باید گفت براساس آمار منتشره فقط ۱۸/۷٪ از مصرف انرژی جهان فقط صرف یخچالها برای حفظ مواد غذایی می‌گردد.<sup>۴۲</sup>

سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) در گزارش بررسی چشم انداز تولید مواد غذایی در سال ۲۰۵۰ برای جمعیت ۹ میلیارد نفری کره زمین سونامی گرسنگی را پیش بینی کرده است. در

<sup>۳۹</sup> All-Africa Global Media, February 19, 2008.

<sup>۴۰</sup> ژاک دیوف

<sup>۴۱</sup> Robin Shreeves, The Shocking Statistics of Food Waste (and How to Keep Your Contribution to the Problem at a Minimum) Published on August 25th, 2008, Home & Garden.

<sup>۴۲</sup> <http://www.refrigeratorsaver.com/>



این گزارش آمده که برای غلبه بر بحران سال ۲۰۵۰ باید قوانین و چارچوب اقتصادی اجتماعی بر جوامع تغییر یابد تا از عدم توازن و نابرابری در توزیع محصولات کشاورزی پرهیز شود در نیمه نخست قرن ۲۱ نیاز به غذا دو برابر شده، شرایط آب و هوایی کاملاً تغییر یافته، دمای کره زمین افزایش یافته، ظرفیت تولید محصول کاهش یافته، و در عین حال تقاضای مردم برای غذا بیشتر می‌شود و چنانچه فکر اساسی برای رفع این معضل اتخاذ نشود بحران گرسنگی حتمی خواهد بود. بررسی‌های فائو نشان می‌دهد برای تغذیه جهان ۹ میلیارد نفری در سال ۲۰۵۰ لازم است تولید محصولات کشاورزی تا آن زمان ۷۰ درصد افزایش یابد و این افزایش بیشتر باید در زمینه محصولات حیاتی و استراتژیک مانند غلات باشد. یکی از مواردی که گزارش فائو تصریح می‌دارد وضع قانون توزیع برابر غذا و منابع است. بر اساس گزارش فائو تولید غلات تا آن زمان باید حدود یک میلیارد تن افزایش یابد در حالی که تولید کنونی ۲/۱ میلیارد تن است و همچنین تولید گوشت از ۲۰۰ میلیون تن باید به حدود ۴۷۰ میلیون تن در سال ۲۰۵۰ برسد و ۷۲ درصد این میزان در کشورهای پیشرفته به مصرف می‌رسد و اکنون این مصرف در کشورهای توسعه یافته ۵۸ درصد از کل تولید است. گزارش فائو تصریح می‌دارد که برای رفع گرسنگی در سال ۲۰۵۰ باید سرمایه‌گذاری در کشاورزی پایه به عنوان یک نیاز تا سال ۲۰۵۰ حدود ۶۰ درصد افزایش یابد.

منشور حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ گرسنه نماندن و عدم سوء تغذیه را جزء لاینفک حقوق بشر شناخته و در سال ۱۹۸۹ در کنوانسیون حقوق کودکان این اصل مورد تأیید مجدد قرار گرفت در صورتی که هنوز سازمان ملل متحد و جامعه جهانی اقدامی پایان دهنده برای این معضل جهانی ننموده است.

از موارد مداخله دولت در حقوق مالی افراد ممنوعیت احتکار ارزاق عمومی در سالهای قحطی است. و این مورد فقط به ارزاق عمومی و آن هم در سالهای خشکسالی محدود می‌شود که در این زمان دولت مجاز به شکستن انبارها و توزیع ارزاق عمومی در میان مردمان است و چنانچه این شرایط نباشد مجاز به این کار نیست. و در اینکه ارزاق عمومی در چیست غالب نظرات فقهی به مسئله احتکار گندم که رزق عمومی افراد جامعه برای بقای آنان در هنگام قحطی است منحصر می‌شود. البته رزق عمومی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد مثلاً در کشور مکزیک

ذرت به عنوان رزق عمومی تلقی می‌شود که در آنجا در عوض نان گندم از نان ذرت ارتزاق می‌شود.

قرآن کریم تَبْدِير به مفهوم مصرف بیش از اندازه را در آیات زیادی مذموم دانسته و می‌فرماید: «و اوست که باغهای داربست زده و بدون داربست و خرما بن و کشتزارها که میوه آنها متفاوت است و زیتون و انار همگون و ناهمگون آفرید. از میوه‌های آن، چون میوه آورد، بخورید و حق خدا را روز برداشت بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد».<sup>۴۳</sup> حق خداوند در روز برداشت مسلماً به پرداخت حقوق الهی نظیر زکات برمی‌گردد که اعطای مال به مسکین و ینویان جزء آن است؟ در سوره اسراء می‌فرماید: «حَقَّ خَوِشَاوَنَد و مسکین و راه‌مانده را اداکن و هیچ اسراف مکن. اسراف کاران با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود.»<sup>۴۴</sup> پر واضح است که ابناء بشر خویشاوندانند و مفهوم خویشاوند در این آیه به همه انسانهای کره زمین معطوف می‌گردد. و این آیه در مال افراد حقی برای خویشاوند قرار داده و همچنین است برای مسکین. و تفاوتی در مسکین آسیایی یا آفریقایی یا آمریکایی یا اروپایی نیست. مسکین هر جا که باشد نیازمند است و باید حق او را که خداوند در اموال اغنیاء قرار داده به او مسترد گرداند. و می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید و از حد نگذیرید که او اسراف کنندگان را دوست نمیدارد».<sup>۴۵</sup>

این موضوع می‌طلبد تا نظام جهانی براساس فرموده خداوند متعال راه حلی اساسی در این ارتباط را در صدر مسائل سیاست‌گذاری بین‌المللی قرار دهد. اخلاقاً دور از شأن بشریت است که عده‌ای ۳۰٪ از خوراک خود را به دور بریزند و عده‌ای به دلیل عدم دسترسی به غذا از گرسنگی و سوء تغذیه رنج برند و هلاک شوند.

آژانس برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد در اطلاعیه‌ای به مناسبت روز جهانی غذا با اشاره به شکسته شدن رکورد آمار به آژانس برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد در گزارش پاییز خود

<sup>۴۳</sup> سوره انعام، آیات ۱۴۳-۱۴۲. «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

<sup>۴۴</sup> سوره اسراء، آیات ۲۷-۲۶، «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا. إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا».

<sup>۴۵</sup> سوره اعراف، آیه ۳۱. «وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

تصریح می‌دارد که در سال جاری قرار بود آژانس به ۱۰۸ میلیون نفر در ۷۴ کشور جهان کمک‌هایی غذایی برساند، ولی به دلیل کسری بودجه سهمیه غذا برخی از کشورها را کاهش داده و برخی دیگر را به حالت تعلیق درآورده است. و در حال حاضر تنها ۹/۲ میلیارد دلار از بودجه ۷/۶ میلیارد دلاری این آژانس در سال ۲۰۰۹ توسط کشورهای اهداکننده تامین شده است. با یک تناسب ساده می‌توان پی برد که میزان اسراف مواد غذایی فقط در آمریکا که حدود ۴۸/۲ میلیارد دلار در سال گذشته بوده است می‌توان حدود ۷۷۵ میلیون نفر از گرسنگان جهان را غذا داد و اگر به رقم فوق اسراف در مصرف مواد غذایی سایر کشورهای صنعتی نظیر اروپا و ژاپن و کشورهای پردرآمد نفتی را بیافزاییم کاملاً واضح خواهد بود که میزان اتلاف و اسراف مواد غذایی در حد چند برابر غذایی است که گرسنگان و افرادی که دچار سوءتغذیه هستند محتاج به آن هستند.

متأسفانه خوراک به عنوان کالایی مانند سایر اجناس در نظر گرفته می‌شود و تمایزی میان نیازهای اساسی و کالاهای لوکس وجود ندارد. اغنیا هر چیزی را می‌توانند خریداری کنند در حالی که فقرا اغلب از خرید نیازهای اساسی‌شان نیز ناتوان هستند. انسان‌ها نیاز بیولوژیک به غذا دارند و این موضوع متفاوت از نیازهای ثانویه آنان به سایر چیزها می‌باشد. یعنی برای ادامه حیات درست مانند نیاز به آب و هوا نیاز به غذا دارد در صورتی که غذا در ردیف سایر کالاها در بازار عرضه می‌شود. در چنین شرایطی، تعدادی از مردم، علاوه بر افرادی که بر اثر گرسنگی شدید ناشی از جنگ‌ها و آوارگی‌ها می‌میرند، جانشان را بر اثر قحطی و عدم دسترسی به غذا از دست می‌دهند. افراد زیادی دچار سوءتغذیه و گرسنگی مزمن و بیماری‌های ناشی از آن می‌شوند؛ طول عمرشان کوتاه می‌شود و درد و رنج بیشتری می‌کشند و رشد پائین فکری و جسمانی کودکان، آینده آنان و جامعه سرزمین‌های فقیر را تهدید می‌کند.<sup>۴۶</sup> این موضوع به معنی این است که بشریت بخشی از نیرو و منابع انسانی خود را از دست می‌دهد و موجب کاهش عرضه در اقتصاد می‌گردد. این موضوع از مفهوم این آیه نیز قابل استنباط است که می‌فرماید<sup>۴۷</sup>: «ما از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما قرار دادیم بخورید و در آن زیاده روی نکنید که غضب من بر شما مباح می‌شود و هر که غضب من بر او حلول کند هلاک شده است».

<sup>۴۶</sup> Fred Magdoff, The World Food Crisis: Sources and Solutions, Monthly Review, May 2008.

<sup>۴۷</sup> سوره طه آیه ۸۱: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى».

احتکار ارزاق عمومی و یا شیوه‌های متداول در جلوگیری از کاهش قیمت ارزاق مثلاً با روش‌هایی چون از بین بردن محصول یا با کاستن از سطح زیر کشت جهت کاهش عرضه و نتیجتاً افزایش قیمت در اسلام جایز نیست و در صورتی که مردم گرسنه باشند حاکم شرع مجاز است که فرمان دهد انبارها را باز کنند و قوت مردم را به آنها دهند. با توجه به چنین موضوعی به طریق اولی خود دولت اسلام حق ندارد آذوقه و ارزاق عموم مردم چه داخلی و چه خارجی را احتکار نماید و آنها از قحطی و گرسنگی تلف شوند.

در باب این موضوع در قرآن کریم در سوره یوسف می‌خوانیم که یوسف ع «دستور فرمود تا هفت سال پی در پی بکارید و هرچه می‌دروید جز اندکی که می‌خورید با خوشه انبار کنید از آن پس هفت سال سخت می‌آید و در آن هفت سال آنچه برایشان اندوخته‌اید بخورند مگر اندکی که نگه می‌دارید...» و چون «برادران یوسف آمدند و بر او داخل شدند آنها را شناخت و آنها نشناختندش چون بارهایشان را مهیا ساخت، گفت برادر پدریتان را نیز نزد من بیاورید آیا نمی‌بینید که پیمان را کامل ادا می‌کنم و بهترین میزبانم....» (و به مردان خود گفت: سرمایه‌شان را در بارهایشان بنهید، باشد که چون نزد کسانشان باز گردند و آن را ببینند شاید باز آیند.) این آیات دلالت بر این دارد که حضرت یوسف رزق کسانی را که بیشترین ظلم را به او کرده بودند و متعلق به سرزمین دیگری بودند در زمان قحطی به پیمانه کامل داد. در آن زمان یوسف عزیز مصر بود و واردشدگان از سرزمین دیگری یعنی کنعان به مصر آمده بودند. به عبارت دیگر یوسف ع بر خود فرض می‌دانست که رزق آنها را بدهد و این رزق را بر اساس هر فرد پرداخت فرمود یعنی برای رفع نیاز ارزاق آنها، چون در آیات بعد که برادران درخواست می‌کنند تا بنیامین را نیز همراه خود ببرند دلیل می‌آورند که «برای کسان خود غله بیاوریم و برادرمان را حفظ کنیم و بار شتری افزون گیریم که آنچه داریم اندک است.» از این آیات معلوم می‌شود که حضرت یوسف بازاء فرد رزق تقسیم می‌نمود و جمله آخر که «آنچه داریم اندک است» معلوم است که سهم هر فرد فقط کفاف حداقل معیشت کسان و اهل خودش را می‌کرده و چون برادران یوسف بنیامین را نبرده بودند ابراز می‌کنند که غله دریافتی اندک و کمتر از معیشت همگی آنهاست. از طرف دیگر می‌فرماید: «چون بار خود گشودند دیدند که سرمایه‌شان را پس داده‌اند» یعنی هزینه دریافت غله به آنها بازگردانده شده بود. از مجموع این آیات می‌شود استنباط نمود که چنانچه مردم در هر جای جهان دچار تنگی رزق باشند وظیفه همگانی است که بدون توجه به ملیت و دین و مذهب به قدر معیشت آنان و بدون دریافت پول یا

عوض اقدام به اعطای خوراک به آنان نماید.

از لحاظ اقتصادی بر خلاف نظریه‌های عامیانه و از لحاظ نظریات تخصصی اقتصاد خرد و تجارت بین‌الملل می‌توان با توسل به ریاضیات ثابت نمود که نفع انسانها در تعالی جملگی بشریت است.

### موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی

هدف این موافقتنامه<sup>۴۸</sup> ایجاد شرایط لازم برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. این موافقتنامه شامل مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که به اعضا اطمینان می‌دهد که اقدامات تجاری بهداشتی اتخاذ شده موجه بوده و در برگیرنده موانع غیرموجه برای تجارت بین‌المللی نیست.

این موافقتنامه کشورهای عضو را وادار به تبعیت از استانداردهای واحدی نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کشورها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی خود استانداردهای مناسبی برای حفاظت از بهداشت و حیات انسان و حیوان و نبات بکار گیرند. اما در عین حال از این کشورها می‌خواهد نسبت به رعایت شفافیت و اطلاع رسانی مناسب به اعضا در مورد استانداردها و مقررات فنی خود اقدام نمایند. علاوه بر این از کشورهای عضو درخواست شده برای استانداردهای خود مبنای علمی قابل دفاع در نظر بگیرند.

در واقع سؤال مورد نظر آن است که از کجا می‌توان مطمئن شد که غذاهایی که وارد یک کشور شده و به دست مصرف کنندگان می‌رسد از سلامت کافی برخوردار است و از کجا می‌توان مطمئن شد که محدود کردن واردات به بهانه سلامتی مواد غذایی و گیاهی به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی وضع نشده است. موافقتنامه بهداشت مواد غذایی، حیوانات، گیاهان و استانداردها (SPA, SPS)<sup>۴۹</sup> قوانین مربوطه را روشن می‌سازد. این موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که استانداردهای خود را وضع نمایند اما در عین حال این استانداردها باید علمی باشند و تا حدی وضع شوند که برای سلامت انسان، حیوان و گیاه لازم هستند و نباید بین کشورها تبعیض

<sup>48</sup> [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)

<sup>49</sup> Sanitary and Phytosanitary Agreement.

قائل شوند. کشورهای عضو تشویق شده‌اند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند، با این وجود در صورتی که مایل باشند می‌توانند از اقداماتی که استانداردهای بالاتری را تأمین می‌کند استفاده کنند. ماده ۷-۵ از موافقتنامه<sup>۵۰</sup> SPS اقدامات موقتی احتیاطی<sup>۵۱</sup> را مجاز می‌داند. همچنین موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که از استانداردهای متفاوت و روش‌های مختلف برای بازرسی کالاها استفاده شود. پس چگونه یک کشور می‌تواند مطمئن شود که عملیاتی را که برای محصولاتش بکار می‌برد برای کشور واردکننده قابل قبول باشد؟ در صورتی که یک کشور صادرکننده بتواند نشان دهد که اقداماتی که بکار می‌برد برای صادرات دارای همان سطح و استاندارد قابل قبول سلامتی در کشور واردکننده باشد در این صورت انتظار می‌رود که کشور واردکننده استانداردهای کشور صادرکننده را بپذیرد. دولت‌ها باید هر گونه تغییر در مقررات سلامتی و بهداشتی را از قبل اعلام کنند.

این موافقتنامه اعضای را ترغیب نموده تا از استانداردهای بین‌المللی و مقررات فنی هماهنگ استفاده کنند ولی آنها را مکلف به تبعیت از این استانداردها نمی‌نماید. توصیه به رعایت قواعد کمسیون تنظیم مجموعه قوانین مواد غذایی (CODEX) و توصیه به مشارکت در دفتر بین‌المللی بیماریهای مسری حیوانی (OIDE) و کنوانسیون بین‌المللی حفظ نباتات از این جمله است.

در موافقتنامه تصریح شده که کشورها مادامی که توجیه و ادله منطقی برای این اقدامات و استانداردهای حمایتی داشته باشند نمی‌توان از آنها جلوگیری نمود. همچنین از کشورها خواسته شده که نه تنها از انطباق اقدامات منطقی خود در این زمینه‌ها با مفاد این موافقتنامه اطمینان حاصل کنند، بلکه اقدامات دستگاه‌های غیر دولتی نیز باید با این موافقتنامه سازگار باشد. در موافقتنامه موانع فنی تجارت کمیته‌ای برای تحقق اهداف موافقتنامه و نیز مشورت میان اعضای پیش‌بینی شده است. موافقتنامه، شامل فرآیندهای تولید نیز می‌شود و تعریف جدیدی از مقررات فنی نظیر روش‌های استاندارد پردازش و تولید و همچنین گسترش دامنه اقدامات زیست محیطی را ارائه می‌نماید.

دستگاه‌ها و سازمان‌های داخلی کشورها معمولاً در این زمینه عمل می‌نمایند. تعیین، تدوین و نشر

<sup>50</sup> Sanitary and Phytosanitary Measures

<sup>51</sup> Precautionary Measures

استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوطه از وظایف این سازمان‌ها می‌باشد.

سیاست‌های نظارتی در اسلام در جهت جلوگیری از غش در معامله می‌باشد و نه مداخلات اقتصادی. در اقتصادهای فعلی به دلیل تنوع بسیار زیاد کالاها و تخصصی بودن نظارت بر صحت کالاها و معاملات از لحاظ استانداردهای مختلف صنعتی، بهداشتی و کیفیت، این موضوع نیازمند دستگاههای نظارتی خاص است. حقوق معاملات در اسلام و جوب سلامت معاملات را از لحاظ ممنوعیت کم فروشی و یا گران فروشی یا غش در معامله در انواع مختلف آن که در فقه مسطور است را الزامی می‌داند و آیات مختلفی در قرآن کریم این موضوع را تصریح می‌نمایند. احادیث و اخبار نیز حکایت از لزوم نظارت دولت اسلام بر حسن انجام معاملات دارد. برای مثال می‌نویسند که امیرمؤمنان تازیانه‌ای در دست داشت و در بازار قدم می‌زد و اگر کسی کم فروشی می‌کرد یا در تجارت غش می‌نمود تنبیه می‌فرمود.

### موافقتنامه منسوجات و پوشاک

منسوجات و پوشاک از جمله بخش‌های صنعتی است که برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیاری دارد. هنگامی که کشورهای در حال توسعه و نیز ژاپن در اوائل دهه ۱۹۶۰ بتدریج وارد بازارهای جهانی محصولات پنبه‌ای شدند، آمریکا و متعاقب آن دیگر کشورهای توسعه یافته به منظور حمایت از صنایع داخلی خود درصد برآمدند که ترتیبات معینی را بر تجارت جهانی این محصول حاکم کنند که به آنها اجازه می‌داد ضمن اعمال محدودیت‌های کمی بر واردات منسوجات و پوشاک از این کشورها، از انجام برخی تعهدات خود در قبال گات‌شانه خالی کنند.

از زمان عقد موافقتنامه بین‌المللی منسوجات پنبه‌ای در سال ۱۹۶۱ که بعدها در سال ۱۹۷۴ به موافقتنامه ناظر بر تجارت بین‌المللی منسوجات یا ترتیبات الیاف چندگانه تغییر نام یافت. تاکنون در چندین مرحله کالاها و کشورهای تحت پوشش این موافقتنامه افزایش پیدا کرده است. در ابتدا تنها منسوجات پنبه‌ای تحت پوشش موافقتنامه قرار داشت، بتدریج الیاف مصنوعی و پشمی نیز مشمول آن قرار گرفت و در سال ۱۹۸۶ به تمامی الیاف نباتی و ابریشمی هم تسری پیدا کرد. در حال حاضر تمامی الیاف (به جز چند استثناء) تحت پوشش ترتیبات الیاف چندگانه قرار دارند. این ترتیبات نه

تنها فرصت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه را محدود می‌کند، بلکه بر رفاه مصرف‌کنندگان در ممالک توسعه یافته نیز اثر منفی دارد. مذاکرات قبلی گات برای توقف این تبعیض، به لحاظ فشار گروه‌های ذینفوذ حامی صنایع داخلی در ممالک توسعه یافته، قرین موفقیت نبود. طی مذاکرات کندی و توکیو، علیرغم فشارهای زیادی که ممالک در حال توسعه برای حذف یا کاهش موانع و سهمیه‌های وارداتی بر ممالک توسعه یافته وارد آمد، با این حال مقاومت‌های سیاسی در آمریکا و جامعه اروپا به حدی بود که هرگونه اقدام در جهت کاهش حمایت‌ها به نفع کشورهای در حال توسعه را عقیم ساخت. از این رو متوقف کردن این رژیم تجاری تبعیض‌آمیز، هدف عمده بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور اروگوئه بود.

هدف این موافقتنامه<sup>۵۲</sup> آزادسازی تجاری بازار منسوجات و پوشاک می‌باشد. تا قبل از تدوین این موافقتنامه، بازار جهانی منسوجات و پوشاک عمدتاً تحت «ترتیبات الیاف چندگانه»<sup>۵۳</sup> اداره می‌شد که هدفش فرصت دادن به کشورهای توسعه یافته برای مقابله با تولیدات ارزان قیمت کشورهای در حال توسعه و رفع مشکلات داخلی این صنایع بود. این ترتیبات ابتدا به صورت کوتاه مدت و تنها با شمول محصولات نخی آغاز شد و دامنه شمول آن به انواع الیاف و محصولات و کشورهای واردکننده توسعه یافته و صادرکننده در حال توسعه گسترش یافت. ترتیبات موافقتنامه الیاف چندگانه (MFA) به نفع کشورهای توسعه یافته تبعیض‌آمیز می‌باشد.

موافقتنامه منسوجات و پوشاک در حقیقت یک چارچوب حقوقی برای توقف ترتیبات الیاف چندگانه و ادغام تجارت جهانی منسوجات و پوشاک در گات ۱۹۴۴ طی یک دوره انتقالی ۱۰ ساله و تسری دادن همان اصول و قواعد حاکم بر تجارت سایر کالاها بر تجارت منسوجات و پوشاک است. طبق این موافقتنامه تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت موظفند محدودیت‌های موجود بر تجارت این محصولات را طی یک دوره ۱۰ ساله برطرف سازند. طبق موافقتنامه منسوجات و پوشاک، کالاهای مشمول محدودیت‌های الیاف چندگانه باید طی ۴ مرحله و بر حسب درصدهای ثابتی تحت اصول و قواعد گات قرار گیرند. در ماده ۶ موافقتنامه یک مکانیسم حفاظتی پیش‌بینی شده که طبق آن در صورتی که واردات منسوجات و پوشاک موجب خسارت جدی بر صنایع داخلی کشور واردکننده گردد، می‌توان طی دوره انتقال، محدودیت‌های جدیدی

<sup>52</sup> Agreement of Textile and Clothing (ATC).

<sup>53</sup> Multi Fibre Arrangement (MFA).



بر واردات وضع نمود.

این موافقتنامه در چهار مرحله اقدام به رفع محدودیت سهمیه بندی و کاهش تعرفه در مورد اقلام مشمول می‌نماید تا نهایتاً بازار این محصولات طبق مقررات گات اداره گردد. براساس این موافقتنامه از اول ژانویه ۲۰۰۵، کلیه اقلام باید مشمول آزادسازی قرار گیرند.

## موافقتنامه موانع فنی راه تجارت

مقررات فنی و استانداردهای صنعتی بسیار مهم هستند اما از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. داشتن استانداردهای متفاوت تجارت و تولیدکنندگان را با مشکل مواجه می‌سازد. به علاوه چنانچه استانداردها به طور دلخواه وضع شوند می‌توانند به عنوان بهانه‌ای برای حمایت از صنایع داخلی وضع شده و مانعی برای توسعه تجارت باشند.

این موافقتنامه<sup>۵۴</sup> ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند. به عبارت دیگر مقررات فنی نباید بیش از حدی که برای تحقق یک هدف مشروع ضرورت دارد، محدود کننده تجارت باشند به عبارت دیگر موافقتنامه موانع فنی تجارت<sup>۵۵</sup> سعی بر آن دارد که استانداردها و مقررات فنی منجر به ایجاد موانع غیرضروری تجاری نشود. این موافقتنامه برای کشورها این حق را قائل می‌شود که استانداردهای مورد نظر خود را وضع تا منافع مصرف‌کنندگان را تأمین کنند. به علاوه اعضا از اتخاذ اقدامات لازم برای تأمین استانداردها منع نشده‌اند. اما برای آن که از تنوع بسیار زیاد مقررات فنی جلوگیری شود موافقتنامه کشورهای عضو را ترغیب می‌کند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند - در صورتی که این استانداردها مناسب هستند - اما آنها را ملزم به تغییر در میزان حمایت‌های داخلی نمی‌کنند. به علاوه موافقتنامه اذعان می‌دارد که پروسه‌هایی که برای تعیین آنکه آیا یک کالا با استانداردهای داخلی تطابق دارد یا خیر باید عادلانه و قابل اعمال باشد و هرگونه پروسه‌ای را که به کالاهای داخلی مزیت غیرعادلانه بدهد نامطلوب می‌داند. همچنین موافقتنامه کشورها را تشویق می‌کند که پروسه تست و آزمون استاندارد در کشورهای دیگر را مورد ارزیابی

<sup>54</sup> [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)

<sup>55</sup> Technical Barriers to Trade Agreement (TBT)

قرار دهند. تولیدکنندگان و صادرکنندگان باید از آخرین استانداردهای موجود در بازار آگاه باشند و تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ملزم به تأسیس مراکزی بر آزمون استانداردهای کالاهای وارداتی هستند.

اثرات منفی رشد مقررات فنی و استانداردها در کشورها بر تجارت بین‌الملل از جهت تحمیل هزینه‌های رعایت این استانداردها باعث شد که در دور توکیو موافقتنامه چند طرفه موانع فنی تجارت امضاء گردید. این موافقتنامه نحوه چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی را مشخص می‌نمود. در دور اروگوئه این موافقتنامه جامع‌تر شده و به موافقتنامه فنی فرا راه تجارت تبدیل گردید.

طبق ماده ۲۰ موافقتنامه گات هرگونه اقدام ضروری برای حفظ حیات، سلامت انسان، حیوان و نبات و همچنین هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین‌المللی ضرورت دارند مجاز دانسته شده است.<sup>۵۶</sup> مشروط به آنکه این اقدامات برای تبعیض و یا اقدامات حمایتی مورد استفاده قرار نگیرد. به علاوه دو موافقتنامه سازمان تجارت جهانی درخصوص سلامتی غذا و گیاهان و حیوانات و استانداردهای محصولات طراحی شده است.<sup>۵۷</sup>

سازمان تجارت جهانی اعضا را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند و همچنین این سازمان در تدوین یا نوشتن استانداردها نیز دخالتی ندارد بلکه این موافقتنامه درصدد است که مقررات فنی اجباری، استانداردهای سلیقه‌ای و آزمایش و صدور گواهی محصولات، باعث ایجاد موانع غیرضروری در تجارت نشوند. اصول اساسی این موافقتنامه به شرح زیر است:

۱. یکسان‌سازی مقررات و رویه‌ها
۲. رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی
۳. هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت
۴. تأییدیه متقابل

<sup>56</sup> [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)

<sup>57</sup> <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm>

۵. اجتناب از ایجاد موانع غیرضروری فراراه تجارت

۶. شفافیت

۷. مقررات ناظر بر حسن انجام کار

استانداردها، مقررات فنی، رویه‌های ارزیابی و غیره که در قوانین و مقررات استاندارد کشورها وجود دارد، در رابطه با موانع فنی تجارت، تنها در مواردی که با جریان تجارت ارتباط دارد حائز اهمیت می‌باشد. چنانچه توجیه منطقی برای اعمال استانداردهای اجباری ارائه گردد، طبق مفاد موافقتنامه مورد نظر، در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت نمی‌توان کشورها را از اعمال و رعایت این استانداردها بازداشت. نکته دیگر در مورد انطباق با مفاد موافقتنامه موانع فنی تجارت، این است که کشورها باید هر چه بیشتر استانداردها و مقررات فنی خود را با مؤسسات بین‌المللی استاندارد هماهنگ سازند.

در قرآن کریم در سوره شوری می‌فرماید: «امرشان بر شور بین آنهاست.»<sup>۵۸</sup> این یک قاعده کلی در تقنین است که اتخاذ تصمیم در امور به شورا واگذاشته شده است. دستور کلی عقلی تیز بر این است و حدود عرفی نیز مبین آن است. برای مثال در زمانی گنج زدن به دیوار (معروف به سفید کردن) در ایران مختص به اعیان و متمولین بوده ولی در زمان فعلی از لوازم بهداشت و الزامات معماری و از حداقل‌ها می‌باشد. کلیه استانداردها در این مقوله قابل بررسی است و طیف آنها بسیار وسیع است و معیارهایی که منطبق با معیار عقل است می‌تواند در اتخاذ تصمیم درباره مشروعیت این استانداردها رهنمون باشد. زیرا در اصل حکمت تشریح بسیاری از قوانین و رها نمودن و مباح گذاشتن بسیاری دیگر از موضوعات به دلیل همین موضوع بوده که حرمت یا وجوب احکام جزئی در ازمنه و امکانه مختلف متفاوت است. لذا در همه موضوعات تشریح نفرمود و اتخاذ تصمیم درباره آنها را به عقل سلیم منوط فرمود که با رعایت حال مردم و شرایط مختلف بهترین مصلحت مد نظر خدا مرعی شود.

عکس این قضیه، عدم جواز به تحریم فعالیت‌های مباح است و فقط در حیطه چارچوب شریعت اسلام تقنین مجاز است که فرمود: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ*

<sup>۵۸</sup> سوره شوری، آیه ۳۸، و *أَمْزَهُمْ سُورَى بَيْنَهُمْ*.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

اللَّهِ لَا يَجِبُ الْمُعْتَدِينَ وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ. در این باب بسیاری از عملیات مالی و سیاست‌گذاری‌های را می‌بینیم که حقوق دیگران را تحریم و ممنوع می‌کند. این گونه اعمال سیاست‌گذاری بر طبق آیه شریفه فوق جواز شرعی ندارد. در همین باب در آیه دیگری می‌فرماید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ. معنی صریح این آیه این است که خداوند می‌فرماید خلق مهمان من هستند و هیچکس حق ندارد محدودیتی برای بندگان من در آن چیزهایی که پاک قرار داده‌ام ایجاد نماید. به استناد همین آیات می‌توان بسیاری از مواردی که در قوانین موضوعه درج است را مورد انتقاد قرار داد. زیرا بر اساس این آیات نمی‌توان اقدام به تحدید حقوق افراد نمود. مثالهای زیادی در این باب می‌توان ذکر کرد که حتی گمرکات کشور را نیز در بر می‌گیرد. یعنی ممنوعیت ورود کالا با استناد به این آیه دچار تردید است.

نگرش اسلام به مخلوقات و انسانها بر روی زمین بر این اصل است که همه آنها میهمان خدایند و کسی محق نیست جز به لازم و نادر سلب حقوق از مهمان نماید بلکه باید در جهت پذیرایی بهتر از میهمان حرکت کرد. آیات فوق هر دو دلالت دارند بر اینکه اگر شرط پاکی (از همه جهات) وجود داشته باشد دولت در شرایط متعارف جواز منع آنها را ندارد. اگر در این بحث بیشتر دقیق شویم می‌توانیم استنباط کنیم که از لحاظ اسلام تجارت بین‌الملل آزاد است و دولت‌ها نباید ممنوعیت ورود کالا به صورت موانع تجاری اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای ایجاد نمایند. البته مبحث تعرفه تا حدودی قابل بحث است. تعرفه ورود را ممنوع نمی‌کند بلکه واردات کالا را گران می‌کند که خود گران کردن کالاها ظلم به مصرف کننده تلقی می‌شود و مغایر این آیه است که می‌فرماید: فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تَبُتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ. بر اساس این آیه که در مورد ترک اخذ ربا است می‌فرماید اگر مازاد نگیرید و از آن صرف نظر کنید نه ظلم کرده‌اید و نه مورد ظلم واقع شده‌اید یعنی فروش یک کالا یا خدمت بیش از ارزش مال در بازار به مفهوم ظلم کردن به یکی و مورد ظلم واقع شدن طرف دیگر معامله است.

### موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری

دولت‌ها به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، ضمن انجام اقداماتی نظیر اعطاء مشوق‌های مالی، تخفیفات و بخشودگی‌های مالیاتی، تامین خدمات ترجیحی و غیره، مجموعه‌ای از

الزامات و شرایط را در جهت ترغیب این نوع سرمایه‌گذاری مقرر می‌دارند. این الزامات در برگیرنده ضوابطی نظیر ضابطه محتوی داخلی، ضابطه الزام ساخت، ضابطه عملکرد صادرات، انتقال تکنولوژی و غیره است که مجموعاً شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان را تشکیل می‌دهند. چنانچه این اقدامات سرمایه‌گذاری به تجارت کالاها مربوط شوند، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نامیده می‌شوند. در خلال سال‌های اولیه مذاکرات دور اروگوئه، برخی از کشورهای پیشرفته تلاش کردند تا ضمن کسب توافق بین‌المللی در خصوص رعایت اصول حق تاسیس و رفتار ملی نسبت به شرکت‌های فراملیتی، این اصول را به نظام تجاری چندجانبه مرتبط سازند که بدنبال مقاومت گروهی از کشورهای در حال توسعه، نهایتاً به چگونگی انطباق مقررات گات با اقداماتی که سرمایه‌گذاری را با تجارت کالایی مرتبط می‌سازد متمرکز گردید. در واقع شرکت‌های بزرگ چندملیتی برای سالها سعی کرده‌اند به هر کشوری که می‌خواهند وارد شده، کارخانه یا فعالیت‌های تولیدی و معدنی آغاز کنند و تقاضا کنند که با آنها نظیر بنگاه‌های داخلی رفتار شود و هیچ‌گونه مقررات محدودکننده‌ای بر آنها در خصوص اینکه از کجا داده‌های خود را تهیه کنند و یا نیروی کار را از کجا استخدام نمایند وجود نداشته باشد.<sup>59</sup>

این موافقتنامه شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با دقت بر این موضوع که برخی اقدامات محدودکننده محل تجارت هستند و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند اقدامات سرمایه‌گذاری را که منجر به محدود کردن مقادیر کمی می‌شود نیز غیرقانونی می‌داند. این موافقتنامه، تعهدات جدیدی را برای کشورها مقرر نمی‌دارد، بلکه اقدامات سرمایه‌گذاری که با تعهدات کشورها در زمینه رعایت رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و حذف محدودیت‌های کمی مغایرت دارد را ممنوع می‌سازد. شروط و ضوابط سرمایه‌گذاری که با اصول گات مغایرت دارند، عبارتند از:

الف - الزام سرمایه‌گذار خارجی در استفاده میزان معینی از نهاده‌های تولید خود از منابع داخلی کشور میزبان.

<sup>59</sup> <http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html>

The world trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs, TRIMs, etc.) Keith Ferguson

ب - الزام سرمایه‌گذار خارجی به محدودیت محصولات وارداتی یا صادرات تولید نهایی.

ج - الزام بر صدور میزان معینی از تولید.

د - الزام سرمایه‌گذار به استفاده بخشی از درآمد صادراتی خود برای پرداخت هزینه واردات.

ه - الزام سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر فروش نسبت معینی از تولید در بازار داخلی.

استثنائاتی که اعمال آنها در چارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند (نظیر اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره) در موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. بطور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه به مشکلات تراز پرداخت‌ها به استناد ماده ۱۸ گات ۱۹۴۷ می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه‌گذاری را به حالت تعلیق درآورند. بطور کلی هرگونه معذوریت و محدودیتی که در اجرای مفاد اصول و مقررات گات با آنها مواجه بوده‌اند، در صورت ارائه ادله منطقی، قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز خواهد بود و این موافقتنامه ضمن اینکه تعهد جدیدی را برای کشورهای مقرر نمی‌دارد، ناقض آزادی عمل و حاکمیت اعضاء در اعمال محدودیت‌های خاص (با توجه به مشکلات داخلی) بر جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی نیز نمی‌باشد.

هدف این موافقتنامه<sup>۶۰</sup>، گسترش آزاد سازی تجاری، تسهیل سرمایه‌گذاری همراه با تضمین رقابت است. در این موافقتنامه بکارگیری آن دسته از ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری که با مقررات مواد ۳ (اصل رفتار ملی)<sup>۶۱</sup> و ۱۱ (اصل حذف کلی محدودیتهای مقداری) گات ۱۹۹۴ مغایرت دارند، ممنوع اعلام شده است<sup>۶۲</sup>. دو دسته الزامات محتوی داخلی و تراز تجاری و نیز ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری شامل الزامات تراز تجاری (به عنوان یک محدودیت مرزی)، الزامات تراز ارزی و الزامات فروش داخلی مغایر با اصول فوق تشخیص داده شده‌اند. این موافقتنامه کشورهای عضو را ملزم می‌سازد که هیچ‌گونه اقدامی را که ناسازگار با مواد ۳ و ۱۱ گات باشد، وضع نمایند. شروط سرمایه‌گذاری که با موافقتنامه گات مغایرت دارند عبارتند از:

<sup>60</sup> Trade-Related Investment Measures (TRIMs) Agreement.

<sup>61</sup> National Treatment

<sup>62</sup> [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)

- ۱- ضابطه یا شرط محتوای داخلی (مغایر با تعهد رفتار ملی) که براساس آن یک شرکت خارجی متعهد می‌شود میزان معینی از داده‌های مورد استفاده در تولید نهایی خود را از منابع داخلی تهیه نماید.
- ۲- تعهد شرکت سرمایه‌گذاری خارجی مبنی بر اینکه محصولات وارداتی باید به میزانی از حجم یا ارزش صادرات تولید نهایی محدود گردد، که موسوم است به ضابطه متوازن کننده تجارت و با تعهد رفتار ملی اعضای گات مغایرت دارد.
- ۳- الزام مبنی بر اینکه حجم یا ارزش معینی از تولید باید صادر گردد. موسوم به ضابطه عملکرد صادرات که با ماده ۱۱ گات (حذف کلی محدودیت‌های کمی) مغایرت دارد.
- ۴- در چارچوب محدودیت‌های ارزی الزامی که طبق آن سرمایه‌گذار متعهد می‌گردد بخشی از درآمدهای صادراتی را برای پرداخت هزینه‌های واردات استفاده نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۵- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید لیست معینی از تولید را در بازار داخلی به فروش برساند. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۶- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید بخش معینی از تولید را از بازار داخلی اتباع نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۷- خرید سرمایه‌گذار خارجی از کالای وارداتی محدود به ارزش یا میزان تولید محصولات داخلی باشد که صادر می‌شود.
- ۸- واردات سرمایه‌گذار خارجی از محصولات وارداتی منوط به تولید داخلی به لحاظ میزان تولید، ارزش و یا صادرات آن بنگاه شود.
- ۹- دسترسی بنگاههای تولیدی سرمایه‌گذار خارجی به منابع ارزی برای واردات محدود به دسترسی به منابع ارزی حاصل از صادرات محصولات آن بنگاه شود.
- ۱۰- میزان صادرات و یا فروش برای صادرات سرمایه‌گذار خارجی محدود به میزان تولید یا ارزش تولید داخلی آن بنگاه باشد.

در واقع یک لیست از اقدامات سرمایه‌گذاری که در تضاد با موافقتنامه‌های گات هست به موافقتنامه منضم می‌باشد. این لیست شامل اقداماتی است که مستلزم وجود سطوح خاصی از خریدهای داخلی است. این موافقتنامه اقداماتی که واردات یک شرکت را محدود می‌کند و یا محدودیت‌هایی را

برای صادرات وضع می‌کند محدود می‌سازد.

استثنائیهایی که اعمال آنها در چارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند نظیر اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره در موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. بطور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه مشکلات ترازپیداها به استناد ماده ۱۸ گات می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه‌گذاری را به تعلیق درآورند. به طور کلی هرگونه محدودیتی که در اجرای مقررات گات با آن مواجه بوده‌اند در صورت ارائه ادله منطقی قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز قابل استفاده خواهد بود. برخی معتقدند که چنین محدودیت‌هایی و ملزومات آن غیرمعقول بوده و این نگرانی وجود دارد که این موافقتنامه می‌تواند منافع کشورهای در حال توسعه را از سرمایه‌گذاری‌های خارجی محدود کند.

تحت این موافقتنامه کشورهای عضو باید سایر اعضا را از اقدامات سرمایه‌گذاری خود که با این موافقتنامه در تضاد است مطلع سازند. به کشورهای عضو، بنا به سطح توسعه آنها، دوره انتقالی برای حذف این ضوابط داده شده است و دوره انتقال قابل تمدید است. شورای کالاها موافقت کرده که این دوره انتقال برای برخی کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. موافقتنامه کمیته‌ای را برای بازرسی و بکارگیری اقدامات سرمایه‌گذاری تأسیس کرده است. به علاوه اعضا باید بررسی کنند که آیا باید مقرراتی برای سیاست‌های سرمایه‌گذاری و رقابتی وضع شود. این موضوع در دستور کار کمیته توسعه مذاکرات دور دوحه قرار گرفته است. همچنین در موافقتنامه پیش‌بینی شده است که کشورهای عضو طی دوره انتقال می‌توانند اقدامات محدودکننده سرمایه‌گذاری را در قبال سرمایه‌گذاری جدید وضع نمایند که در واقع نوعی حمایت از سرمایه‌گذاران موجود به حساب می‌آید.

کمیته ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری بر عملکرد و اجرای موافقتنامه نظارت دارد و مسؤولیتهایی که شورای تجارت کالا به آن محول می‌کند را انجام می‌دهد. از سال ۲۰۰۰ شورای تجارت کالا عملکرد موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری را بررسی می‌کند تا در صورت لزوم این موافقتنامه با مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری و رقابتی اصلاح و تکمیل شود.



محمد باقر صدر<sup>۶۳</sup> بر این نظر است که بر اساس آیه ۵۹ سوره نساء<sup>۶۴</sup> هر عمل تشریعی که بالطبع مباح باشد می‌تواند مورد حکم قرار گیرد که از طرف خدا برای ولایت بر مردم مجاز شده باشد. وی اضافه می‌نماید که افعال ممنوع مثلاً ربا قابل تغییر نیست. هزینه و سرمایه‌گذاری و یا خرید و فروش بسیاری از کالاها در شرع حرام است. مثلاً سرمایه‌گذاری برای تولید خمر و فروش آن به خارج از کشور مجاز نیست و یا به دلیل اینکه مصرف مواد مخدر حرام است، مسلم یا دولت اسلام مجاز نیست که جهت انتقال مواد مخدر به کشور دیگر یا فروش آن حتی به غیرمسلمین سرمایه‌گذاری و هزینه نماید. اخذ ربا و اکل اموال مردم به باطل چه در داخل کشور و چه در خارج کشور حرام است.

### موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ

برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می‌رسانند. این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت شکنی نامیده می‌شود بعنوان رویه تجاری غیرمنصفانه‌ای که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادر کننده باشد. این موافقتنامه، قیمت شکنی را فی‌نفسه محکوم نمی‌کند و عوارض ضد قیمت شکنی نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که محصولی زیر قیمت است، وضع شود. لیکن مقرر می‌دارد که چنانچه پس از تحقیقی که به درخواست صنعت داخلی کشور وارد کننده آغاز شده، احراز شود قیمت شکنی صورت گرفته است و واردات کالای مربوطه زیر قیمت بازار موجب وارد آمدن یا خطر وارد آمدن صدمه قابل توجهی به صنعت داخلی تولید کننده محصول مشابه و یا تاخیر مهم در ایجاد آن صنعت شده است و میان واردات زیر قیمت و لطمه وارده رابطه علی و وجود دارد، آنگاه این عوارض می‌تواند وضع شود. مشکل باید برای آن دسته از تولید کنندگانی بوجود آمده باشد که مجموع تولید محصول آنها سهم عمده‌ای از کل تولید داخلی صنعت را تشکیل می‌دهد. حقوق و عوارض ضد قیمت شکنی تنها تا زمان و میزانی که برای

<sup>۶۳</sup> صدر، محمد باقر، اقتصادنا، صص ۳۳۵-۳۳۲.

<sup>۶۴</sup> سوره نساء، آیه ۵۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» ای کسانی که ایمان دارید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان امر از میان خودتان را.

مقابله با قیمت شکنی که موجب ایراد صدمه شده است قابل وضع است.

به عبارت دیگر استثنائات بر لازم‌الاجرا بودن تعرفه‌ها برای تمامی کشورهای عضو عبارتند از:

- اتخاذ اقدامات ضد دامپینگ (فروش یک کالا در قیمت بسیار پایین)
- سوبسیدها و عوارض گمرکی جبرانی برای خنثی سازی سوبسیدها در سایر کشورها
- اقدامات اضطراری برای کاهش واردات به طور موقتی برای حمایت از صنایع داخلی.<sup>65</sup>

چنانچه شرکتی کالایی را به قیمت پایین‌تر از قیمتی که معمولاً اجناس خود را می‌فروشد به یک بازار خارجی صادر کند می‌گویند که آن کالا را دامپ نموده است. بسیاری از دولت‌ها از اقدامات ضد دامپینگ استفاده می‌کنند تا از صنایع داخلی خود حمایت کنند. سازمان تجارت جهانی شرایط خاصی را برای اجرای اقدامات ضد دامپینگ بیان نموده است. به عنوان مثال این سازمان زمانی اعضاء را مجاز به اعمال چنین اقداماتی (ضد دامپینگ) می‌داند که باعث ایجاد صدمه جدی به صنعت رقیب داخلی شود. برای اجرای عملیات ضد دامپینگ دولت‌ها باید مجاز باشند که تفاوت قیمت صادراتی را با قیمت داخلی کشور صادرکننده محاسبه کنند و نشان بدهند که این اقدام باعث زیان و صدمه صنعت داخلی شده است.

ماده ۶ موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می‌نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه‌های محدود کننده را بشکنند. در واقع آنتی دامپینگ به معنای اعمال تعرفه‌های گمرکی بالاتر بر یک محصول خاص از یک کشور صادرکننده خاص است و به این منظور اعمال می‌شود که قیمت آن را به قیمت متداول (قیمت واقعی که در بازار داخلی آن کشور اعمال می‌شود) نزدیک کند و صدمه وارده به صنعت کشور واردکننده را جبران کند. زمانی که قیمت در داخل کشور صادرکننده قابل محاسبه نباشد از قیمتی که به سایر کشورها صادر شده است استفاده می‌شود و یا قیمت از حاصل جمع هزینه‌های تولید صادرکننده و سود نرمال محاسبه می‌شود. اما محاسبه تفاوت قیمت به تنهایی کافی نیست. اقدامات ضد دامپینگ زمانی قابل اجراء است که بتوان نشان داد که دامپینگ به صنعت داخلی در کشور واردکننده صدمه و زیان جدی

<sup>65</sup> <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm>

وارد کرده است. بنابر این موضوع باید مورد رسیدگی قرار گیرد. این رسیدگی باید تمامی عوامل مرتبط اقتصادی را که در ارتباط با صنعت مورد نظر است مورد ارزیابی قرار دهد. اگر نتایج رسیدگی نشان داد که صنعت داخلی دچار زیان شده است شرکت صادرکننده می‌تواند نسبت به افزایش قیمت خود به یک سطح توافق شده بین طرفین اقدام کند تا از اقدامات ضد دامپینگ جلوگیری شود. اقدامات ضد دامپینگ باید حداکثر پس از ۵ سال از زمان اجراء فسخ شود مگر آنکه نشان دهند که حذف آن منجر به زیان صنعت داخلی خواهد شد.

اقدامات ضد دامپینگ در مواردی که حاشیه دامپینگ کوچک است (کمتر از ۲٪ تفاوت قیمت صادراتی با قیمت داخلی) باید به سرعت خاتمه یابد، البته شرایط دیگری نیز باید مهیا باشد. به عنوان مثال این اقدامات باید خاتمه یابد اگر میزان واردات دامپ شده قابل اغماض باشد، به عنوان مثال حجم صادرات از یک کشوری کمتر از ۳٪ کل واردات آن محصول باشد. اما این اقدامات چنانچه هر یک از کشورهای صادرکننده کمتر از ۳٪ کل واردات را داشته باشند ولی در مجموع ۷٪ کل واردات را به خود اختصاص دهند قابل ادامه خواهد بود.

موافقتنامه الزام می‌نماید که تمامی کشورهای عضو باید کمیته اقدامات ضد دامپینگ را از تمامی اقدامات اعم از مقدماتی و نهایی به سرعت مطلع سازند و در سال دو بار گزارش بدهند. زمانی که تفاوت در نتایج ایجاد می‌شود کشورها می‌توانند از پروسه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی استفاده کنند.

اقدامات ضد دامپینگ از جمله مواردی است که نه تنها پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی فعال می‌شود بلکه در حال حاضر نیز نسبت به برخی از کالاها اعمال می‌گردد.

در اسلام بکار بردن کید در امور تجاری ممنوع است. در قرآن کریم می‌فرماید: «اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید و آن را به رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید.» و در آیه دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید.» در تجارت باید منطبق با کیل عمل کند حتی باید ترازویش سنگین باشد که می‌فرماید: «آنان که ترازویشان سنگین باشد خود رستگاراند و آنان که ترازویشان سبک باشد به خود زیان رسانیده‌اند و در جهنم خواهند

ماند.» و امر خدا بر این است که «پیمان‌ه و ترازو را از روی عدل تمام کنید.» و می‌فرماید: «پیمان‌ه را تمام بپردازید و کم فروشی نکنید و با ترازوی درست وزن کنید، به مردم کم مدهید و بی‌باکانه در زمین فساد مکنید.» و در سورهٔ مطففین آیهٔ ویل برای کم فروشان نازل شده است که می‌فرماید: «وای بر کم فروشان، آنان که چون از مردم کیل می‌ستانند آن را پر می‌کنند و چون برای مردم می‌پیمایند یا می‌کشند از آن می‌کاهند. آیا اینان نمی‌دانند که زنده می‌شوند در آن روز بزرگ.» و باز می‌فرماید: «در پیمان‌ه و ترازو نقصان مکنید، اینک شما را در نعمت می‌بینیم و از روی که عذابش شما را فروگیرد بیمناکم. ای قوم، پیمان‌ه و ترازو را از روی عدل کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون تبه‌کاران در زمین فساد مکنید.» تمام این آیات دلالت بر وجوب رعایت صحت معامله دارد و می‌توان وظیفه نظارت بر حُسن اجرای این آیات را از وظایف دولت اسلام در امور نظارت بر بازار دانست و لذا هزینه‌های نظارتی نیز بر این اساس مشروع می‌باشد.

اصل جبران خسارت ناروا یا اصل جبران عمل خلاف<sup>66</sup> در حقوق داخلی نظام‌های مختلف حقوقی پذیرفته شده است و در قوانین آنها روش جبران خسارت نیز معین گردیده است. طبق تعریف کلی اگر شخصی با اقدام به عملی یا خودداری از انجام عملی به دیگری خسارت زند موظف است تا خسارت وارده را جبران نماید. از لحاظ حقوق بین‌الملل این جبران اقدامی است که به نفع یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی صورت می‌گیرد تا خسارت متحمل شده را جبران نماید و هدف از این اقدام اعادهٔ وضعیّت قبل از خسارت می‌باشد. از این اصل در مادهٔ ۳۷ قرارداد لاهه ۱۹۰۷ به عنوان یکی از اصول عمومی مورد قبول ملل متمدن نام برده شده است.

این اصل در اسلام نیز در قالب مبحث فقهی ضمان مطرح و کاملاً پذیرفته شده است و هرگونه خسارت وارده از طرف فرد یا دولت به دیگری اعم از حیثهٔ عمل خصوصی یا عمومی مستلزم اعادهٔ وضعیّت قبل از خسارت یا جبران خسارت وارده می‌باشد به نحوی که جبران عمل خلاف خاطی شود. اصالت این اصل در حقوق بین‌الملل خصوصی تا وقتی که طرفین شخصیت‌های حقیقی یا عینی هستند کمتر دچار تردید است تا حقوق بین‌الملل عمومی که طرفین دعوی دولت‌ها هستند و موضوع ستاندن خسارت از دولت‌ها مبحث وسیعتری از لحاظ کمی و کیفی است. به هرحال این اصل کلی (بدون توجه به مسائل مربوط به اثبات اصالت حق) در حقوق بین‌الملل اسلام

<sup>66</sup> Reparation.

به رسمیت شناخته شده است.

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد پاداش افراد آمده است و در همه این آیات جزا متناسب با جرم در نظر گرفته شده است.<sup>۶۷</sup> به طور کلی قرآن کریم می‌فرماید: «هرکس در گرو کاری است که کرده است.»<sup>۶۸</sup> این آیه در سوره جاثیه به قوم هم تعمیم داده شده است. می‌فرماید: «خود آن مردم به جزای اعمالی که مرتکب شده‌اند پاداش می‌بینند.»<sup>۶۹</sup> شاید این آیه را دلیلی بر مسؤولیت قومی و گروهی و ملی دانست که آثار آن در مسائل بین‌المللی نیز قابل تسری است.

در سوره قصص به این موضوع تصریح می‌شود که پاداش عمل نیک بهتر از آن است ولی جزای عمل بد به اندازه همان عمل خواهد بود. می‌فرماید: «هرکس که کار نیکی انجام دهد بهتر از آن را پاداش یابد و هر که مرتکب گناهی شود، پس آنان که مرتکب گناه شوند جز به اندازه عملشان مجازات نشوند.»<sup>۷۰</sup> و در سوره شوری می‌فرماید: «جزای هر بدی بدی است همانند آن، پس کسی که عفو کند و صلح کند مزدش با خدا باشد.»<sup>۷۱</sup>

### موافقتنامه سوبسیدها و اقدامات جبرانی

در طول تاریخ گات، یارانه‌ها یکی از دلایل عمده تنش‌ها و اختلافات تجاری میان کشورها بوده که این امر عمدتاً بخاطر فقدان یک توافق بین‌المللی در خصوص نقش مناسب دولت‌ها در حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت بوده است. طبق ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

<sup>۶۷</sup> سوره صافات، آیه ۳۹ «وَمَا تُجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»، جز در برابر اعمالتان کینفر نخواهید دید. سوره زمر، آیه ۷۰ «وَوَفَيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ» پاداش هرکسی برابر کردارش به تمامی ادا شود. سوره یس، آیه ۵۴ «وَلَا تُجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»، و جز همانند کاری که کرده‌اید پاداش نمی‌بینید. سوره تحریم آیه ۶۷ و سوره طور، آیه ۱۶ «إِنَّمَا تُجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» شما را در برابر کارهایی که کرده‌اید مجازات می‌کنند. سوره واقعه آیه ۲۴، «جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، پاداش به عمل انجام شده تعلق می‌گیرد.

<sup>۶۸</sup> سوره مدثر، آیه ۳۸. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ».

<sup>۶۹</sup> سوره جاثیه، آیه ۱۴. «لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

<sup>۷۰</sup> سوره قصص، آیه ۸۴ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الدِّينَ عَمَلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

<sup>۷۱</sup> سوره شوری، آیه ۴۰: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ».

(گات ۱۹۴۷) استفاده از یارانه‌های صادراتی محدود شده است و در مقابل تعدادی از کشورها به استناد ماده ۶ گات، و به منظور جلوگیری از وارد آمدن خسارات مادی به صنایع داخلی خود (از ناحیه صادرات یارانه شده)، نسبت به وضع عوارض جبرانی اقدام نموده‌اند. کشورهای توسعه یافته در قالب توافقات حاصله در چارچوب مذاکرات دور توکیو، موسوم به مقررات یارانه‌ها و عوارض جبرانی، ضمن پذیرش عدم اعطای یارانه‌های صادراتی به محصولات غیر اولیه<sup>۷۲</sup>، در خصوص فهرست یارانه‌های صادراتی ممنوع توافق کرده بودند. مذاکرات دور توکیو منتج به شکل‌گیری «قانون یارانه‌ها» گردید. در این قانون مواد ۶ و ۱۶ گات تعبیر مجدد شده، راههای وضع عوارض جبرانی به طور کاملتری تعریف گشتند. معذالک توافقات یارانه‌ای به دو دلیل نواقص مقرراتی و پای بند نبودن کشورها به اصول آن عملاً منجر به حل اختلافات یارانه‌ای کشورها نگردید.

موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی که در مذاکرات دور اروگوئه منعقد گردید، به میزان قابل توجهی با آنچه که در دور توکیو مورد توافق برخی از کشورهای عضو قرار گرفت تفاوت دارد. این موافقتنامه همچون تمامی موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه، کلیه اعضای سازمان جهانی تجارت را در بر می‌گیرد. در این موافقتنامه یارانه یک کمک مالی تعریف می‌شود که توسط دولت یا هر رکن دولتی به شرکت‌ها یا صنایع معینی اعطا می‌شود. این کمک مالی شامل پرداخت مستقیم وجوه، انتقالات مستقیم (نظیر ضمانت‌های وام)، مشوق‌های مالی، اعتبارات مالیاتی، کالاها و خدمات دولتی (باستثنای خدمات زیربنایی) یا هر نوع حمایت قیمتی و درآمدی می‌باشد. محورهای عمده موافقتنامه اخیر عبارتند از:

۱. تعریف یارانه: برابر تعریف کلی، یارانه کمکی مالی از طرف دولت است که منجر به انتقال نفع به گیرنده آن می‌گردد.
۲. دسته‌بندی یارانه‌ها: موافقتنامه، یارانه‌ها را با هدف قانون‌مندسازی رفتار مقابله‌جویانه به سه دسته کلی تقسیم می‌نماید:

الف- یارانه‌های ممنوع که شامل یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی می‌شوند که استفاده از کالاها داخلی را در مقابل واردات با صرفه‌تر می‌سازد.

ب- یارانه‌های قابل تعقیب (Actionable)، یارانه‌هایی که باعث وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی اعضا دیگر شوند یا مزایا و امتیازات اعطایی را خنثی و بلا اثر گردانند و یا منجر به تبعیض جدی در منافع تجاری سایر اعضا گردند.

ج- یارانه‌های غیر قابل تعقیب (مجاز) - یارانه‌های ویژه تحقیقات صنعتی - کمک به فعالیت‌های تحقیقاتی که توسط موسسات آموزشی یا تحقیقاتی بر اساس قرارداد با بنگاه‌ها انجام می‌شود مشروط بر اینکه کمک مورد نظر بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه صنعت پیش از رقابت را شامل نشود. تشخیص چنین یارانه‌هایی مشمول شرایط و آزمون‌های دقیقی می‌باشند. یارانه‌هایی که به بنگاهی خاص، منطقه‌ای خاص و یا صنعتی خاص چه در قانون و چه در عمل تعلق نمی‌گیرد نیز در این بند قرار می‌گیرند.

۳. موافقتنامه از سه نوع صدمه که سوبسیدها ممکن است ایجاد کنند نام برده است:

الف- سوبسید صادراتی یک کشور ممکن است به صنعت داخلی کشور وارد کننده را بواسطه قیمت‌های پائینتر آسیب برسانند.

ب- ممکن است به رقبای صادر کننده کشورهای دیگر آسیب برساند- زمانی که هر دو کالای خود را به یک کشور صادر می‌کنند.

ج- سوبسیدهای داخلی در یک کشور ممکن است صادرکنندگان به بازار کشوری که در مورد کالاهای داخلی از سوبسید استفاده کرده است را تحت تأثیر قرار داده و بدان آسیب برساند.

۴. راههای جبران خسارت: دو راه کلی برای جبران خسارات ناشی از یارانه طرفهای تجاری در موافقتنامه پیش‌بینی شده است.

الف- روش چند جانبه یا روش بین‌المللی: در این روش کشور متضرر شکایت خود همراه با مدارک و دلایلی که نشانگر وارد آمدن تأثیر سوء بر منافع اوست را پس از انجام

مشورتهای لازم با طرف پرداخت‌کننده یارانه، به رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی جهت بررسی و صدور حکم ارجاع می‌دهد.

ب- روش یک جانبه یا روش داخلی: کشوری که پس از بررسیهای لازم تشخیص می‌دهد منافعش در نتیجه یارانه کشور دیگری دچار لطمه شده است، می‌تواند رأساً علیه کالای منتفع از یارانه اقدام جبرانی نماید.

۵. رویه‌ها و تشکیلات: بخش عمده‌ای از موافقتنامه، اختصاص به رویه‌های اداری اقامه دعوی، راههای اثبات و ارائه ادله و همچنین ساختار ناظر بر موضوعات مرتبط با موافقتنامه دارد.

این موافقتنامه استفاده از سوبسیدها را تحت اصولی مشخص تنظیم می‌کند و اقداماتی را که کشورها می‌توانند برای خنثی سازی اثرات این سوبسیدها اعمال کنند روشن می‌سازد. این موافقتنامه اذعان می‌دارد که یک کشور می‌تواند از پروسه حل اختلافات و مشاجرات<sup>۷۳</sup> استفاده کند تا درخواست حذف سوبسید و یا آثار جبرانی آن را بنماید و یا کشورها می‌توانند شخصاً رسیدگی کرده و نهایتاً عوارض گمرکی اضافی و یا جبرانی را بر واردات سوبسیدی که به فعالیت‌های داخلی صدمه می‌رساند اعمال کنند. این موافقتنامه فقط برای سوبسیدهای خاص اعم از داخلی و یا صادراتی قابل اعمال است. همچنین این موافقتنامه برای کالاهای کشاورزی و محصولات صنعتی قابل اعمال است مگر در شرایطی که سوبسیدها تحت مقررات ماده صلح<sup>۷۴</sup> از موافقتنامه کشاورزی مستثنی شده است.

سوبسیدهای ممنوع شده عبارتند از سوبسیدهایی است که اهداف صادراتی مشخص را دنبال می‌کنند و یا تولید کنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. این نوع سوبسیدها قدغن شده‌اند چرا که تجارت بین‌المللی را مختل می‌کنند و احتمالاً تجارت سایر کشورها را دچار زیان می‌سازند. با این وجود ممکن است در پروسه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مورد رسیدگی قرار گیرند. اگر کمیته حل اختلاف تشخیص دهد که سوبسید مورد نظر ممنوع می‌باشد باید سریعاً حذف شود در غیر این صورت طرف تجاری نیز

<sup>73</sup> Dispute Settlement Procedure

<sup>74</sup> Peace clause



می‌تواند از اقدامات جبرانی استفاده کند. چنانچه محصولات داخلی از چنین سوبسیدهایی آسیب بینند می‌توانند از وضع عوارض جبرانی استفاده کنند. در سوبسیدهای قابل اعمال کشور شاکای باید نشان دهد که وضع سوبسید صادراتی اثرات منفی بر منافع کشور وارد کننده دارد والا سوبسیدها قابل اعمال می‌باشند.

چنانچه هیأت حل اختلاف نتیجه‌گیری کند که سوبسید دارای آثار زیانبار است باید فوراً حذف شود. به علاوه در صورتی که تولیدکنندگان داخلی از واردات محصولات سوبسیدی صدمه بینند می‌توانند از عوارض جبرانی استفاده کنند. البته وضع چنین عوارضی زمانی امکان‌پذیر است که کشور واردکننده رسیدگی کاملی را به این موضوع (نظیر مورد آنتی دامپینگ) اعمال کرده باشد. البته در صورت توافق طرف‌های تجاری کشور صادرکننده ممکن است قیمت‌های صادراتی خود را افزایش دهد تا اینکه از اقدامات و عوارض جبرانی توسط کشور واردکننده استفاده شود.

بر اساس ماده ۲ موافقتنامه یارانه‌ها توسل به اقدامات جبرانی در مقابل یارانه‌ها تنها زمانی مجاز است که یارانه به یک شرکت و یا صنعت و یا گروهی از شرکت‌ها و صنایع بطور خاص اعطاء شده باشد. یارانه‌هایی که بطور خاص اعطاء نشده‌اند یعنی دسترسی به آنها برای همه شرکت‌ها و صنایع مقدور باشد در زمره یارانه‌های ممنوع و قابل تعقیب قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه ثابت شود این یارانه‌ها عملاً جنبه خاص دارند. همچنین یارانه‌هایی که کمتر از یک درصد ارزش کالا باشد (در مورد کشورهای در حال توسعه ۲ درصد) مشمول عوارض جبرانی نیستند.

در موافقتنامه یارانه‌ها، تحقیق صنعتی به معنای جستجوی برنامه ریزی شده یا تحقیقی مهم به منظور کشف دانش جدید با این هدف است که چنین دانشی بتواند در توسعه محصولات، فرآیند یا خدمات جدید مفید باشد. همچنین اصطلاح فعالیت توسعه‌ای پیش از رقابت به معنای تبدیل یافته‌های تحقیق صنعتی به برنامه، نقشه یا طرحی برای محصولات، فرآیندها یا خدمات به صورت جدید یا همراه با تغییر یا بهبود است اعم از اینکه هدف، فروش یا استفاده از آنها باشد یا نباشد. یارانه‌های اعطایی به مناطق محروم یک کشور و یارانه‌های اعطایی جهت نوسازی تسهیلات موجود زیست محیطی نیز در زمره یارانه‌های مجاز می‌باشند.

سوبسیدها نقش حائز اهمیتی را در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال انتقال ایفا

می‌کنند. در قسمت هشتم موافقتنامه، به موضوع رفتار خاص و ویژه با کشورهای در حال توسعه پرداخته می‌شود. کشورهای با حداقل توسعه و کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه زیر هزار دلار، از مقررات سوبسیدهای صادراتی مستثنی هستند. سایر کشورهای در حال توسعه تا پایان ۲۰۰۳ مجاز شدند نسبت به حذف سوبسیدهای صادراتی مبادرت کنند. کشورهای با حداقل توسعه باید سوبسیدهای جایگزین واردات خود را که برای حمایت از تولیدات داخلی و کاهش واردات طراحی شده است را تا پایان ۲۰۰۳ حذف کنند. این زمان برای کشورهای در حال توسعه سال ۲۰۰۰ بوده است. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از رفتارهای ترجیحی برخوردار شوند در صورتی که صادرات آنها منوط به رسیدگی مربوط به عوارض جبرانی باشد. سایر کشورهای در حال توسعه که در این طبقه بندی قرار نمی‌گیرند باید طی زمان پرداخت یارانه‌های صادراتی را متوقف نمایند. همچنین یارانه‌هایی که جهت استفاده از کالاهای داخلی در مقابل کالاهای وارداتی اعطاء می‌شود. اگر یک کشور در حال توسعه در تولید و صدور یک کالا به مرحله رقابتی رسید یعنی سهم صادراتش طی دو سال متوالی در تجارت جهانی آن کالای خاص به ۳/۲۵ درصد رسیده باشد، باید ظرف ۲ سال پرداخت یارانه‌های صادراتی در مورد آن کالا را متوقف نماید. در موافقتنامه یارانه‌ها، به کشورهای با اقتصادهای در حال گذار (سوسیالیستی سابق) ۷ سال مهلت قابل تمدید داده شد تا پرداخت یارانه‌های ممنوع را متوقف نمایند.

در کشورها در زمینه مشوق‌های صنعتی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که برحسب مورد و موضوع می‌توان آنها را بشرح زیر طبقه‌بندی نمود:

- ۱- مشوق‌های صادراتی
- ۲- مشوق‌های منطقه‌ای
- ۳- حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی
- ۴- مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی
- ۵- مشوق‌های مشارکتی صنایع
- ۶- مشوق‌های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)
- ۷- حمایت از اختراعات و ابداعات
- ۸- سایر مشوق‌ها

سهیمه بندی ارزی و تخصیص آن به واحدهای تولیدی، تخصیص مواد اولیه به صورت سهمیه بندی به صنایع مختلف از روشهای حمایتی در صنعت می باشد. بطور کلی تمام محصولات که به نحوی در هر زمان مشمول قیمت گذاری دولتی می شوند و اقلامی که تحت سیستم سهمیه بندی توزیع می شوند از نظر صادرات با محدودیت مواجه می باشند. در مقایسه مفاد موافقتنامه یارانه ها با حمایت ها و مشوق های مختلف صنعتی یارانه های صادراتی و یارانه هایی که استفاده از کالای داخلی را در مقابل واردات با صرفه تر سازد، از جمله یارانه های ممنوع بشمار می رود.

جنبه دیگر موافقتنامه یارانه ها به یارانه های قابل تعقیب مربوط می شود.

سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چند جانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعفهای قبلی گات را برطرف می کند، یکی از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه بشمار می آید. تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب الاجل های مشخص می باشد. حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را شامل می شود. متولی اجرای قواعد و مقررات تفاهمنامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن همان اعضای شورای عمومی سازمان می باشند.

معمولاً اختلاف زمانی بروز می کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر قواعد یکی از موافقتنامه ها یا تعهداتش را نقض کرده است. با توجه به اینکه هدف مکانیسم حل اختلاف تضمین راه حلی مثبت برای اختلافات است، در تفاهمنامه مقرر شده طرفین قبل از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف باید در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند. بعلاوه طرفین می توانند به منظور دستیابی به راه حل مرضی الطرفین، از دبیرکل درخواست مساعی جمیله نمایند. در صورت شکست تلاشها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکی می تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. هیأت رسیدگی ظرف مهلت مقرر به قضیه رسیدگی و به رکن اعلام می نماید. رکن گزارش را تصویب خواهد کرد مگر اینکه اجماع برخلاف آن باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیأت رسیدگی می باشد. رکن دائمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف تقدیم می کند. برای حل و فصل مؤثر اختلافات، فاصله زمانی تشکیل هیأت رسیدگی تا صدور رأی نهایی در صورت عدم

استیناف نباید از ۹ ماه و با استیناف از ۱۲ ماه تجاوز کند.

هنگامی که مشخص شد اقدامات یک عضو با مقررات موافقتنامه‌ها مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مذکور می‌خواهد که از اقدامات مزبور دست بردارد و در صورتی که عملی نباشد، جبران به عنوان اقدامی موقتی تا زمان توقف اقدامات خاطی اعمال می‌شود. آخرین تدبیری که تفاهمنامه در اختیار عضوی که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده قرار می‌دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های تحت پوشش بر مبنای تبعیضی در مقابل عضو دیگر است به شرط اینکه رکن حل اختلاف اجازه چنین اقداماتی را بدهد. بعلاوه رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

بطور کلی یکی از روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به روش «تحقیق» معروف است. در این روش با تحقیق و رسیدگی درباره وقایعی که مبنای اختلاف بوده و پس از اثبات تقصیر دولت یا دول مقصر در رفع اختلافات اقدام می‌گردد. این روش در حقوق بین‌الملل معاصر به پیشنهاد روسیه در کنفرانس اول لاهه مورد توجه قرار گرفت و در کنفرانس دوم لاهه در ۱۹۰۷ مقررات مربوط به کمیسیون‌های بین‌المللی تحقیق تنظیم گردید.

روش تحقیق کاملاً مورد تائید حقوق بین‌الملل اسلام قرار دارد و از مفهوم بسیاری از آیات می‌توان به اصولی بودن این روش در تحقق عدالت بین‌المللی و رفع مخاصمات بین دول پی‌برد. درباره تحقیق قبل از تصمیم و اقدام در اسلام دستور داده شده است. در سوره نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون در راه خدا فتادید پس تحقیق (بررسی) کنید و به آن کس که بر شما سلام گوید نگوئید که مؤمن نیستی. شما بر خورداری از زندگی دنیا را می‌جوئید و غنیمت‌های بسیار نزد خداست. شما پیش از این چنان بودید ولی خدا بر شما منت نهاد پس بررسی کنید که خدا به اعمالتان آگاه است.»<sup>۷۵</sup> این آیه دستور کلی به تحقیق در همه اموری است که در زندگانی مؤمنین پیش می‌آید. این معنی از تفسیر عبارت سَبِيلِ اللَّهِ (راه خدا) در آیه فوق بدست می‌آید.

در مورد هر ادعا یا خبر نیز دستور به تحقیق است و واکنش بدون تحقیق و بررسی نسبت به هر

<sup>۷۵</sup> سوره نساء آیه ۹۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَيَّنُوا غَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَامٌ كَثِيرٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا».

خبری یا ادعائی صحیح نیست. درسوره حجرات می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد، تحقیق کنید مبدا از روی نادانی به مردمی آسیب رسانید، آنگاه از کاری که کرده‌اید پشیمان شوید.»<sup>۷۶</sup> و اگر نتیجه روشن تحقیق بدست آمد باید تبعیت نمود که فرمود: «همانند کسانی نباشید که بعد از اینکه دلائل روشن بر آنها آشکار شد اختلاف و افتراق کردند و برای آنها عذاب بزرگی خواهد بود.»<sup>۷۷</sup> استناد به این آیات کفایت از قبول روش تحقیق در حل مسألت آمیز اختلافات بین‌المللی را می‌نماید.

در اسلام، روش انتخاب احسن در مسائل مختلف روش شورا و مشورت است. در قرآن کریم در سوره شوری می‌فرماید: «امور خویش را بر اساس مشورت بین خودشان انجام می‌دهند.»<sup>۷۸</sup> شورا از لحاظ ایجاد زمینه‌های وحدت بسیار مؤثر است. از همین موضوع می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اصل وحدت و توجه اسلام به جمع آراء و وحدت کلمه حل شورائی کلیه دعاوی و اختلافات بین‌المللی را می‌پذیرد. به عبارت دیگر طریق مذاکره روش پذیرفته شده اسلامی در دریافت نظرات و آراء متفاوت می‌باشد ولی باید گفت که این مذاکره نه به معنای زیر پا گذاشتن حقوق طرف دیگر یا طرف ثالث است بر ضمیر غلبه یا اجحاف یا تبانی بلکه مذاکره برای ایجاد همسویی و توافق در حصول حق است و این مذاکره و شور به هیچ وجه نباید خدشه به قسط و عدالت وارد آورد و یا حقوق دیگران را مضمحل نماید. در این باب آیات مختلف و مبرهنی وجود دارند که در اعمال قسط و عدل تابعین هواهای نفس را مورد عتاب قرار می‌دهد.<sup>۷۹</sup>

تعمیم شور و مشورت به مسئله داوری و حکمیت می‌رسد که کاربرد بسیار خوبی در حقوق بین‌الملل عمومی دارد. یکی از مسائل مهم حقوق بین‌الملل عمومی، ضمانت اجرایی ضعیف احکام قضائی بین‌المللی در اجبار دولت‌ها به پذیرش رأی محاکم بین‌المللی است. به عبارت دیگر دولت‌ها به دلیل اقتدار خود غالباً به طرق مختلف از تن دادن به آراء بین‌المللی طفره می‌روند و در نظر قاضی

<sup>۷۶</sup> سوره حجرات آیه ۶. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

<sup>۷۷</sup> سوره آل عمران، آیه ۱۰۵. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

<sup>۷۸</sup> سوره شوری، آیه ۳۸، «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ».

<sup>۷۹</sup> سوره نساء آیه ۱۳۵. «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا». از هواهای خویش پیروی نکنید که از دادگری تجاوز کنید.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

تشکیک می‌کنند. رویه داوری از این لحاظ با مراجعه به قاضی متفاوت است و نهایتاً داوران که هر طرف منصوب یکی از طرفهای دعوا هستند مجتمعاً اقدام به حل و فصل دعاوی می‌نمایند و چون داوران منتخب طرفهای دعوا هستند رأی ایشان قرین به پذیرش دولت متبوع خواهد بود.

## سایر اقدامات حمایتی و اضطراری

موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را که گاه حمایت‌های اقتضایی نیز خوانده می‌شوند تشکیل می‌دهد. این اقدامات به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می‌شوند.

بنابر این حصول توافق در مورد یک سیستم حفاظتی چند جانبه موثر و کارآمد در قالب ماده ۱۹ گات در فراهم ساختن امنیت لازم برای دسترسی به بازارها بویژه برای کشورهای در حال توسعه و نیز به منظور احیاء اعتبار اصول تجاری چند جانبه از اهمیت زیادی برخوردار است. موافقتنامه حفاظت‌ها نیز جهت پاسخ به چنین نیازی و ضمن تاکید بر رعایت اصل دول کامله الوداد و تعهد کشورها نسبت به ممنوعیت و حذف توافقات موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی و ترتیبات بازاریابی منظم (OMA) و دیگر اقدامات مشابه، مورد پذیرش اعضای گات واقع شده است. در موافقتنامه حفاظت‌ها، به منظور نظارت دقیق بر نحوه اجرای مفاد موافقتنامه یک کمیته حفاظت‌ها پیش‌بینی شده است. همچنین ضوابط دقیقی برای تعیین خسارت و رابطه علی میان واردات و صنعت خسارت دیده در نظر گرفته شده است. در چارچوب این موافقتنامه و تحت شرایط استثنایی و هنگامی که واردات از یک کشور عضو به طور نامتناسبی افزایش یابد، برقراری سهمیه وارداتی که طبعاً موجب تبعیض در میان عرضه کنندگان مختلف می‌شود، مجاز دانسته شده است.

ماده ۱۹ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) یکی از مواردی است که کشورها را مجاز می‌دارد در صورت وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی از ناحیه واردات، به اقدامات تجاری محدود کننده مبادرت ورزند. در سال‌های اخیر برخی از کشورها بویژه کشورهای صنعتی به بهانه وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی خود و به استناد به این ماده، با وضع موانع غیرتعرفه‌ای در

مقابل واردات از کشورها به ترتیبات تجاری محدود کننده و تجارت غیرمنصفانه متوسل شده‌اند. یکی از دلایل عدم استفاده درست از ماده ۱۹ گات، این است که اقدامات حفاظتی باید با تعهد کشورها در مورد رعایت اصل دول کامله الوداد منطبق باشد که این امر مستلزم عدم تبعیض در مقابل واردات از منابع مختلف می‌باشد. خود مفهوم خسارت نیز از دیگر مواردی است که در کشورهای مختلف تعریف یکسانی برای آن وجود ندارد و در برخی از کشورها، استانداردهای بالایی برای آن وضع شده و معمولاً با رفتار غیرمنصفانه تجاری تفاوت دارد. از این رو کشورهای پیشرفته و بویژه اتحادیه اروپا، معتقدند که کشورها در قالب ماده ۱۹ باید مجاز باشند که در مقابل واردات از منابع خاص به اقدامات تبعیض‌آمیز توسل جویند، چرا که خسارت غالباً بعثت گسترش سریع واردات از یک یا تعدادی منابع معین وارداتی ناشی می‌شود و تنها این منابع باید محدود شوند که عملاً به معنای نقض اصل دول کامله الوداد می‌باشد. مخالفت بسیاری از کشورها بویژه ممالک در حال توسعه با هرگونه نقض اصل دول کامله الوداد باعث گردید که کشورهای عضو گات نتوانند در دور توکیو در مورد حفاظت‌ها به توافقی دست یابند و این امر در مذاکرات دور اروگوئه همچنان ادامه داشت. یکی از شیوه‌هایی که کشورهای پیشرفته در سال‌های اخیر جهت حمایت از صنایع داخلی در مقابل خسارت‌های احتمالی از ناحیه واردات بدان متوسل شده‌اند، مذاکره و حصول توافق با تعداد محدودی از کشورهای صادرکننده و در زمینه برخی از کالاهای معین در قالب ترتیباتی موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی<sup>۸۰</sup> (VERs) بوده است. ترتیباتی که در چارچوب موافقتنامه الیاف چندگانه (MFA) و به منظور تعیین سهمیه‌های صادراتی منسوجات و پوشاک از سال ۱۹۷۴ معمول شد بتدریج به بخش‌ها و کالاهای دیگر نیز تسری پیدا کرد. اقلام محدودی چون فولاد، اتومبیل، تلویزیون، ماشین ابزار، کفش، ویدئو، نیمه‌هادی‌ها و کشتی از جمله بخش‌های صنعتی هستند که در آمریکا و اتحادیه اروپا مورد حمایت می‌باشند. این اقدامات حمایتی که به اقدامات حوزه خاکستری<sup>۸۱</sup> موسوم است، یکی از عوامل تضعیف اعتبار مقررات گات در سال‌های اخیر بوده است. کشورهایی که از وضع چنین محدودیت‌هایی متضرر می‌شوند

<sup>80</sup> Voluntary Export Restraints

خودداری‌های داوطلبانه صادراتی، توافق دوجانبه‌ای است که طی آن کشور صادرکننده (دولت یا بخش خصوصی) می‌پذیرد که صادرات خود را بدون اینکه کشور واردکننده مجبور به استفاده از سهمیه‌ها، تعرفه‌ها و یا دیگر کنترل‌های وارداتی شود کاهش داده یا محدود نماید.

<sup>81</sup> Grey Area Measures

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

مجازند که طبق ماده ۱۹ به اقدامات جبرانی و تلافی‌جویانه متوسل شوند. لکن از آنجا که وضع این محدودیت‌ها با توافق صورت گرفته، نمی‌توانند به ماده ۱۹ استناد کنند و کشورهای صادرکننده‌ای نظیر ژاپن، کره جنوبی و تایوان بخاطر ترس از دست دادن تمامی سهم خود در بازارهای وسیع و پرجاذبه‌ای چون آمریکا و اتحادیه اروپا، به پذیرش داوطلبانه این محدودیت‌ها تن داده‌اند.

موافقتنامه حفاظت‌ها اصول اتخاذ اقدامات حفاظتی را که در ماده ۱۹ گات گنجانده شده است، تبیین می‌کند. این اقدامات حفاظتی، اقداماتی اضطراری هستند که یک کشور عضو موقتاً در شرایطی که افزایش واردات لطمه جدی به یک صنعت داخلی آن وارد می‌سازد به کار می‌بندد. این اقدامات در دو قالب افزایش تعرفه به بالاتر از نرخهای تثبیت شده و نیز اعمال محدودیت‌های مقداری صورت می‌گیرد و استثنایی مهم بر دو قاعده کلی گات محسوب می‌شود. اقدامات حفاظتی گاه شروط فرار نیز خوانده می‌شوند چرا که در این شرایط کشور عضو قادر است از برخی تعهدات خود بگریزد.

هر یک از موافقتنامه‌های بخشی سازمان تجارت جهانی (کشاورزی، منسوجات و خدمات) اقدامات حفاظتی خاص خود را دارند. بعلاوه در مواد دیگر گات، اقدامات حفاظتی مربوط به ترازپرداختها و نیز اقدامات حفاظتی با اهداف توسعه‌ای گنجانده شده و این موافقتنامه تمامی بخش‌ها را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و بطور مثال بخش‌های منسوجات و پوشاک و کشاورزی در چارچوب موافقتنامه‌های مربوطه از ترتیبات حفاظتی دیگری تبعیت می‌کنند.

یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند واردات یک کالا را چنانچه صنعت داخلی تهدید شده و یا به دلیل افزایش واردات صدمه ببیند موقتاً محدود کند یا اقدام حمایتی درباره آن وضع نماید. در این مورد صدمه باید قابل ملاحظه باشد. اقدامات حمایتی در ماده ۱۹ گات پیش‌بینی شده بود، اما به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. برخی دولت‌ها ترجیح می‌دادند تا از طریق اقدامات منطقه خاکستری از صنایع خود حمایت کنند. این اقدامات از طریق مذاکرات دوجانبه خارج از گات به متقاعد ساختن کشورهای صادرکننده برای اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای صادراتی بود. اقداماتی از این نوع برای برخی از محصولات نظیر اتومبیل، فولاد و نیمه هادی‌ها به کار می‌رفت. اما سازمان تجارت جهانی اقدامات منطقه خاکستری را ممنوع ساخت و برنامه زمانبندی ماده



غروب<sup>۸۲</sup> را برای این اقدامات تعیین نمود. این موافقتنامه اعلام می‌دارد که کشورهای عضو نباید محدودیت‌های حمایتی صادراتی یا وارداتی وضع کنند. اقدامات دوجانبه که با موافقتنامه‌های جدید همساز نبودند در پایان ۱۹۹۸ حذف شدند. البته کشورها مجاز بودند صرفاً یکسال این اقدامات را تا پایان ۱۹۹۹ ادامه دهند اما فقط اتحادیه اروپا برای اتومبیل‌های وارداتی از ژاپن از این مقررات استفاده نمود.

یکی از دلایل موجه برای اتخاذ اقدامات حمایتی می‌تواند افزایش واقعی در واردات و یا افزایش سهم بازار باشد حتی در صورتی که به لحاظ کمی تغییری در واردات ایجاد نشده باشد. صنایع و یا کارخانجات می‌توانند از طریق دولت‌ها اقدام به اتخاذ اقدامات حمایتی کنند. سازمان تجارت جهانی شرایطی را برای رسیدگی به اقدامات حمایتی وضع نموده است. یکی از آن ملزومات شفافیت قوانین و عملیات است. اقدام به رسیدگی نیازمند اعلام عمومی اقدامات و ارائه شواهد مورد نیاز است.

این موافقتنامه همچنین شرایطی را برای ارزیابی «صدمات جدی»<sup>۸۳</sup> و عواملی را که باید برای تعیین آثار واردات بر صنایع داخلی مد نظر داشت در نظر گرفته است. زمانی که چنین اقدام حمایتی وضع می‌گردد باید صرفاً در صورتی وضع شود که از بروز صدمات جدی ممانعت کند و یا به درمان آن کمک نماید. اعمال محدودیت‌های کمی نباید از متوسط واردات سه سال گذشته کمتر باشد مگر آن که توجیه منطقی وجود داشته باشد که سطح متفاوتی از حمایت برای جلوگیری از زیان و یا درمان صنعت وجود دارد.

اقدامات جدید حفاظتی نباید برای مدت زمانی معادل مدتی که قبلاً متداول بوده، برقرار شود و در هر صورت هر اقدام جدید حفاظتی باید ۲ سال پس از خاتمه اقدامات قبلی به مورد اجرا درآید. در این مورد کشورهای در حال توسعه می‌توانند پس از گذشت نصف زمان مورد نظر نسبت به وضع اقدامات جدید حفاظتی مبادرت ورزند. در صورتی که سهم صادرات یک کشور در حال توسعه

<sup>82</sup> Sunset Clause

منظور از ماده غروب حذف تمامی اقداماتی است که به محدود کردن صادرات یک کشور بطور عمدی منجر می‌شود که باید در طول دوره زمانی خاص خاتمه یابد.

<sup>83</sup> - Serious injury

کمتر از ۳ درصد واردات یک کشور عضو را در مورد کالای معینی تشکیل دهد، وضع اقدامات حفاظتی در مورد اینگونه صادرکنندگان مجاز نمی‌باشد.

اقدامات حمایتی را نمی‌توان در مورد واردات از یک کشور خاص بکار برد. اما موافقتنامه توضیح می‌دهد که چگونه سهمیه را باید بین کشورهای عرضه‌کننده تقسیم نمود. یک اقدام حمایتی نباید بیش از ۴ سال به طول بیانجامد مگر آنکه یک مقام صلاحیتدار نشان دهد که چنین اقدامی مورد نیاز است و شواهد کافی برای آن ارائه دهد. در این صورت اقدامات حمایتی را می‌توان تا ۸ سال ادامه داد.

زمانی که کشوری واردات را برای حمایت از صنایع داخلی محدود می‌کند در مقابل باید به طرف مقابل امتیازی بدهد. موافقتنامه تصریح می‌کند که برای جبران کشور صادرکننده باید از طریق مشاوره راهی ایجاد شود. اما اگر توافقی بین دو طرف تجاری ایجاد نشد کشور صادرکننده می‌تواند اقدامات تلافی‌جویانه را دنبال کند. به عنوان مثال می‌تواند نرخ تعرفه بر صادرات کشوری که اقدامات حمایتی وضع نموده است را افزایش دهد. در برخی شرایط کشور صادرکننده باید سه سال پس از آغاز اقدامات حمایتی صبر کند تا قادر به اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه باشد.

صادرات کشورهای در حال توسعه تا حدودی از اقدامات حمایتی حفاظت می‌شوند. یک کشور واردکننده زمانی می‌تواند از اقدامات حمایتی در مقابل یک کشور در حال توسعه استفاده کند که آن کشور در حال توسعه بیش از یک سوم واردات آن کالای خاص را تأمین کند و یا تمامی کشورهای در حال توسعه با کمتر از ۳٪ سهم جمعاً بیش از ۹٪ کل واردات یک کالای خاص را تأمین نمایند. دولت‌ها باید هر مرحله از رسیدگی به اقدامات حمایتی را اعلام نموده و تصمیمات اتخاذ شده از شفافیت لازم برخوردار باشد و سپس کمیته مربوط این گزارش‌ها را رسیدگی کرده و نتیجه نهایی را اعلام نماید.

بطور کلی در اسلام از بین بردن مواد غذایی در جهت کسب منافع مادی مجاز نمی‌باشد. اصولاً از بین بردن کشتزارها و دامها و نسل انسان ممنوع است و حفظ محیط زیست از موارد پر اهمیت در اسلام می‌باشد. تعمیم این موضوع به این مبحث کشیده می‌شود که دولت‌ها و افراد مجاز نیستند تا به قصد افزایش قیمت مواد غذایی بخشی از آن را از بین ببرند. در برخی سالها مشاهده شد برخی از

کشورها نظیر آمریکا برای جلوگیری از افت قیمت گندم قسمتی از محصول گندم خود را با کشتی به دریا حمل و در اقیانوس تخلیه می‌کردند. در صورتی که در آفریقا بسیاری از گرسنگی تلف می‌شدند. حتی ایجاد ممنوعیت در تولید و کشت غلات برای جلوگیری از افت قیمت ناشی از عرضه زیاد محصول، از لحاظ اسلام شبهات زیادی دارد؛ و لاقلاً می‌توان در مورد ارزاق عموم مردم جهان این نتیجه را ابراز نمود که اسلام جواز محدود کردن تولید ارزاق را تا تأمین نیاز غذایی کلیه افراد روی سیاره زمین نمی‌دهد. و با توجه به این آیه که می‌فرماید<sup>۸۴</sup>: «چون از نزد تو بازگردد در زمین فساد کند و کشتزارها و دامها را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد» حتی فساد که در زمین باعث کسری بازده تولید کشتزارها و دامها شود نیز ممنوع است. در تاریخ قرن اخیر به شکل ترفندهای پیشرفته و در قرون قبل به اشکال سنتی ملاحظه شده است که بسیاری از دول با پخش و صدور مخفیانه انگل‌ها و آفات نباتی و دامی، اقدام به ضربه زدن به محصولات و تولیدات زراعی و دامی کشورهای دیگر می‌کردند. برای مثال عامل شیوع کرم ساقه خوار برنج، کرم ساقه خوار درختان میوه، کرم سب‌زمینی و صیفی‌جات و زنگ گندم و انواع قارچ‌ها و شته‌ها یا باکتری‌هایی که دام‌ها و طیور را بیمار می‌نمایند توسط برخی از کشورها در کشورهای دیگر مخفیانه توزیع شد و جمله این موارد به انحاء مختلف در حیطه این مبحث قرار می‌گیرند.

اسلام کلیه این اقدامات را در سطح بین‌المللی ممنوع می‌شمارد. در اموال دولت اسلام سهمی برای نیازمندان مشخص شده که این نیازمندان در اشل دولت اسلام شامل محرومین کشورهای دیگر می‌شود. در قرآن کریم می‌فرماید<sup>۸۵</sup>: «در اموال ایشان سهمی برای بینوایان و نیازمندان معلوم است.» و این سهم که در اموال مؤمنین معلوم است به طریق اولی در بیت‌المال اسلام نیز معلوم است و بینوا و نیازمند هر که و هر کجا باشد بینوا و نیازمند است و مستوجب نوازش.

در سوره اسراء خداوند دربارهٔ تبذیر می‌فرماید: «حَقَّ خَوْشَاوَنَدٍ وَ مَسْكِينٍ وَ رَاهِمَانِدَةٍ رَا اِدَاكِن وَ

<sup>۸۴</sup> سوره بقره، آیه ۲۰۵، وَ اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَ اللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. در آیه ۷۷ سوره قصص می‌فرماید: در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. وَ لَا تَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِي الْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ. همچنین در آیه ۶۴ سوره مائده.

<sup>۸۵</sup> سوره زاریات، آیه ۱۹، وَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ. در سوره معارج آیات ۲۵ - ۲۴ می‌فرماید: وَ الَّذِيْنَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ.

هیچ اسراف مکن. اسراف کاران با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود.»<sup>۸۶</sup> در تفسیر تبتذیر در شرح همین آیه فرموده‌اند:<sup>۸۷</sup> «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا مَقْصُودٌ مِنْهُ تَبْذِيرٌ بِخَشْيِهِ بِغَيْرِ مَسْتَحَقٍّ يَأْتِي بِخَشْيِهِ بِمَسْتَحَقٍّ بِمِثْلِهِ مِنْ حَقِّهِ بِأَنَّهُ كَانَ يَنْفَعُ أَهْلَهُ بِمَا نَمَّ عَلَيْهِ مِنْهُ لَوْلَا أَنَّ تَبْذِيرَهُ لَمْ يَكُنْ مُجْتَنَبًا لَكُنَّا بِمِثْلِهِ يَوْمَ الْحِسَابِ»<sup>۸۸</sup> شده، از تبتذیر که دادن بر غیر مستحق یا دادن به مستحق زیاده از حق اوست که اسراف است در این آیه نهی شده است، چون دادن مال بدون تبتذیر همان اقتصاد (میان‌روزی) است. پس تبتذیر اعم از اسراف است اگرچه گاهی هم در مقابل آن قرار می‌گیرد، و چون امر به ادای حقوق در مفهوم مخالف آن مستلزم نهی از خودداری (تنگ چشمی) است، لذا به همان ادای حقوق اکتفا کرد و صریحاً از اسراف کردن نهی نمود. از آن رو که ادا کردن حق اختصاص به مال صوری و به خویشان صوری ندارد، بلکه عموم سایر حقوق و جمیع خویشاوندان در عالم کبیر و صغیر را شامل می‌شود، از نبی ص وارد شده که روزی بر سعد می‌گذشت که مشغول وضو گرفتن بود، فرمود: ای سعد چیست این اسراف؟ عرض کرد: یا آیا در وضو هم اسراف است؟ فرمود: بلی، اگرچه پیش چشمه جاری باشی. و از امام صادق ع وارد شده است که پرسیده شد: آیا در حلال تبتذیر می‌شود؟ فرمود: بلی و سر مطلب این است که هرگاه شخصی پیش چشمه جاری باشد ولی بیش از آن مقدار که واجب و مستحب است قوای خود را به کار اندازد. این استعمال قوا و توجه به قوای محرکه بدون استحقاق (ضرورت) تبتذیر است اگرچه اسراف و تبتذیر آب در این جا مطرح نباشد. خلاصه آنچه که از اخبار، با همه اختلافهای موجود مستفاد می‌شود این است که: انفاق مال یا کلام یا علم یا حکمت عرض و جاه یا نیروی قوا، یا انفاق بر نفس و قوای آن به مقدار خواست، بدون التفات به امر خدا و امتثال امر او تبتذیر است، هرچه که می‌خواهد باشد. در عین حال همه این‌ها اگر با توجه به امر خدا و امتثال امر او باشد اقتصاد (میان‌روزی) است هرچه می‌خواهد باشد. و لذا ذکر کرده‌اند که اگر همه دنیا را یک لقمه قرار دهی و مؤمنی را اطعام نمایی اسراف نمی‌شود. إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ تَبْذِيرِ كُنُودِكُمْ وَ كَسَانِي كَيْفَ لَا تَبْذُرُونَ غَفْلَتِكُمْ وَأَنْفِقْتُمْ مِنْ قَوْلِكُمْ كَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ قَوْلِكُمْ وَ كَانُوا يَنْفِقُونَ بِغَيْرِ حَسَابٍ الشَّيَاطِينُ يَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ لِيُجْزَوْنَ أَمْ جِئْتُمُ الْبَيْتَ ظَهْرًا وَ جَاءتُمْ سِنَانًا أَنْفِقُوا فِي سِنَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الشَّيْطَانُ يَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ لِيُجْزَوْنَ أَمْ جِئْتُمُ الْبَيْتَ ظَهْرًا وَ جَاءتُمْ سِنَانًا أَنْفِقُوا فِي سِنَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

<sup>۸۶</sup> سوره اسراء، آیات ۲۷-۲۶، وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا. إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.

<sup>۸۷</sup> بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ، ترجمه، جلد ۸، صص ۲۶۳-۲۶۰.

می‌کند و بر او حکم می‌راند همانطور که بر شیاطین خودش حکومت می‌کند. وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا عطف به بیان علت است، یعنی شیطان نسبت به پروردگارش بسیار کفر می‌ورزد، و مبذّر منفقی است که بدون التفات به امر خدا نسبت به پروردگارش کفور است پس او در کفر ورزیدن به پروردگارش برادر شیطان است.»

با این تفصیل تبذیر به یک معنا می‌تواند در مواجهه با ملل ضعیف عالم باشد. یعنی نمی‌توان حقّ ضعفا و ناتوانان از ملل دیگر را نادیده گرفت و هرطور که منافع ملی اقتضاء کرد به کسب منافع پرداخت و حقّی که خداوند برای سائل و محروم در اموال ملت معلوم کرده را به ملل محروم اعطاء ننمود.

### موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی

با توجه به نقشی که گمرکات در تجارت خارجی کشورها بعنوان خط مقدم نقاط تماس تجاری برعهده دارند، نحوه ارزش گذاری کالاهای وارداتی و یا صادراتی برای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی توسط گمرکات همواره مورد توجه و دستمایه اختلافات تجاری برای کشورها بوده است.

پروژه برآورد ارزش یک محصول در گمرکات مشکلاتی را برای واردکنندگان دربردارد که ممکن است به اندازه تعرفه‌های گمرکی سخت و محدودکننده باشد. موافقتنامه سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شده است که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید، سیستمی که مطابق با واقعیت‌های تجاری و اعمال رویه‌های خودسرانه و دلخواهانه را در ارزیابی ممنوع می‌کند. این موافقتنامه یکسری قوانین ارزیابی را ارائه می‌دهد که دقت و وسعت بیشتری از مقررات ارائه شده در موافقتنامه گات را داراست.

براساس تصمیمات اتخاذ شده در دور اروگوئه به گمرکات این حق را می‌دهد که اطلاعات بیشتری را از واردکننده در شرایطی که نسبت به صحت موارد اعلام شده مشکوک هستند اخذ نماید. در صورتی که گمرکات علیرغم کسب اطلاعات اضافی مشکوک باشند ممکن است ارزش گمرکی کالای وارداتی براساس اظهارات واردکننده تعیین نشود.

بر اساس ماده ۱ این موافقتنامه ارزش گمرکی کالای وارد شده ارزش معاملاتی یعنی قیمت پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا می‌باشد. همچنین در ماده ۲ آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را تعیین نمود، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای همسانی<sup>۸۸</sup> خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. علاوه بر این در ماده ۳ موافقتنامه آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق مقررات مواد فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای مشابهی خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. در صورت عدم تعیین ارزش گمرکی کالای وارد شده طبق روش‌های فوق، دو روش دیگر نیز در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۵، اگر کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده در کشور واردکننده به فروش برسد، ارزش گمرکی کالای وارد شده مبتنی بر قیمت واحدی از کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه خواهد بود که حدوداً در همان زمان وارد شده است و در بیشترین مقدار از مجموع فروش فروخته می‌شود با کسر موارد زیر:

- ۱- حق العمل‌هایی که معمولاً پرداخت می‌شود یا توافق می‌شود که پرداخت گردد یا افزایش‌هایی که معمولاً برای سود یا هزینه‌های عمومی در مورد فروش کالای وارد شده متعلق به همان طبقه یا نوع، در چنین کشوری صورت می‌گیرد.
- ۲- هزینه‌های معمول حمل و نقل و بیمه و هزینه‌های مرتبط با آنها که کشور واردکننده متقبل شده است.
- ۳- حقوق گمرکی و دیگر مالیات‌های ملی که به دلیل وارد شدن یا فروش کالا در کشور واردکننده قابل پرداخت است.

روش پنجم ارزشگذاری گمرکی در ماده ۶ موافقتنامه مقرر می‌نماید که ارزش گمرکی کالای

---

<sup>۸۸</sup> اصطلاح کالاهای همسان و مشابه در ماده ۱۵ موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی تعریف شده است. کالای همسان به معنای کالایی است که از همه جهات از جمله خصوصیات مادی، کیفیت و شهرت همانند می‌باشد. کالای مشابه نیز به معنای کالایی است که گرچه از همه جهات همانند نیست، اما خصوصیات همانند و مواد تشکیل دهنده همانندی دارد که آن را قادر می‌سازد وظایف مشابهی را انجام دهد و از نظر تجاری قابلیت جانشینی داشته باشد.

وارد شده بر ارزش محاسباتی مبتنی خواهد بود. ارزش محاسباتی مرکب است از مجموع قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است. بعلاوه مقدراری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالایی که تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به کشور وارد کننده منظور می‌کنند. ارزش محاسباتی مرکب است از:

۱- قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است.

۲- مقدراری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع کالایی که در ارزش‌گذاری آن منعکس می‌گردد و تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به کشور واردکننده منظور می‌کنند.

نهایتاً در ماده ۷ موافقتنامه تصریح شده که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق روش‌های فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی با استفاده از طرق معقول سازگار با اصول و مقررات عمومی این موافقتنامه و بر مبنای داده‌های موجود در کشور وارد کننده کالا تعیین خواهد شد. طبق ماده ۹، در مواردی که برای تعیین ارزش گمرکی تبدیل ارز لازم باشد، نرخ مورد استفاده آن نرخ خواهد بود که مقامات صلاحیتدار کشور وارد کننده ذیربط به نحو مقتضی اعلام کرده‌اند.

از سوی دیگر طبق ماده ۱۸ این موافقتنامه، یک کمیته ارزش‌گذاری گمرکی مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء و نیز یک کمیته فنی ارزش‌گذاری گمرکی تحت نظارت شورای همکاری گمرکی (CCC) تشکیل خواهد شد.

در ماده ۲۰ موافقتنامه نسبت به کشورهای در حال توسعه عضو، رفتار متفاوت ویژه‌ای مطرح شده است. این کشورها مجازند اجرای مقررات این موافقتنامه را تا ۵ سال پس از شروع کار سازمان تجارت جهانی به تعویق اندازند.

علاوه بر عواملی که در تعیین ارزش کالای وارداتی که ارزش CIF کالا است دخالت دارند و مبنای ارزش‌گذاری گمرکی در کشورها می‌باشند، معیارهای دیگری در گمرک برای مقایسه و

تعیین ارزش کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- ۱) مقایسه با ارزش صادراتی کالای همسان از همان کشور مبدا که همزمان به کشور مقصد فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته است.
- ۲) مقایسه با ارزش صادراتی کالای مشابه، از همان کشور مبدا که همزمان به کشور مقصد فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته باشد. این اصطلاحات در هر دو مورد از شورای همکاری گمرکی برداشت شده است.
- ۳) مقایسه با فهرست بهای صادراتی محصولات یا تولیدات یک کارخانه یا تولیدکننده که باید مستقیماً توسط سازنده تنظیم و صادره از کشور مبدا باشد.
- ۴) فهرست‌های عمده و یا خرده فروشی داخل کشور صادر کننده.
- ۵) مقایسه بر مبنای ارزش عمده فروشی و خرده فروشی داخل کشور.

مورد اخیر، آخرین معیاری است که در صورت عدم اجرای موارد فوق در مورد مقایسه ارزش کالای وارداتی ملاک عمل قرار می‌گیرد.

## موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

بازرسی قبل از بارگیری به مفهوم استفاده از شرکت‌های خصوصی و یا مؤسسات مستقل برای بازرسی جزئیات بارگیری بالاخص، قیمت، کمیت و کیفیت کالاهای سفارش داده شده است. عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر کمیت و کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد.

هدف از این موافقتنامه تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله تعهداتی که بر دولت‌هایی که از بازرسی قبل از بارگیری استفاده می‌کنند وضع می‌گردد عبارت از: عدم تبعیض، شفافیت، حمایت از اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای نامعقول، استفاده از خطوط راهنمای مشخص برای بررسی صحت قیمت کالاها و جلوگیری از تضاد منافع به وسیله سازمان‌های بازرسی



است.

عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر کمیت، کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد. در این موافقتنامه اصول بازرسی گات بر فعالیت‌های مؤسسات بازرسی کننده تسری یافته است. در این موافقتنامه دولت‌های عضو استفاده کننده از خدمات این گونه مؤسسات متعهد شده‌اند که اصولی نظیر عدم تبعیض، شفافیت، حفاظت از اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای غیرمنطقی، استفاده از دستورالعمل‌های خاص برای تأیید قیمت و اجتناب از تعارض منافع مؤسسات بازرسی کننده را رعایت نمایند. از سوی دیگر، کشورهای عضو صادرکننده در قبال استفاده کنندگان از خدمات مؤسسات بازرسی تعهداتی را نظیر عدم تبعیض در اعمال قوانین و مقررات داخلی، شفافیت و انتشار مناسب قوانین و مقررات مربوطه پذیرا شده‌اند. اعطای کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه استفاده کننده از خدمات این مؤسسات در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. همچنین در موافقتنامه به منظور حل و فصل اختلافات میان صادرکننده و مؤسسه بازرسی قبل از حمل رویه خاص مقرر گردیده است.

این موافقتنامه یک پروسه تجدید نظر را ارائه می‌کند. این پروسه به وسیله فدراسیون بین‌المللی آژانس‌های بازرسی (IFIA)<sup>۸۹</sup> و اتاق بین‌المللی تجارت (ICC)<sup>۹۰</sup> که معرف صادرکنندگان است اداره می‌شود و هدف آن حل و فصل مشاجرات میان صادرکنندگان و آژانس‌های بازرسی است.

با توجه باینکه تا قبل از دور اروگوئه تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه از "بازرسی پیش از حمل" برای بررسی کیفیت، کمیت و قیمت کالاهای وارداتی استفاده می‌کردند، به منظور اینکه چنین برنامه‌هایی باعث ایجاد تأخیرهای غیر لازم یا رفتار نابرابر نشود، در دور اروگوئه توافق شد تا در مورد حقوق و تعهدات کشورهای استفاده کننده عضو و کشورهای صادرکننده عضو، یک چارچوب بین‌المللی مورد توافق طرفین ایجاد کنند و بر این اساس موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ایجاد شد. بطور کلی دو هدف عمده کشورها از استفاده از خدمات بازرسی پیش از حمل، مقابله با مشکل ارزش گذاری پایین و یا بالای کالاهای وارداتی است. ارزش گذاری پایین کالاهای وارداتی موجب تعلق حقوق و عوارض گمرکی (تعرفه) کمتر از میزان واقعی شده و منجر به

<sup>89</sup> International Federation of Inspection Agencies

<sup>90</sup> International Chamber of Commerce

کاهش درآمدهای گمرکی دولتها می‌شود و ارزش‌گذاری بالای کالاهای وارداتی در کشورهایی که نظام کنترل ارزی وجود دارد سبب خروج ارز از کشور می‌گردد. به موجب موافقتنامه بازرسی پیش از حمل (PSI) دو دسته تعهدات برای "کشورهای استفاده‌کننده عضو" و "کشورهای صادرکننده عضو" پیش‌بینی شده است که بار اصلی تعهدات بر دوش گروه اول یعنی "کشورهای استفاده‌کننده عضو" از خدمات بازرسی پیش از حمل قرار داد. اصلی‌ترین تعهدات این کشورها بر رعایت اصل کلی عدم تبعیض و رفتار ملی، اجتناب از تاخیرهای غیر ضروری، استفاده از استانداردهای بین‌المللی و مورد توافق خریدار و فروشنده جهت ارزیابی کیفی و فنی کالا، رعایت شفافیت، حفظ اطلاعات بازرگانی و تجاری محرمانه، برخورداری واردکنندگان از حق استیناف در موارد بروز اختلاف، و اطلاع‌رسانی به موقع تأکید دارد و برای هر یک رویه‌های اجرایی مربوطه را توصیه و تعیین نموده است. تعهدات کشورهای صادرکننده عضو نیز به رعایت اصل اساسی عدم تبعیض، شفافیت، و ارائه کمک‌های فنی به کشورهای استفاده‌کننده عضو انحصار دارد. این موافقتنامه برای تمامی اعضا سازمان تجارت جهانی لازم‌الاجرا است.

تعهدات کشورهای صادرکننده به کشورهایی که از رویه‌های بازرسی قبل از بارگیری استفاده می‌کنند عبارتند از: عدم تبعیض در بکارگیری قانون‌های داخلی و مقررات، انتشار سریع قوانین و مقررات و ارائه خدمات فنی در مواقع مورد نیاز.

در صورت عضویت کشوری در سازمان جهانی تجارت و پذیرش مفاد این، انجام اقدامات و تدوین مقرراتی متناسب با مفاد این موافقتنامه که ناظر بر رفتار دولت واردکننده، صادرکننده و موسسه بازرسی باشد، لازم به نظر می‌رسد. اساساً این موافقتنامه بدین منظور در مجموعه موافقتنامه‌های دوراروگوئه گنجانده شده که کشورها با توسل به خدمات اینگونه موسسات موانع غیرضروری و ناعادلانه‌ای را بر سر راه تجارت میان یکدیگر ایجاد نکنند و رویه‌هایی که در این موافقتنامه پیش‌بینی شده با هدف به حداقل رساندن فرآیند بازرسی و رفع اختلافات احتمالی تنظیم گردیده است.

## موافقتنامه قواعد مبدأ

امروزه تحولات سریعی که در زمینه فن‌آوری و تقسیم کار بین‌المللی بر حسب مزیت‌های نسبی و

رقابتی پدید آمده است، گستردگی زنجیره تولید صنعتی از یک کشور به چند و یا چندین کشور را موجب شده و در تولید یک محصول نهایی ممکن است کشورهای متعددی نقش داشته باشند. از طرفی روند همگرایی‌های منطقه‌ای و تشکیل مناطق آزاد تجاری و اتحادیه‌های گمرکی و ایجاد پیمان‌های تجاری منطقه‌ای از شتاب روز افزونی برخوردار شده که به موجب آن کشورها به اعطای ترجیحات تعرفه‌ای به کشورهای هم پیمان خود مبادرت می‌ورزند. از این رو دانستن اینکه یک کالا ساخت چه کشوری است اهمیت بیشتری یافته است و کشورها برای این منظور روش‌ها و قواعد مختلفی را وضع کرده‌اند.

قوانین مبدأ<sup>۹۱</sup> ویژگی‌هایی را که برای تعریف این موضوع که کالا در کجا تولید شده است ارائه می‌کند. قوانین مبدأ جزء مهمی از قوانین تجاری است چرا که در برخی سیاست‌ها میان کشورهای صادرکننده تبعیض قائل می‌شود. این تبعیض‌ها عبارتند از: سهمیه‌ها و نرخ‌های تعرفه ترجیحی، عملیات ضد دامپینگ، عوارض گمرکی جبرانی به منظور مقابله با سوبسیدهای صادراتی و غیره. قوانین مبدأ برای تهیه آمار تجاری نیز حائز اهمیت هستند. این رویه با روند جهانی شدن و رویه‌ای که یک کالا در کشورهای مختلف پردازش می‌شود پیچیده تر شده است.

با توجه به اهمیت مطلب و به منظور اجتناب از اینکه قوانین مبدأ متعدد و مختلف کشورها خود تبدیل به مانعی فرا راه تجارت شود و به حقوق اعضا سازمان تجارت جهانی به موجب گات ۹۴ لطمه زند و به منظور تضمین اینکه قواعد مبدأ به گونه‌ای منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منطقی و بیطرفانه تهیه و اعمال شوند، در دور اروگوئه مذاکرات برای تعیین ضوابط و تعهدات کشورهای عضو انجام و منجر به ایجاد موافقتنامه قواعد مبدأ گردید. مهمترین کاربردهای قواعد مبدأ به اعمال رجحان‌های تجاری ترتیبات منطقه‌ای، اقدامات حفاظتی، اقدامات جبرانی، محدودیتهای مقداری و سهمیه‌های تعرفه‌ای بر می‌گردد. بطور کلی قواعد مبدأ نباید بعنوان ابزار تعقیب مستقیم یا غیر مستقیم اهداف تجاری مورد استفاده قرار گیرند و این قواعد باید به نحوی غیر تبعیض آمیز اعمال شوند. در قواعد مبدأ باید مقرر گردد مبدأ کالا کشور یا محلی است که کالا کلاً در آنجا بدست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن کالا دخالت داشته باشد، کشوری مبدأ کالا محسوب شود که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است. همچنین در مواردیکه

<sup>91</sup> Rules of Origin

معیارهای "درصد ارزشی" و یا "فرآیند ساخت و پردازش کالا" اعمال می‌شود باید روش محاسبه و عملیاتی که سبب تعیین مبدأ برای کالای ذیربط می‌گردد به دقت مشخص شوند. شفافیت، برخورداری از حق استیناف، عدم تأخیر و حفظ رازداری و حفاظت از اطلاعات محرمانه از دیگر الزامات این موافقتنامه است. موافقتنامه قواعد مبدأ فقط ناظر بر قواعد مبدأ غیر ترجیحی بوده و کشورها می‌توانند برای ترتیبات منطقه‌ای و اتحادیه‌های تجاری و گمرکی از قواعد مبدأ ترجیحی نیز برخوردار باشند. این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است.

قواعد مبدأ موجب سهولت در جریان تجارت بین‌المللی می‌گردد و هدف این موافقتنامه در بلندمدت هماهنگی نمودن قواعد مبدأ غیرترجیحی است. نکته اصلی این موافقتنامه رعایت اصل دولت کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می‌باشد ضمن آنکه تصریح شده است که کشورها باید قوانین‌شان شفاف بوده و اثر تحریف‌کننده‌ای بر تجارت نداشته باشد.

هدف این موافقتنامه رعایت اصل دول کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می‌باشد. از اعضای سازمان تجارت جهانی خواسته شده که اطمینان دهند قواعدشان شفاف بوده و اثر تحریف‌کننده بر تجارت ندارد. اگر چه قواعد مبدأ مورد استفاده در توافقات تجاری ترجیحی (نظیر GSP و کنوانسیون LOME) تحت پوشش این موافقتنامه نمی‌باشد و چنین قواعد ترجیحی مستقلاً توسط اعطاء کنندگان ترجیحات در طرح‌های مربوطه تشریح شده است. با این حال در موافقتنامه مبدأ اعلامیه مشترکی در خصوص قواعد مبدأ ترجیحی پیش‌بینی شده است.

در ماده ۳ موافقتنامه<sup>۹۲</sup> از اعضا خواسته شده که طبق قواعد مبدأ خود کشوری که به عنوان مبدأ کالایی خاص تعیین می‌شود کشوری باشد که کالا کلاً در آنجا به دست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن دخالت داشته باشند کشوری باشد که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است.

همچنین در همین ماده آمده است که به مجرد درخواست یک صادرکننده، واردکننده و یا هر شخص به دلیل موجه، ارزیابی‌های مربوط به تعیین مبدأ یک کالا در سریع‌ترین وقت ممکن و

<sup>۹۲</sup> بررسی آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی.

حداکثر ۱۵۰ روز پس از درخواست این ارزیابی به پایان برسد مشروط بر آنکه تمامی منابع لازم تسلیم شده باشد. این ارزیابی‌ها برای ۳ سال اعتبار خواهند داشت مشروط بر آنکه واقعیات و شرایط یکسان باقی بمانند.

موافقتنامه قوانین مبدأ از کشورهای عضو می‌خواهد که قوانین مبدأ آنها شفاف بوده و دارای موانع محدودکننده و اختلال برانگیز بر تجارت بین‌المللی نباشند، به شکل معقولی اداره شود و براساس استانداردهای مثبت شکل بگیرند. به عبارت دیگر آنها باید عنوان کنند که چه چیزی قوانین مبدأ را تأیید نمی‌کند.

در ماده ۴ این موافقتنامه تشکیل کمیته‌ای در مورد قواعد مبدأ و مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء پیش بینی شده است. همچنین کمیته‌ای فنی در مورد قواعد مبدأ و تحت نظارت شورای همکاری گمرکی تشکیل می‌گردد بطوری که دبیرخانه شورای همکاری گمرکی به عنوان دبیرخانه کمیته فنی عمل خواهد کرد.

این موافقتنامه برای تمامی کشورهای عضو لازم‌الاجرا است اما در عین حال استثناهایی به شکل تجارت ترجیحی در آن وجود دارد. به عنوان مثال کشورهایی که یک اتحادیه تجاری تشکیل می‌دهند قادر خواهند بود قوانین مبدأ متفاوتی برای محصولات خود که در موافقتنامه تجاری آنها درج می‌شود را در نظر بگیرند. موافقتنامه اتحادیه تجاری یک برنامه هماهنگی را ایجاد می‌کند که متکی بر اصولی است مبتنی بر قابل درک و پیش‌بینی بودن قوانین مبدأ است. این موافقتنامه قرار بود تا ژوئیه ۱۹۹۸ نهائی شود اما چندین بار به تعویق افتاده است. این موافقتنامه به وسیله کمیته قوانین مبدأ در سازمان تجارت جهانی و یک کمیته فنی تحت نظارت سازمان جهانی گمرک در بروکسل اداره می‌شود. نتیجه مذاکرات این کمیته مجموعه قوانینی است که به وسیله تمامی اعضاء در تمامی موقعیت‌ها بکار گرفته شود و دارای برخوردهای ترجیحی با کشورها نباشد.

منظور از کشور مبدأ، کشوری است که در آنجا کالا تولید، مونتاژ، پردازش، فرآوری یا تهیه می‌شود. این تعریف تقریباً همان تعریف سازمان جهانی گمرک (WCO) است که در حال حاضر برای تعیین مبدأ، صرف نظر از چگونگی عمل صادر کننده استفاده می‌شود. معمولاً صادر کننده نخست، در اظهارنامه گمرکی کشور مبدأ را صریحاً قید و اظهار نامه را امضاء می‌کند. گمرک

پس از تسلیم اظهارنامه، کالا را معاینه نموده و مراحل زیر را انجام می‌دهد.

- مشخصات فنی کالا را بازرسی و ارزیابی می‌نماید.
- علائم، مارک و نوشته‌های روی کالا یا بسته بندی را با کیفیت کالا مطابقت می‌کند.
- در صورت تردید در مبداء ساخت، از وزارتخانه‌های صنعتی یا کارشناسان استعلام می‌کند.
- با مراجعه به بازار، مبداء کالا را سؤال می‌نماید.

پس از تأیید گمرک، مجوزی به صادر کننده خارجی تسلیم می‌شود. صادر کننده مجوز گمرک را به اتاق بازرگانی برده و بر حسب اینکه کالا و کشور محل ورود آن (مقصد نهایی) تحت شمول مقررات مربوط به ترجیحات تعرفه‌ای باشد یا خیر، فرم گواهی مبداء یا فرم عادی توسط اتاق بازرگانی به صادر کننده تسلیم می‌شود. بعد از صدور گواهی مبداء صادر کننده با مراجعه به سفارت یا کنسولگری کشور مقصد واقع در کشور مبداء، مهر و امضاء اتاق بازرگانی را به تصدیق سفارت یا کنسولگری مربوطه می‌رساند و برای ذینفع در مقصد ارسال می‌دارد.

## موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود

موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود (ILP)، محصول دور توکیو است که بعداً در دور اروگوئه تکمیل گردید. با توجه به اینکه رویه‌های صدور مجوز ورود یکی از مصادیق جدی موانع غیر تعرفه‌ای به شمار می‌رود و با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه در راستای نیازهای تجاری، توسعه ای و مالی خاص خود از رویه‌های صدور مجوز ورود استفاده می‌کنند، به منظور اینکه استفاده از این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد، تعهدات کشورهای استفاده کننده عضو از این رویه‌ها در چارچوب این موافقتنامه تعیین شده است.

جواز واردات در سازمان تجارت جهانی مشمول مقررات خاص است. موافقتنامه جواز واردات حاوی این نکته است که پروسه جواز باید ساده شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. به عنوان مثال، موافقتنامه از دولت‌ها می‌خواهد که اطلاعات کافی در مورد نحوه اعطای جواز واردات برای تجار منتشر کنند. این موافقتنامه همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که چگونه کشورها باید سازمان جهانی را

از تغییر پروسه موجود و یا معرفی پروسه جدید جواز واردات مطلع سازند. به علاوه موافقتنامه خطوط راهنمایی را برای ارزیابی دولت‌ها از پروسه جوازهای واردات ارائه کرده است.

برخی از این جوازها بطور خودکار اعطاء می‌شوند اگر شرایط مشخصی برآورده شده باشد. توافقنامه ویژگی‌هایی را برای اعطای جوازهای وارداتی مشخص کرده است تا این پروسه‌ها به عنوان مانعی محدودکننده برای گسترش تجارت تلقی نشوند. در عین حال برخی دیگر از جوازها به طور خودکار اعطاء نمی‌شود. در این مورد موافقتنامه سعی دارد که عوامل محدودکننده و مانع را به حداقل ممکن برساند تا کارهای اداری تجارت را محدود نکند. موافقتنامه عنوان می‌دارد که سازمان‌های دخیل در امر اعطای جواز نباید بیش از ۳۰ روز درگیر ارزیابی یک تقاضا باشند. (۶۰ روز در صورتی که تمامی تقاضاها با یکدیگر ارزیابی شوند).

در این موافقتنامه صدور مجوز به عنوان رویه اداری مورد استفاده برای اجرای رژیم‌های صدور مجوز ورود تعریف شده است. که مستلزم تسلیم درخواست یا سایر اسناد به دستگاه‌های اداری مربوطه می‌باشد. در موافقتنامه، اعضا تضمین کرده‌اند که به منظور جلوگیری از انحراف در تجارت که ممکن است از اعمال نامناسب این رویه‌ها ایجاد شود، رویه‌های اداری مورد استفاده برای صدور مجوز ورود را با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو به ترتیبی که در موافقتنامه تفسیر شده انطباق دهند.

در ماده ۵ موافقتنامه<sup>۹۳</sup> تصریح شده است که قواعد و تمام اطلاعات مربوط به رویه‌های تسلیم درخواست و فهرست محصولات محمولاتی که برای آنها صدور مجوز لازم است باید به کمیته صدور مجوز ورود اطلاع داده شود و به گونه‌ای منتشر شود که دولت و تجار از آنها آگاهی یابند. متقاضیان مجوز ورود تنها باید با یک دستگاه اداری تماس بگیرند. اگر تماس با بیش از یک رکن اداری کاملاً اجتناب‌ناپذیر باشد، متقاضیان الزامی ندارند که با بیش از ۳ رکن اداری در تماس باشند. طبق ماده ۵ موافقتنامه، کشورهایی که رویه‌هایی را برای صدور مجوز وضع می‌کنند یا در آنها تغییرات بوجود می‌آورند، مراتب را ظرف ۶۰ روز پس از انتشار باید به اطلاع کمیته صدور مجوز (مرکب از نمایندگان هر یک از اعضا) برسانند.

<sup>۹۳</sup> بررسی آثار عضویت ایران بر سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی.

بطور کلی و براساس تعاریف بعمل آمده در این موافقتنامه، رویه‌های صدور مجوز ورود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- رویه‌های صدور مجوز خودکار (اتوماتیک). رویه‌های صدور مجوز خودکار رویه‌هایی هستند که بر واردات کالاها یا خدمات مشمول مجوز، اثرات محدود کننده تجاری نداشته باشند یعنی اینکه هر شخصی که الزامات حقوقی مربوطه را برای فعالیت در عملیات وارداتی محصول مشمول مجوز رعایت کند، واجد شرایط برای درخواست و اخذ مجوز ورود باشد و همچنین درخواستهای مجوز را در هر روز کاری قبل از ترخیص کالا از گمرک بتوان تسلیم نمود و درخواستهای اخذ مجوز ورود فوراً و حداکثر ظرف ده روز کاری مورد موافقت قرار گیرد.
- ۲- رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار (غیر اتوماتیک). هرگونه رویه‌ای خارج از دامنه تعریف رویه‌های صدور مجوز خودکار، آن را در زمره رویه‌های غیر خودکار قرار خواهد داد.

اطلاعی‌های مربوط به وضع رویه‌های صدور مجوز در برگیرنده اطلاعات زیر خواهد بود:

- ۱- فهرست محصولات مشمول رویه‌های صدور مجوز
- ۲- محل تماس جهت کسب اطلاعات راجع به شرایط لازم برای پذیرفته شدن
- ۳- ارکان اداری برای تسلیم درخواستها
- ۴- تاریخ و نام نشریه‌ای که رویه صدور مجوز در آن منتشر شده است.
- ۵- مشخص ساختن این امر که آیا رویه صدور مجوز اتوماتیک یا غیر اتوماتیک است.
- ۶- ذکر هدف اداری در مورد رویه‌های صدور اتوماتیک مجوز ورود.
- ۷- در مورد رویه‌های صدور غیر اتوماتیک مجوز ورود اشاره به اقدامی که می‌بایست در جریان رویه صدور مجوز انجام پذیرد.
- ۸- ذکر مدت مورد انتظار برای اجرای رویه صدور مجوز چنانچه بتوان این مدت را با درجه‌ای از احتمال تعیین نمود و در غیر این صورت ذکر دلیل عدم ارائه این اطلاعات.

در مواد ۲ و ۳ موافقتنامه رویه‌های صدور اتوماتیک و غیر اتوماتیک مجوز ورود با جزئیات تشریح گردیده است که در هر حال نباید اثرات محدود کننده یا انحرافی بر واردات داشته باشند. شایان



ذکر است که با توجه حرکت‌های اخیر کشورها در جهت مقررات‌زدایی در رژیم‌های تجاری‌شان از حجم تجارتی که تحت پوشش مجوزهای وارداتی است به میزان زیاد کاسته شده است. با این حال در این موافقتنامه دستورالعمل‌های مهمی برای آن بخش از تجارت که عمدتاً به کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌شود ارائه گردیده است و از کشورها خواسته شده است حتی‌الامکان در وضع این مجوزها سهولت، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی را رعایت کنند.

کلیه اعضا تشویق و ترغیب شده‌اند در صورت لزوم از رویه‌های صدور مجوز خودکار استفاده بعمل آورند. همچنین پاسخ به تقاضاهای مجوز ورود غیر خودکار نبایستی از شصت روز تجاوز کند. به موجب موافقتنامه حاضر هیچ‌یک از اعضا نمی‌تواند متقاضیان درخواست اخذ مجوز ورود را به بیش از سه رکن اداری ارجاع دهد. همچنین در رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار چنانچه محدودیتهای مقداری و سهمیه اعمال می‌شود، باید میزان تخصیص این سهمیه‌ها به کشورهای ذینفع اطلاع داده شود و در تخصیص سهمیه‌ها توجه لازم به مقادیر اقتصادی و امکان واردات از منابع دور دست صورت گیرد.

این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم‌الاجرا است.

در کشورها غالباً مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شوند، محدود کننده می‌باشند. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالاها به دلایل اقتصادی (حمایت از تولید کننده یا مصرف کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. بندرت اتفاق می‌افتد که وضع مجوز به منظور جلوگیری از واردات کالاهای با کیفیت نازل صورت گیرد.

مجوزهایی که برای صادرات برقرار می‌شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌کنند مربوط می‌شود.

## موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

با توجه به نقش خدمات در تجارت کالا و حجم قابل توجه تجارت خدمات از کل تجارت جهان، در حالیکه تا پیش از دور اروگوئه آزاد سازی تجاری صرفاً به کالا محدود می‌شد، نیاز به وجود یک چارچوب حقوقی منسجم در خصوص تجارت خدمات، منجر به طرح موضوع در مذاکرات دور اروگوئه گردید. حاصل این مذاکرات، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات می‌باشد که از ژانویه سال ۱۹۹۵ به اجرا گذاشته شد.

موافقتنامه تجارت خدمات (GATS)، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این موافقتنامه از کشورها خواسته شده ضمن فراهم کردن تسهیلات لازم برای مشارکت بیشتر در تجارت بین‌المللی خدمات، ظرفیت داخلی بخش خدمات و کارآیی و رقابت پذیری آن را تقویت کنند.

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بین تعهدات و نظامات کلی که تمامی طرف‌ها با امضای موافقتنامه آنها را می‌پذیرند (که مهمترین آنها تعمیم شرط اصل دول کامله الوداد به بخش خدمات است) برای تعهدات خاص هر بخش در مورد دسترسی به بازار، رفتار ملی و دیگر تعهدات اضافی که موضوع مذاکرات معینی است و در جدول تعهدات قید می‌شود، تمایز قایل شده است. در واقع یکی از نکات بسیار مهم این موافقتنامه که مرهون تلاش کشورهای در حال توسعه است، در همین تمایز تعهدات نهفته است. بدین معنی که پذیرش چارچوب موافقتنامه به عنوان قبول تعهدات کلی، به منزله اعطای امتیاز جهت دسترسی به بخش خدماتی خاص نمی‌باشد. بلکه قبول تعهدات در مورد هر بخش خدمات و اعطای امتیاز دسترسی دیگر اعضای گات به آن بخش موضوعی است که در مذاکرات مربوط به تنظیم جداول تعهدات هر کشور و به تناسب بخش‌ها و یا زیربخش‌هایی که آزاد سازی آنها با استراتژی‌های توسعه کشورها سازگاری دارد مورد بحث قرار می‌گیرد. در موافقتنامه ۴ شیوه عرضه خدمات پیش‌بینی شده است:

۱- عرضه از طریق مرزها، استفاده کننده، خدمات را از عرضه کننده‌ای که در کشور دیگری مستقر است دریافت می‌دارد.

- ۲- مصرف در خارج، استفاده کننده، خدمات را در خارج از کشور محل اقامت خود مصرف می‌کند.
- ۳- حضور تجاری، عرضه کننده خدمات، تسهیلات خدماتی خود را در کشور مصرف کننده خدمات تأسیس می‌کند.
- ۴- جابجایی اشخاص حقیقی، عرضه کننده خدمات به عنوان شخص حقیقی بطور موقت در کشور مصرف کننده خدمات حضور دارد.

همانطور که گفته شد، اصل دول کامله الوداد، جزء تعهدات کلی موافقتنامه تجارت خدمات است که تمامی اعضاء باید آن را در قبال یکدیگر رعایت نمایند. اصل استثنائات و معافیت‌های معینی نیز دارد. رعایت دیگر اصول گات نظیر رفتار ملی و دسترسی به بازار تنها در مورد بخش‌ها، زیر بخش‌ها و شیوه‌های عرضه خدماتی قابل اعمال است که هر کشور در جداول تعهدات خود آنها را پذیرفته باشد. در موافقتنامه تجارت خدمات این حق برای کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده که می‌توانند آزادسازی بخش‌های خدماتی خود را مشروط به انجام اقداماتی از سوی دیگر اعضاء (بوئژه کشورهای پیشرفته) کنند که آنها را در تقویت بخش‌های خدماتیشان - مثلاً از طریق دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و کانال‌های توزیع یا دسترسی به تکنولوژی - کمک نمایند.

بر مبنای این موافقتنامه خدمات به ۱۲ بخش و ۱۵۵ زیر بخش تقسیم شده اند که از مهمترین آنها می‌توان خدمات مالی شامل (بانک و بیمه)، مخابرات، حمل و نقل، ساختمان، گردشگری، خدمات بازرگانی و خدمات حرفه‌ای را نام برد. همچنین در این موافقتنامه به واسطه ماهیت متفاوت خدمات و کالا، چهار شیوه عرضه برای خدمات تعریف شده است که شامل موارد زیر است:

- حضور تجاری عرضه کننده خدمات در کشور مصرف کننده
- حضور مصرف کننده در کشور عرضه کننده
- عبور خدمات از مرز
- عبور موقت اشخاص حقیقی

ساختار موافقتنامه خدمات انعطاف پذیر است و کشورها می‌توانند بر اساس نتایج مذاکرات خود با سایر اعضا سازمان در برخی بخشها و شیوه‌های عرضه خدمات، تعهداتی را بپذیرند و مقررات

داخلی خود را در آن بخشها با مفاد موافقتنامه سازگار نمایند. اصول این موافقتنامه شامل اصل دولتهای کامله الوداد، رفتار ملی و شفافیت می باشد.

بر اساس این موافقتنامه کشورها متعهد به آزادسازی تدریجی به منظور گسترش دسترسی به بازار خدمات گردیده‌اند که از طریق ادوار مذاکراتی متوالی صورت می‌گیرد. اولین دور مذاکرات آزادسازی تجارت خدمات از ژانویه سال ۲۰۰۰ آغاز گردیده است و در حال حاضر ادامه دارد. نتایج این مذاکرات در جداول تعهدات خاص هر کشور که جزء لاینفک موافقتنامه تلقی می‌گردد، گنجانده می‌شود.

با توجه به اهداف موافقتنامه عمومی گات راجع به تجارت خدمات در خصوص جابجایی اشخاص حقیقی نیز به منظور ایجاد توازن در منافع حاصل تصمیماتی اتخاذ گردیده است. به منظور تسهیل در دستیابی شرکت کنندگان به سطوح بالاتر خدمات، مذاکرات در مورد آزادسازی بیشتر، با توجه به ضمیمه موافقتنامه تجارت خدمات در خصوص جابجایی افراد، کشورهای عضو می‌توانند تعهداتی را در خصوص افراد عادی (نمایندگیهای عرضه کنندگان خدمات، مدیران اجرایی، متخصصان) اعمال کنند.

## موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر - بویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون ساخته است. از سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری، سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی می‌باشند.

به عبارت دیگر کشورهای پیشرفته بعثت ورود رقبای جدید به بازارهای جهانی (بوئزه کشورهای تازه صنعتی شده) و افزایش نگرانی آنها در از دست دادن تدریجی قدرت رقابتی خود در حیطه‌هایی که قبلاً در آنها از مزیت نسبی برخوردار بودند، درصدد برآمدند تا مالکیت معنوی را بعنوان اساس مزیت‌های نسبی جدید خود مطرح و آن را در قالب توافقات بین‌المللی قاعده‌مند سازند. این امر در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی نزد ممالک توسعه یافته برخوردار شده و در برخی موارد موجب بروز تنش‌های تجاری نیز گردیده که حتی به اقدامات جبرانی از سوی این کشورها نیز منجر شده است.

بطور مثال آمریکا در قانون تجارت و تعرفه مصوب ۱۹۸۴ خود، اعطای ترجیحات تعرفه‌ای (در قالب GSP) به کشورهای در حال توسعه را، منوط به حمایت کافی و موثر این کشورها از حقوق مالکیت معنوی نموده است. بخش ۳۰۱ این قانون، رئیس جمهور آمریکا را مجاز دانسته که تجارت با کشورهایی که به رویه‌های تجاری ناموجه و غیرمنطقی مبادرت می‌ورزند، محدود نماید. این اقدامات محدود کننده تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۹۸۸ آمریکا نیز به شکل حادثری دیده شده است. در این قانون به نمایندگی بازرگانی آمریکا اختیار داده شده که ضمن تهیه فهرستی از اسامی کشورهایی که ناقض حقوق مالکیت معنوی هستند، با اعلام یک ضرب الاجل تعیین شده، مجازات‌های تجاری بر علیه آنها اعمال نماید. اتحادیه اروپا نیز در معاملات تجاری خود با کشورهای در حال توسعه، موضوع حمایت از مالکیت معنوی را دنبال کرده و این اختیار را برای خود قائل است که در صورت نقض این حقوق، به اقدامات یکجانبه متوسل گردد.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs) به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقتنامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهمترین ویژگیهای این موافقتنامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- موافقتنامه TRIPs از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چپ‌ها (IC)<sup>۹۴</sup> و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

۲- موافقتنامه TRIPs ضمن تعیین استانداردهای حداقل به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.

۳- موافقتنامه TRIPs با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمینی و رویه های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.

۴- موافقتنامه TRIPs در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهمترین جنبه‌های این موافقتنامه می‌باشد. طبق ماده ۲۷ موافقتنامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض بر حسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. طبق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه، در موافقتنامه تصریح شده است که اعضاء باید مقررات

اساسی کنوانسیون برن را (تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری پذیرند. در این موافقتنامه، کپی‌رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این موافقتنامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی‌رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. طبق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری بعمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرند. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت معنوی است که در موافقتنامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آنها وضع گردیده است.

یکی از جنبه‌های مهم این موافقتنامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهایی است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی موثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقتنامه بگنجانند. طبق مواد متعدد این موافقتنامه (۲۰ ماده) - که در آنها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده - در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقتنامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید.

بطور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد. قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع (Royalty) بیشتری به خارجیان پردازند، برای محصولاتی که تحت

لیسانس‌ها و مجوزها (Loyalty) ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. البته از جمله منافع بلند مدت این موافقتنامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می‌سازد تا ضمن تقویت پایه‌های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت‌های رقابتی خود را در تجارت بین‌الملل عمدتاً به حیطه‌هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می‌دهد.

این موافقتنامه از جمله مواردی است که در آن منافع کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می‌گردد.

### موافقتنامه‌های میان چند طرف

پس از ادوار اولیه مذاکرات تجاری در گات که عمدتاً حول کاهش تعرفه‌ها دور می‌زد کم‌کم مسائل دیگری همچون دامپینگ (فروش زیر قیمت) یا سوبسیدهای اعطایی دولت‌ها به تولیدات و صادراتشان، استانداردها و رویه‌های ارزشگذاری و مجوزدهی که به عنوان یک مانع ورود عمل می‌کردند از دور کنندی به بعد و بخصوص در دور توکیو مطرح شدند و برای موضوعات مورد بحث مجموعه‌ای از قوانین و مقررات فراهم آمد. کم‌کم این مجموعه‌ها بصورت موافقتنامه‌هایی که تنها بین گروهی از اعضا مورد قبول بود شکل گرفت و «موافقتنامه‌های میان چند طرف»<sup>۹۵</sup> لقب گرفت. در زمان مذاکرات دور اروگوئه با توجه به اینکه «موافقتنامه‌های میان چند طرف»، برخلاف هدف اولیه گات که خواستار رویه‌ای یکسان و هماهنگ در برخورد با مسائل تجاری بین‌الملل بود، شیوه‌های رفتاری متفاوتی را در میان اعضا بوجود آورده بود، سعی شد که این موافقتنامه‌های میان چند طرف وضعیت عام و مورد توافق همه را پیدا کنند. بسیاری از این مجموعه قوانین و مقررات مورد توافق برخی اعضا نهایتاً بصورت موافقتنامه‌های مورد پذیرش همه اعضا گات و سپس سازمان تجارت جهانی درآمد.



در شروع تأسیس سازمان تجارت جهانی (در ژانویه ۱۹۹۵) هنوز چهار موافقتنامه بخشی یا مورد توافق میان چند طرف وجود داشت که نتوانسته بود مورد تصویب همه کشورهای عضو قرار گیرد. این موافقتنامه‌ها شامل موارد زیر بود:

- موافقتنامه مربوط به گوشت دام
- موافقتنامه مربوط به محصولات لبنی
- موافقتنامه تجارت هواپیماهای کشوری یا غیر نظامی (Civil aircraft)
- موافقتنامه خریدهای دولتی

این چهار «موافقتنامه بین چند طرف» در ضمیمه چهار موافقتنامه مراکش جا گرفتند و فقط از سوی اعضای امضاء کننده آن قابل اجرا بودند. در دسامبر سال ۱۹۹۷ دو مورد مربوط به گوشت دام و محصولات لبنی خاتمه یافتند ولی هنوز دو مورد دیگر پا برجاست.

سعی شده است که کشورهایی که پس از ایجاد سازمان به آن پیوسته‌اند موافقتنامه‌های بین چند طرف را نیز بپذیرند تا با افزایش تعداد اعضای امضاء کننده به اجرای موافقتنامه‌های مذکور جنبه قانونی دهند. فشار وارد به اعضای جدید برای پذیرش این موافقتنامه‌ها و دیگر شرایط غیر معمول را اصطلاحاً تحمیل شرایط مازاد یا (WTO+) می‌نامند.

#### موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی

موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی به همراه موافقتنامه خریدهای دولتی تنها موافقتنامه‌هایی هستند که پذیرش آنها اختیاری است لذا توسط تعداد کمتری از اعضا امضاء شده‌اند. امضاء کنندگان اولیه این قرار داد اکثراً تولید کنندگان اصلی هواپیماهای غیر نظامی بودند.

هدف اصلی این موافقتنامه تجارت آزاد هواپیماهای غیر نظامی و قطعات آن می‌باشد. تمامی امضاء کنندگان قرارداد عوارض واردات انواع هواپیما (به جز هواپیماهای نظامی) و کالاهای مربوط به آنها، شامل موتور هواپیما و اجزاء و قطعات هواپیما و هواپیماهای مدل و قطعات آنها را حذف نموده‌اند. از اهداف این موافقتنامه نظام‌مند نمودن یارانه‌های دولتی در تولید هواپیما می‌باشد. این

### موافقتنامه خرید دولتی

حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها به خریدهای کالا و خدمات دستگاههای دولتی به منظور تأمین نیازهای سازمانی آنها صورت می‌گیرد. این حجم از تجارت بین‌الملل تا قبل از سال ۱۹۷۹ که «موافقتنامه خرید دولتی» در بین تعدادی از کشورهای متعاهد گات به اجراء درآمد، از شمول تعهدات نظام تجاری چند جانبه، عمدتاً اصل «رفتار ملی» و «دولت کامله‌الوداد»، صراحتاً مستثنی شده بود. این مسأله باعث می‌شود تا دولتهای غیرعضو این موافقتنامه از آزادی عمل خود در این حوزه در جهت پیشبرد بهتر اهداف اقتصادی و سیاسی خود از جمله حمایت از تولید کنندگان داخلی بهره گیرند.

موافقتنامه خرید دولتی، مصوب در دور توکیو در ۱۹۷۹ که صرفاً خریدهای کالایی دستگاههای دولتی را شامل می‌شد، همزمان با مذاکرات دور اروگوئه به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش یافت. با این وجود موافقتنامه خرید دولتی همچنان یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) بشمار می‌رود، به این معنی که برخلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) عضویت در آن برای اعضای سازمان تجارت جهانی اختیاری است. این مسأله باعث شده است تا فقط دو کشور در حال توسعه تا کنون به عضویت آن درآمده باشند.

هدف این موافقتنامه گشایش بازار خریدهای دولتی کشورهای عضو به روی شرکتهای تجاری یکدیگر از طریق تضمین شرایط رقابت عادلانه و حاکم ساختن ملاحظات صرفاً تجاری بر خریدهای دولتی می‌باشد. اعمال اصل رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد بر حوزه خریدهای دولتی از مهمترین تعهداتی است که کشورهای عضو این موافقتنامه در زمینه منع تبعیض می‌پذیرند. در این ارتباط کشورهای عضو موافقتنامه خرید دولتی مکلفند تا فهرستی از دستگاههای دولتی و همچنین کالاها و خدماتی که مایلند مقررات این موافقتنامه در ارتباط با آنها اجرا شود ارائه نمایند. علاوه بر تعهدات منع تبعیض مهمترین موضوع دیگر این موافقتنامه، تضمین شفافیت در خریدهای دولتی به منظور جلوگیری از هرگونه تقلب بوده است. در این ارتباط این موافقتنامه ضوابط دقیقی

را جهت اجرای انواع مناقصات توسط نهادهای دولتی تنظیم نموده است که هدف از آنها تضمین اطلاع‌رسانی و شفافیت در مراحل مختلف خرید می‌باشد.

هر چند طرفداران این موافقتنامه معتقدند آزادسازی خریدهای دولتی موجب کاهش هزینه‌های دولتها گشته و اقدامی در جهت مقابله با مشکلات مزمن کسری بودجه بشمار می‌آید، لیکن کشورهای در حال توسعه تاکنون استقبال چندانی از این موافقتنامه ننموده و غالب اعضای آن کشورهای توسعه یافته می‌باشند.

در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور در سال ۱۹۹۶ به تأسیس یک گروه کاری متشکل از همه اعضای سازمان تجارت جهانی اقدام نمود که هدف از آن بررسی راه‌های تضمین شفافیت در خریدهای دولتی با هدف نهایی انعقاد یک موافقتنامه چند جانبه به منظور تضمین حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی برای همه اعضای سازمان می‌باشد.

بر اساس تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی درباره موافقتنامه «شفافیت در خرید دولتی» در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۳ آغاز شد.<sup>۹۷</sup> این مبحث یکی از مسائل بحث در دور دوحه است که در بخش مربوطه به آن اشاره خواهد شد.

## سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی

سرفصل‌های زیر در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سنگاپور به عنوان دستور کار گروه‌های کاری مشخص گردید:<sup>۹۸</sup>

۱- تجارت الکترونیک شامل توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات توسط ابزارهای الکترونیکی است. تجارت محصولات از طریق اینترنت مستلزم تغییراتی در قواعد تجارت کالاها و خدمات و در زمینه مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی است که در دست تدوین می‌باشد.

<sup>۹۷</sup> نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.gov.ir>

<sup>۹۸</sup> نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.gov.ir>

۲- تسهیل تجاری: شامل ایجاد نقطه تجاری در کشورها، بهبود اسناد مورد نیاز و رویه‌های گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جهت بهداشت حیوانی و نباتی و کنترل کیفیت است. از آنجا که سازمان تجارت جهانی بدنبال رفع موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت است، موارد تسهیل تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد.

۳- شفافیت در خریدهای دولتی مکمل موافقتنامه چند طرفه خرید دولتی است و محور آن ایجاد شفافیت در خریدهای دولتی می‌باشد. براین اساس، رویه‌های مناقصه باید باز باشد و به تمامی متقاضیان فرصت دهد. پس از امضای قرارداد نیز شفافیت وجود داشته باشد، امکان چالش برای بازندگان مناقصه فراهم باشد. قوانین و رویه‌های خرید دولتی نیز در اختیار همگان باشد.

۴- تجارت و محیط زیست، به تدابیر زیست محیطی موثر بر تجارت می‌پردازد و شامل استفاده از روشهای تولید و فرآوری در مقررات زیست محیطی، الزامات بسته بندی، نصب برچسب زیست محیطی و مالیاتهای وضع شده برای اهداف زیست محیطی می‌باشد.

۵- تجارت و سرمایه‌گذاری، تجارت و سرمایه‌گذاری به بررسی ارتباط میان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI)<sup>۹۹</sup> و پرتفوی (FPI)<sup>۱۰۰</sup> خارجی می‌پردازد. قبل از آن موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت در دور اروگوئه تصویب شده بود. گروه کاری تجارت و سرمایه‌گذاری (سنگاپور) به دنبال دستیابی به اصول چندجانبه در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب سازمان تجارت جهانی است.

۶- تجارت و سیاست رقابتی، سیاستها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکتهاست. وجود اقدامات تجاری ضد رقابتی مانند: محدودیتهای افقی، عمودی، سوءاستفاده از موقعیت برتر و ادغامها نیاز به قوانین رقابت ملی و موافقتنامه چند جانبه رقابت، باعث شمول رقابت در برنامه‌های کاری سازمان تجارت جهانی گردیده است.

## تجارت و محیط زیست

در دور اروگوئه هیچ موافقتنامه‌ای در ارتباط با تجارت و محیط زیست وجود ندارد ولی در بعضی از موافقتنامه‌ها اشاراتی به این موضوع شده است. از این میان می‌توان به مقدمه موافقتنامه تأسیس

<sup>99</sup> Foreign Direct Investment (FDI).

<sup>100</sup> Foreign Portfolio Investment (FPI).

سازمان تجارت جهانی اشاره نمود که مقرر می‌دارد اعضا تصدیق می‌کنند که تلاشهای تجاری بین خود را با هدف توسعه پایدار و در پی حفظ و حراست از محیط زیست، تقویت نمایندند. مسائل مبتلابه محیط زیست ناشی از فعالیتهای تجاری از مواردی بوده که هم در گات و هم در سازمان تجارت جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۵ به پیشنهاد وزرای شرکت کننده در اجلاس پایانی دور اروگوئه کمیته‌ای به نام کمیته تجارت و محیط زیست (CTE) تشکیل گردید تا این موضوع را بررسی نماید. همچنین در چهارمین کنفرانس وزیران در نوامبر سال ۲۰۰۱ در دوحه توافق شد که موضوع تجارت و محیط زیست مورد مذاکره قرار گیرد تا رابطه بین مذاکرات تجاری چند جانبه و محیط زیست و آزادسازی کالاها و خدمات زیست محیطی مشخصاً تعریف گردد.

در سازمان تجارت جهانی فقط موضوعات تجاری مورد مذاکره قرار می‌گیرد و موضوعات زیست محیطی فقط زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که تأثیر بسزایی بر تجارت داشته باشند. در حال حاضر حدود ۲۰۰ موافقتنامه بین‌المللی خارج از سازمان تجارت جهانی وجود دارد که به موضوعات زیست محیطی مربوط می‌باشند که بر تجارت تأثیر دارند از این میان می‌توان به پروتکل مونترال درباره حمایت از لایه ازن و کنوانسیون بازل درباره حمل و نقل مواد زائد خطرناک از طریق مرزهای بین‌المللی اشاره نمود.

عدم جواز در تجارت و اقدامات ضد بشریت و ضد محیط زیست از اصول سیاستگذاری پر اهمیت در اسلام است. هدف اسلام اعتلای بشریت و علو درجات انسانیت است. این اعتلا هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت مد نظر شارع مقدس اسلام قرار دارد. برای حصول این هدف یعنی اعتلای بشریت علی القاعده باید اکوسیستمی که بشر عضوی از آن است حفظ گردد. لذا شارع مقدس توجه خود را به حفظ حیوانات و نباتات نیز معطوف کرده است. با کمی دقت و موشکافی در احکام اسلامی حتی درباره مسائل بسیار جزئی و فرعی می‌توان دریافت که یک جنبه از احکام شارع مقدس حفظ حقوقی است که افراد در ارتباط با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر هر فرد منبع تشکیل دهنده حق برای دیگری است. مثلاً مرد منبع تلذذات جنسی برای زن است و بالعکس. لذا مرد از لحاظ یک عضو اکوسیستم محق نیست با امساک از ازدواج حق زنان را پایمال کند. این موضوع اگرچه امر و نهی شرعی به معنای اجبار ندارد ولی اشارات ظریف احکام شرع استحباب

آن را کمتر از وجوب بیان نمی‌کند. می‌نویسند<sup>۱۰۱</sup>: «از حضرت صادق ع پرسیدند که چرا حد در زنا صد تازیانه است و در شراب هشتاد تازیانه و چگونه زنا بدتر شد؟ فرمود: به جهت تضييع نطفه و گذاشتن او را در غیر موضعی که خدا فرمود که حرث شما است. و در فقه‌الرضا است که حضرت رسول ص فرمود که لواط حرام شده به جهت آنچه که در اوست از فساد و بطلان حق زنها که خداوند ترغیب بر آنها کرده. و معلوم است که حکمت در حرمت لواط فساد حق زنان و فساد نسل است و ضایع شدن نطفه و به این سبب استمناء را حرام کرده‌اند و وطی در ذُبُر زن را حرام کرده‌اند و وطی بهیمة را حرام کرده‌اند و مساحقة زنان را حرام کرده‌اند که اگر مرد به مرد اکتفاء کند و زن به زن امر نسل و تناسل از میان می‌رود». از بررسی این احکام فقهی می‌توان نتیجه مورد نظر در فوق را استنباط نمود که از لحاظ اکوسیستم حیات هر موجودی منبع حق برای دیگری است و لذا نمی‌تواند خودخواهانه حقوق دیگران را ضایع نماید.

این موضوع به کشتزارها و دامها نیز تعمیم می‌یابد. لذا حفظ محیط زیست یکی از سرفصل‌های سیاست خارجی اسلام تلقی می‌شود. در سوره بقره می‌فرماید: «چون از نزد تو باز گردد در زمین فساد کند و کشتزارها و دامها را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد.»<sup>۱۰۲</sup> یعنی از بین بردن کشتزارها و دامها فساد محسوب می‌شود و خداوند این اعمال را دوست ندارد. تخریب کشتزارها و از بین بردن دامها چه مستقیم و چه از طریق تخریب اکوسیستم و عناصر محیط زیست یعنی با آلوده‌سازی محیط و ایجاد عدم تعادل در اکوسیستم در هر حالت فساد تلقی می‌گردد. در آیه فوق تعلق کشتزارها یا دامها به مسلمین یا مؤمنین تخصیص نیافته و با استفاده از کلمه زمین، کل آنها را در جهان مد نظر قرار می‌دهد. این نگرش، احکام بسیاری را فراروی دولت اسلام قرار می‌دهد مبنی بر اینکه حق ندارد در سیاره زمین فساد کند.

فساد در زمین از لحاظ آیه شریفه فوق شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی می‌شود که موجب تخریب

<sup>۱۰۱</sup> حضرت حاج ملا علی بیدختی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ ۴، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران، صص ۷۶-۷۵.

<sup>۱۰۲</sup> سوره بقره، آیه ۲۰۵، وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. در آیه ۷۷ سوره قصص می‌فرماید: در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. همچنین در آیه ۶۴ سوره مائده.

محیط زیست، اعم از گیاه، حیوان و انسان می‌گردند. تعمیم این موضوع به انسان مسائل دیگری را نیز شامل می‌شود که به ذکر آن خواهیم پرداخت. فعالیت‌هایی که سبب فساد در زمین می‌گردند از جمله تولید و تجارت مواد مضر و سموم شیمیایی به منظور از بین بردن انسانها و تخریب مزارع و دامها برای ضربه زدن به دیگران، تسلیحات برای حمله و سلاحهای کشتار جمعی، دفن زباله‌های هسته‌ای در کشورهای ضعیف و تبانی با مأموران و رهبران آنها، تولید، مصرف، صادرات و واردات هر نوع ماده اولیه یا واسطه‌ای مصرفی که باعث فساد در نبات و دام و انسان گردد و مضر به سلامتی آنها باشد و سایر موارد مشابه همگی در این مبحث قرار می‌گیرند.

آیه فوق اینگونه تفسیر شده است: <sup>۱۰۳</sup> «وَ إِذَا تَوَلَّىٰ وَ قَتَىٰ كَ الَّذِي كَفَرَ بِكَ فَانكَبْ وَ اتَّخَذَ لَكَ عِزًّا وَ أَوَّلِيًّا فَاصْبِرْ» یا متصدی امری از امور تو یا امور دنیا باشد یا اینکه والی بر مردم باشد. *سَعَى* یعنی سریع می‌شود در سیر *فِي الْأَرْضِ* در زمین عالم صغیر یا عالم کبیر یا زمین قرآن، یا اخبار یا سیره انبیاء گذشته ع و جانشینان ایشان ع. *لِيُفْسِدَ فِيهَا* تا در زمین فساد ایجاد کند و افساد عبارت از تغییر دادن چیزی است از کمالی که دارد، یا منع کردن آن است از رسیدن به کمالش، و لام، لام غایت یا لام عاقبت است، زیرا منافقان گمان می‌کنند که آنها مصلح هستند و «هرگاه به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما اصلاح کننده هستیم، ولی آگاه باشید که آنها مفسد هستند، اما نمی‌دانند» <sup>۱۰۴</sup> «وَ يُهْلِكَ أَصْلُ الرَّاكِبِ» و فنا می‌کند. *الْحَرْثُ* حرث چیزی است که مردم آن را می‌کارند از نباتات زمین یا مطلق هر گیاهی است که خدا آن را از زمین رویانده باشد. *وَ النَّسْلُ* بچّه کوچک از هر موجودی به دنیا بیاید یا بچّه کوچک انسان. بدان که عالم طبع آسمانش و موجودات آسمانش، و زمین و موجودات زمینی، از حیث ذات و صفت در هر آن در حال تجدّد است، برای آن از جانب خودش فنا می‌شود و از جانب پدید آورنده‌اش بقایی. حال آن نسبت به پدید آورنده‌اش، حال شعاع آفتاب است نسبت به آفتاب، زیرا شعاعی که بر سطح واقع می‌شود، در دو لحظه باقی نمی‌ماند، به دلیل اینکه هرگاه از روزنه دوری شعاع بر سطحی واقع شود به محض بستن روزنه منهدم می‌شود، و پس از بستن روزنه باقی نمی‌ماند. چیزی که اشیاء را پیوسته بقا می‌بخشد، به نحوی که تجدّد (نوشدن) آن پنهان است، عبارت از مشیّت می‌باشد، از وجه رحمت رحمانی عام است. همانا کائنات نوعی قوه و استعداد دارد

<sup>۱۰۳</sup> بیان السّاعده فی مقامات العباده، جلد دوم، ترجمه، صص ۴۲۶ - ۴۲۲.

<sup>۱۰۴</sup> سوره بقره، آیه ۱۲ - ۱۱، «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِن لَّا يَشْعُرُونَ».

و به حسب تفاوت استعدادها تدریجاً به کندی یا به سرعت از قوه به فعل خارج می‌شود و تجدد فعلیات تنها با مشیت از آن وجه که رحمت رحیمی است محقق می‌شود و آنچه به سبب مشیت از وجه رحمت رحمانی محمّد ص وجود پیدا می‌کند، از ناحیه رسالت اوست و آنچه که از وجه رحمت رحیمی او ص به وجود می‌آید از ناحیه ولایت اوست. بنابراین، بقای اشیاء، به رسالت و استکمال آن به ولایت است. پس هر چیزی به آخر درجه کمالات نوعی‌اش برسد قبول‌کننده ولایت علی می‌شود، و هر چیزی که به درجه کمال نرسد، به همان مقدار از قبول ولایت ناقص می‌شود، و هر چیزی که اصلاً در نوع خود هیچ یک از کمالات نوعش را نداشته باشد، هیچ مقدار از ولایت را قبول نمی‌کند، چنانچه از ائمه ع وارد شده، زمینهای شوره‌زار و آبهای تلخ و شور و مردابها، ولایت ما اهل بیت را قبول نمی‌کنند. این گفتار بر حسب تکوین است و اگر این رحمت رحیمی تکوینی از اشیاء قطع شود هیچ یک از آنها در هیچ یک از مراتب کمال نوعی به کمال نمی‌رسند، چنانچه اگر رحمت رحمانی از اشیاء قطع شود، هیچ چیزی در دو آن (لحظه) باقی نمی‌ماند. و به همین انقطاع اشاره کرده‌اند، از آنجا که فرموده‌اند: اگر حجت از زمین برداشته شود، زمین اهلس را فرو می‌برد.<sup>۱۰۵</sup> و اما به حسب تکلیف، مردم مکلف به رو آوردن و توجه نمودن به ولایت هستند، چنانچه صاحب ولایت به آنها توجه دارد. و به سبب این رو آوردن و آن توجه، زراعت و نسل، در عالم صغیر کامل می‌شود و زراعتی می‌شود که بدون قبول ولایت و بیعت و عهد، هرگز زراعت نمی‌شد، و چیزی تولد پیدا می‌کند که بدون ولایت تولد پیدا نمی‌کرد و هر اندازه توجه از خلق افزونتر شود، توجه صاحب امر بیشتر می‌شود، و با زیاد شدن این دو توجه، زراعت و نسل زیاد گشته و در عالم صغیر به کمال می‌رسند، و به سبب زیاد شدن و کامل شدن در عالم صغیر، وجود و استکمال آنها در عالم کبیر، فزونی می‌یابد. پس هرکس در راضی کردن صاحبش بکوشد به مقدار کوششی که کرده توجه صاحب وقت و رضایت او از وی زیاد می‌شود و به حسب زیاد شدن توجه و رضای صاحب وقت برکت در زراعت و نسل در عالم صغیر و کبیر زیاد می‌گردد. به همین معنی اشاره کرده است خدای تعالی، آنجا که می‌فرماید: اگر اهل قریه‌ها

<sup>۱۰۵</sup> بحار الانوار، ج ۲۳، ح ۲۰، ص ۲۱، ۲۰-ع، [علل الشرائع] ابن الولید عن الصفار عن محمد بن عیسی عن محمد بن الفضیل عن ابي حمزة قال قلت لأبي عبد الله ع تبقى الأرض بغير إمام قال لو بقيت الأرض بغير إمام ساعة لساخت. ك، [إكمال الدين] أبي و ابن الوليد معا عن سعد عن اليقطيني و ابن أبي الخطاب معا عن محمد بن الفضيل مثله بيان يقال ساخت قوائمه في الأرض أي دخلت و غابت و لا يبعد أن يكون سوخ الأرض كناية عن رفع نظامها و هلاك أهلها.



ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند هرآینه برای آنها برکاتی از آسمان می‌گشایم.<sup>۱۰۶</sup> در عالم صغیر و در زمین در عالم کبیر؛ یا از هر دو برکت در هر دو جا، و نیز قول خدای تعالی که: اگر آنان تورات و انجیل را و آنچه را که از پروردگارشان نازل شده بود اقامه می‌کردند و بر پا می‌داشتند، هرآینه از بالای سر و از زیر پاهایشان روزی می‌خوردند<sup>۱۰۷</sup>، یعنی در عالم صغیر و کبیر و مولوی قدس سره چه خوب گفته است:

تا توانی در رضای قطب کوش	تا قوی گردد، کند در صید جوش
چون برنجد بینوا گردند خلق	کز کف عقل است چندین رزق خلق
او چو عقل و خلق چون اجزای تن	بسته عقل است تدبیر بدن
ضعف قطب از تن بود از روح نی	ضعف در کشتی بود در نوح نی
یاری ده در مرمت کشتیش	گر غلام خاص و بنده گشتیش
یاریت در تو فزاید نی در او	گفت حق: ان تنصروا الله ینصروا <sup>۱۰۸</sup>

و از اینجا معلوم می‌شود که توجّه تکلیفی و ازدیاد آن موجب تقویت ولایت تکوینی و ازدیاد حرث و نسل و ازدیاد کمال آن دو در عالم صغیر و کبیر می‌شود و اعراض از ولایت تکلیفی، موجب فاسد شدن هر دوی آنها و هلاکت آنها در عالم صغیر و کبیر است، و هر اندازه که اعراض زیاد شود، فساد و هلاکت هم زیاد می‌شود، و هرگاه اعراض منجر به منع غیر شود، فساد و هلاکت شدید گشته و اگر منجر به تکذیب و استهزا شود نهایت فساد و تباهی را در پی دارد. قول خدای تعالی است، که می‌فرماید: «پس عاقبت کسانی که بدی را در حدّ اعلاّی بدی انجام دادند، که آیات خدا را تکذیب کرده و آنها را به استهزا گرفتند این است»<sup>۱۰۹</sup> اشاره به همین معنی است. بنابراین، جایز است که گفته شود: اگر از ولایت روگردان شود، در زمین سعی می‌کند، ولی نهایت سعی و کوشش او افساد در زمین و تباه کردن زراعت و نسل می‌شود، و خود او نیز این مطلب را

<sup>۱۰۶</sup> سوره اعراف، آیه ۹۶، وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ.

<sup>۱۰۷</sup> سوره مائده، آیه ۶۶، وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِم مِّن رَّبِّمَ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ.

<sup>۱۰۸</sup> سوره محمد، آیه ۷، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر

خدا را یاری کنید یاری خواهید شد و ثبات قدم خواهید یافت.

<sup>۱۰۹</sup> سوره روم، آیه ۱۰، ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوْاى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ.

احساس نمی‌کند. وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ و خدا فساد را دوست ندارد و این نحوه بیان در موردی به کار می‌رود که در معنی فساد را مبعوض می‌داند، گو اینکه معنای جمله اعم از آن است».

همچنین در قرآن فساد به پادشاهان نسبت داده شده است. می‌فرماید: «وقتی پادشاهان وارد شهری می‌شوند فساد می‌کنند.»<sup>۱۱۰</sup> و می‌فرماید: «اگر به حکومت رسیدید می‌خواهید در زمین فساد کنید.»<sup>۱۱۱</sup> و باز می‌فرماید: «چون به آنها می‌گوئیم در زمین فساد نکنید می‌گویند ما مصلحانیم بدانید آنها خود مفسدند و نمی‌دانند.»<sup>۱۱۲</sup> و در آیه دیگر می‌فرماید: «و آنان که پیمان خدا را پس از بستن می‌شکنند و آنچه را که خدا به بستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند لعنت بر آنهاست و بدیهای آن جهان نصیستان.»<sup>۱۱۳</sup> در بررسی افساد در زمین در ذیل این آیه فرموده‌اند:<sup>۱۱۴</sup> «وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ از نوع عطف مسبب بر سبب می‌باشد، چه فساد کردن در زمین عبارت از میراندن موالید آن و یا میراندن کمالات آنها و یا بازداشتن آنها از رسیدن به کمالات مورد انتظار و یا تحریف کلمات تکوینی و تدوینی از مواضع خودشان می‌باشد. کسی که از ولایت بگسلد، از بین برنده قوای علامه و عماله برای سلوک به آخرت است. او هلاک کننده چیزی است که با عنایات الهی پدید آمده است از قبیل بذر آخرت و کاشتن و تولید نسل آن در زمین عالم صغیر او و همچنین در زمین عالم کبیر. زیرا فاسد مجاورش را نیز فاسد می‌کند و همینطور افساد در عالم صغیر باعث افساد در عالم کبیر می‌شود و همچنین است در کتاب‌های آسمانی و شرایع الهی. زیرا همانطور که کلمات عالم صغیر و همچنین کلمات عالم کبیر را از مواضعشان منحرف می‌سازد کلمات کتاب‌های آسمانی و شرایع الهی را هم تحریف می‌نماید.»

در آیات متعددی تخلفات زیاد دیگری در زمره فساد قرار می‌گیرد. برای مثال بر اساس آیه:

<sup>۱۱۰</sup> سوره نمل، آیه ۳۴، إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا.

<sup>۱۱۱</sup> سوره محمد، آیه ۲۲: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ.

<sup>۱۱۲</sup> سوره بقره، آیه ۱۲ - ۱۱، وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ.

<sup>۱۱۳</sup> سوره رعد، آیه ۲۵: وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ اللَّعْنَةُ وَ هُمْ سُوءُ الدَّارِ.

<sup>۱۱۴</sup> بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ، جلد دوم، ترجمه، صص ۴۲۶ - ۴۲۲.

«فرشتگان گفتند آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد.»<sup>۱۱۵</sup> خونریزی از جمله موارد فساد است. در آیه دیگر می‌فرماید: «گفتند به خدا سوگند که شما خود می‌دانید که ما برای فساد کردن در این سرزمین نیامدیم و سارق نبودیم»<sup>۱۱۶</sup> یعنی سرقت از موارد فساد است. و در آیه دیگر درباره عصیان می‌فرماید: «تو پیش از این عصیان می‌کردی و از مفسدین بودی»<sup>۱۱۷</sup> یعنی عصیان از اوامر الهی از زمره موارد فساد است. کم فروشی نیز از موارد فساد است که می‌فرماید: «ای قوم من، پیمانۀ و ترازو را از روی عدل کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون مفسدین در زمین نباشید.»<sup>۱۱۸</sup> ظلم و قتل و تجاوز نیز از موارد فساد است و می‌فرماید: «همانا فرعون در آن سرزمین برتری جست و مردمش را فرقه فرقه ساخت طایفه‌ای را زبون می‌داشت و پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت که او از مفسدین بود.»<sup>۱۱۹</sup>

در اسلام تولید و خرید و فروش شراب و مسکرات به قصد نهایی سکر ممنوع است زیرا شراب قوه عاقله را برای مدتی از کار می‌اندازد و معنی آن این است که فضیلت انسان که شعور در ادراکات خود است را برای مدتی تضعیف یا تعطیل می‌نماید. و بر این اساس شارع مقدس آن را منع فرمود. این منع به طریق اولی انواع گوناگون مواد مخدر که در جهان امروز شایع و رایج است را در برمی‌گیرد. تجارت مواد مخدر و بزرگترین تجارت غیرقانونی در جهان را تشکیل می‌دهد بطوری که درآمد خرید و فروش این مواد در برخی از سالها از درآمد فروش نفت در جهان پیشی گرفته است. دولت اسلام جوازی برای اقدام به خرید و فروش مواد مخدر یا حتی همکاری در توزیع این مواد ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «در نیکی و تقوی همکاری کنید و در گناه (یا اثم) و تجاوز همکاری نکنید.»<sup>۱۲۰</sup> واژه اثم در آیه تحریم شراب هم آمده است و در آنجا از آن به «اثم کبیر» یا

<sup>۱۱۵</sup> سوره بقره، آیه ۳۰: قَالُوا أَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ.

<sup>۱۱۶</sup> سوره یوسف، آیه ۷۳: قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ.

<sup>۱۱۷</sup> سوره یونس، آیه ۹۱، وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.

<sup>۱۱۸</sup> سوره هود، آیه ۸۵، يَا قَوْمِ أُوذُوا الْمُكِبَالُ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ وَ هَمَجِينِ آیه ۱۸۳ سوره شوری.

<sup>۱۱۹</sup> سوره قصص، آیه ۴، إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.

<sup>۱۲۰</sup> سوره مائده آیه ۲، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ.

گناه بزرگ نام برده می‌شود. یعنی هرگونه تعاون و معاونتی در این «اثم کبیر» یعنی خرید و فروش مسکرات که به طریق اولی مواد مخدر را شامل می‌شود ممنوع است. در قرآن کریم می‌فرماید: «از تو از شراب و قمار می‌پرسند، بگو در این دو گناه بزرگی (اثم کبیر) است و گناه (اثم) آنها بزرگتر از نفع آنهاست.»<sup>۱۱۱</sup> تفسیر شریف بیان السَّعَادَةِ فی مقامات العبادَةِ برای اولین بار استعمال مواد مخدر و افیون را در شرح ذیل این آیه حرام اعلام می‌کند. فرموده‌اند<sup>۱۱۲</sup>: «و تمام مست کننده‌ها چون زایل کننده تسخیر قوه عاقله هستند پس کار پیامبر باید نهی از آنها باشد چنانچه وارد شده: شریعتی از زمان آدم ع نبوده مگر اینکه از خمر نهی نکرده باشد. و در زایل شدن تدبیر و تسخیر عاقله مفاسد متعددی است و لذا خمر را ام الخبائث نامیده‌اند، ولی در آن منافع متعددی نیز هست از قبیل چاق کردن بدن و تحلیل غذا و روشنی اعضاء و باز کردن رگهای بسته شده و قوی کردن ذهن و صفاء قلب و تهییج حبّ و شوق و شجاع کردن نفس و منع بخل و غیر اینها. و اما استعمال دود افیون که در زمان ما شایع شده است از ویژگیهای آن این است که به تدریج قوه عاقله را از بین می‌برد به نحوی که دیگر بازگشتی بر آن نیست، به خلاف خمر، که با وجود آنکه قوه عاقله را در لحظه مستی زایل می‌کند ولی پس از آنکه شخص هوشیار شد عقل در نهایت تدبیر است و سایر نیروها در او در نهایت قوت و سرعت در امتثال (قوه) عاقله قرار می‌گیرند، ولی کشیدن دود افیون قوه عاقله را ذاتاً از تدبیر باز می‌دارد و قوه و اهمه که جهت درک معانی جزئیة آفریده شده تا آلام و لذات اخروی را درک کرده و سبب شوق گردیده تا از ادراک معانی موجب تحریک بسوی آخرت باشد را مانع می‌شود. و (قوه) متخیله که آفریده شده تا در معانی و صورتهای تصرف کرده تا جهت تکمیل جذب و دفع در معاش و معاد فرد بعضی (صور) را با بعضی دیگر ببینند، را منع می‌نماید. و قوه خیال که آفریده شده تا حافظ صور حُسن تدبیر معاش و تحصیل معاد و خوبی رفتار با بندگان باشد به تباهی می‌کشانند. و قوه شوقیه که مرکب سیر او به سوی آخرت و کمک کننده امر او در دنیا است، و قوه محرکه که مرکب (قوه) شوقیه و اعصاب است که آن نیز مرکب (قوه) محرکه است از حرکت باز می‌دارد. بالاخره همه این قوا با استعمال افیون ضعیف و حقوق بسیاری تعطیل می‌شود. علاوه بر این به بدن ضرر می‌زند و مال را تلف می‌سازد و زیان آن به بدن برای هرکسی محسوس است به نحوی که از سیمای آنان شناخته می‌شود و احتیاج به معرف ندارد و

<sup>۱۱۱</sup> سوره بقره، آیه ۲۱۹، یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا.

<sup>۱۱۲</sup> بیان السَّعَادَةِ فی مقامات العبادَةِ. جلد دوم ترجمه، صص ۴۶۰ - ۴۵۰.

سبب آن این است که دود افیون با کیفیتی که دارد ضدّ حیات بوده و خاموش کننده حرارت غریزی است و رطوبت غریزی را خشک می‌کند، و منفذهای اعضای بدن که رطوبت‌های غریبه و رطوبت غریزی معینه را به خارج می‌فرستد و نگهدارنده حرارت غریزی است که آن نیز به حیات کمک کرده و آن را نگه می‌دارد می‌بندد، و رطوبت‌های غریبه حرارت غریزی را از بین می‌برد و خدای تعالی با حکمت خویش جرم ریه را جسمی متخلخل قرار داده تا رطوبتهایی را که در فضای سینه از بخارهایی که از معده و کبد و قلب متصاعد می‌شود را به خود گرفته و خارج کند، تا آن رطوبتها جمع نشود که سبب تعفن و موجب ابتلا به مرض سینه و زخم و دمل و ذات‌الجنب و ذات‌الصدر و ذات‌الکبد، و ذات‌الرّیه گردد. دود افیون ریه را ضخیم و کلفت کرده و منافذ آن را می‌گیرد، و در نتیجه آنطور که شایسته است رطوبتها خشک نمی‌شود و موجب پیدایش مرضهای ذکر شده می‌گردد. ما بسیاری از کسانی که مبتلا به دود افیون بودند دیدیم که به این مرضها گرفتار شدند و به هلاکت رسیدند. پس در دود تریاک مفاصد خمر وجود دارد، و عوض منافع خمر ضررهای دیگری نیز در آن هست. پس باید حرمت استعمال تریاک از چند وجه شدیدتر از حرمت خمر باشد پس لعنت خدا بر او و استعمال کننده آن. پس اِنَّمَّ گاهی بر ارتکاب چیزی که نهی شده اطلاق می‌شود که همان اثم شرعی است و گاهی بر چیزی که در آن منقصت نفس است اطلاق می‌شود و همین معنی در اینجا مقصود است، زیرا که آیه از مقدمات نهی است، نه اینکه آن آیه بعد از نهی از خمر و قمار نازل شده باشد و علّت نقصان نفس انسان به سبب ارتکاب آن دو (خمر و قمار) را بیان کردیم و شأن نزول آیه و اخباری که درباره آن وارد شده در کتابهای مفصل مذکور است و هرکس که بخواهد به آنها مراجعه کند.»

مفاد این اصل بر اساس شرح فوق به کلیه اثم‌ها حتّی مسائل اخلاقی نیز قابل تسری و تعمیم است که از ذکر بیشتر در مورد آن خودداری می‌نمائیم ولی فقط باید گفت که یکی از معضلات جهان کنونی تجارت‌های غیراخلاقی است که حجم عظیمی از کلّ تجارت جهان را به خود اختصاص داده که بنابر تعبیرات فوق از موارد افساد در زمین تلقی می‌شوند و برای دولت اسلام قابل انجام نیستند و سیاست خارجی دولت اسلام این اصول را از مبانی ایدئولوژیک خود اخذ نموده و ملزم به رعایت آنان است.

## موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت

رشد سرمایه‌گذاری و گرایش به آزادسازی یکجانبه محدودیتهای داخلی در امر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی، باعث شد که در سال ۱۹۹۱ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مطالعه خود پیرامون امکان تنظیم یک موافقتنامه چندجانبه سرمایه‌گذاری (MAI) را آغاز کند. براساس نتایج این مطالعه که در سال ۱۹۹۵ به شورای وزیران سازمان مذکور، شورا موافقت کرد که مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را آغاز کند.

در سازمان تجارت جهانی اولین بار پیشنهاد موافقتنامه چندجانبه سرمایه‌گذاری در دور ارورگوئه در سال ۱۹۹۴ و از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای درحال توسعه روبرو گردید. تلاشهای بعدی نهایتاً منجر به تشکیل یک گروه کاری در کنفرانس وزیران سنگاپور در سال ۱۹۹۶ شد که صرفاً ارتباط تجارت و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تصمیم گرفت تا مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را ادامه داده تا بعد از پذیرش اعضای این سازمان، کشورهای غیر عضو نیز بتوانند در صورت تمایل به آن ملحق شوند. اختلافات آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا بر سر پاره‌ای موضوعات از جمله چگونگی رفتار با مقوله فرهنگ و سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای، وقوع بحران جنوب شرقی آسیا و عقب‌نشینی فرانسه از مذاکرات به علت انتقادهای شدید این کشور به رویه مذاکرات و مفاد موافقتنامه، همچنین موفقیت سازمانهای غیردولتی در بسیج مخالفت عمومی، باعث شد با وجود تمدید ضرب الاجل تعیین شده سازمان مذکور تا ۱۹۹۸ در تکمیل مذاکرات و دستیابی به نتیجه ناکام شود.

در حال حاضر مفاد این موافقتنامه به نوعی از طرف کشورهای مثل ژاپن، اتحادیه اروپا، کانادا و برخی کشورهای تازه صنعتی شده مثل کره جنوبی در گروه کاری تجارت و سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود. علاوه بر این، در کنفرانس وزیران دوحه موافقت شد که مذاکرات سرمایه‌گذاری در نشست بعدی وزیران در مکزیک آغاز گردد. موافقتنامه چندجانبه سرمایه‌گذاری متضمن دسترسی آزاد سرمایه‌گذاران خارجی به تمام بخشهای داخلی کشورهای عضو به جز صنایع دفاعی و استثنائات محدودی است که در سطح چندجانبه و تحت شرایط خاص پذیرفته شده باشد. همچنین

اصل رفتار ملی و دولت کامله‌الوداد، ممنوعیت اعمال الزامات اجرایی و لزوم اجرای تعهدات «توقف» و «واگشت» محدودیتها در این موافقتنامه تأکید شده است. رویه حل اختلاف، جبران خسارت، آزادی انتقالات مالی و سایر ضوابط مکمل نیز در این موافقتنامه پیش بینی شده است<sup>۱۳۳</sup>.

## تسهیل تجاری

هنوز تعریف ثابتی از تسهیل تجاری به عمل نیامده است. متداولترین تعریف «ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی» است که منظور از رویه‌های تجاری «فعالیت‌ها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در عرصه تجارت بین‌الملل» می‌باشد. با این تعریف مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی از این تعریف هم اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد که می‌تواند مبنای شکل‌گیری موافقتنامه‌ای جدید و یا گسترش دایره شمول مواد و موافقتنامه‌های فعلی باشد.

ماده ۵ درباره آزادی ترانزیت، ماده ۷ درباره ارزشیابی گمرکی، ماده ۸ درباره عوارض و تشریفات مربوط به واردات و صادرات و ماده ۱۰ مربوط به انتشار و اجرای مقررات تجاری از گات و موافقتنامه‌های ارزش گذاری گمرکی، رویه‌های صدور مجوز ورود، بازرسی قبل از حمل، قواعد مبداء، موانع فنی فرا راه تجارت و موافقتنامه راجع به اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی زمینه‌هایی در سازمان تجارت جهانی هستند که هر کدام به نحوی به تسهیل تجاری می‌پردازند.

تسهیل تجاری در کنفرانس وزراء سنگاپور در دسامبر ۱۹۹۶ در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. در بیانیه دور سنگاپور از شورای تجارت کالایی خواسته شده بود که فعالیت دیگر سازمانهای مرتبط با تجارت را در خصوص ساده سازی رویه‌های تجاری مورد بررسی قرار داده تا با قوانین سازمان تجارت جهانی تطبیق داده شود.

به دنبال این تصمیم دبیرخانه سازمان تجارت جهانی طی گزارشی ۱۵ سازمان مختلف که فعالیت

<sup>۱۳۳</sup> نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.gov.ir>

آنها به نوعی به موضوع تسهیل تجاری مرتبط بود را نام برد و از آن میان می‌توان به آنکتاد (UNCTAD) یوان سیفکت (UNCEFACT) و سازمان جهانی گمرکات (WCO) اشاره نمود که فعالیت آنها در تسهیل تجاری بر سازمان‌های دیگر رجحان داشت.

کمیته تجارت کالایی در سازمان تجارت جهانی به منظور برآورد نظرات تجار بین‌المللی چندین همایش بین‌المللی با شرکت سازمانهایی مانند بانک جهانی، مرکز تجارت بین‌المللی و... از سال ۱۹۹۸ راه‌اندازی نمود. موارد زیر نکات حائز اهمیت در زمینه تجارت بین‌الملل و تسهیل تجاری و نتیجه همایش‌ها و دیگر بررسیهای تحلیلی کمیته فوق است:

- ۱- کاغذ بازی بیش از اندازه
- ۲- فقدان اتوماسیون و استفاده کم و ناصحیح از تکنولوژی اطلاعاتی
- ۳- شفاف و ثابت نبودن الزامات و مقررات صادرات و واردات
- ۴- مقررات بی‌دلیل و نامناسب خصوصاً فقدان نظام نظارتی
- ۵- قدیمی بودن و عدم همکاری گمرک و دیگر دواير دولتی که برای جریان رو به تزاید تجارت، ایجاد مانع می‌نماید.

در حال حاضر کمیته تجارت کالایی عمده فعالیت خود را بر دریافت و تحلیل گزارشهای کشوری متمرکز نموده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً علیرغم موافقت با اصول تسهیل تجاری با قبول تعهدات بیشتر در قالب موافقتنامه جدید در قالب تسهیل تجاری با شروع مذاکرات مخالفت نموده‌اند.<sup>۱۲۴</sup>

## شفافیت خریدهای دولتی

موافقتنامه خرید دولتی یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) می‌باشد که بر خلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) سازمان تجارت جهانی، عضویت در آن برای اعضای این سازمان اختیاری است.



با توجه به سهم عمده خریدهای دولتی از در تجارت بین‌الملل، کشورهای توسعه یافته عضو این موافقتنامه بر آن شدند تا زمینه تعمیم حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی را به همه اعضای سازمان تجارت جهانی تعمیم دهند. در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور (۱۹۹۶) تصمیم به ایجاد «گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی» گرفت تا با انجام مطالعاتی در زمینه رویه‌های خرید دولتی مقدمات تدوین موافقتنامه چندجانبه‌ای را در این زمینه فراهم آورد.

گروه کاری مزبور در مرحله اول به بررسی مقررات مربوط به شفافیت خریدهای دولتی در دیگر اسناد و موافقتنامه‌های بین‌المللی مرتبط از جمله «قانون نمونه» UNCITRAL دستورالعمل بانک جهانی در زمینه خریدهای دولتی و همچنین قوانین و رویه‌های ملی کشورها به منظور ترسیم اجزای اصلی موافقتنامه آتی در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی پرداخت.

تنوع نظرات و اصطکاک منافع کشورهای شرکت‌کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده است که چشم‌انداز حصول اجماع در زمینه تدوین یک موافقتنامه آتی با ابهام مواجه شد. کشورهای شرکت‌کننده در گروه کاری همچنان بر سر بعضی از اصول کلی موافقتنامه آتی شفافیت در خریدهای دولتی از جمله ماهیت موافقتنامه؛ الزامی بودن و یا توصیه‌ای بودن قواعد و ضرورت وجود ساز و کارهای اجرایی مناسب نیز اختلاف نظرهای جدی دارند. کشورهای در حال توسعه مخصوصاً نسبت به عدول گروه کاری از حوزه اختیارات خود در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی و طرح قواعد متضمن دسترسی به بازار و هر نوع تحدید آزادی عمل دستگاه‌های دولتی خود در زمینه تصمیمات مربوط به خرید دولتی ابراز نگرانی کردند.

اجلاس وزرای دوحه با توجه به فضای موجود گروه کاری، بر این نکته تأکید نموده است که مذاکرات جاری شفافیت خریدهای دولتی محدود به جنبه‌های شفافیت بوده و متعرض اختیار کشورها در زمینه اعطای ترجیحات به محصولات و عرضه‌کنندگان داخلی خود در جریان خریدهای دولتی نخواهد شد. مطابق تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی موافقتنامه شفافیت خریدهای دولتی پس از اجلاس پنجم وزرای سازمان تجارت جهانی (کانکن، سپتامبر ۲۰۰۳) براساس تصمیم آن اجلاس در ارتباط با «دستورالعمل مذاکرات» که بر پایه اجماع نظرات کشورهای عضو اتخاذ خواهد شد، آغاز می‌گردد. در صورت حصول اجماع بر این موضوع انتظار

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

---

می‌رود گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی در مرحله دوم فعالیت خود ضمن ایجاد سازش بین دیدگاه‌های مختلف زمینه شکل‌گیری متن واحدی را با هدف تدوین موافقتنامه آتی شفافیت در خریدهای دولتی فراهم سازد.



# فصل سوم

## حقوق مالکیت فکری



## مقدمه

توسعه مبحث مالکیت به فکر و اندیشه و وضع قواعد حقوقی برای آن تحت عنوان حقوق مالکیت فکری موافق موازین دینی، فلسفی و اخلاقی نیست. بررسی حقوق مالکیت فکری از ابعاد مختلف حاکی از آن است که انحصار حقوق پدیدآورندگان محصولات فکری مغایر با اخلاق است و نمی‌توان به مستندی در آیات قرآن و احادیث و اخبار رجوع نمود که به سبب آن از این حقوق حمایت کرد. در این مقاله با طرح موضوعاتی نظیر منع بخل نسبت به جامعه و منع ربای اجتماعی و همچنین منع عدم افشای علم، با استناد به قرآن کریم و متون فقهی و اخلاقی به این نتیجه می‌رسیم که وضع حقوق مالکیت فکری از لحاظ اخلاقی مورد پسند نمی‌باشد. علیرغم این همچنان نتیجه‌گیری می‌شود که افراد مجاز به تحریف آثار دیگران نیستند. از بُعد فقهی، حقوق مالکیت فکری توسعه زیادی در فقه ندارد و در باب مشروعیت آن اجماع نیست.

بررسی حقوق مالکیت فکری در رابطه با موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مؤید این است که ترتیبات مقرر شده با هدف ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری، موجب تفوق کشورهای صنعتی بر دیگر کشورها می‌شود و از سوی دیگر موجبات کندی توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را فراهم می‌آورد.

واژه‌های ثروت، سرمایه و دارایی<sup>۱۲۵</sup> از مفاهیم بسیار گسترده در اقتصاد است که در هر متن اقتصادی با ویژگی‌های مفهومی متنوع استعمال شده‌اند.<sup>۱۲۶</sup> شقوق<sup>۱۲۷</sup> مختلف سرمایه در طول تاریخ آنقدر متنوع بوده که در ازمه‌ای نظیر دوران برده‌داری تملک انسان تحت عنوان برده و فرزندان برده‌گان و زن به عنوان همسر و فرزندان نیز از موارد تعریفی سرمایه تلقی می‌شده است! تنوع

---

<sup>125</sup> Fisher, Irving (1906) *The Nature of Capital and Income*. Macmillan.

<sup>126</sup> Hayek, F. A. von (1941). *The Pure Theory of Capital*. The Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama 2009.

Kuznets, Simon, Smith (1961) *Capital in the American Economy: Its Formation and Financing*. Princeton University Press.

Robinson, Jones (1985). *Accumulation of Capital*. Palgrave MacMillan, United Kingdom, 2013.

Ahmad, Syed (1991). *Capital in Economic Theory: Neoclassical, Cambridge and Chaos*. Edward Elgar Publications.

<sup>127</sup> Bourdieu, Pierre (1986), *The Forms of Capital*, in Richardson, John G., ed., *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood.

تعریفی سرمایه شامل موضوعاتی نظیر سرمایه‌های نقدی، ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیسات، انسانی، ساختاری، سازمانی، فرآیندی، مشتری،<sup>۱۲۸</sup> اجتماعی،<sup>۱۲۹</sup> فرهنگی<sup>۱۳۰</sup> و غیره می‌شود که هر کدام حقوق متنوعی نیز در ذیل خود دارند.<sup>۱۳۱</sup> این توسعه به مالکیت اندیشه نیز تسری داده شده بطوریکه ایده‌هایی که به ذهن فرد خطور نموده تحت عنوان سرمایه فکری ذیل واژه سرمایه قرار گرفته و نتیجتاً علم حقوق که به تبع مالکیت و حدود ثغور آن را بررسی می‌نماید برای حلّ و فصل منازعات و حقوق مترتب بر آن قواعدی را وضع کرده است. حقوق مالکیت فکری یا معنوی در معنی وسیع آن عبارت از حقوق ناشی از خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری است. در این شق از حقوق موضوع مالکیت بخشی از دارای‌های غیر ملموس است. در باب مالکیت فکری (معنوی) دو شکل عمده مالکیت‌های ادبی و هنری<sup>۱۳۲</sup> (شامل آثار سمعی و بصری، تجسمی، مکتوب، تزئینی و ...) و مالکیت‌های صنعتی و تجاری<sup>۱۳۳</sup> (شامل اسماء تجاری، علائم تجاری و صنعتی، حق اختراع، حق دانش فنی، طرح‌های صنعتی و ...) مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۱۳۴</sup>

در این دوران مجموعه‌ای از قواعد حقوقی در بسیاری از کشورها تحت عنوان حقوق مالکیت معنوی یا فکری از حقوقی که به صاحبان سرمایه‌های فکری اعطاء شده است حمایت می‌کند و این حمایت‌ها از طریق موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی به سایر کشورها تسری داده شده‌اند. در این مقاله هدف ما بررسی این موضوع است که آیا ابداعات و اختراعات و خلق آثار فکری و موارد

<sup>۱۲۸</sup> جلیل خاوندکار، احسان خاوندکار، افشین متقی (۱۳۸۸) سرمایه فکری، مدیریت، توسعه و مدل‌های سنجش. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.

<sup>129</sup> Butler, Cornelia (2005). Community Capitals, North Central Regional Center for Rural Development, Iowa State University.  
Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2009) The Role of Social Capital in Financial Development. <http://www.faculty.chicagobooth.edu/finance/Papers/trust.pdf>.

<sup>130</sup> Flora, Alice (2005). Cultural Capital and Other Capital, Nuffield College Oxford.  
Tymon, Alfered, Stump, Joe (2003). Cultural Capital, Journal of Cultural Economics, Springer Netherlands, Vol. 23, No. 1-2.

Wogget, Gabriele (1993). Social Capital, Rural Sociology, No: 63.

روحانی، حسن (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳ زمستان، صص ۷-۳۵.

<sup>131</sup> Harker, R. (1990). Education and Cultural Capital. In Harker, R., Mahar, C., Wilkes, C. (eds.). An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory. Macmillan Press, London.

<sup>132</sup> Copyright

<sup>133</sup> Industrial Property

<sup>۱۳۴</sup> سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) World Intellectual Property Organization (WIPO). ۲۰۰۹.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

مرتبط با آن که تحت عنوان اصطلاح مالکیت فکری یا معنوی<sup>۱۳۵</sup> طبقه‌بندی می‌شوند مستحق حقوقی خاص هستند یا خیر؟ سوال در این است که بستر دینی، فلسفی و اخلاقی این نوع حمایت که منجر به تفوق عدّه‌ای و سلطه بر دیگران شده و می‌شود چیست.

## منشاء حقوق مالکیت فکری

اصطلاح مالکیت فکری یا معنوی هم در مورد حق مالکیت و هم درباره مال مورد معامله بکار برده می‌شود. تعریف دقیق از مالکیت فکری و ابعاد و ماهیت آن و نتیجتاً احکام مترتب بر آن در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است.<sup>۱۳۶</sup> بر این اساس برخی حقوق فکری را حقوقی دانسته‌اند که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار می‌دهد.<sup>۱۳۷</sup> برخی نیز منظور از حقوق فکری را حقوقی می‌دانند که موضوع آنها شیء مادی نیست بلکه اثر فکری انسان است که ارزش اقتصادی دارد.<sup>۱۳۸</sup>

برخی منشاء مالکیت فکری را کار فرد دانسته و لذا حقوق پدیدآورندگان آثار فکری منتج از کار آنان و لذا شایسته دریافت مزد است. این دیدگاه هرچند درست می‌نماید ولی کامل نیست. زیرا نتیجه کار کارگر با نتیجه خلاقیت و ابتکار فکری یکسان نیست. از سوی دیگر وجه معقول آن این است که اگر کار یک فرد منتج به خلاقیتی می‌گردد چرا این خلاقیت باید مستفیض از حقوق انحصاری برای پدیدآورنده شود! اگر مبنای حقوق مالکیت فکری را کار انجام شده پدیدآورنده بدانیم مسائل عدیده‌ای بوجود خواهد آمد که به راحتی قابل حل نیست. علاوه بر این خطورات ذهنی همانطور که به ذهن فردی وارد می‌شود به ذهن دیگران نیز وارد می‌شود. و برای اولین کسی که موضوعی به ذهن وی خطور کند مستوجب تملک بر آن ایده نمی‌شود. مثلاً اگر بخواهیم حقوق مالکیت فکری قضیه تساوی مربع وتر با جمع مربعات دو ضلع دیگر در مثلث قائم‌الزاویه را

<sup>135</sup> Intellectual property right

<sup>۱۳۶</sup> حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۷) مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.

<sup>۱۳۷</sup> کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت. تهران، نشر میزان. چاپ هشتم، ص ۲۳.

<sup>۱۳۸</sup> صفایی، حسین (۱۳۷۵). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان. چاپ اول، ص ۶۸.



مختص فیثاغورث بدانیم. تمام صناعات و سازه‌ها و ساختمان‌های قبل و حال و آینده را باید در گرو فیثاغورث (و یا وراثت وی) بگذاریم. مسلماً اگر این قضیه را فیثاغورث حل نمی‌کرد افراد بعد وی حل می‌کردند و خطور این قضیه در بار اول به ذهن فیثاغورث موجب مالکیت این قضیه و حقوق فکری مرتبط با آن برای او نمی‌شود. یا مثال دیگر هندسه دایره و اختراع چرخ است. مثال دیگر الکتروسیسته است. و از این دست نمونه‌های فراوان در کلیه رشته‌های علوم و فنون و صناعات هست.

برخی دیگر منشاء این حق را ناشی از شخصیت پدیدآورنده می‌دانند. ولی آنچه که در حال حاضر بسیار مطرح است این است که حق پدیدآورنده نوعی مالکیت شناخته می‌شود. از لحاظ حقوقی بر این نظر این اشکال وارد می‌شود که مالکیت حقی دائمی، مطلق و مالی است در حالیکه حقوق فکری موقت، غیرمطلق و غیر مالی است. برخی دیگر این حق را منبعث از قرارداد دانسته‌اند. اگر قرارداد خصوصی بین اشخاص فرض شود با توجه به اصل حاکمیت قراردادها توافق در قبال انجام کار و منطبق با توافق اطراف قرارداد صورت می‌یابد و معقول است. ولی بسط و توسعه آن به قرارداد اجتماعی صحیح نمی‌تواند باشد. یعنی چون پدیدآورنده اثر خود را به اجتماع عرضه می‌دارد لذا جامعه نیز مکلف می‌شود تا پاداش مابازاء آن را به وی پرداخت کند. این موضوع از این جهت قابل نقد است که منشاء خلق هر خلاقیت و ابتکار هر فرد، همان امکاناتی است که جامعه در اختیار پدیدآورنده قرار داده است. به عبارت دیگر تربیت و امکانات مختلف و متنوع جامعه بوده که این قدرت خلق اثر فکری را برای پدیدآورنده بوجود آورده است و گرنه فرد به تنهایی و دور از جامعه نمی‌توانسته مورث خلق آن اثر باشد؛ زیرا که آن اثر در جامعه کاربرد دارد. نظر اخیر مؤید نظرات کسانی است که این قسم حقوق را ناشی از اخلاق می‌دانند. به عبارتی، موارد اخلاقی نظیر رقابت غیرمنصفانه و تحصیل و انباشت سرمایه، بخل نسبت به اجتماعی که خود مبتکر را آفریده، عدم استحقاق دریافت مازاد از هبه‌کننده حق توسط گیرنده حق، و از این قبیل موارد همگی دلالت بر این دارند که حقوق پدیدآورنده نباید در حدودی از انحصار قرار گیرد که موجبات موارد اخیر را فراهم آورد. بطور کلی مالکیت مفهومی عرفی و اعتباری است و به هر چیزی که از آن شخص است و دارنده‌اش می‌تواند هر طور بخواهد آن را بکار گیرد و دیگری بدون اجازه دارنده این حق نمی‌تواند از آن بهره‌مند گردد، اطلاق می‌شود<sup>۱۳۹</sup> ولی این تعریف نمی‌تواند موارد موضوع مالکیت

<sup>۱۳۹</sup> ساکت، محمد حسین (۱۳۸۵) حقوق مالکیت فکری، تاریخچه و مبانی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰ و ۵۱

فکری را شامل باشد. از لحاظ طبقه‌بندی‌های حقوقی، باید گفت حق مالکیت فکری مادام که نفعی که مستقیماً قابل تقویم به پول باشد، ایجاد نکند از جمله حقوق غیرمالی بشمار می‌آید که ارزش مبادله ندارد و مستقیماً قابل ارزیابی به پول نیست. ولی زمانی که موضوع حق، مالکیت و حق انتفاع است جنبه حقوق مالی می‌یابد ولی این جنبه تعلق به عین مال دارد نه حقوق غیرمالی مترتب بر آن. یعنی ماهیت مالکیت فکری در زمره ارقام مالکیت مالی محسوب نمی‌شود که دیگری بدون اجازه دارنده این حق نتواند از آن بهره‌مند گردد. به عبارتی شخص می‌تواند حقوق ناشی از حق مالی چه عینی و چه دینی که شخص بدون واسطه نسبت به مال خارجی (حق عینی) و نسبت به دیگری (حق دینی) دارد را مطالبه کند.<sup>۱۴۰</sup> ولی ماهیت حقوق فکری وقتی حق غیرمالی است با حقوق عینی و دینی انطباق ندارد. به عبارت دیگر حقوق فکری در «حکم اموال منقول» نیست هرچند تصریح کنیم که واژه فکری در اصطلاح حقوق مالکیت فکری صرفاً اشاره بر این دارد که متعلق حق، مادی نیست، بلکه فعالیت فکری انسان است. لذا برخی حقوق مالی را بنا بر تعریف کلاسیک به حقوق عینی و دینی منحصر ندانسته و حق دیگری نیز تحت عنوان حقوق فکری مطرح و حق مالی را به سه دسته عینی، دینی و معنوی تقسیم کرده‌اند.<sup>۱۴۱</sup> برای توضیح بیشتر فرض کنید در دوران برده‌داری هستیم و حقوق مالکیت فکری امروزه را بر جامعه مورد مثال مرعی می‌داریم. معنی آن این است که اگر برده‌ای یا فرزند وی صنعتی آموخته باشد باید مادام العمر بهره و بازده آن صنعت را به اربابش رد کند. این امر از لحاظ اصول عقلی و انسانی و اخلاقی حتی در دوران برده‌داری نیز دچار تردید بوده چه برسد به انسان متمدن امروزی! حال اگر مطابق برخی قواعد حقوقی بعضی کشورها این حقوق به ارث هم برسد و از لحاظ زمانی محدود هم نباشد موضوع با چالش بیشتر خواهد بود. مثال دیگر در این است که مثلاً فردی اثری فرهنگی را ابتیاع می‌کند و از آن الهام گرفته و اثر کاملتری را خلق می‌کند. سؤال می‌شود آیا خلق اثر دوم که منتج از اثر خلق اول است از لحاظ حقوقی باید مدیون صاحب اثر اول باشد؟ اگر پاسخ مثبت باشد دین به قهقرا می‌رود و دین هر کس به ماقبل خود بر می‌گردد تا آدم ابولبشر. مثلاً استفاده از اعداد از اختراعات چند هزار سال پیش بوده و لذا هیچکس مُحق نیست یک عمل ریاضی شمارش یا جمع و تفریقی انجام دهد زیرا

←  
ص ۷۴.

<sup>۱۴۰</sup> کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ص ۲۳.

<sup>۱۴۱</sup> کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق، چاپ ۲۷، انتشارات دانشگاه تهران. صص ۲۶۴ - ۲۶۳.

مُبدع شمارش جواز استفاده از آن را صادر نکرده است. مسلماً این استنتاج پذیرفته عقل نیست. وقتی فردی یک اثر فکری را به اختیار دیگری در می‌آورد، جرمِ ثقیل آن را به وی نمی‌فروشد بلکه خواص و آثار مترتب بر آن را مبادله کرده است. یعنی با فروش مثلاً یک کتاب علاوه بر جلد و کاغذ آن تمام دانش درون آن را به تصرف خریدار درآورده است.

در خصوصیات حق فکری ذکر می‌شود که اصل این حق غیر قابل انتقال است. یعنی همانند سایر حقوق شخصی انتقال آن به غیر به موجب قرارداد جایز نیست. ولی واگذاری اعمال و اجرای آن به غیر مجاز است. برخی در باب انتقال آن پس از مرگ پدیدآورنده معتقدند که حق فکری مربوط به شخصیت مؤلف است و بدون شک این حق مشروع است و از جمله احکام حق، انتقال قهری آن به وارث است.<sup>۱۴۲</sup> در خصوص آثاری که از طریق اشخاص حقوقی تولید می‌شوند قوانین برخی از کشورها انتقال حقوق را اجازه نمی‌دهند و در برخی به موجب قانون مقرر شده که حقوق مزبور طی قراردادهای استخدام و پیمانکاری منتقل شده تلقی گردد. کنوانسیونهای بین‌المللی در زمینه قابلیت انتقال حقوق فکری مؤلف مبهم است.<sup>۱۴۳</sup> دیگر اینکه حق فکری محدود به زمان و مکان نیست و نمی‌تواند مبادله شود.<sup>۱۴۴</sup> دیگر قابلیت استناد این حق است. یعنی همگان مکلفند تا آن حق را محترم بدارند. دیگر از خصوصیات آن، غیرمادی بودن حق فکری است.

<sup>۱۴۲</sup> گرجی، ابو القاسم (۱۳۷۱) حقوق معنوی و حکم آن. خبرنامه انفورماتیک، سال ۷ ش ۳ و ۴ شهریور و آبان

۱۳۷۱، ص ۳۳.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش، ص ۳۲۳.

در حقوق فرانسه حقوق معنوی پدیدآورنده پس از مرگ وی به کسی که به موجب وصیت برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدیدآورنده و اثر او تعیین شده است منتقل می‌گردد و در صورت عدم وصیت به ورثه منتقل می‌گردد.

صفایی، حسین (۱۳۷۰) حقوق مدنی تطبیقی، نشر میزان، تهران. ص ۸۶.

<sup>۱۴۳</sup> کنوانسیون برن به موجب بند ۱ ماده ۶ مکرر، مقرر می‌دارد: «مستقل از حقوق مادی و حتی پس از انتقال حقوق مزبور، مؤلف حق ادعای تألیف اثر را دارد و می‌تواند به جهت تحریف، تبدیل و هرگونه تغییر و عمل موهن نسبت به اثر مزبور که موجب لطمه به احترام و شهرت او می‌شود اعتراض نماید.»

<sup>۱۴۴</sup> بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن، مدت اعتبار حقوق مادی را تا ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده مقرر کرده است.

## منع بخل نسبت به جامعه

بخل در لغت به معنی زفتی کردن، آز، لامت، طمع، منع کردن و امساک کردن است. و متضاد کرم و جوانمردی و جود و به معنی حصر در مقابل سخاء و رادی است.<sup>۱۴۵</sup> در تعریف بخل عبارت از امساک از مصرف مال و دارایی بخل است. بخل، منع از مال خویشتن، و شح، بخل از مال دیگران است و گفته‌اند بخل ترک ایثار هنگام حاجت است و گفته‌اند محو صفات انسانی و اثبات عادات حیوانی است.<sup>۱۴۶</sup>

منع بخل نسبت به جامعه موضوعی اخلاقی است و عقل نیز از وجوه مختلف به آن حکم می‌کند. با این عبارت منظور این است که علی القاعده منافع جامعه را نباید معطل منافع فردی نمود. مشابه این موضوع در ارتباط موارد مختلف تعرض حقوق عمومی به حقوق خصوصی در رفع مشکلات و موانع اجتماعی در همه نظام‌های حقوقی قوانین عدیده‌ای وجود دارد. به عبارتی دیگر هر کدام از افراد بشر یافته‌های خود را از جامعه خود دریافت کرده‌اند و بر علوم محصل از جامعه، دانش یا فن یا هنر و ابتکاری افزوده است. در زمان اخذ از مخزن تجربه جامعه این علم را رایگان دریافت داشته ولی هنگام اعطاء به جامعه در مقام مطالبه برآمده و طلب وجه از جامعه می‌نماید و متوقع است که جامعه نیز آن را تحت عنوان حقوق مالکیت فکری بپردازد. آنچه درباره منع بخل در قرآن کریم به آن تأکید فراوان شده است همان منع بخل نسبت به جامعه است و آیات در این باره جامع هستند و تخصیص نخورده‌اند که بتوان حقوق شمرده شده تحت مالکیت فکری را از آن مستثنی نمود. در سوره لیل می‌فرماید:<sup>۱۴۷</sup> «سوگند به شب چون پرده افکند. سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد. و سوگند به آنکه نور و ماده را آفرید. که همانا تلاش شما پراکنده است. اما آنکه داد و پروا داشت. و

<sup>۱۴۵</sup> لغت نامه دهخدا، منتهی الارب، ناظم الاطباء، اقرب الموارد، تاج المصادر بیهقی، المصادر زوزنی، ترجمان القرآن جرجانی ترتیب عادل بن علی.

<https://www.vajehyab.com/dehkoda/%D8%A8%D8%AE%D9%84>

<sup>۱۴۶</sup> تعریفات جرجانی.

<sup>۱۴۷</sup> سوره لیل، آیات ۲۱-۱. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ. وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ. وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ. فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَىٰ. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ. وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ. إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ. وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ. فَأَنْذَرْنَكُمْ نَارًا تَلْقَىٰ. لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى. الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ. وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى. الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ. وَمَا لِأَخِيذٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ. إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ. وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ.»

نیکوتر را تصدیق کرد. بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید. و نیکوتر را به دروغ گرفت. بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود. و چون هلاک شد، مال او به کارش نمی‌آید. همانا هدایت بر ماست. و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست. پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. جز نگون‌بخت‌تر در آن درنیاید. همان که تکذیب کرد و رخ برتافت. و پاک‌رفتارتر از آن دور داشته خواهد شد. همان که مال خود را می‌دهد پاک شود. و هیچکس را به قصد پاداش یافتن، نعمت نمی‌بخشد. جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است. و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد.» در سوره نساء می‌فرماید: <sup>۱۴۸</sup> «و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشین و درراه‌مانده و بردگان خود (نیکی کنید) که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد. همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم. و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است. و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کردند چه زبانی برایشان داشت و خدا به آنان داناست. در حقیقت خدا هم‌وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر نیکی باشد دو چندانش می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد.» در سوره حدید می‌فرماید: <sup>۱۴۹</sup> «تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد. همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند و هر که روی گرداند قطعاً بی‌نیاز ستوده

<sup>۱۴۸</sup> سوره نساء، آیات ۳۶-۴۰. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْحَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا. وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يضاعفها وَيؤت من لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا.»

<sup>۱۴۹</sup> سوره حدید، آیات ۲۴-۲۳. «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ.»

است». در سوره توبه می‌فرماید:<sup>۱۵۰</sup> «و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید بدان بخل ورزیدند و به حال اعراض روی برتافتند.» در سوره آل عمران می‌فرماید:<sup>۱۵۱</sup> «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند هرگز تصور نکنند که آن برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند روز قیامت طوق گردنشان می‌شود میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.» در سوره محمد می‌فرماید:<sup>۱۵۲</sup> «زندگی این دنیا لهُو و لعبی بیش نیست و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید پاداش شما را می‌دهد و اموالتان را نمی‌خواهد. اگر (اموال) شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند بخل می‌ورزید و کینه‌های شما را برملا می‌کند. شما همان هستید که برای انفاق در راه خدا فراخوانده شده‌اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.» در سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که آنچه از نشانه‌های روشن و هدایت را که فرو فرستادیم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب بیان کردیم کتمان می‌دارند آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت کنندگان لعنتشان می‌کنند مگر کسانی که توبه کردند و اصلاح نمودند و آشکار کردند پس بر آنان توبه خواهیم کرد و من بسیار توبه‌پذیر مهربانم»<sup>۱۵۳</sup> و همچنین از پیامبر اکرم (ص) وارد شده که فرمود<sup>۱۵۴</sup>: کسی که از علم سوال شود و آن را کتمان نماید خداوند او را به لجامی از آتش افسار زند. همه اینها با این صراحت و روشنی مبین این هستند که باید در جهت اعتلای جامعه از منافع و دارایی خود صرفنظر نمود. در بحث حقوق

<sup>۱۵۰</sup> سوره توبه، آیات ۷۶-۷۵. «وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ جَبَلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ.»

<sup>۱۵۱</sup> سوره آل عمران، آیه ۱۸۰. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لِّمَنْ بَلَ هُوَ شَرٌّ لِّمَنْ سَيُطَوَّقُونَ مَا يَجْلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.»

<sup>۱۵۲</sup> سوره محمد، آیات ۳۸-۳۶. «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ. إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخِجْكُمْ تَبَخَّلُوا وَخَرِّجْ أَمْوَالَكُمْ. هَآئِنَّمْ هُوَآءُ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْعَلِيمُ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ.»

<sup>۱۵۳</sup> سوره بقره، آیات ۱۶۰-۱۵۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.»

<sup>۱۵۴</sup> سنن ابوداود و سنن ترمذی. «مَنْ سئِلَ عَن عِلْمٍ فَكْتَمَهُ أَجْمَعَهُ اللَّهُ بِلِحَامٍ مِنْ نَارٍ.»

مالکیت فکری این آیات دلالت دارند بر اینکه نمی توان به جواز متقنی مبتنی بر حصر کامل حقوق مالکیت فکری رسید تا مردم را از مواهب داشته های فکری معذور داشت.

## منع ربای اجتماعی

ربا در لغت به معنی «زیادی» است. در لسان العرب<sup>۱۵۵</sup> آمده: «وَالْأَصْلُ فِيهِ الزِّيَادَةُ مِنَ الرِّبَا أَمَّا إِذَا زَادَ أَوْ إِتَّفَعَ وَ نَمَّا». یعنی «ربا در لغت به معنای یک نوع زیاده است که در اموال و ثروت به وجود می آید». در لغت نامه دهخدا<sup>۱۵۶</sup> ربا به معنی سود و نفع زر (به نقل از برهان قاطع) آورده شده است. المنجد نیز ربا را به معنای افزایش و زیادی به طور مطلق معنا کرده است. در «قاموس المحيط» نیز آمده است: ربا در لغت به معنی مطلق زیادی است و رابیه که از ریشه ربا (ربو) در آیه «فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً»<sup>۱۵۷</sup> آمده است به معنای «زیادی» است. ربا به عنوان یک کلمه عربی و مصدر به معنای افزون شدن و نشو و نما کردن به نقل از غیث اللغات و منتخب اللغات و مصادر اللغه زوزنی نیز ترجمه شده است. در معجم مفردات الفاظ القرآن، ربا در لغت به معنی زیادتی بر رأس مال معنی شده، اما در شرع افزایش مال به قسمی که دلیلی بر آن نباشد معنی شده است.<sup>۱۵۸</sup>

اگر ربا را به معنی مطلق زیادی بگیریم، فروش دانش به اجتماع یعنی اخذ مازاد بر آن علمی که از جامعه دریافت شده نیز مفهوم ربا می دهد و لذا اینجا از آن به عنوان ربای اجتماعی ذکر می شود تا متمایز از مفهوم اصطلاحی عرفی آن باشد. این موضوع یعنی منع بخل نسبت به جامعه از تأویل آیات منع ربا نیز قابل استنباط است.

قرآن کریم درباره ربا می فرماید: «آن زیادتی که شما دادید که بر اموال مردم بیافزاید نزد خدا

<sup>۱۵۵</sup> لسان العرب، ابن منظور، جلد ۱۴، ص ۳۰۵.

<sup>۱۵۶</sup> علی اکبر دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا.

<sup>۱۵۷</sup> سوره حاقه، آیه ۱۰.

<sup>۱۵۸</sup> راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر بیروت، لبنان، ص ۱۹۲.

<sup>۱۵۹</sup> سوره روم، آیه ۳۹. «مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُتُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ».

هرگز نیفزاید و آن زکاتی که برای خدا می‌پردازید آنها مضاعف خواهند شد.» علامه طباطبایی<sup>۱۶۰</sup> ربا را در این آیه به معنی نمو مال و زیاد شدن آن معنی می‌کند و بیان می‌دارد که مراد از ربا در این آیه ربای حلال، و مراد از زکات، زکات واجب است که به قصد رضای خدا داده شود و اضافه می‌نماید که در صورتی این ترجمه صحیح است که این آیه مکی باشد و اگر در مدینه نازل شده باشد، مراد از ربا همان رباخواری حرام و مراد از زکات همان زکات واجب است و سپس ذکر می‌نماید که این آیه و آیات قبلش به آیات مدنی شبیه‌ترند تا به آیات مکی، و اینکه بعضی ادعای روایت یا اجماع منقول در این باب کرده‌اند اعتباری بر گفتارشان نیست. قرآن می‌فرماید: «ربا می‌گرفتند و نهی شده بودند از آن و اموال مردم را به باطل می‌خوردند و ما برای کافرینشان عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم.» و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید ربا را به اضافه مضاعف مخورید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید و بترسید از آتش که برای کافران مهیا شده، خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مورد رحمت واقع شوید.» در سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند به پای نمی‌خیزند جز مانند کسی که با تماس با شیطان آشفته شده است، این به واسطه آن است که گفتند: داد و ستد مثل ربا است و خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده، پس هر کس که پندی از جانب پروردگارش به او آمد و باز ایستاد، برای اوست آنچه گذشته و کار او با خداست و کسی که بازگشت آنانند یاران آتش که در آن جاویدان‌اند. خداوند، ربا را نابود و صدقات را افزون می‌کند و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کار را دوست ندارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارش برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آوردید تقوا

<sup>۱۶۰</sup> علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ذیل همین آیه.

<sup>۱۶۱</sup> سوره نساء، آیه ۱۶۱. «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.»

<sup>۱۶۲</sup> سوره آل عمران، آیات ۱۳۲-۱۳۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.»

<sup>۱۶۳</sup> سوره بقره، آیات ۲۸۰-۲۷۵. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقْوَمُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا التَّبِيعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَخْلَ اللَّهُ التَّبِيعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. يَحِقُّ اللَّهُ الرِّبَا وَبِزِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُورٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ وَ إِن كَانَ دُوعُسْرَةٌ فَنظِرَةٌ لِيَّ مِيسْرَةٌ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.»



ورزید و آنچه از ربا مانده واگذارید اگر مؤمن هستید. و اگر نکردید پس جنگی از خدا و پیغمبرش را خواسته‌اید، و اگر توبه کردید برای شماسست اصل اموالتان، نه ستم کنید و نه ستم بینید و اگر تنگدستی بود پس مهلتی تا فراخ دستی به او بدهید، و چنانچه بدو ببخشید برای شما بهتر است اگر بدانید.» روح آیات فوق علاوه بر مفاهیم و استنباطات لفظی و عرفی آن همگی دلالت بر آن دارد که برای نفع فردی نباید جامعه را به تعب انداخت و مازاد بر آنچه داده شده اخذ کرد. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره تعلیم و انتشار دانش می‌فرماید: <sup>۱۶۴</sup> «زکات علم نشر دادن آن است». و همچنین می‌فرماید: <sup>۱۶۵</sup> «زکات علم بخشش آن بر مستحق آن است». در این ارتباط باید گفت همانطور که زکات بر مازاد ارزش حاصله بر مال یعنی ارزش افزوده وضع می‌شود، زکات علم نیز باید بر ابتکار و خلاقیت فرد از علم دریافت شده از جامعه وضع شود، یعنی نشر و بخشش آنچه خود بر آن علم افزوده است.

## منع عدم افشای علم

بیان حقایق و علم از مواردی است که خداوند در قرآن به آن دستور می‌فرماید و کتمان کننده آن را شدیداً سرزنش می‌کند. در ابتدا باید به این موضوع اشاره کرده که علم در مالکیت خدای یکتاست و اوست که به هرکس به میزانی آن را تعلیم فرموده و آنچه به خلق تعلیم شده جز افاضه او نیست. آیات متعددی در قرآن کریم در این باب صراحت تام دارند. لذا منشأ و مالکیت علمی که بشر به آن دست می‌یابد متعلق به خداوند است و چیزی نیست که او از نزد خود آورده باشد. در این باب قرآن کریم می‌فرماید: <sup>۱۶۶</sup> «و به (داوود) فن زره آموختیم تا شما را از جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید». در سوره کهف می‌فرماید: <sup>۱۶۷</sup> «تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم». در سوره نمل می‌فرماید: <sup>۱۶۸</sup> «و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند ستایش خدایی را

<sup>۱۶۴</sup> میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۹۵۸. «زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ»

<sup>۱۶۵</sup> غرر الحکم، ص ۴۲۴. «زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ».

<sup>۱۶۶</sup> سوره انبیاء، آیه ۸۰. «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِنُخَصِّنْكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ»

<sup>۱۶۷</sup> سوره کهف، آیه ۶۵. «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»

<sup>۱۶۸</sup> سوره نمل، آیه ۱۵. «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ».

که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است». و در سوره احقاف می‌فرماید: <sup>۱۶۹</sup> «گفت علم فقط نزد خداست و آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم ولی من شما را گروهی می‌بینم که در جهل اصرار می‌ورزید». و در سوره لقمان می‌فرماید: <sup>۱۷۰</sup> «آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است و برخی از مردم در باره خدا بی (آنکه) دانش و رهنمود و کتابی روشن (داشته باشند) به مجادله برمی‌خیزند». و در سوره زمر می‌فرماید: <sup>۱۷۱</sup> «و چون انسان را آسیبی رسد ما را فرامی‌خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید تنها آن را به دانش خود یافته‌ام نه چنان است بلکه آن آزمایشی است ولی بیشترشان نمی‌دانند». و در سوره علق می‌فرماید: <sup>۱۷۲</sup> «بخوان و پروردگار تو کریمترین است، همان کس که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی‌دانست آموخت». و فرمود: <sup>۱۷۳</sup> «و همه نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی اینها به من خبر دهید. گفتند منزهی تو ما را جز آنچه تو به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست همانا تویی دانای حکیم». تمام آیات فوق دلالت بر این موضوع دارند که علم عطایای الهی است و لذا کتمان آنچه او عطا کرده و دستور فرموده تا بر خلق او بیان شود خلاف امر اوست.

در این باب یعنی کتمان و عدم افشای دانش در آیات متعدد موضوع را بیان می‌فرماید. در سوره نساء می‌فرماید: <sup>۱۷۴</sup> «همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران غذایی خوارکننده آماده

<sup>۱۶۹</sup> سوره احقاف، آیه ۲۳. «قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ».

<sup>۱۷۰</sup> سوره لقمان، آیه ۲۰. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ».

<sup>۱۷۱</sup> سوره زمر، آیه ۴۹. «فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنِّي أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

<sup>۱۷۲</sup> سوره علق، آیات ۵-۳. «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».

<sup>۱۷۳</sup> سوره بقره، آیات ۳۲-۳۱. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ».

<sup>۱۷۴</sup> سوره نساء، آیه ۳۷. «الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا».

کرده‌ایم.» در سوره بقره می‌فرماید: <sup>۱۷۵</sup> «کسانی که به ایشان کتاب داده‌ایم همانگونه که پسران خود را می‌شناسند او را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان می‌دانند. حق از جانب پروردگار توست پس مبادا از تردیدکنندگان باشی. و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن می‌گرداند پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید هر کجا که باشید خداوند همگی شما را می‌آورد در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.» و می‌فرماید: <sup>۱۷۶</sup> «کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم نهفته می‌دارند آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند. مگر کسانی که توبه کردند و اصلاح نمودند و آشکار کردند پس بر آنان خواهم بخشود و من توبه‌پذیر مهربانم. کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد.» و در ادامه در سوره بقره می‌فرماید: <sup>۱۷۷</sup> «کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده پنهان می‌دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می‌آورند آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت. آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به هدایت و عذاب را به آمرزش خریدند پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکبیا باشند. چرا که خداوند کتاب را به حق نازل کرده است و کسانی که در باره کتاب با یکدیگر به اختلاف پرداختند در ستیزه‌ای دور و درازند. نیکوکاری آن نیست که روی خود را به مشرق و مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز

<sup>۱۷۵</sup> سوره بقره، آیات ۱۴۸-۱۴۶. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ. وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيْهَا فَاسْتَبِقُوا الْحَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

<sup>۱۷۶</sup> سوره بقره، آیات ۱۶۱-۱۵۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».

<sup>۱۷۷</sup> سوره بقره، آیات ۱۷۷-۱۷۴. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در آزاد کردن بردگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند». و می‌فرماید: <sup>۱۷۸</sup> «و هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان نمایند و کتمانش مکنید پس آن را پشت‌سر انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند.» و در این باب دستور به اطاعت به دارندگان درجات علم می‌دهد و می‌فرماید: <sup>۱۷۹</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید خدا کسانی از شما را که گرویده و کسانی که دانشمندند درجاتی داده شده‌اند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.» و می‌فرماید: <sup>۱۸۰</sup> «و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند به آن چه از دانش که نزدشان بود خرسند شدند و آنچه به آن بودند ریشخند می‌زدند».

حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: <sup>۱۸۱</sup> «مثل علما و دانشمندان بد همانند سنگ بزرگی است که بر دهانه نهر قرار می‌گیرد، که نه خود آب می‌آشامد و نه آب را به کشتزار رها می‌کند». حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: <sup>۱۸۲</sup> «پنهان کننده علم را، همه چیز لعنت می‌کند حتی ماهی در دریا و پرنده در آسمان». همچنین می‌فرماید: <sup>۱۸۳</sup> «هرگاه از دانشمندی چیزی را که می‌داند سؤال کنند و او کتمان نماید روز قیامت افساری از آتش بر دهان او می‌زنند!» و همچنین امیرالمؤمنین علی (ع)

<sup>۱۷۸</sup> سوره آل عمران آیه ۱۸۷. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُيِّنَ مَا يَشْتَرُونَ».

<sup>۱۷۹</sup> سوره مجادله، آیه ۱۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ».

<sup>۱۸۰</sup> سوره غافر، آیه ۸۳. «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَخَافَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».

<sup>۱۸۱</sup> مثل علماء السوء، مثل صخرة وقعت على فم النهر، لا هي تشرب الماء ولا هي تترك الماء يخلص إلى الزرع. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۴.

<sup>۱۸۲</sup> بحار ج ۷۰، ص ۳۰۳. «كاتب العلم يلعنه كل شيء، حتى الحوت في البحر والطير في السماء».

<sup>۱۸۳</sup> طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ اسلامیه تهران، ۱۳۹۰ ق. ج ۱ ص ۲۴۱. و ملا محسن

فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۰۷. «من سُئِلَ عن عِلْمٍ يَعْلَمُهُ فَكَنَّمَهُ، أَلْجِمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ».

می‌فرمایند: «همانا عالمی که علم و دانش خود را مخفی نگه دارد، در روز قیامت با بدترین بوها مبعوث می‌شود».<sup>۱۸۴</sup> در حدیث دیگری از حضرتش پرسیدند: <sup>۱۸۵</sup> «بدترین خلق خدا بعد از ابلیس و فرعون ... کیست؟» در پاسخ فرمود: «آنها دانشمندان فاسدند که باطل را اظهار و حق را کتمان می‌کنند و همانها هستند که خداوند بزرگ درباره آنها فرموده: لعن خدا و لعن همه لعنت کنندگان بر آنها خواهد بود».

## ملاحظات فقهی مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در فقه توسعه زیادی ندارد و لذا در باب آن اجماعی نیست. برخی برای اثبات ضمان در مواردی از عدم النفع، به بنای عقلاً<sup>۱۸۶</sup> و برخی<sup>۱۸۷</sup> به قاعده لاضرر<sup>۱۸۸</sup> به عنوان مهم‌ترین دلیل بر تأیید حقوق مالکیت فکری استناد کرده‌اند.<sup>۱۸۹</sup> هر دو شیوه بر این مقدمه استوارند که عقلاً برای آن مسؤولیت مدنی قائل می‌شوند که اسناد خلق ابتکار و آفرینش فکری به خود مانع استیفای منفعت مالک و موجب ضمان است، حال آنکه اثبات چنین امری بسیار دشوار است. اگر گفته شود که فکر و ابتکار در استیلای دیگری قرار نمی‌گیرد عملاً قاعده ضمان ید جاری نمی‌شود و قاعده اتلاف هم دچار مشکل می‌گردد مگر تفویت منفعت را موجب ضمان بدانیم.<sup>۱۹۰</sup> برخی نیز حق تألیف را مالیت ذاتی مؤلف محسوب می‌کنند زیرا حاصل تلاش فکر مؤلف است پس منفعت نهفته در آن نصیب مؤلف است.<sup>۱۹۱</sup> ادله ارائه شده در رابطه با منع تصرف مال غیر غالباً مستند به

<sup>۱۸۴</sup> کنز العمال، ۲۸۹۹۷. «إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمُهُ يُبْعَثُ أَتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِيحًا»

<sup>۱۸۵</sup> طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار الاسوه، تهران، ۱۴۱۶ق. و ملا محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۹ «من شر خلق الله بعد ابليس و فرعون...»، «العلماء اذا فسدوا، هم المظهرون للباطيل، الكاتمون للحقائق، و فيهم قال الله عز و جل اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون...»

<sup>۱۸۶</sup> بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهية، قم، نشر الهادی، چاپ اول. ص ۱۸۴.

<sup>۱۸۷</sup> حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۳ق) فقه العقود، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم. جلد ۱، ص ۲۴۷.

<sup>۱۸۸</sup> فرمایش پیامبر اکرم (ص): لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، کتاب شفعه، باب ۵.

<sup>۱۸۹</sup> - افتخارزاده، محمود (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان و مترجمان در فقه معاصر اسلامی. نشر هزاران، تهران.

<sup>۱۹۰</sup> طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق) العروه الوثقی، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول. ص ۲۰.

<sup>۱۹۱</sup> افتخارزاده، محمود رضا (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران،

احادیث منسوب به پیامبر اکرم (ص) نظیر «الناس مُسَلطون علی اموالهم» یا «لا یَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالٌ أَخِیهِ إِلَّا عَن طِیبِ نَفْسِهِ» است. این استنباط در رابطه با عدم جواز غیر در تحریف یا تبدیل کلام مؤلف مصداق می‌یابد ولی بر استحقاق عوض مال نسبت به مالکیت فکری آن تصریح ندارد. این امر یعنی عدم جواز تحریف، در قرآن صراحت دارد. یعنی منقول مجاز به تحریف (به انحاء مختلف سانسور، کتمان، سرقت ادبی و ...) نیست. قرآن کریم می‌فرماید: <sup>۱۹۲</sup> «پس به آنچه پیمان‌شان را شکستند لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم، کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر اندک از ایشان. پس از آنان در گذر و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد». و می‌فرماید: <sup>۱۹۳</sup> «برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو (که کاش) ناشنوا گردی و (نیز از روی استهزا می‌گویند) راعنا (که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما) و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز (گروهی) اندک ایمان نمی‌آورند...». و می‌فرماید: <sup>۱۹۴</sup> «آیا طمع دارید که به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند». ولی این آیات منعی بر کپی کردن، شبیه‌سازی، اقتباس و ... با رعایت درستی و امانت وضع نمی‌فرماید. آنچه در این باب اشاره به آن لازم است این است که علیرغم ذمّ تحریف جزای حدّ برای آن تا وقتی زیان نرساند در قرآن قید نمی‌شود و می‌فرماید: <sup>۱۹۵</sup> «ای پیامبر

<sup>۱۹۲</sup> - سوره مائده، آیه ۱۳. «فَبِمَا نَقُضِهِمْ مَبِئَاتِهِمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

<sup>۱۹۳</sup> - سوره نساء، آیه ۴۶. «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالَّذِينَ نَحْنُ بِأَبْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا».

<sup>۱۹۴</sup> - سوره بقره، آیه ۷۵. «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».

<sup>۱۹۵</sup> - سوره مائده، آیات ۴۲-۴۱. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمِ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْتَرَهُمْ قُلُوبُهُمْ هُمْ فِي الدُّنْيَا

کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را غمگین نسازند از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود و از یهودیان که گوش می‌سپارند برای تکذیب و برای گروهی دیگر که نزد تو نیامده‌اند خبرچینی می‌کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند. می‌گویند اگر این به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید اینانند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. پذیرا و شنوای دروغ هستند بسیار مال حرام می‌خورند پس اگر نزد تو آمدند میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می‌کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.»

از لحاظ فقهی برخی موضوع حقوق مالکیت فکری را در اخذ اجرت بر واجبات مطرح کرده‌اند بدین ترتیب که اگر تألیف کتاب یا ابداعی حیاتی یا ضروری بشر باشد اقدام بر آن واجب است و با اخذ اجرت همخوان نیست ولی در مستحبات جایز است.<sup>۱۹۶</sup> این قاعده وقتی ضرورت و حیات جامعه به ارزاق عمومی باشد تا آنجا پیش می‌رود که حاکم شرع جواز دارد تا در خشکسالی و قحطی دستور دهد درب انبارهایی که رزق عام مردم را احتکار کرده‌اند بشکنند و رزق عمومی را میان عموم تقسیم نمایند. البته رزق عام تعریف و محدودیت‌های خاصی دارد که شامل انواع آذوقه نمی‌شود و منحصر به ارزاقی چون گندم و در زمان قحطی است. یعنی اهمیت حیات جامعه تا آنجا مهم است که می‌توان برای احیاء آن در شرایط خاص حقوق مسلم برخی را نادیده گرفت و حتی به حقوق آنان تعدی نمود و انبار آذوقه آنان را مصادره کرد.

برخی سیره عقلا را مؤید مشروعیت حقوق مالکیت فکری دانسته‌اند و دلیل عقل را طرح کرده‌اند. ولی در این باب حکم عقلی مطرح شده با عمل عقلاء حقیقی که انبیاء و اولیاء علیهم السلام است قیاس مع الفارق است. زیرا آنها بدون مزد و رایگان علوم حقیقی را به خلق می‌آموختند و مزد

←  
خِزْيٍ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

<sup>۱۹۶</sup> افتخارزاده، محمودرضا، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، چاپ

گرفتن بر آن را حرام می‌دانستند، چه رسد به علوم ظاهری. حدوداً ۱۲ آیه در این موضوع است که رسول اکرم (ص) و دیگر رسولان (ع) می‌فرمایند من از بابت رسالتم مزدی از شما نمی‌گیرم و مزد من نزد خداست. در قرآن کریم می‌فرماید: <sup>۱۹۷</sup> «من از شما هیچ پاداشی نخواسته‌ام که پاداش من با خداست و امر شده از مسلمین باشم». در آیه دیگری به پیامبر (ص) خطاب می‌شود که: <sup>۱۹۸</sup> «بگو من از شما هیچ مزدی درخواست نمی‌کنم و این رسالت بدان می‌گذارم که هر که خواهد به سوی پروردگارش راهی یابد.» و به کرات فرمود. <sup>۱۹۹</sup> در آیه دیگر می‌فرماید: <sup>۲۰۰</sup> «(ای پیامبر) بگو اگر هر مزدی که از شما طلبیده‌ام از آن خودتان باد، مزد من تنها بر عهده خداست». در آیه دیگری می‌فرماید: <sup>۲۰۱</sup> «اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو در برابر آن هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم و این جز اندرزی برای مردم جهان نیست». در جای دیگر می‌فرماید: <sup>۲۰۲</sup> «ای قوم از شما مزد نمی‌طلبم مزد من تنها با آن کسی است که مرا آفریده آیا تعقل نمی‌کنید». باز می‌فرماید: <sup>۲۰۳</sup> «بگو از شما مزد نمی‌خواهم جز دوستی با خویشاوندان». در آیه دیگری می‌فرماید: <sup>۲۰۴</sup> «ای قوم از شما مالی نمی‌خواهم و مزد من تنها با خداست». از آیات فوق واضح است که دریافت دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت مشروع نیست. این موضوع در مورد سایر پیامبران نیز صادق است و مختص به رسول اکرم (ص) نیست. خطاب به حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: <sup>۲۰۵</sup> «و تو از آنها مزدی نمی‌طلبی و این جز تذکری برای جهانیان نیست».

از مواردی که در فقه، حقوق مالکیت برای آن وضع شده ولی مال محسوب نمی‌شود بضع زن است

<sup>۱۹۷</sup> - آیه ۷۲، سوره یونس. «فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

<sup>۱۹۸</sup> - سوره فرقان، آیه ۵۲. «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِيبًا سَبِيلًا».

<sup>۱۹۹</sup> - آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰؛ سوره شعرا، این فرمایش را تکرار می‌نماید. قسمت اول این آیه در آیه ۸۶ سوره ص نیز نازل شده است. «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ».

<sup>۲۰۰</sup> - سوره سبا، آیه ۴۷. «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».

<sup>۲۰۱</sup> - آیه ۹۰، سوره انعام. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَفْتِدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ».

<sup>۲۰۲</sup> - آیه ۵۱، سوره هود. «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ».

<sup>۲۰۳</sup> - آیه ۲۳، سوره شوری. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

<sup>۲۰۴</sup> - آیه ۲۹، سوره هود. «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ».

<sup>۲۰۵</sup> - آیه ۱۰۴، سوره یوسف. «وَ مَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».



که در مالکیت مرد است. بضع به ورثه منتقل نمی‌شود و قابل عاریه دادن و اجاره فروش نیست.<sup>۲۰۶</sup> با جاری شدن عقد ازدواج، مرد مالک حق انتفاع از بضع همسر خویش می‌گردد و مهریه در حقیقت عوض حق انتفاع از بضع زن است. مهر قرار دادن بضع زن در جاهلیت مرسوم بوده و حتی نکاح شغار هم انجام می‌شده که اسلام آن را ممنوع نموده است. در نکاح شغار بضع زنی را مهر دیگری قرار می‌دادند و به عبارتی دو زن را برای دو مرد تزویج می‌نمودند و بضع هر کدام مهر دیگری بود.<sup>۲۰۷</sup>

آیت‌الله خمینی در مبحث مسائل مستحدثه می‌نویسد:<sup>۲۰۸</sup> «آنچه که معروف به حق طبع نزد افراد است حق شرعی به شمار نمی‌آید و زایل نمودن سلطه مردم بر اموالشان بدون اینکه شرط و عقدی در بین باشد جایز نیست و مجرد نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» حقی به وجود نمی‌آورد و التزام دیگران را به دنبال ندارد. پس افراد می‌توانند آن را چاپ و تقلید نمایند و کسی نمی‌تواند آنها را از این کار منع کند. و نیز آنچه که معروف است به «ثبت اختراع» برای مخترعش و منع دیگران از تقلید او و تکثیر نمودن آن اختراع هیچ اثر شرعی ندارد و نمی‌توان افراد را از تقلید نمودن آن اختراع و تجارت و کسب کردن با آن منع کرد و هیچ کس حق ندارد دیگری را از سلطنت در اموال خودش منع کند. و نیز آنچه که معروف است از «انحصاری بودن تجارت یک شیء یا اشیاء» برای موسسه‌ای یا تعدادی از تجار یا مانند این‌ها هیچ اثر شرعی ندارد و بازداشتن دیگران از تجارت و صنعت حلال و محصور دانستن در حق چند نفر جایز نمی‌باشد. و نیز

<sup>۲۰۶</sup>- ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی معروف به علامه حلّی، تذکره الفقهاء، المكتبة

المرتضویه، ج ۲، ص ۱۹۲.

شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبد‌العالی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، نشر آل بیت، قم، ۱۳۱۴ قمری.

ج ۱۳، ص ۱۸۴.

<sup>۲۰۷</sup>- محمد بن عبدالباقی الزرقانی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، دارالکتب علمیه، بیروت،

لبنان، ۱۴۱۷ قمری. ج ۳، ص ۱۴۳.

شرح اللعمه الدمشقیه (شهید اول) محمدابن مکی، کتابفروشی وجدانی، قم، ۱۳۷۳ ج ۲، ص ۸۵.

یوسف بن احمد بحرانی، حقائق الناصره فی احکام العتره الطاهره، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات

اسلامی، تهران، ج ۶، ص ۱۵۰.

<sup>۲۰۸</sup> روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۷۵) تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم،

قم، چاپ سوم.

قیمت‌گذاری بر اجناس و بازداشتن مالک‌ش از بیش‌تر فروختن جایز نیست البته برای امام و والی مسلمین این حق است که چنانچه صلاح می‌داند در امور مسلمین از قیمت‌گذاری بر جنس و صنعت و انحصار تجارت یا غیر آن و هر آنچه را که برای نظم و صلاح جامعه مفید است انجام دهد».

مطهری در مورد مالکیت‌های صنعتی به ویژه اختراعات می‌نویسد:<sup>۲۰۹</sup> «ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول آن را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه دانست بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاص است که موجبات آن اقتضا می‌کند در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد نه فردی. ... بنا بر این نظریه حق مخترع همان پاداش است نه مالکیت اختراع مثل سایر اموال. دلیلش نیز این است که آن چیز را فرد به وجود نیاورده است، طبیعت به وجود آورده یا اجتماع به وجود آورده و هیچ‌یک از این دو نیز به خاطر یک شخص معین هم به وجود نیاورده‌اند یعنی فرد نه با آن چیز رابطه فاعلی دارد نه رابطه غایی.»

آیت‌الله روحانی می‌نویسد:<sup>۲۱۰</sup> «مالکیت حقوقی عبارت است از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی که این قسم امری است که عقلاً آن را برحسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار کرده‌اند. لذا هر کس هر چیزی را تالیف می‌کند چون نتیجه کار فکری اوست مالک و صاحب آن می‌شود. البته ملکیت او مطلق نیست و دلیل بر حرمت امتناع و تصرفات فکری وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مولف است که در این صورت مولف می‌تواند مطالبه حق نماید.»

در مجموع باید گفت اظهار نظرات و فتاوایی<sup>۲۱۱</sup> که در این باب اظهار شده استدلال‌ات ضعیف دارند. و ایراد شده که اماره مالکیت اثر با درج عباراتی نظیر «حقوق اثر محفوظ است» یا «حق چاپ محفوظ است» از آن سو محترم است که شرع، عرف جامعه را محترم می‌داند. مضافاً برخی اشکال

<sup>۲۰۹</sup> مرتضی مطهری (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا. صص ۵۹-۵۸. و ص ۱۴۶.

<sup>۲۱۰</sup> محمد صادق روحانی (۱۴۱۴ ق) المسائل المستحدثه، قم، دارالکتاب. ص ۲۲۵.

<sup>۲۱۱</sup> جعفر سبحانی (۱۳۷۱) فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳. صص ۲۱۱-۲۱۰.

می‌کنند که قبول استدلال بنای عقل در باب حقوق مالکیت فکری در صورتی قابل قبول است که عرف و سیره عقلا به امضای شارع رسیده باشد تا مصداق کلاما حکم به العقل، حکم به الشرع داشته باشد از طرفی کبرای منطقی اخیرالذکر وقتی است که صغرای آن مبتنی بر عقول کامله باشد، نه عقل مادرزاد.

## مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) طبق کنوانسیون استکهلم (۱۹۶۷) براساس دو کنوانسیون برن و پاریس بوجود آمد. این سازمان در ارتباط با مالکیت فکری جهت هماهنگی در وضع قوانین و رویه‌های ملی و درخواست‌های بین‌المللی در راستای حقوق مالکیت صنعتی، تبادل اطلاعات، کمک‌های فنی و حقوقی، حل منازعات، سازمان‌دهی تکنولوژی اطلاعات فعالیت می‌کند. پس از پایان دور مذاکرات چندجانبه<sup>۲۱۲</sup> (GATT) اروگوئه و تأسیس سازمان تجارت جهانی<sup>۲۱۳</sup> (WTO) در ۱۹۹۴ این سازمان موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری معروف به TRIPS<sup>۲۱۴</sup> را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد. این موافقت‌نامه که رجحان و امتیاز اساسی به کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌دهد یکی از اجزاء اصلی سند نهایی مذاکرات دور اروگوئه و یکی از سه رکن اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت (شامل موافقت‌نامه‌های تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری) است. در اصل هدف اصلی این موافقت‌نامه ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری بود که با توجه به موقعیت برتر کشورهای صنعتی در این زمینه ابزاری برای سلطه مالی این کشورها گردید.<sup>۲۱۵</sup> از مهمترین ویژگیهای موافقت‌نامه TRIPS می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:<sup>۲۱۶</sup>

<sup>212</sup> General Agreement on Tariffs and Trade.

<sup>213</sup> World Trade Organization

<sup>214</sup> The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.

<sup>215</sup> Daniel Cohen (2006). Globalization and its enemies. MIT Press.

<sup>۲۱۶</sup> نگاه کنید به:

بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰) مبانی عرفانی تجارت بین‌الملل در اسلام، بررسی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی از دیدگاه حکمت.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-trade.pdf>

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور).

<http://www.bidabad.ir/doc/wto-iran-ketab.pdf>



۱- از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چپ‌ها<sup>۲۱۷</sup> و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

۲- ضمن تعیین استانداردهای حداقل به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.

۳- با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمین و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.

۴- در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهمترین جنبه‌های این موافقتنامه می‌باشد. طبق ماده ۲۷ موافقتنامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض برحسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. طبق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی

←  
بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) جهانی سازی و سازمان تجارت جهانی.

<http://www.bidabad.ir/doc/globalization-wto.pdf>

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی.

<http://www.bidabad.ir/doc/wto-agreements.pdf>

<sup>217</sup> Integrated Circuits

که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه، در موافقتنامه تصریح شده که اعضاء باید مقررات اساسی کنوانسیون برن را ( تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری بپذیرند. در این موافقتنامه، کپی رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این موافقتنامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. طبق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری بعمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرد. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت فکری است که در موافقتنامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آنها وضع گردیده است.

یکی از جنبه‌های مهم این موافقتنامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهایی است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت فکری عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی موثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقتنامه بگنجانند. طبق مواد متعدد این موافقتنامه (۲۰ ماده) - که در آنها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده - در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقتنامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید.

بطور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد. قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی

شده در موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع<sup>218</sup> بیشتری به خارجیان پردازند، برای محصولاتی که تحت لیسانس‌ها و مجوزها<sup>219</sup> ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. از منافع بلند مدت این موافقتنامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می‌سازد تا ضمن تقویت پایه‌های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت‌های رقابتی خود را در تجارت بین‌الملل عمدتاً به حیطه‌هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می‌دهد. لذا باید اذعان داشت که این موافقتنامه از جمله موارد مشخصی است که در آن منافع کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می‌گردد. تحت حمایت‌های این موافقتنامه باید گفت بطور کلی دارایی‌های ناملموس شرکت‌های متعلق به کشورهای صنعتی بطور میانگین از ۳۸٪ در سال ۱۹۸۲ به ۹۰٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. در این ارتباط بطور مثال می‌توان به دارایی‌های فکری شرکت مایکروسافت اشاره کرد که ۹۷٪ از ارزش کل دارایی‌های آن شرکت می‌باشد و فقط ۳٪ از دارایی‌ها آن به ساختمان و تجهیزات و غیره مربوط است. درآمد این شرکت در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۹۳ میلیارد دلار و کل دارایی‌های شرکت که اعم آن دارایی‌های فکری است در همان سال بالغ بر ۱۸۳ میلیارد دلار بوده است.<sup>220</sup> همین دو رقم برای شرکت مادر گوگل و گوگل ۷۵ میلیارد دلار درآمد و ۱۴۷ میلیارد دلار دارایی در سال مالی ۲۰۱۵ بوده است.<sup>221</sup>

<sup>218</sup> Royalty

<sup>219</sup> Loyalty

<sup>220</sup> Microsoft Annual Report 2015. <https://www.microsoft.com/investor/reports/ar15/index.html>

<sup>221</sup> United States Securities and Exchange Commission, Washington, D.C. The consolidated statements of income data of Alphabet Inc. and Google Inc.

<http://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1288776/000165204416000012/goog10-k2015.htm>



## فصل چہارم

### کنوانسیون تجارت بین الملل





## مقدمه

همه اقتصاددانان متفق القولند که تجارت در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکار ناپذیر است. توجه به این موضوع به این گونه است که تجارت منجر به تقسیم بین‌المللی کار و تخصص بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم می‌آورد. تاریخچه اقدامات دولت‌ها در تسهیل روابط تجاری نشان از صرف زمان بسیار طولانی برای رسیدن به این هدف بوده که تا به حال دست نیافتنی مانده و هرچند قدم‌های مهمی در ارتباط با آن برداشته شده ولی تا رسیدن به هدف اصلی یعنی حذف موانع بر سر راه تجارت فاصله زیادی باقی مانده است. غایت اهدافی که در تشکیل سازمان تجارت جهانی مد نظر کشورهای جهان قرار گرفت به کندی قابل حصول است و بشر هرچه دیرتر به آنان دست یابد از توسعه و رشد خود صرف نظر کرده است. لذا باید روشی در سطح بین‌المللی اتخاذ شود تا آنچه قرار است در سده‌های آتی نصیب بشر گردد در کمتر از یک دهه حاصل گردد.

شاید راه سریع برای رسیدن به این آمال بشر، پیشنهاد کنوانسیون باشد که کشورها اختیاراً نسبت به پذیرش آن اقدام کنند و اعضاء پذیرنده اصول زیر را پذیرفته و در قبال دیگر اعضاء اعمال نمایند. بر این اساس با پذیرش همگانی اصول زیر می‌توان تکامل اقتصادی بشر را سالهای سال به جلو انداخت.

برخلاف عملکرد تمام دولتهای مختلفی که به نام اسلام از صدر اسلام تا کنون ملاحظه شده‌اند در عملکرد اقتصادی دولت رسول اکرم ص روایت نشده که حضرت از ورود کالاهای خارجی ممانعت می‌فرموده یا بر آنها تعرفه وضع می‌نموده. البته عشور و مکوس به عنوان تعرفه و مالیات بر واردات در دوران خلافت خلفای راشدین و حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس دیده شده ولی این مالیات به تشابه از دول روم و ایران آن زمان اقتباس شده و نه از احکام شریعت اسلام.<sup>۲۲۲</sup> قرآن کریم می‌فرماید: «ای فرزندان آدم زینت خود را بگیریید (استعمال کنید) و بخورید و بیاشامید و

۲۲۲ - نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲). نرخ و پایه مالیاتی در مالیه اسلام و بنای حکمت در اصول فقه پویای امامیه. و همچنین به: بیدآباد، بیژن (۱۳۸۳). عشریه در مالیه اسلام. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، تهران.

اسراف مکنید همانا او اسراف کاران را دوست نمی‌دارد. (ای پیامبر) بگو چه کسی زینت و روزی پاک‌ی که خدا برای بندگانش پدید آورده است را حرام کرده؟ بگو این چیزها برای کسانی است که در زندگانی دنیا ایمان آوردند و روز قیامت خالصند. اینچنین آیات خدا را برای قومی که می‌دانند تفصیل می‌کنیم. بگو نیست جز اینکه پروردگار من زشتکاری‌ها را چه در آشکار باشند و چه در پنهان و گناه و بغی به غیر حق را حرام کرده است.<sup>۲۲۳</sup> تفسیر اقتصادی این آیه این است که ممنوعیت واردات به معنی تحریم واردات و یا محرومیت نسبی آن به معنی ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در قواعد اسلامی تأیید نمی‌شود. همین تفصیل در مورد صادرات است زیرا خریداران آن واردکنندگان هستند و مشمول مبحث واردات می‌شوند. همین تعبیر را نیز می‌توان از این آیه استنباط نمود که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید حرام نکنید پاک‌هایی را که خداوند بر شما حلال کرده است و تعدی نکنید که خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد و بخورید (مصرف کنید) از آنچه که خداوند روزی حلال و پاک قرار داد».<sup>۲۲۴</sup> در این آیه خوردن به مصرف کردن به راحتی قابل تعمیم است و لفظ لا تَعْتَدُوا اشاره به عمل تحریم است. یعنی اگر مصرف کالاهای پاک را حرام کنید تعدی کرده‌اید و این کار را نکنید و از کالاهایی که خداوند برای شما پاک و حلال قرار داده مصرف کنید. به عبارت دیگر وضع قوانین تجاری در جهت محدود ساختن تجارت بین کشورها نوعی تعدی به حقوق انسان‌ها تلقی می‌گردد که براساس این آیه ممنوع است. باید توجه داشت که این موضوع یعنی حذف تعرفه متفاوت از مالیاتی است که بر درآمد افراد بسته می‌شود و بطور کلی اصابت مالیاتی در این موارد متفاوت از یکدیگر است.

در عصر حاضر قواعد و ترتیبات تجاری سازمان تجارت جهانی همه و همه به حول رسیدن به این حکم اسلامی هستند که تعرفه و موانع تجارت در تجارت بین‌الملل از میان برداشته شود و رفتار طرف‌های مقابل تجاری به دور از حيله و شفاف باشد تا بسیاری از مشکلات اقتصادی جهان کنونی در ارتباط با تخصیص بهینه منابع و حصول کارائی رفع گردد. باید به این اصل اشاره کرد که اسلام

۲۲۳ - سورة اعراف، آیات ۳۱-۳۳، یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَيْمُ وَ الْبَغْيَ بغيرِ الْحَقِّ.

۲۲۴ - سورة مائده، آیات ۸۷-۸۸، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا.

از چهارده قرن پیش جهان تجارت بین‌المللی بدون مانع را مطرح نموده است و در این ارتباط آزادی کامل تجارت مشروع در صحنه بین‌المللی مد نظر بوده است.

موانع تجارت در دنیای امروز تنوع زیادی دارد و دولت‌ها نیز با حمایت اتباع خود به تشدید این تنوع و استحکام آن دامن می‌زنند. هرچند در قرن گذشته بشر متوجه این موضوع گردید که موانع تجاری متقابل عملاً توزیع زیان متقابل است ولی تاریخچه مذاکرات رفع موانع و مشکلات تجارت نشان می‌دهد که انسان‌ها به راحتی نمی‌توانند بصورت متقابل موانعی را که برای طرف مقابل خود ساخته‌اند از میان بردارند. آنچه که مسلم است طرف‌های متقابل دانسته‌اند که برداشتن دوطرفه موانع به سود همه آنهاست ولی چگونه است که ترس از رفتار طرف دیگر مانع حصول این منفعت بزرگ برای همه طرف‌ها شده است.

در این ارتباط ضمن پرداختن به پیشرفت‌های نظری و عملی در تسهیل روابط تجاری در سطح بین‌المللی و قدم‌های مهمی که در این ارتباط برداشته شده است به این موضوع می‌پردازیم که ضرورت دارد تا کنوانسیون پیشنهاد گردد و کشورهای علاقمند ضمن قبول این کنوانسیون کلیه موانع تجاری بین متعاهدین را یکباره از میان خود بردارند. این کنوانسیون متنافر از اهداف گات و سازمان تجارت جهانی نیست بلکه تکامل آنها تلقی می‌شود.

## اصول ارشادی

اصولاً بشریت باید به این خرد رسیده باشد که منافع وی در تعامل مثبت با دیگر ابناء بشر به نفع خود او و سایرین است و هرگاه این تعقل به مقصود برسد در تعامل مثبت با دیگر کشورها اندکی درنگ نخواهد کرد. به راحتی می‌توان با تعمیم استدلال‌های منطقی و ریاضی در نظریات اقتصاد رفاه و مرتبط ساختن آن با تجارت به این موضوع رسید که حذف محدودیت‌ها و موانع تجارت منجر به افزایش کارایی و رفاه همه آحاد جوامع می‌شود. لذا در این جهت می‌توان به موارد کلی زیر اشاره نمود:

۱- کشیدن و پررنگ داشتن مرزها منجر به ایجاد اعتباری مجازی در تمییز ملت‌ها شده و هرچه این مرزها کمرنگ‌تر گردند تفاوت حقوقی و فرهنگی ملت‌ها و ستیز دولت‌ها کمتر خواهد

شد.

- ۲- ایثار از اهداف ملی برای حصول منافع بین‌المللی بالاتر، در چارچوب مفاد این کنوانسیون منجر به منافع ملی بیشتر ملت‌ها خواهد شد.
- ۳- محدودیت‌های متقابل دولت‌ها در برابر شرکای تجاری خود در مجموع منجر به کاهش توسعه و رشد و رفاه ملت‌ها می‌شود و لذا ایجاد جهانی عاری از موانع تجاری منجر به بهبود وضع ملت‌های جهان می‌شود.
- ۴- از لحاظ اقتصادی برخلاف نظریه‌های عامیانه و از لحاظ نظریات تخصصی اقتصاد تجارت بین‌الملل می‌توان ثابت نمود که نفع انسانها در تعالی جملگی بشریت است.
- ۵- هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین‌المللی می‌تواند به همه کشورهای جهان آسیب جدی برساند.
- ۶- موج بودن بازارها هزینه سرمایه را بالا برده و دولت‌ها را وادار ساخته است تا سیاستهای متقابل اتخاذ نمایند. این سیاستها هزینه‌های طرف‌های درگیر را افزون نموده و از کارایی بازارها می‌کاهد.
- ۷- تجارت جهانی با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی توسعه می‌یابد و اشتغال، تولید، درآمد واقعی و رفاه و ارتقاء سطح زندگی با توسعه تجارت جهانی افزایش می‌یابد.
- ۸- اشتراک منافع در تجارت اصل اساسی تنظیم روابط تجاری است.
- ۹- حذف تعرفه‌های گمرکی بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در شرایط رقابت بین‌المللی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.
- ۱۰- در حال حاضر دوران مقررات زدایی در دهکده جهانی و در بازارهای داخلی و خارجی فرا رسیده است.
- ۱۱- شکستهای اقتصادی کشورها را می‌توان به دلیل عوامل متعددی دانست که محدودیت‌هایی تجاری از موارد مهم آنها می‌باشد.
- ۱۲- سیاست‌های آزادسازی و جهانی‌سازی در کشورها منجر به تغییرات ساختاری و اصلاحات گسترده اقتصادی و اجتماعی در همه کشورها خواهد شد.
- ۱۳- خصوصی سازی، آزادسازی و بازار رقابتی انعطاف پذیر منجر به افزایش کارایی همه اقتصادهای جهان خواهد می‌گردد.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

۱۴- تعرفه‌ها، سهمیه‌ها، تبعیض و سایر موانع تجاری مشکلات زیادی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش ارزش پول و بیکاری و جلوگیری از توسعه و رشد و رفاه اقتصادی را برای طرف‌های تجاری فراهم می‌آورد.

۱۵- شیوه مذاکره کالا به کالا زمان‌بر، تبعیض‌آمیز، نامتقارن و ناکارآمد است. پذیرش اصل کاهش عمومی و حذف یکباره محدودیت‌ها و موانع به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بسیار کارا تر خواهد بود.

۱۶- حجم زیادتر و افزایش دائمی درآمد واقعی و تقاضای مؤثر در همه کشورها با حذف موانع محدودیت‌های تجاری قابل حصول خواهد بود.

۱۷- انعطاف‌پذیری بازار نیروی و آزادی جابجائی نیروی کار موضوع تقسیم بین‌المللی کار را پدید می‌آورد.

۱۸- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالا و خدمات در همه کشورها از عوارض رفع موانع تجاری تلقی می‌گردد.

۱۹- سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون حرکت به سوی استفاده بهینه و کارا از منابع موجود در جهان را آغاز خواهد کرد.

۲۰- حفظ و حراست از محیط زیست با سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون قابل حصول تر می‌باشد.

۲۱- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهایی که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته‌اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی می‌تواند در ابعاد مختلف سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون مد نظر قرار گیرد.

۲۲- هر عضو این کنوانسیون به راحتی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این کنوانسیون است.

۲۳- هر نوع محدودیتی که برای یک کالای در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای همه کشورها باید منظور گردد.

۲۴- دسترسی مداوم به بازارهای عضو کنوانسیون با شرایط تجاری مطمئن و تثبیت شده برای همه اعضاء قابل فراهم شدن خواهد بود.

۲۵- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک‌تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود،

فراهم می‌گردد.

- ۲۶- سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون نقطه حرکت خوبی برای اصلاح ساختار اقتصادی و تجاری همه دول بالاخص کشورهای توسعه نیافته خواهد بود.
- ۲۷- امکانپذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیر سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان در سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون قابل تحقق است.
- ۲۸- سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون سبب افزایش شفافیت و شناخت سیاست‌ها و رویه‌های تجاری کشورها از طریق نظارت پیوسته بر آن خواهد شد.
- ۲۹- سیستم تجارت پیشنهادی این کنوانسیون به بالا بردن کیفیت مباحث و بررسی‌های عمومی و بین‌المللی درباره موضوعات تجارت بین‌الملل و مرتبط با آن منجر خواهد شد.

## اصول اجرایی

شاید اگر کشورها طی یک موافقت جمعی می‌پذیرفتند که مرزهای میان خود را بردارند لزومی به ذکر اصول زیر نمی‌بود ولی تا وقتی مرزهای اعتباری ملل عالم را از یکدیگر به صورت تصنعی جدا ساخته است قبول شرایط مبادله بین آنها طبق قواعد خاص ضروری است. لذا در این بخش به ذکر اصولی می‌پردازیم که اگر کشورهای پذیرنده متحداً به قبول این کنوانسیون بپردازند لازم الاجرا از طرف متعاهدین می‌باشند. این اصول از قرار ذیل است:

۳۰- اساس این کنوانسیون بر مبنای برخورد تجاری بدون مانع و یکسان متقابل برای همه متعاهدین است.

۳۱- پذیرش قواعد گات و سازمان تجارت جهانی به عنوان یک حرکت قابل توجه و پر اهمیت در عرصه بین‌المللی و در طول عمر بشر بوده و باید ضمن حفظ و استفاده از دستاوردهای آن، این کنوانسیون را در همسایگی سازمان تجارت جهانی تأسیس نمود تا آنجا که سازمان تجارت جهانی در عمل به کنوانسیون نزدیک و هردو یکی شوند. زیرا غایت اهداف سازمان تجارت جهانی در نهایت به اصول مفاد این کنوانسیون خواهد رسید.

۳۲- لازم است تا کلیه کشورها موانع غیرتعرفه‌ای خود را از میان بردارند. موانع غیرتعرفه‌ای آنقدر زیاد است که شمارش آنها در این مقال هنوز احصاء تمامی موارد را نمی‌کند و هر کشور با هر

سلیقه‌ای معمولاً موانعی خلق نموده و می‌نماید که همگی آنها مانع تجارت آزاد می‌باشند.<sup>۲۲۵</sup>

۳۳- حذف تعرفه‌ها را می‌توان بر طبق یک توافق بین‌المللی و پذیرفتن یک کنوانسیون اعمال نمود. بدین شکل که همه کشورهای متعاقد و عضو کنوانسیون پذیرند در مقطع زمانی خاصی تمام تعرفه‌های خود را برای دیگر متعاهدین تبدیل به تعرفه صفر نمایند و از سوی دیگر کلیه موانع غیرتعرفه‌ای خود را منطبق با تعاریف و رویه‌های سازمان تجارت جهانی برای متعاهدین در این کنوانسیون از میان برداشته یا به حد قابل قبول تقلیل دهند. حذف تعرفه‌ها بایست بر تجمیع حقوق و عوارض گمرکی و بازرگانی و سایر مالیاتهای مرتبط اعمال گردد.<sup>۲۲۶</sup>

۳۴- محدودیت‌های کمی واردات از جمله موانع بر سر راه تجارت است که لازم است همه دولت‌های متعاقد در کنوانسیون پیشنهادی آن را حذف نمایند. مقررات محدودیت‌های مقداری و استثنائات<sup>۲۲۷</sup> آن بایست تدوین گردد.

۳۵- اصل تجارت عادلانه یا منصفانه<sup>۲۲۸</sup> برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل کننده تجارت همچون یارانه‌های غیرمجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. این اصل باید با توجه به مفاد این کنوانسیون بازنویسی شود.

۳۶- بطور کلی مالیات‌های داخلی کشورها بر فروش کالاهای وارداتی نوعی اصابت مالیاتی شبیه به تعرفه دارد لذا باید سیستم‌های مالیاتی کشورهای عضو این کنوانسیون به گونه‌ای اصلاح شوند تا اعمال مالیات بر کالاهای وارداتی اثر تعرفه نیابد. براین اساس باید ضمن یکسان سازی نرخ‌های مالیاتی در کشورهای عضو، مالیات بر سود ناشی از فروش کالا بصورت مالیات بر ارزش افزوده اخذ گردد و اگر بر فروش یک کالا یا خدمتی در یک کشور مالیات اخذ شد

---

<sup>۲۲۵</sup> طبق اصل آزادسازی تجارت ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ هیچ یک از اعضاء حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند.

Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards: contingencies, etc, WTO, Switzerland. <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm>

<sup>۲۲۶</sup> - Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90.

هر کشور که عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را بتدریج کاهش دهند.

<sup>۲۲۷</sup> اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره از اصول مد نظر موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

<sup>۲۲۸</sup> این اصل از اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی می‌باشد.



برای اخذ مالیات در کشور بعدی ارزش افزوده جدید مبنای محاسبه مالیات قرار گیرد.

۳۷- همینطور لازم است تا مالیات بر درآمد نیروی کار طبق توافقی بین‌المللی یکسان گردد. این موضوع مانع از ایجاد مزیت‌های نسبی تصنعی می‌گردد.

۳۸- با توجه به ملاحظات فوق می‌توان پیشنهاد مالیات عشر بر ارزش افزوده را در دستور کار این کنوانسیون قرار داد. مالیات عشر<sup>۲۲۹</sup> بر ارزش افزوده به معنی اخذ ده درصد درآمد خالص (ارزش افزوده) حاصله در هر فعالیت اقتصادی و در جریان همه معاملات و دریافت و پرداخت‌ها می‌باشد.

۳۹- مفاد بسیاری از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی پس از اصلاح آنان با توجه به غایت مدّ نظر موافقتنامه‌های مزبور در جهت تسهیل تجاری قابل درج در مواد این کنوانسیون می‌باشد.

۴۰- لازم است تا مقررات جامع نوینی در ارتباط با انواع کیدهای تجاری تدوین گردد. این مقررات بایست انواع کیدهای تجاری ظاهرالصلاح نظیر دامپینگ، ضد دامپینگ،<sup>۲۳۰</sup> بایکوت و امبارگو را در برگیرد و دول متعاقد خود را ملزم به رعایت آن گردانند.

۴۱- دولت‌ها نباید از وجه تهدید برای حق حاکمیت خود بهانه‌هایی در محدودیت تجارت ایجاد نمایند. هرچند اصول اعتقادی و فرهنگی ملل باید مورد احترام باشد. مقررات لازم در این

<sup>۲۲۹</sup> یکی از نرخهای مهم در مبحث مالیات‌ها در طول عمر بشر عُشر است. عشریه مترادف با واژه «ما-عشر» (Ma-Asher) و با واژه آسوری «عیش-رو-یو» (Ish-Ru-U) خراجی جنسی بر مبنای یک دهم بوده است و نیز مالیاتی اجباری منسوب به حضرت موسی ع در بوده است. در تفسیر مجموع قوانین همورابی متعلق به ۱۷۸۰ سال پیش از میلاد مسیح، مزد دستگیری برده فراری را عشر ارزش متوسط آن احتساب می‌کند و عشریه را میزان حق الاجاره زمین برای خدا می‌داند. در قانون مانو نوشته شده ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به پرداخت عشریه بعنوان مالیات پرداختی به پادشاه اشاره شده است. در انتخابات کنفسیوس در ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح از عشریه به عنوان مالیات رایج ذکر می‌شود. در تاریخ هروودت که حدود ۴۳۰ سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده و در کتب آریستوفن در ۴۲۴ و ۴۲۲ سال قبل از میلاد به عشریه اشاره می‌شود و در قانون اساسی آتن نوشته ارسطو در ۳۲۸ سال پیش از میلاد مسیح آمده است که پیزیستراتوس عشریه را بر تمام محصولات کشاورزی وضع نمود. لفظ معشار به همین معنی در قرآن کریم آمده است در متون انگلیسی از واژه‌های one-tenth و tithe برای عشریه استفاده می‌شود.

برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن. عشریه در مالیه اسلام، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳، تهران. <http://www.bidabad.ir/doc/malyat-oshr.pdf>

<sup>۲۳۰</sup> ماده ۶ موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می‌نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه‌های محدود کننده را بشکنند.

ارتباط باید تدوین گردد.

۴۲- مقررات رفع محدودیت از جابجائی عوامل تولید، تکنولوژی و محصولات مدون گردد. در این ارتباط مسائل مهاجرت و محدودیت‌های آن باید به نحوی با توافق اعضاء مرتفع و مقرراتی برای آن تدوین گردد. همانطور که کشورهای درحال توسعه مرزهای خود را در قبال کالاها و خدمات کشورهای توسعه یافته باز می‌نمایند در عوض کشورهای توسعه یافته نیز ورود کارگران را به کشورهای خود ممنوع نمی‌نمایند. این موضوع ترکیب کار و سرمایه را در کشورهای توسعه یافته اصلاح می‌کند. باید برای رفع مسائل حاشیه‌ای ایجاد شده راه حل مناسب تدوین نمود. مقررات اشتغال بر مبنای آزادی جابجایی نیروی کار و حفظ حقوق کارگران در صحنه بین‌المللی تدوین گردد.

۴۳- مقررات لازم برای ایجاد شرایط رقابت کامل در بازارهای عوامل تولید و کالاها و خدمات تدوین گردد.

۴۴- مقررات حذف عوارض بر هزینه حمل و نقل و ارتباطات تدوین شود.

۴۵- مقررات دسترسی آزاد به بازارهای کشورهای متعاقد تدوین شود.

۴۶- اصل دول کامله الوداد<sup>۲۳۱</sup> (رفتار برابر با یکدیگر) در موافقتنامه گات به معنی اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست گرچه بسیار پسندیده است ولی هنوز اثر کافی ندارد. این اصل باید در ارتباط با مفاد این کنوانسیون مورد توجه قرار گیرد.

۴۷- شرط رفتار ملی<sup>۲۳۲</sup> بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه‌کننده کالای خارجی با کالا و عرضه‌کننده کالای داخلی صورت نگیرد.

۴۸- قراردادهای چندجانبه هر چند تجارت چند طرف تجاری خاص را تسهیل می‌نماید ولی فضای تجارت بین‌الملل را پیچیده می‌نماید که خود سبب ناکارائی و افزایش هزینه تجارت می‌شود. مقررات مختلف بایست محسنات این نوع قراردادها را برای همه متعاهدین در نظر و معمول دارد.

۴۹- تنظیم روابط تجاری باید بر اساس رقابت سالم شکل بگیرد. در مقابل رقابت ناقص، انحصار و

<sup>231</sup> Most Favoured Nations

<sup>232</sup> در هر دو موافقتنامه گات و موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی این اصل تصریح دارد.

رقابت ناسالم باید حذف و یا محدود شود. حیطه این رقابت بایست طبق مقررات تفصیلی مشخص شود.

۵۰- دولت‌ها به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، ضمن انجام اقداماتی نظیر اعطاء مشوق‌های مالی، تخفیفات و بخشودگی‌های مالیاتی، تامین خدمات ترجیحی و غیره، مجموعه‌ای از الزامات و شرایط را در جهت ترغیب این نوع سرمایه‌گذاری مقرر می‌دارند. این الزامات در برگیرنده ضوابطی نظیر ضابطه محتوی داخلی، ضابطه الزام ساخت، ضابطه عملکرد صادرات، انتقال تکنولوژی و غیره است که مجموعاً شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان را تشکیل می‌دهند. چنانچه این اقدامات سرمایه‌گذاری به تجارت کالاها مربوط شوند، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نامیده می‌شوند.<sup>۲۳۳</sup> لازم است مقررات سرمایه‌گذاری بین‌المللی با توجه به اصول این کنوانسیون بازنویسی و تدوین گردد.<sup>۲۳۴</sup>

۵۱- کشورهای پیشرفته بعثت ورود رقبای جدید به بازارهای جهانی (بوئژه کشورهای تازه صنعتی شده) و افزایش نگرانی آنها در از دست دادن تدریجی قدرت رقابتی خود در حیطه‌هایی که در آنها از مزیت نسبی برخوردارند، مالکیت معنوی را بعنوان اساس مزیت‌های نسبی جدید خود مطرح و آن را در قالب توافقات بین‌المللی قاعده‌مند ساختند. از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد، قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی<sup>۲۳۵</sup> مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل

<sup>۲۳۳</sup> موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری سازمان تجارت جهانی شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند. The world trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs, TRIMs, etc.) Keith Ferguson

<http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html>

[http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)

<sup>۲۳۴</sup> موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت سازمان تجارت جهانی برخی از جنبه‌های دسترسی آزاد سرمایه‌گذاران خارجی به تمام بخشهای داخلی کشورهای عضو به جز صنایع دفاعی و استثنائات محدود را در بر دارد.

<sup>۲۳۵</sup> موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs) یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است.

کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع (Royalty) بیشتری به خارجی‌ان پردازند، برای محصولاتی که تحت لیسانس (Loyalty) ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. حقوق مالکیت معنوی و تجارت در دارایی فکری باید با اصولی سهل‌تر و نگاهی وسیع و غیربخیلانه و با حقوقی محدود بازتعریف شود.

۵۲- مقررات عدم تبعیض و رفتارهای مبتنی بر آن<sup>۲۳۶</sup> باید بطور شفاف تدوین گردد.

۵۳- هرگونه رویه اعطای تخفیف یا امتیاز باید طبق مقررات تدوین شده و یکسان برای عموم کشورهای متعاقد باشد.

۵۴- سیستم بررسی و پایش منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری تدوین و تأسیس شود.<sup>۲۳۷</sup>

۵۵- تسهیل تجاری به معنی ساده‌سازی و هماهنگ‌سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی است. منظور از رویه‌های تجاری فعالیت‌ها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع‌آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در عرصه تجارت بین‌الملل می‌باشد. مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند.<sup>۲۳۸</sup> تسهیل تجاری شامل ایجاد نقطه تجاری در کشورها، بهبود اسناد مورد نیاز و رویه‌های گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جهت بهداشت حیوانی و نباتی و کنترل کیفیت است.<sup>۲۳۹</sup> مقررات تسهیل تجاری با توجه به مفاد این کنوانسیون نیاز به تدوین دارد.

---

<sup>۲۳۶</sup> در موافقتنامه گات و موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی (National Treatment) تقسیم می‌شود.

<sup>۲۳۷</sup> یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و در این ارتباط گزارش‌های منظمی از این بررسیها منتشر می‌کند.

<sup>۲۳۸</sup> مؤلفه‌هایی از این تعریف هم اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد که می‌تواند مبنای شکل‌گیری موافقتنامه‌ای جدید و یا گسترش دایره شمول مواد و موافقتنامه‌های فعلی باشد.

<sup>۲۳۹</sup> سازمان تجارت جهانی در جهت رفع موانع غیرتعرفه‌ای در تجارت، موارد تسهیل تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد.

- ۵۶- لازم است تا اصول تجارت در خدمات نظیر حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات، مشاوره و غیر آن براساس مقررات یکسان و با اصول پیشنهادی این کنوانسیون تدوین گردد.
- ۵۷- توافقات میان چند طرف<sup>۲۴۰</sup> در همه زمینه‌ها را می‌توان طبق مقررات تدوینی به توافقات همگانی و یکسان برای همه تبدیل نمود.
- ۵۸- مقررات شفافیت خریدهای دولتی<sup>۲۴۱</sup> و غیردولتی بدون هرگونه تبعیض و تمایز و با شفافیت کامل برای خریدار و فروشنده و براساس مناقصه‌های بین‌المللی تدوین گردد. رویه‌های مناقصه باید باز باشد و به تمامی متقاضیان فرصت ورود به این تجارت را بدهد و امکان چالش برای بازرندگان مناقصه را نیز فراهم نماید. قوانین و رویه‌های خرید دولتی باید در اختیار همگان باشد.
- ۵۹- جریانات مالی باید مطابق با جریانات کالاها و خدمات سهولت اتفاق بیافتد. بر این اساس آزادی انتقالات مالی و سایر ضوابط مکمل<sup>۲۴۲</sup> باید براساس همین هدف و نه جریانات آسیب‌رسان نقل و انتقالات مالی تدوین شوند. بسیاری از جابجایی‌های سرمایه در جهان امروز با مقاصد انتفاعی آسیب‌رسان و یا فشارهای سیاسی- اقتصادی صورت می‌پذیرد که باید در مقررات مرتبط، احصاء و راهکارهای ایمن‌سازی از پیش تدوین گردد.
- ۶۰- لازم است تا برای تسهیل و ساده‌سازی امر تجارت رویه‌های صدور و مجوز واردات در همه کشورها براساس مقررات بین‌المللی مدون یکسان گردد. تدوین مقررات تجاری و حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات از جمله موارد قابل توجه در این مقررات است.
- ۶۱- لازم است تا مقررات لازم برای اطمینان از سلامت مواد غذایی وارداتی تدوین گردد تا بتوان مطمئن بود که محدود کردن واردات به بهانه سلامتی مواد غذایی و گیاهی به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی وضع نشده است.<sup>۲۴۳</sup>

<sup>240</sup> Plurilateral Agreements

<sup>۲۴۱</sup> موافقتنامه خرید دولتی یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) می‌باشد که بر خلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) سازمان تجارت جهانی، عضویت در آن برای اعضای این سازمان اختیاری است.

<sup>۲۴۲</sup> در موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت سازمان تجارت جهانی به برخی از این وجوه اشاره شده است.

<sup>۲۴۳</sup> موافقتنامه بهداشت مواد غذایی، حیوانات، گیاهان و استانداردها (Sanitary and Phytosanitary (SPA, SPS Agreement) به کشورها اجازه می‌دهد که استانداردهای خود را وضع نمایند.

۶۲- ایجاد شرایط لازم برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات لازم و ضروری است ولی متعاهدین نباید اقدامات مزبور را وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا قرار دهند و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد کنند. مجموعه‌ای از قواعد و اصولی باید تدوین گردند که به اعضا اطمینان دهد که اقدامات تجاری بهداشتی اتخاذ شده موجه بوده و در برگیرنده موانع غیرموجه برای تجارت بین‌المللی نیست.<sup>۲۴۴</sup>

۶۳- مقررات لازم برای شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری<sup>۲۴۵</sup> باید با توجه به مفاد این کنوانسیون تدوین گردد.

۶۴- مقررات کنوانسیون بایست به گونه‌ای تدوین گردد که با ملاحظه اصل قابلیت پیش‌بینی<sup>۲۴۶</sup> رفتار تجاری متعاهدین آنها را ملزم به رفتاری قابل پیش‌بینی نماید.

۶۵- تدوین مقررات مربوط به بنگاههای تجاری اعم از دولتی و غیردولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیر تبعیض آمیز و رعایت شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف نماید.

۶۶- قالب تعهدات خاص کشورها تعریف و مقررات آن تدوین گردد.

۶۷- اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند<sup>۲۴۷</sup> برای تقویت شرایط مبادله لاقبل تا حصول مراحل از توسعه یافتگی ضروری است. مقررات مربوط به این اصل می‌بایست براساس اصول این کنوانسیون بازنویسی و تدوین گردد.

۶۸- مقررات ارشادی ظرفیت‌سازی و همکاری فنی در بخش تجارت و بخش‌های مربوطه بالاخص در ارتباط با کشورهای در حال توسعه قابل طرح در مفاد این کنوانسیون می‌باشد.

۶۹- تجارت الکترونیک شامل توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات توسط ابزارهای الکترونیکی است و تجارت محصولات از طریق اینترنت مستلزم تغییراتی در قواعد تجارت کالاها و خدمات و مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی است. سازوکار و مقررات قابل

---

<sup>۲۴۴</sup> موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی سازمان تجارت جهانی بر این موضوع اذعان دارد.

<sup>۲۴۵</sup> طبق ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود.

<sup>۲۴۶</sup> اصل قابلیت پیش‌بینی همراه با اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت از اصول کلیدی گات است.

<sup>۲۴۷</sup> این اصل مد نظر سازمان تجارت جهانی بوده و برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

اتکاء و امن در تجارت الکترونیکی با توجه به استانداردهای فناوری اطلاعات و نقل و انتقال داده‌ها و سیستم‌های پشتیبان بر اساس مفاد این کنوانسیون قابل طرح است.

۷۰- مقررات مرتبط با تجارت و انتقال فن آوری با توجه به مفاد این کنوانسیون تدوین گردد.

۷۱- مقررات فنی و استانداردهای صنعتی بسیار مهم هستند اما از کشوری به کشور دیگر متفاوتند. استانداردهای متفاوت تجار و تولیدکنندگان را با مشکل مواجه می‌سازد. به علاوه چنانچه استانداردها بطور دلخواه وضع شوند می‌توانند به عنوان بهانه‌ای برای حمایت از صنایع داخلی وضع شده و مانعی برای توسعه تجارت باشند.<sup>۲۴۸</sup> بر این اساس باید تا حد امکان مقررات متحد الشکلی برای هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت، تأییدیه متقابل و مقررات ناظر بر حسن انجام کار تدوین کرد.

۷۲- حمایت‌های یارانه‌ای از صادرات باید محاسبه و در طول زمان حذف شوند و تنها حمایت‌هایی که آثار اختلالی بر تجارت یا تولید نداشته باشند از کاهش معاف هستند. سیاست‌های حمایتی خاصی از جمله قیمت‌های تضمینی خرید محصولات اساسی، حفظ و تثبیت حداقل قیمت‌ها، بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق اعطای یارانه‌های متعدد مبارزه با آفات و بیماریها، وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی بر محصولات کشاورزی و وارداتی و غیره در بخش کشاورزی از جمله موارد مهم قابل طرح در این بخش می‌باشد.<sup>۲۴۹</sup>

۷۳- مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، مشوق‌های مشارکتی صنایع، مشوق‌های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها با ملاحظه تداخل آنها با تجارت لازم است قانونمند شوند و مقررات آنها تدوین گردد.<sup>۲۵۰</sup>

۷۴- با توجه به نقش خدمات در تجارت کالا و حجم قابل توجه تجارت خدمات از کل تجارت

<sup>۲۴۸</sup> موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت (TBT) Technical Barriers to Trade Agreement ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند.

Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO Switzerland.

<http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm>

<sup>۲۴۹</sup> طبق ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) (۱۹۴۷) استفاده از یارانه‌های صادراتی محدود شده است.

<sup>۲۵۰</sup> سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چندجانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعفهای قبلی گات را برطرف می‌کند.

جهان، نیاز به یک چارچوب حقوقی منسجم درخصوص تجارت خدمات منطبق با مفاد این کنوانسیون احساس می‌شود.<sup>۲۵۱</sup>

۷۵- تدابیر زیست محیطی موثر بر تجارت شامل استفاده از روشهای تولید و فرآوری در حیطه قابل قبول مقررات زیست محیطی، الزامات بسته‌بندی، نصب برچسب زیست محیطی و مالیاتهای وضع شده برای اهداف زیست محیطی بایست در قالب مقرراتی متکی بر مصرف پایدار و تولید پایدار و توسعه پایدار تدوین گردد.<sup>۲۵۲</sup>

۷۶- ارزش‌گذاری گمرکی برای همه کشورها بر طبق مقررات یکسان صورت گیرد.<sup>۲۵۳</sup>

۷۷- نهاد و سیستم حل اختلاف بر مبنای پیشنهادات و مقررات این کنوانسیون تأسیس گردد.<sup>۲۵۴</sup>

۷۸- اصول و مقررات حمایت از بخشهایی که در کوتاه مدت با افزایش رقابت خارجی مواجهند تدوین گردد. در این ارتباط برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است.

۷۹- آزادی ترانزیت یکی از ابزارهای لازم در تجارت بین‌الملل است و هر مانعی بر سر راه آزادی ترانزیت منجر به ناکارایی در تجارت می‌شود. لازم است تا مقررات رفع موانع ترانزیت برای کشورهای متعاقد با توجه به مفاد این کنوانسیون و در جهت یکسانسازی مقررات مربوط به آن تدوین گردد.

۸۰- مقررات ملاحظات ترتیبات منطقه‌ای با توجه به مفاد این کنوانسیون تدوین گردد.

۸۱- مقررات مربوط به اقدامات حمایتی و اضطراری با توجه به مفاد این کنوانسیون تدوین

---

<sup>۲۵۱</sup> موافقتنامه تجارت خدمات (GATS)، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

<sup>۲۵۲</sup> مسائل مبتلابه محیط زیست ناشی از فعالیت‌های تجاری از مواردی بوده که هم در گات و هم در سازمان تجارت جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

<sup>۲۵۳</sup> موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شد که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید.

<sup>۲۵۴</sup> در تفاهمنامه سازمان تجارت جهانی مقرر شده در صورت شکست تلاشها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکی می‌تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید.



گردد.<sup>۲۵۵</sup> توافق در خصوص حفاظت‌ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) باید بدون اعمال سؤنیت با تنظیم استانداردهای مشخص تنظیم گردد.

۸۲- پدیده گرسنگی در سطح بین‌المللی و میزان تلفات ناشی از آن ماسوای منافع تجاری کشورها قرار دارد. در این ارتباط مقررات ممنوعیت احتکار بین‌المللی ارزاق و الزام خوراک‌رسانی به گرسنگان در ارتباط با تجارت بایست بصورتی مدون گردد که حقوق حیاتی انسان‌ها در سرتاسر سیاره زمین تأمین گردد.<sup>۲۵۶</sup>

۸۳- تشریفات گمرکی متفاوت در کشورهای مختلف موجب ناکارآمدی تجارت می‌گردد تدوین مقرراتی برای یکسان‌سازی تشریفات گمرکی در همه کشورهای متعاقد در این ارتباط ضروری می‌باشد.

۸۴- بازرسی قبل از حمل به مفهوم استفاده از شرکت‌های خصوصی و یا مؤسسات مستقل برای

<sup>۲۵۵</sup> موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد.

<sup>۲۵۶</sup> متأسفانه خوراک به عنوان کالایی مانند سایر اجناس در نظر گرفته می‌شود. انسان‌ها نیاز بیولوژیک به غذا دارند و این موضوع متفاوت از نیازهای ثانویه آنان به سایر کالاها می‌باشد. در چنین شرایطی، تعدادی از مردم، جانشان را بر اثر قحطی و عدم دسترسی به غذا از دست می‌دهند. افراد زیادی دچار سوءتغذیه و گرسنگی مزمن و بیماری‌های ناشی از آن می‌شوند؛ طول عمرشان کوتاه می‌شود و درد و رنج بیشتری می‌کشند و رشد پائین فکری و جسمانی کودکان، آینده آنان و جامعه سرزمین‌های فقیر را تهدید می‌کند. این موضوع به معنی این است که بشریت بخشی از نیرو و منابع انسانی خود را از دست می‌دهد و موجب کاهش عرضه در اقتصاد می‌گردد.

Fred Magdoff, "The World Food Crisis: Sources and Solutions", Monthly Review, May 2008.

سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی (فائو) در گزارش بررسی چشم انداز تولید مواد غذایی در سال ۲۰۵۰ برای جمعیت ۹ میلیارد نفری کره زمین سونامی گرسنگی را پیش بینی کرده است. در این گزارش آمده که برای غلبه بر بحران سال ۲۰۵۰ باید قوانین و چارچوب اقتصادی اجتماعی بر جوامع تغییر یابد تا از عدم توازن و نابرابری در توزیع محصولات کشاورزی پرهیز شود در نیمه نخست قرن ۲۱ نیاز به غذا دو برابر شده، شرایط آب و هوایی کاملاً تغییر یافته، دمای کره زمین افزایش یافته، ظرفیت تولید محصول کاهش یافته، و در عین حال تقاضای مردم برای غذا بیشتر می‌شود و چنانچه فکر اساسی برای رفع این معضل اتخاذ نشود بحران گرسنگی حتمی خواهد بود. منشور حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ گرسنه نماندن و عدم سوء تغذیه را جزء لاینفک حقوق بشر شناخته و در سال ۱۹۸۹ در کنوانسیون حقوق کودکان این اصل مورد تأیید مجدد قرار گرفت در صورتی که هنوز سازمان ملل متحد و جامعه جهانی اقدامی پایان دهنده برای این معضل جهانی ننموده است.

بازرسی جزئیات بارگیری بالاخص، قیمت، کمیت و کیفیت کالاهای سفارش داده شده است.<sup>۲۵۷</sup> قواعد و مقررات بازرسی پیش از حمل براساس تجربیات گذشته در سازمان تجارت جهانی لازم است با برخورداری از ویژگی‌های یکسان برای همه کشورها تدوین گردد.

۸۵- بطور کلی قواعد مبدأ<sup>۲۵۸</sup> نباید بعنوان ابزار مستقیم یا غیرمستقیم اهداف تجاری مورد استفاده قرار گیرند مقررات این قواعد باید به نحوی غیر تبعیض آمیز تدوین شوند.

۸۶- رویه‌های صدور مجوز ورود<sup>۲۵۹</sup> محدود کننده می‌باشند و سبب می‌شود تا ورود کالاها به دلایل حمایت از تولیدکننده یا مصرف‌کننده مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاص باشد. این رویه‌ها بایست با توجه به مفاد این کنوانسیون تنظیم گردد.

---

<sup>۲۵۷</sup> موافقتنامه بازرسی قبل از حمل (PSI) در گات تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

<sup>۲۵۸</sup> به منظور اجتناب از اینکه قوانین مبدأ مختلف کشورها خود تبدیل به مانعی فرا راه تجارت نشود و منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منطقی و بیطرفانه تهیه و اعمال شوند، در دور اروگوئه موافقتنامه قواعد مبدأ ایجاد گردید.

<sup>۲۵۹</sup> موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود (ILP) به منظور اینکه این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد بوجد آمد.



# فصل پنجم

کنوانسیون بین المللی مالیہ

عمومی



## مقدمه

همانگونه که دولت‌ها موجبات نظم و امنیت و توسعه و ثبات کشورها را فراهم می‌آورند، از سوی دیگر می‌توانند مولد بی‌نظمی، عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور باشند. از سوی دیگر ناهماهنگی قوانین کشورها در زمینه‌های مالیه عمومی موجب خسارات‌های متنوع، جابجایی سرمایه و کار و ناکارایی بازارهای کشورها است و همچنین تعامل سیاسی دولت‌ها موجب شده تا منابع زیادی صرف ایجاد تعادل و توازن قوا در سطح بین‌المللی گردد که موجب هدر رفتن منابع است.

انجام اصلاحات و حرکت دولت‌ها در جهت اصلاح این شرایط می‌تواند افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت رفاه مردم در همه کشورها را به همراه آورد. بر این اساس با الهام از آموزه‌های عرفان و تصوف اسلامی و توجه به حکمت شرایع مواردی جهت پایه‌ریزی اصول کلی یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه مالیه عمومی ارائه می‌شود تا براساس آنها بتوان قدمی در انضباط عملکردی دولت‌ها در صحنه بین‌المللی برداشت. مسلماً مخالفت دولت‌ها با استدلال تحدید حاکمیت ملی آنان مانع اساسی در این راه است. لذا در مرحله اول می‌توان این اصول را در چارچوب توصیه‌های ارشادی مطرح و به مرور عمل به مفاد آن را پیش‌نیاز توسعه روابط بیشتر بین دول قرار داد.

اصول مطروحه مباحث مختلف مالیه عمومی و مسائل مرتبط با آن نظیر مالیات و هزینه دولت، برنامه و بودجه، ساختار و تشکیلات دولت را مد نظر قرار می‌دهد که لازم است در ارتباط با هر کدام از آنها دستورالعملی تدوین نمود تا علیرغم قابلیت حصول اهداف مورد نظر بیشترین پذیرش را در بین کشورهای متعاقد داشته باشد.

در طول زمان نقش مدیریت اقتصادی جامعه و حفظ شرایط اجتماعی و ارزشهای انسانی و فرهنگی پررنگ‌تر گردید و نتیجتاً وظایف دولت‌ها افزایش و بار مالی این مدیریت نیز افزون گشت. تقابل بیشتر دولت‌ها با یکدیگر هزینه‌های اجتماعی مردم متبوع را افزون می‌نماید و نهایتاً تعادل جدید با هزینه تمام شده بالاتری برای افراد و بنگاه‌های کشورها خواهد بود. می‌توان به تعادل جدیدی بین کشورها با هزینه کمتر رسید که هم به نفع ملت‌ها و هم به نفع دولت‌های مختلف جهان باشد. بر این

اساس پیشنهاد می‌شود که طبق توافقی همه‌پذیر، همه کشورها با پذیرش اصول مندرج در این پیشنهادیه به تعادل جدید و کم‌هزینه‌تر و کارآء دست یابند. پیمان‌های منطقه‌ای در ایجاد وحدت رویه در میان کشورهای عضو نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در این ارتباط، ایجاد وحدت رویه نظام‌های مالیاتی در مناسبات اقتصادی کشورهای عضو، تعدیل و یکنواختی فشار مالیات بر افراد و بنگاه‌ها و ایجاد زمینه‌های یکسان رقابت در کشورهای عضو از جمله موارد پراهمیت در این مبحث است.<sup>۲۶۰</sup>

اصول پیشنهادی می‌تواند در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی مطرح گردد تا کشورها اختیارات نسبت به پذیرش آن اقدام و اعضاء پذیرنده مفاد آن را پذیرفته و در قبال دیگر اعضاء اعمال نمایند.

## مداخله دولت در امور اقتصادی افراد

از نظر اقتصادی بدون وجود امنیت، فعالیتهای اقتصادی دچار اختلال می‌شوند و از آنجا که این تلاش برای خلق ثروت است، بدون وجود ضمانت لازم برای حفظ ثروت به ثمره مورد نظر نمی‌رسد. لذا مرجعی برای تسجیل مالکیت و احقاق حق ضروری می‌شود. از سوی دیگر در ارتباط با جامعه مسؤولیت تأمین کالاهای عمومی و منابع ملی و همچنین دفاع از حقوق عمومی و سرمایه گذارهای دیربازده که افراد مایل به سرمایه‌گذاری در آنها نیستند، آموزش و بهداشت عمومی، مدیریت و اداره منافع سیاسی و دیپلماتیک خارجی و طیف گسترده‌ای از وظایف باید به دوش مرجعی بنام دولت باشد تا چرخه روابط اجتماعی افراد برقرار گردد.

تعیین مرز دخالت دولت در امور افراد یکی از بحث‌انگیزترین مباحث قانونگذاری در همه کشورهاست. مداخله دولت در مسائل اقتصادی منجر به جهت دادن و تخصیص منابع در همه سطوح اقتصاد شده و توزیع درآمد و هنجارهای رفتاری جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در

<sup>۲۶۰</sup> این موضوع در پیمان‌های متعددی نظیر اتحادیه اروپا، اتحادیه منطقه‌ای آمریکای لاتین (Latin American Integration Association, LAIA) منجر به پذیرش مالیات بر ارزش افزوده در سطح کشورهای عضو شده است. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariff and Trade, GATT) نیز در این ارتباط انطباق بسیاری با مفاهیم مالیات بر ارزش افزوده دارد.

نظام‌های مختلف حقوقی، دولت با ویژگی‌های متنوعی تعریف می‌شود و تعیین وظایف دولت‌ها بدون توجه به ایدئولوژی و فلسفه سیاسی تشکیل هر دولت امکان‌پذیر نیست. در واقع ارزشهای مورد قبول جامعه و جهان‌بینی سیاسی جامعه است که وظایف دولت‌ها را مشخص می‌کند. اقداماتی که برای دولت‌ها متصور است از جمله موارد زیر می‌باشد:

- ۱- وظایف تشریحی و تقنینی
- ۲- وظایف قضایی و تنبیهی و تأدیبی
- ۳- وظایف تأمینی و حمایتی
- ۴- وظایف نظامی و دفاعی
- ۵- وظایف مالی و اقتصادی
- ۶- وظایف مدیریتی و اجرایی
- ۷- وظایف آموزشی و تربیتی
- ۸- وظایف خدماتی و توسعه‌ای

مالیه عمومی مهم‌ترین حیطه مداخلات اقتصادی دولت‌هاست. اگر تعامل افراد صرفاً متکی بر نظام قیمت‌ها باشد اقتصاد خود تصمیم می‌گیرد که چه کالایی و به چه مقدار و برای چه کسانی تولید، عرضه و نهایتاً مصرف شود. ولی وقتی دولت در تعاملات اقتصادی افراد وارد می‌شود در فرآیندی سیاسی - اداری، تصمیم می‌گیرد تا در چه زمینه‌هایی دخالت کند و چه مخارجی را متحمل شود و برای تأمین این مخارج چگونه منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین نماید. تعیین قلمرو فعالیت دولت، به اعتقادات و فلسفه سیاسی جامعه و حکومت برمی‌گردد و به دلیل آثار متفاوت رفتار افراد و دولت بر اقتصاد و وجوه مختلف اجتماع، تلفیقی از آن دو همواره در همه جوامع مشاهده می‌شود.

در اصل نیاز جامعه به دفاع در برابر تجاوز بیگانگان، حمایت از آحاد جامعه در برابر یکدیگر، تنظیم و حفظ حقوق مالکیت، اعمال مفاد قراردادها، زیربنای اقتصاد، خدمات عمومی، ایجاد فضای اعتماد متقابل برای افراد جامعه و حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی مرز فعالیت دولت‌ها را بارز می‌گرداند.

مالیه عمومی با توجه به مرز فعالیت دولت حدود درآمدها و مخارج دولت را با توجه به ترکیب



آنها از طریق بودجه‌ریزی مدّ نظر قرار می‌دهد. اصول مالیات و هزینه و نحوه مدیریت آن دو و اداره سازمان اجرائی آن عملاً تا به ریزترین مسائل و واحدهای دولتی تعمیم و تسری می‌یابد.

در این ارتباط ضمن توجه به رسیدن به اهداف اقتصادی دولت، و با توجه به وظایف مطرح برای دولتها<sup>۲۶۱</sup> نظیر تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثروت، تثبیت اقتصادی، تدارک خدمات اساسی، تشویق‌ها و کنترل بخشهای خاص اقتصاد، اعمال سیاست اجتماعی در برابر خدمات اجتماعی و تشویق توسعه، رشد و رفاه اقتصادی، توازن در ترازپرداخت‌ها و عدالت اقتصادی و اجتماعی هدف‌های اعمال سیاست‌های مالی دولت می‌توانند باشند. لذا مباحثی چون درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی، هزینه‌های عمومی و کسری بودجه و نحوه تأمین آن از طریق بودجه ریزی دولتی و اعمال سیاست‌گذاری مالی در صدر مباحث مالیه عمومی قرار می‌گیرند.

## مالیات بر ارزش افزوده

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورها در صدد اصلاح ساختار مالیاتی خود برآمدند و در این میان مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک روش جدید مطرح و به لحاظ ویژگی‌های منعی آن مورد توجه قرار گرفت. تحول در ساختار مالیاتی در جهت تطبیق و هماهنگ نمودن نظام مالیاتی با توسعه و رشد اقتصادی، اجتناب از مسائل و مشکلات اجرایی در تعدد مالیات‌ها و نرخ‌های مالیاتی و مالیات مضاعف در سیستم‌های مالیاتی سنتی، تداوم وصول درآمدهای مالیاتی و تثبات درآمدی دولت، تطابق بیشتر نظام مالیات بر ارزش افزوده با فرآیندهای محاسباتی مکانیزه یکپارچه، ایجاد سیستم مالیاتی متناسب با پیمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌های اقتصادی و بسیاری از موارد دیگر موجب ترغیب استفاده از این نظام مالیاتی در کشورهای مختلف بوده است.

مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌سازد. به عبارت دیگر، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر قیمت فروش است که در اصل بار مالیاتی آن بر دوش مصرف‌کنندگان نهایی بوده و این مالیات بر اساس درصدی از ارزش افزوده در هر مرحله‌ای از تولید اخذ می‌شود.

<sup>261</sup> Richard Abel Musgrave, Peggy B. Musgrave, (1976), Public Finance in Theory and Practice, McGraw-Hill.

ارزش افزوده در یک بنگاه برابر تفاوت بین فروش بنگاه و هزینه‌های خرید کالاها و خدمات خریداری شده از بنگاه‌های دیگر است. به عبارت دیگر، ارزش افزوده ارزشی است که تولیدکننده قبل از این که کالا یا خدمت جدید تولید شده را به فروش برساند به موادخام و عوامل تولید دیگری که خریده است (غیر از نیروی کار) اضافه می‌کند. از دیدگاه دیگر حاصل جمع ارزش افزوده تمام بنگاه‌های اقتصادی در واقع همان تولید ملی است. زیرا کل معاملات منهای معاملات واسطه‌ای (خرید بنگاه‌ها از بنگاه‌های دیگر) برابر با مجموع دستمزد، نرخ بهره، اجاره و سایر پرداخت‌ها به عوامل تولید در سطح ملی بوده و مساوی تولید ملی است. لذا، مالیات بر ارزش افزوده برابر مالیات بر تولید ملی است و پایه مالیاتی برابر کل درآمد حاصل از فروش منهای هزینه خرید عوامل تولید (ورودی‌ها) از سایر بنگاه‌هاست.

اعمال مالیات بر ارزش افزوده نیازمند فهرست کردن کل صورت حساب‌ها در بنگاه است. زیرا هر بنگاه برای دریافت اعتبار مالیاتی باید قادر باشد که شرح مالیات پرداخت شده توسط فروشنده قبلی را ارائه دهد. این نیاز خریدار را تشویق می‌کند که به فروشنده قبلی برای پرداخت مالیات فشار آورد.

ارزش افزوده برابر با ارزش کالای تولید شده یا خدمات (خروجی‌ها) منهای حاصل جمع ارزش عوامل تولید (یا ورودی‌ها مثل مواد خام، انرژی، وسائط نقلیه و...) بکار برده شده در هر مرحله از تولید است. بنابراین، ارزش افزوده می‌تواند از دو دیدگاه تجمعی<sup>۲۶۲</sup> (یعنی حاصل جمع دستمزد، بهره، اجاره و سود) و تفریقی<sup>۲۶۳</sup> (خروجی<sup>۲۶۴</sup> منهای ورودی<sup>۲۶۵</sup>) حاصل گردد. بر اساس دیدگاه‌های تجمعی و تفریقی چهار روش مختلف برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد که هر کدام محاسن و مشکلات خاص خود را دارند.<sup>۲۶۶</sup> از دیدگاه قانونی و تکنیکی و نیز از لحاظ سادگی انجام عمل محاسبه برخی از این روش‌ها نسبت به سایر شیوه‌ها کاراتر هستند. منعکس شدن میزان مالیات در صورت حساب‌های فروش و محاسبه و اعمال آن در هر بار معامله است. از سوئی بنگاه برای کسب اعتبار مالیاتی نیازمند نگهداری کلیه صورت حساب‌ها و مدارک معاملات است،

<sup>262</sup> Additive

<sup>263</sup> Subtractive

<sup>264</sup> Output

<sup>265</sup> Input

<sup>266</sup> A.A Tait, Value Added Tax, International Practice, And. Problems, IMF, Washington Dc, 1988; P. 219.

لذا یک سیستم اطلاعاتی جامع برای حسابرسی ایجاد می‌شود و انجام عمل کنترل و حسابرسی<sup>۲۶۷</sup> را برای دستگاه مالیاتی میسر می‌سازد. همچنین مکانیزم‌های ضد فرار مالیاتی وجود دارد<sup>۲۶۸</sup> بدین معنی که اگر بنگاهی در یک مرحله از زنجیره تولید مالیات نپردازد، بدهی مالیاتی این بنگاه در مرحله بعدی تولید باید پرداخت شود و به فروشنده مرحله بعد منتقل می‌شود. بنابراین، هر خریدار کالایی را می‌خرد که مالیاتش قبلاً پرداخت شده باشد تا بتواند اعتباری از بابت کاهش مالیات کسب کند.

وسعت دامنه و پایه مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده، توزیع درآمد و کارایی بیشتر اقتصادی، نرخ مالیاتی کمتر و کارتر منجر به انگیزه تولید بیشتر و جلوگیری از فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، کاهش فرصت‌های فرار مالیاتی شرایط سهلتری را برای مردم و دولت ایجاد می‌کند. از سوی دیگر مالیات‌های سنتی بر درآمد و فروش با مقاومت مردم روبه رو می‌شود و در مقابل، پایه وسیع و نرخ نسبتاً کمتر مالیات بر ارزش افزوده واکنش کمتر مردم را برمی‌انگیزد و قابلیت فهم آن نیز برای عموم آسان‌تر است.

مالیات بر ارزش افزوده نه تنها درآمد دولت را افزایش می‌دهد، بلکه به آن ثبات می‌بخشد زیرا چون مصرف بخش با ثباتی از تولید ناخالص داخلی است و کمتر دچار نوسان می‌شود، لذا اعمال مالیات بر ارزش افزوده نوعی درآمد ثابت را برای دولت تأمین می‌کند. از سوی دیگر مالیات بر ارزش افزوده بر پایه جاری اعمال می‌شود و هر تغییر در نرخ آن فوراً به افزایش یا کاهش درآمد می‌انجامد، لذا ابزار مالیاتی قابل انعطافی است که دولت می‌تواند هنگام اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصادی به خوبی از آن استفاده کند.

## رفع نارسایی سایر مالیات‌ها

برخی از ناکارایی‌های سایر سیستم‌های مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده صادق نیست، لذا در دهه‌های اخیر امکان جانشینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر فروش، مالیات غیرمستقیم، مالیات بر سود شرکت‌ها، مالیات بر حقوق و ... مد نظر قرار گرفته است. مالیات بر ارزش افزوده به

<sup>267</sup> Audit Trial

<sup>268</sup> برای اطلاع بیشتر در مورد جزئیات رجوع شود به:

R. W. Lindholm, The Value Added Tax, A Short Review of the Literature, *Journal of Economic Literature*, December 1970

عنوان جانشین خوبی برای مالیات بر فروش<sup>۲۶۹</sup> است. در مالیات فروش چند مرحله‌ای امکان ادغام عمودی بنگاه‌ها و ایجاد تراست و کارتل به منظور اجتناب از پرداخت مالیات خرید و فروش کالاهای واسطه‌ای وجود دارد.<sup>۲۷۰</sup> گسترش ادغام عمودی بنگاه‌ها از یکسو باعث افزایش قدرت انحصاری بنگاه‌ها در رابطه با تعیین و افزایش قیمت می‌شود و از سوی دیگر فرصت‌های فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات را بیشتر می‌سازد.

در مالیات بر فروش چند مرحله‌ای، به دلیل اینکه در یک نرخ مشخص درآمد بیشتری ایجاد می‌شود، لذا تغییر آن به مالیات یک مرحله‌ای امری دشوار خواهد بود. این دشواری از آنجا ناشی می‌شود که مالیات یک مرحله‌ای برای ایجاد همان مقدار درآمد به نرخ مالیاتی بالاتری نیاز دارد و افزایش نرخ مالیات از لحاظ سیاسی و اجرایی مشکلات خاص خود را دارد و از سوی دیگر امکان بروز خطاهای مالیاتی را بیشتر می‌سازد. با جایگزین شدن مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر فروش، در عین این که افزایش نرخ را منجر نمی‌شود بلکه از تمرکز و فشار مالیاتی بر یک مرحله تولید یا توزیع نیز جلوگیری می‌نماید. از طرفی اجرای مالیات بر فروش یک مرحله‌ای نیازمند تشخیص مراحل قابل اعمال مالیات و مراحل غیرقابل مالیات و نیز شناسایی نوع بنگاه‌ها است. با توجه به ضعف اجرایی کشورهای در حال توسعه، این موضوع به راحتی امکان پذیر نیست. مالیات مضاعف چند مرحله‌ای به هنگام انتقال محصول از یک سطح تولید و توزیع به سطح دیگر (مثلاً از سطح تولیدکننده به سطح عمده فروش و از سطح عمده فروش به سطح خرده فروش) بروز می‌کند. بدین ترتیب در هر مرحله، مالیاتی بر کالا اعمال می‌شود و به عبارتی، مالیات بر مالیات اعمال می‌شود. این چندباره مالیات گیری، که به مالیات مضاعف چند مرحله‌ای موسوم است در سیستم مالیاتی بر ارزش افزوده منتفی می‌گردد.<sup>۲۷۱</sup> در مالیات بر فروش یک مرحله‌ای، به دلیل محدود بودن پایه مالیاتی برای حصول درآمد مالیاتی یکسان باید نرخ مالیات افزایش یابد و افزایش نرخ فرار مالیاتی را گسترش می‌دهد. در سیستم مالیات بر ارزش افزوده مالیات پرداخت شده توسط یک بنگاه، به خریدارن کالای آن بنگاه اعلام می‌شود، زیرا بنگاه خریدار مایل به کسب اعتبار مالیاتی و

<sup>269</sup> Sales Tax

<sup>۲۷۰</sup> مالیات بر کل فروش (Turn Over Tax) نیز ادغام عمودی را تشویق و به نفع بنگاه‌های بزرگ عمل می‌کند. همچنین تبعیضی به زیان واحدهای کوچک تولیدی ایجاد می‌کند. در این مالیات امکان اعمال مالیات مضاعف چند مرحله‌ای و بروز اثرات اقتصادی معکوس (Adverse economic effect) نیز وجود دارد.

<sup>271</sup> A.A. Tait, Ibid, PP. 9-17

بستانکار کردن آن مقدار، از کل بدهی مالیاتی خود است. لذا اگر بنگاهی مالیات مربوط به خود را نپردازد، این مالیات در زنجیره تولید و توزیع به خریدار بعدی منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، عدم پرداخت مالیات توسط فروشنده، پای خریدار کالای او منظور می‌شود، لذا چون منفعت یک طرف زیان طرف دیگر را موجب می‌شود و بنگاه‌ها نیز از احتمال بروز این خسارت آگاهی دارند، به همین دلیل خریدار تمایلی به خرید کالایی که مالیات آن پرداخت نشده است، را ندارد. لذا سیستم به صورت خودکار کنترل متقابلی در مقابل فرار مالیاتی ایجاد می‌کند. لذا مالیات بر ارزش افزوده از تمرکز فشار مالیاتی مالیات بر فروش بر یک مرحله تولید و همچنین افزایش نرخ مالیات برای حصول درآمد یکسان جلوگیری می‌کند.

مالیات بر ارزش افزوده جانشین خوبی برای مالیات بر خرده فروشی است. برخی کشورها به منظور مقابله با پیچیدگی‌های اجرایی مالیات بر خرده فروشی را انتخاب کرده‌اند. اما نقاط ضعف مالیات بر خرده فروشی موجب شده که بتدریج به سمت مالیات بر ارزش افزوده حرکت کنند. این مشکلات ناشی از این است که مالیات یک مرحله‌ای خرده فروشی<sup>۲۷۲</sup> در نرخ‌های پایینتر کارا است، ولی با افزایش نرخ مالیات مشکلات اجرایی و جمع‌آوری مالیات به دلیل ایجاد انگیزه فرار مالیاتی فزونی می‌یابد.<sup>۲۷۳</sup> از طرفی در مالیات بر خرده فروشی به علت پایه کوچکتر مالیات، برای حصول درآمد یکسان نسبت به مالیات بر ارزش افزوده، باید نرخ مالیات افزایش یابد. با افزایش نرخ مالیات فشار بیشتری به ضعیف‌ترین قشر توزیع یعنی خرده فروش وارد می‌شود. در مالیات بر خرده فروشی انجام عمل ممیزی و فاکتور کردن (بخصوص در مورد خدمات) نسبت به مالیات بر ارزش افزوده، ضعیفتر است. از سوی دیگر مالیات بر خرده فروشی نیازمند تفکیک ورودی‌ها و خروجی‌های بنگاه‌ها است، و این تفکیک از لحاظ اجرایی مشکل‌زا است. در مالیات بر خرده فروشی تفکیک و تشخیص دقیق کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی میسر نیست و اعمال مالیات بر کالاهای سرمایه‌ای می‌تواند موجب کاهش سرعت رشد اقتصادی شود. در حالی که در مالیات بر ارزش افزوده حذف کالاهای سرمایه‌ای از پرداخت مالیات راحت‌تر و کارا تر است. در مالیات بر ارزش افزوده به علت اینکه پرداخت کننده مالیات برای کسب اعتبار مالیاتی باید صورتحساب‌های خود را کامل نگه دارد، بنابر این، قسمتی از کار اجرایی مالیاتی به پرداخت کننده محول می‌شود، در حالی که این

<sup>272</sup> Single Point Retail Tax

<sup>273</sup> A. A. Tait, Ibid, P.18.

مزیت در مالیات بر خرده فروشی نیست. بروز مالیات مضاعف چند مرحله‌ای در مالیات بر خرده فروشی امری معمول است، درحالی که در روش اعتبار مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده به دلیل نیاز به جداسازی مالیات از قیمت فروش در هر مرحله، امکان وقوع مالیات مضاعف چند مرحله‌ای کم خواهد شد. سیستم خودکار کنترل متقابل موجود در مالیات بر ارزش افزوده مزیت دیگری است که در مالیات بر خرده فروشی نیست. لذا مالیات بر ارزش افزوده که به سطح خرده فروشی تعمیم داده شود می‌تواند تمامی مزیت‌های مالیات بر خرده فروشی را ایجاد کند و از بزرگترین نقص آن یعنی فشار مالیات بر یک مرحله تولید یا توزیع نیز جلوگیری به عمل آورد.

مالیات بر ارزش افزوده جانشین خوبی برای مالیات کالاهای داخلی صنوف<sup>274</sup> است. مالیات غیرمستقیم (مالیات کالاهای داخلی)<sup>275</sup> همواره درصد مهمی از بودجه دولت‌ها را تأمین کرده است.<sup>276</sup> ولی سیستم مالیات غیرمستقیم مشکلات موجود خود را دارد. زیرا به دلیل نرخ‌های متفاوت و خاص و شمول اقلام زیاد و مالیات بر قیمت فروش آن را پیچیده کرده است. این مالیات ذاتاً به دلیل چند مرحله‌ای بودن، خصلت تجمعی را دارا است و به طور معمول مسئله بروز مالیات مضاعف چند مرحله‌ای در آن وجود دارد. حوزه مشمول مالیات غیرمستقیم عموماً محدود است و در برخی موارد نیز از منظر پرداخت مالیات سریعاً به حد اشباع می‌رسد و علاوه بر این، کشش این مالیات نسبت به درآمد ملی بسیار پایین است. این مالیات به دلیل نرخ‌های بالا و نیز شمول آن به تعداد زیاد بنگاه‌های کوچک انگیزه فرار مالیاتی را گسترش می‌دهد. هزینه اجرایی و کنترل کالاها و حسابداری و نگهداری آمار نرخ‌های چندگانه و تعدد بخشودگی‌ها و معافیت‌ها در این نوع مالیات زیاد است. لذا در صورت جایگزینی آن با مالیات بر ارزش افزوده، ضمن کاهش پیچیدگی سیستم مالیاتی غیرمستقیم و اجتناب از اثرات نامناسب مالیات مضاعف چند مرحله‌ای و کاهش مسائل اجرایی در نتیجه حذف نیاز برای کنترل فیزیکی کالاهایی که نیازمند حقوق مالیاتی خاصی هستند کشش قیمتی مالیات بطور نسبی نیز افزایش می‌یابد و کارایی سیستم مالیاتی افزایش می‌یابد.

مالیات بر ارزش افزوده همچنین جانشین مناسبی برای مالیات بر شرکت‌ها است. معافیت‌ها و امتیازات گوناگون و همچنین تعدد نرخ‌های مالیاتی برای فعالیت‌های متنوع شرکت‌ها پیچیدگی‌های

<sup>274</sup> Union Excise Tax

<sup>275</sup> Excise Tax

<sup>276</sup> K.N. Subrahmanya; B.S.Sreekan taradhya (eds.) taxation and centre. State financial relations, chapter 13, P.111.

زیادی را در سیستم مالیات بر شرکت‌ها ایجاد نموده است. جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث افزایش رقابت بین صنایع و گسترش و تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی و بهبود تراز تجاری کشور می‌گردد.<sup>۲۷۷</sup> عدم رضایت از مالیات غیرمستقیم عملاً سبب شده تا بسیاری از کشورها مالیات بر ارزش افزوده را جایگزین مالیات‌های مستقیم خود کنند. اهم دلایل همانند موارد مذکور در فوق است.<sup>۲۷۸</sup>

## پیشنهاد اخذ مالیات عشر بر ارزش افزوده در سطح بین‌المللی

یکی از نرخهای مهم در مبحث مالیات‌های اسلامی عُشر (عشریه) است که در سایر ادیان الهی بکار برده می‌شده و به صراحت در مالیه عمومی قدیم در غالب کشورها مورد استفاده بوده است. علیرغم اهمیت زیاد عشریه متأسفانه کمتر به این بخش از مالیه اسلامی توجه می‌شود.<sup>۲۷۹</sup> بعضاً برخی هم در باب آن اظهار نظر نموده و آن را از مسائل جدید خوانده‌اند. این مبحث در مجلدات دیگر این مجموعه بطور مفصل ذکر و تشریح شد و از توضیح مجدد آن در اینجا صرف نظر می‌شود.

پایه مالیاتی عبارت از آن درآمد یا ثروتی است که مشمول محاسبه مالیات می‌گردد و نرخ مالیاتی مجموعه‌ای از ضرائب و روشهای محاسبه مالیات بر پایه مالیاتی است. طبیعتاً در هر ساختار مالیاتی به هر میزان که نرخ مالیات بیشتر باشد، انگیزه فرار مالیات مودی بیشتر می‌شود. مطمئن‌ترین راه ایجاد درآمد کافی و باثبات برای دولت، آن نوع مالیاتی است که وسیع‌ترین پایه مالیاتی را با کمترین نرخ مالیاتی داشته و از سوی دیگر عدالت مالیاتی را رعایت و از مالیات مضاعف جلوگیری کند. یکسان بودن مالیات‌ها در سطح بین‌المللی باعث جلوگیری از جابجایی ثروت و

<sup>277</sup> Richard A. Musgrave in United States, Congress, 1972, pp. 131-132. Tait 1972, pp. 103-108.

<sup>۲۷۸</sup> اکبر کمیجانی، بیژن بیدآباد، زهرا عابدی، فریبا فهیم یحیایی، محمد عیسی زاده، فریبا شیرخانی، تحلیلی بر مالیات بر ارزش افزوده و بررسی مقدماتی امکان اجرای آن در اقتصاد ایران، گزارش مرحله اول، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارائی، ۱۳۷۱. چاپ مجدد توسط معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، <http://www.bidabad.ir/doc/malyat-vat.pdf>. ۱۳۷۴

<sup>۲۷۹</sup> برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن. عشریه در مالیه اسلام، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳، تهران.

عوامل تولید کار و سرمایه بین کشورها برای انتفاع از نرخ‌های مالیاتی کمتر خواهد شد. در این راستا سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به عنوان بهترین گزینه‌ها انتخاب گردد.

در مالیات‌های اسلامی شبهه زیادی در مورد پایه مالیاتی مشاهده می‌شود برای مثال هر مالیاتی مشمول کالاها و دارائی‌های خاص می‌شود و شاید تصاویر غیرمنصفانه‌ای از مالیات‌های اسلامی را نیز در نظر ایجاد کند. برای مثال بسیاری زکات را منحصر به غلات و دام و نقود طلا و نقره می‌نمایند که به نظر نمی‌رسد که با اصل عدالت که عقل به آن حکم کند موافق باشد. به عبارت دیگر چون عقل به آن حکم نمی‌کند علی‌القاعده شرع نیز نباید حکم کند. این حکم بر اساس صغری و کبری منطقی است که چون انحصار زکات به ۹ قلم کالای مزبور باعث بخشودگی باقی صاحبان ارباب مکاسب است که می‌توانند بسیار متمول نیز باشند نتیجتاً به این تناقض اصلی برمی‌گردیم که یا قاعده «کَلِمَا حَكَمَ بِهَ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهَ الشَّرْعُ»<sup>۲۸۰</sup> صادق نباشد یا به حکمت اخذ مالیات بی‌توجهی شده و صورت مسئله در انحصار زکات به ۹ قلم دچار اشکال است. به طور کلی پویائی فقه امامیه در حل و عقد مسائل و یافتن حکمت تشریحی در شریعت مطهر می‌باشد. به عبارت دیگر در فقه شیعه با درک حکمتی که شارع مد نظر داشته اقدام به تعمیم احکام به موارد بیشتری از پدیده‌ها می‌شود که در زمان وضع شریعت اسلام وجود نداشته‌اند. در این باب باید گفت عدم توجه به اصل حکمت در اصول فقه همواره باعث عدم توسعه احکام به زمینه‌های جدیدتر شده است. اصل حکمت در فقه امامیه بر این مبنا استوار است که شارع بر مبنای عقل اقدام به وضع احکام نموده و هیچ حکمی را عبث و بیهوده نفرموده و همواره در پشت هر حکمی حکمتی بالغ نهفته است. در بسیاری از موارد تقنینی جدید نیز موارد بسیاری مشاهده می‌شود که بدون توجه به این اصل وضع گردیده‌اند و علت اختلاف بسیاری از نظرات فقهی و اجتماعی فقها در باب مسائل گوناگون به دلیل بی‌توجهی به این اصل می‌باشد. لذا تناقضات و کثرت پاسخهای متفاوت و حتی متناقض یکی از آثار این عدم توجه است.<sup>۲۸۱</sup> از طرفی این قاعده به تمام ازمه و امکانه قابل تعمیم نیست. حضرت حاج دکتر تابنده در این موضوع در مقالات مختلف شرح‌های مختصری در این

<sup>۲۸۰</sup> آنچه را که عقل به آن حکم کرده شرع نیز به آن حکم می‌کند.

<sup>۲۸۱</sup> برای مثال می‌توان به دیات اشاره نمود که اقسام گوناگون برای آن قائل شده‌اند. تنوع این اقسام و مخیر بودن جانی در انتخاب دیه جهت پرداخت به مجنی‌علیه باعث شده است که همواره جانی اقدام به پرداخت کم بهاترین دیه نماید.



باب مرقوم می‌فرمایند که بخش‌هایی از آنها مستقیماً نقل می‌شود. می‌نویسند: «... تفکر و تعقل نیز وظیفه‌ای دارد. وظیفه آن این است که در مورد مسائلی که نه طریقتی و نه شریعتی است، بنا به تصمیم خودش، تصمیم بگیرد. این قلمرو تعقل است. با این تفاوت که تعقل زیردست مسائل شریعتی و طریقتی می‌باشد و حاکم بر آنها نیست. مثلاً نمی‌توان گفت عقل اینطور می‌گوید و شریعت آنطور دستور داده، پس حکم عقل نادرست است و یا برعکس حکم شریعت را احماقانه بدانیم و دستورالعمل عقل را اجرا کنیم. اگر دیدیم عقل چیز دیگری غیر از شریعت می‌گوید، باید به دنبال اصل حکم شریعت بگردیم. چرا که یا ما آن حکم را غلط فهمیده‌ایم و یا آن را بر اساس اقتضای زمان درست تفسیر نکرده‌ایم. مثلاً در مورد دیه به پرداخت شتر و درهم و دینار حکم شده است. ما نباید بگوییم که چون حالا درهم و دینار نیست پس این حکم با عقل جور در نمی‌آید. باید به دنبال اصل حکم باشیم و آن را درست بفهمیم. بنابراین عقل تابع حکم واقعی شریعت می‌باشد. هیچ یک از احکام واقعی شریعت با حکم عقل مغایرت ندارد. بنابراین نباید پاسخ همه چیز را و هر مسأله‌ای را از طریقت و شریعت بخواهیم. حلّ برخی مسائل بر عهده خود ماست. بسیاری از تصمیمات روزمره با تعقل و تفکر حل می‌شود و در قلمرو شریعت و طریقت جایی ندارند ولی باید به امکانات موجود توجه کنیم. ... قوه تفکر و تعقل عصای دست شما در قلمرو شریعت و طریقت است...»<sup>۲۸۲</sup>

استدلال فوق دقیقاً بر مسائل مالیه و گسترش پایه مالیاتی صادق است. همچنین به وضوح می‌توان این احتیاط را نیز در باب نرخ‌های مالیاتی نیز ملحوظ داشت. نکته حائز اهمیت در طرح این مسئله توجه به حکمت شرایع است اگر بدون توجه به این اصل فقهی اقدام به بررسی و تفسیر قواعد فقهی نمائیم عملاً قوه عقل را معطل کرده‌ایم در صورتی که علت بعثت انبیا تحریک قوه عاقله بشریت است و در سایه این تعقل و تفکر است که کمالات انسانی حاصل می‌گردد.

از لحاظ نظام حقوقی اسلام قوانین موضوعه و توافقات تقنینی بین‌المللی تا آنجا مورد قبول است که در تضاد و تناقض با شریعت محمّدی ص نباشد. در باب این موضوع بحث‌های مفصّلی مطرح است که نگرش‌های تقنینی بین‌المللی را در این ارتباط با دستورات شریعت اسلام تطبیق داده و مقبولیت

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

و عدم مقبولیت آن‌ها را می‌سنجد.<sup>۲۸۳</sup> بر طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری منابع و قواعد حقوق بین‌الملل شامل عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از خصوصی و عمومی که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند و رسوم بین‌المللی و اصول عمومی حقوقی مقبول ملل متمدن است و نهایتاً تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مؤلفین ملل مختلف را به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی می‌داند. در حقوق بین‌المللی اسلام منابع حقوقی فوق از لحاظ مرتبه در مراتب بعد از شریعت قرار می‌گیرند. در ابتدا احکام اولیه اسلام مبتنی بر قرآن کریم و شریعت محمدی ص منبع اولیه مقبولیت، قضاوت و داوری است و پس از آن سایر منابع حقوقی قرار خواهند گرفت. مسلم است تمام منابع بعدی چنانچه تضاد یا تناقض با قرآن کریم نداشته باشند می‌توانند مقبولیت داشته باشند و ملاک اصلی سنجش منابع حقوق موضوعه بین‌المللی موافقت با شرع است. در مورد امور مستحدثه باید با اعمال دیدگاه حکمت و کاربرد عقل توافقی یا تناقض موضوع را با دستورات قرآن کریم سنجید. این سنجش عقلی خود شرایط تفصیلی و متقنی دارد.<sup>۲۸۴</sup>

## اصول کلی کنوانسیون پیشنهادی مالیه بین‌المللی

برای تسریع در رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط اقتصادی کشورها تدوین کنوانسیونی بر اساس موارد ذیل پیشنهاد می‌شود که کشورها اختیارات نسبت به پذیرش آن اقدام و در قبال دیگر اعضاء اعمال نمایند. با پذیرش همگانی اصول زیر می‌توان ارتباط و تعامل اقتصادی کشورها را به میزان قابل توجهی افزایش داد. مسلماً پذیرش همه اصول زیر در ابتدا با مخالفت دولت‌ها و با استدلال تحدید حاکمیت ملی آنان مواجه خواهد شد. لذا در مرحله اول می‌توان این اصول را در چارچوب توصیه‌های ارشادی مطرح و به مرور عمل به مفاد آن را پیش‌نیاز توسعه روابط بین دول قرار داد.

<sup>۲۸۳</sup> یکی از بررسی‌های جالب کتاب نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر نگارش حضرت حاج سلطانحسین تابنده

گنابادی، چاپ کتابخانه صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴ می‌باشد که مواضع اسلام را با اعلامیه حقوق بشر می‌سنجد.

<sup>۲۸۴</sup> این بحث به تفصیل در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) «تحلیل فقهی-اقتصادی ربا در وامهای مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستیهای فقه متداول در کشف احکام شارع» آمده است. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

## تشکیلات دولت

- ۱- ساختار اداری تشکیلات دولت باید بازبینی گردد و حوزه و حدود اختیارات و مأموریت‌های نهادها و دستگاه‌های دولتی و شبه دولتی بررسی و دستگاه‌ها و نهادهای موازی ادغام یا حذف شوند.
- ۲- اجرای مقررات خصوصی‌سازی موثر و کاهش اندازه دولت در حدود نیازهای جامعه. در این راستا تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاح نظام کلان و سازمان دولت و بخش دولتی و شبه دولتی و همچنین تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای موثر در جهت کوچک کردن دولت و افزایش حیطه عمل بخش خصوصی ضروری می‌باشد.
- ۳- تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاح نظام مالی دولت و بخش دولتی.
- ۴- قوانین الزام دولت به رعایت شفافیت، افشای اطلاعات و حکمرانی دولتی در ارتباط با دستگاه‌ها و همچنین مدیران و پرسنل دولتی وضع گردد.
- ۵- نظام آماری کشور باید بازبینی و نقاط ضعف آن رفع گردد. آمارهای صحیح باید در اسرع وقت تولید، منتشر و به عموم عرضه شود. محرمانه نمودن اطلاعات و آمار یا تأخیر در انتشار آن زیان‌های متعدد و متنوعی به بار می‌آورد.
- ۶- حسابهای ارزی، پولی، مالی و اقتصادی باید در زمان ارائه بودجه برای تصویب همراه لوایح بودجه به قوه مقننه تقدیم شود.
- ۷- سیستم‌های حسابداری و حسابرسی دولتی بازبینی و شرایط نظارت موثر بر فعالیت‌های مالی دستگاه‌های دولتی فراهم شود.
- ۸- سیاست‌های مالی باید از سیاست‌های پولی و ارزی منفک ولی همسو و هماهنگ با آنان باشد.
- ۹- حیطه وظایف و حدود اختیارات دولت باید در چارچوب قانون اساسی کاملاً مشخص باشد و تفاسیر مدون اصول آن کاملاً شفاف و نامتناقض باشد. در این راستا تدوین قوانین لازم برای جلوگیری از همپوشانی حقوق دولت و بخش دولتی با حقوق مالکیت اشخاص ضروری است. موارد مصادره اموال مشروع و مال احتکار شده جز استثنائات قانونی و شرعی برای آنها ممنوع است.
- ۱۰- فعالیت هر نهاد و دستگاه اجرایی باید از پیش روشن و مشخص باشد و نهادها یا دستگاه‌ها نباید در انجام هر فعالیتی مبسوط‌الید باشند و حیطه وظایف و اختیارات و مأموریت‌های آنان

باید از قبل معین و مدون باشد.

۱۱- کلیه تمهیدات سخت افزاری و نرم افزاری برای ایجاد دولت الکترونیک در همه زمینه‌های فعالیت دولتی فراهم گردد.

۱۲- الزام جدی دولت به پاسخگویی در ریز فعالیت‌ها و تصمیمات.

۱۳- توسعه کمیسیون‌های تخصصی مجلس در حد اداری متشکل از کارشناسان متخصص در امور مربوط به هر کمیسیون جهت اعمال نظارت خاص و موثر بر دولت.

۱۴- تدوین مقررات نظارت بر همه دستگاه‌های دولت، بخش دولتی و نهادهای شبه دولتی ضروری است.

## درآمد دولت

۱۵- سادگی مالیات‌ها از مهمترین عوامل کارایی در سیستم‌های مالیاتی است. لازم است تا مقررات بین‌المللی در جهت یکسان‌سازی مقررات مالیاتی با هدف ساده‌سازی سیستم‌های مالیاتی تدوین گردد.

۱۶- روش مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مبنای سیستم‌های مالیاتی در همه کشورهای عضو اتخاذ شود. مقررات لازم برای اجرای صحیح، فراگیر و مکانیزه مالیات بر ارزش افزوده باید تدوین گردد.

۱۷- از لحاظ اقتصاد کلان، درآمد عوامل تولید به مفهوم ارزش افزوده می‌باشد و مشمول سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. مقتضی است تا مالیات بر درآمد نیروی کار طبق توافقی بین‌المللی یکسان گردد. این امر بسیاری از معضلات ناشی از جابجایی و مهاجرت نیروی کار را مرتفع می‌نماید.

۱۸- درآمد دستگاه نباید برای خودش باشد و به هزینه‌اش تخصیص داده شود. کلیه دریافت‌های دولت باید در خزانه‌داری کل متمرکز شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد.

۱۹- اگر بر فروش یک کالا یا خدمت در یک کشور مالیات اخذ شد برای اخذ مالیات در کشور بعدی مبنای محاسبه ارزش افزوده جدید با احتساب مالیات پرداخت شده مبنای قرار گیرد.

۲۰- نرخ مالیات پیشنهادی برای همه کشورها نرخ ۱۰٪ بر ارزش افزوده پیشنهاد می‌گردد. مالیات

- عشر بر ارزش افزوده را می‌توان در دستور کار این کنوانسیون قرار داد. مالیات عشر بر ارزش افزوده به معنی اخذ ده درصد درآمد خالص (ارزش افزوده) حاصله در هر فعالیت اقتصادی و معامله و دریافت یا پرداخت به عوامل تولید بر مبنای مفهوم ارزش افزوده ایجاد شده می‌باشد.
- ۲۱- تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای خود به مثابه مالیات عمل می‌کنند که بر کالاها و خدمات وارداتی اعمال می‌شوند. این نوع مالیات باعث تغییرات عمده‌ای در تخصیص بین‌المللی منابع و جابجایی نیروی کار و در نهایت کاهش اشتغال، تولید و رفاه همه کشورها شده است.<sup>۲۸۵</sup>
- ۲۲- معیار ارزیابی اعتبار مالی افراد حقیقی و حقوقی در فعالیت‌های اقتصادی و بانکی و غیره باید بر مبنای مالیات پرداختی دوره‌های مالی گذشته آنان قرار گیرد.
- ۲۳- سیستم‌های کنترل تصادفی پرونده‌های مودیان مالیاتی در همه کشورهای عضو برقرار گردد. میزان جریمه عدم ارائه صورت‌های صحیح مالیاتی به اداره مالیات در هر کشور باید به گونه‌ای تنظیم گردد تا مجموع جریمه بار شده بر پرونده‌های بازبینی شده حداقل بیش از مجموع میزان فرار مالیاتی کلیه پرونده‌های مالیاتی اشخاص باشد.
- ۲۴- سیستم مالیاتی باید با افزایش پایه مالیاتی و کاهش نرخ مالیات به سمت کارایی مالیات حرکت کند. مقررات مراحل بهبود تدریجی سیستم مالیاتی در این ارتباط باید تدوین گردد.
- ۲۵- نرخ‌های تصاعدی مالیات در عمل به دلیل گریز مالیاتی نزولی عمل می‌کنند. از سوی دیگر نرخ‌های تصاعدی مالیات از تراکم سرمایه و تشکیل سرمایه‌گذاری ممانعت به عمل آورده و در عمل گندکننده توسعه و رشد اقتصاد است.
- ۲۶- بایست از هر مال اعم از درآمد یا ثروت فقط یکبار مالیات اخذ شود و هر مالی که یکبار مالیاتش پرداخت شد تا زمانی که تغییر شکل نداده و یا مالک آن تغییر نیافته مشمول مالیات جدید نمی‌شود. مالیات جدید باید فقط بر ارزش افزوده ایجاد شده در هر مرحله از تغییر وضعیت یا انتقال اعمال گردد.
- ۲۷- سیستم مالیاتی باید کاملاً مکانیزه شود تا عملیات معاملات و نقل و انتقال کالا و دارایی را رهگیری نماید.
- ۲۸- کاستی‌های موجود در زمینه جلوگیری از پولشویی از معضلات مهمی است که به حقوق

<sup>۲۸۵</sup> بیژن بیدآباد (۱۳۹۰)، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی.

فعالان اقتصادی و دولت، و اقتصاد کشور صدمه می‌رساند. بزه‌های مالی، فرار مالیاتی، قاچاق، تبانی، اختلاس و جرم‌ها و تخلفات متنوع دیگر همگی در ذیل پولشویی می‌گنجد که کشف و برخورد با آنها می‌تواند منجر به اصلاحات بزرگی در اقتصاد کشورها شود. چنانچه شرایط به گونه‌ای اطراف معاملات اقتصادی زیرزمینی را ملزم به استفاده از شبکه بانکی نماید و سازمان مالیاتی هر کشور نظارت خاص بر معاملات عمده و حمل و نقل کالاها داشته باشد عملیات اقتصاد زیرزمینی از طریق تطبیق اطلاعات معاملات و اطلاعات بانکی بطور الکترونیکی در سیستم کشف پولشویی (MLD)<sup>۲۸۶</sup> قابل کشف و رهگیری است. مطابق با هر معامله و انتقال کالا یا خدمت باید یک پرداخت و دریافت پولی اعم از نقدی یا وعده‌دار وجود داشته باشد. اگر عملیات پولی پرداخت و دریافت از طریق بانک یا سایر نهادهای پولی صورت گیرد دو اطلاع کالایی و پولی از هر معامله قابل تطبیق هستند. اگر این دو اطلاع منطبق بر هم نباشند باید خلل و ظنی از نوع پولشویی در معامله وجود داشته باشد. در این ارتباط کشورها باید سیستم کشف پولشویی را در تشکیلات حکومتی خود مستقر نمایند.<sup>۲۸۷</sup>

۲۹- هماهنگی سایر نهادهای مالی با اداره مالیات ذیل سیستم کشف پولشویی در حدود قوانین و مقررات الزامی است.

۳۰- نحوه معافیت مالیاتی بنگاه‌های مددکاری و خیریه غیرانتفاعی باید به گونه‌ای مشخص و شفاف گردد که از سواستفاده‌های احتمالی از این نوع بنگاه‌ها در فرار مالیاتی یا پولشویی جلوگیری شود.

۳۱- تخلف پرسنل مالیاتی خسارت زیادی به کلیه افراد جامعه وارد می‌نماید. لذا وضع قوانین تشدید تنبیه و مجازات ممیزین و پرسنل مالیاتی متخلف کشورها جهت سلامت سیستم مالیاتی بسیار ضروری است.

<sup>۲۸۶</sup> بیژن بیدآباد، طرح تفصیلی سیستم کشف پولشویی (Money Laundering Detection System, MLD)، سیستم

مکمل بانکداری راستین. اداره تحقیقات و برنامه‌ریزی، بانک ملی ایران. ۱۳۹۱.

<http://www.bidabad.ir/doc/detailed-mld.pdf>

<sup>۲۸۷</sup> توصیه‌های FATF (Financial Action Task Force) و کمیته بال و بانک تسویه بین‌المللی و برنامه جهانی علیه پولشویی سازمان ملل متحد و کنوانسیون مبارزه با رشوه در معاملات تجاری بین‌المللی برای پیشگیری از پولشویی OECD و بسیاری از سازمان‌های مرتبط دیگر قبلاً زمینه‌هایی را برای اجرا و توسعه این بند فراهم آورده است.

## هزینه دولت

- ۳۲- وظیفه تخصیص شامل تدارک کالاهای اجتماعی یا تخصیص منابع یا به عبارت دیگر وظیفه تخصیص بودجه؛ وظیفه توزیع شامل سیاست‌های تعدیل توزیع درآمد و ثروت؛ وظیفه تثبیت شامل سیاست‌های اشتغال، قیمت، ترازپرداخت‌ها از وظایف دولت است که نمود بارزی در سیاست‌های مالی دولت دارد. لازم است تا دستورالعمل تنظیم، تدوین و اجرای این وظایف بدون باشد تا از هرج و مرج در سیاست‌گذاری و تناقض آثار سیاست‌ها جلوگیری شود.
- ۳۳- هزینه‌های تصدی‌گری دولت‌ها فقط از منابع مالیاتی تأمین گردد.
- ۳۴- مقررات کنوانسیون بایست به گونه‌ای تدوین گردد تا رفتار دولت‌ها در اتخاذ و تغییر سیاست‌های مالی، آنها را ملزم به رفتاری قابل پیش‌بینی نماید.
- ۳۵- هزینه‌های دولت باید به مواردی تعلق گیرد که از وجوب بارزی برخوردارند.
- ۳۶- هزینه در امور عام المنفعه بنابر تخییر جامعه و از طریق مجاری قانونگذاری مبتنی بر آراء عمومی باشد.
- ۳۷- اصول پرداخت‌های یارانه‌ای در موارد تأمینی و حمایت از اقشار ضعیف جامعه تدوین شود. در این راستا اجرای سیاست تور ایمنی برای دوران اصلاحات ساختاری اقتصاد از ملزومات حمایت از اقشار آسیب‌پذیر می‌باشد.
- ۳۸- تبدیل سوبسیدهای پنهان به سوبسید آشکار و پرداخت‌های یارانه‌ای نقدی مستقیم.
- ۳۹- خساراتی که دولت‌ها به اشخاص داخلی و خارجی وارد آورده یا می‌آورند باید با رعایت صرفه و صلاح خسارت دیده جبران شود.
- ۴۰- هزینه‌های نظامی دولت‌ها در رقابت با یکدیگر در مجموع در تعادل و هم‌سطح است. اگر همه کشورها از رقابت تسلیحاتی خود دست بردارند منابع عظیمی از بودجه کشورها آزاد می‌شود که می‌تواند صرف توسعه و رفاه ابناء بشر گردد. در این ارتباط تدوین، توسعه و توافقات موثر در معاهدات بین‌المللی منع رقابت تسلیحاتی لازم است.
- ۴۱- موارد ریخت و پاش‌های دولتی و دولتمردان شناسائی و از آنها ممانعت به عمل آید.
- ۴۲- هر نهادی که از سرمایه ملی استفاده می‌کند باید تحت نظم و انضباط مالی و نظارت و حسابرسی قرار گیرد.

## برنامه

- ۴۳- هر برنامه باید دارای نظریه‌ای مبنایی هنگام طراحی باشد و باید سازوکار تحلیلی لازم برای رفع ناسازگاری اهداف برنامه فراهم نمود.
- ۴۴- امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه باید با توجه به موانع و محدودیت‌ها و میزان منابع مختلف لازم قبل از تصویب بررسی و امکان اجرای برنامه از قبل تأیید شود.
- ۴۵- تخصیص امکانات و فرصت‌های دولتی بطور مساوی در مناطق کشور و براساس شاخص‌های جمعیتی و برنامه‌ریزی جامع برای اصلاح، بهبود و توسعه مناطق محروم کشور در جهت یکسان‌سازی شرایط زیستی و برخورداری همه مناطق از زیرساخت‌های لازم توسعه‌ای در همه بخش‌ها.
- ۴۶- تدوین و اجرای برنامه‌های موثر خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، کنترل بیماری‌ها با الویت مناطق محروم به گونه‌ای که ظرف یک برنامه عدم تعادل‌های منطقه‌ای در خدمات دولتی مزبور مرتفع شود.
- ۴۷- تدوین و اجرای برنامه‌های موثر حمایت از سالمندان و نیازمندان و افراد ناتوان، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد، توسعه بخش‌های کشاورزی، منابع آب و منابع طبیعی، صنعت، معدن، انرژی، حمل و نقل، ارتباطات و فناوری و ایجاد بسترهای جریان سریع و صحیح اطلاعات، عمران شهری و روستایی، آموزش در همه سطوح اعم از نظری و کاربردی و حرفه‌ای، محیط زیست، بخش رفاه و تأمین اجتماعی، گردشگری، فرهنگی مبتنی بر تاریخ ملی، رسانه‌های خصوصی و سایر موارد لازم.
- ۴۸- سیاستگذاری دولتی باید منجر به آزادی اشتغال و مصرف برای عموم شود.
- ۴۹- نظارت دولت بر عملکرد بازارها باید در جهت افزایش کارایی بازارها اعم از کالا و خدمات، سرمایه، پول و کار گردد. سیاست‌های تنظیم بازار به مفهوم مداخله در حقوق مالکیت افراد و تضییع منافع یک گروه به نفع گروه دیگر موجب کاهش کارایی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. سیاستگذاری‌های نظارتی دولت باید متمرکز بر رعایت و بازستانی حقوق عموم اشخاص و الزام آنها به رعایت مقررات و استانداردها و منع کید در معاملات و روابط اقتصادی آحاد جامعه باشد.
- ۵۰- هر برنامه باید از لحاظ عملیاتی و مالی در قالب بودجه‌های سنواتی قابل تجزیه و تفکیک باشد



به گونه‌ای که خللی در اجرای فعالیت‌ها و طرح‌ها بوجود نیاید.

۵۱- کلیه آثار اقتصادی و اجتماعی هر برنامه باید بصورن کمی قابل ارائه و بررسی باشد.

۵۲- طبقه‌بندی واحدهای سازمانی در قالب برنامه‌ها و فعالیتها، شناسایی هزینه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، پیش‌بینی نتیجه اجرای هر برنامه، طرح و فعالیت دستگاه اجرایی باید در چارچوب مشخص و منطقی صورت گیرد.

۵۳- رعایت و هماهنگی سطوح مختلف برنامه‌ریزی سیاست‌های راهبردی، سیاست‌های کلان، سیاست‌های بخشی، منطقه‌ای، محلی و غیره.

۵۴- محاسبه، پیش‌بینی و برآورد ریز هزینه‌های هر برنامه برای همه سال‌های اجرای آن از قبل.

## بودجه

۵۵- تدوین سازوکار اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی کارا با توجه بر تفکیک اعتبارات به وظایف، برنامه‌ها، فعالیتها و طرحها بر مبنای بهای تمام شده و اندازه کار بکار برده شده مستند به تجزیه و تحلیل تفصیلی برنامه‌ها و عملیات اجرایی.

۵۶- نظام طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی هر کشور باید با توجه به نقاط ضعف سیستم بودجه‌ریزی سنتی در هر کشور ارزیابی مجدد و بر اساس اصول بودجه‌ریزی عملیاتی در فرآیند مرتبط ساختن هزینه‌ها با نتایج مدون گردد.

۵۷- تدوین اصول اجرایی و عملیاتی بودجه‌ریزی عملیاتی در جهت ایجاد پیوند میان عملکرد و تخصیص منابع در حول دو محور ارتباط بودجه با نتیجه و ارتباط عملکرد و ارزیابی بطوریکه همراه بودجه‌های سالانه رابطه میان میزان اعتبار تخصیص یافته به هر برنامه و نتایج ناشی از آن واضح و با هر میزان مخارج انجام شده در هر برنامه، مجموعه معینی از اهداف تحقق یابند.

۵۸- نقاط ضعف سیستم بودجه‌ریزی سنتی در ارتباط با عدم شفافیت بودجه‌ریزی، جلوگیری از هزینه نمودن منابع خارج از اهداف اصلی دستگاه اجرایی و تمرکز هزینه بر فعالیت‌های اصلی دستگاه اجرایی، نظارت مؤثر بین بودجه و نتایج عملکرد دستگاه اجرایی، ریز بودن برنامه‌ها و فصول هزینه، عدم توجه به فرآیندهای اجرایی و عملیاتی دستگاه اجرایی، افزایش بازدهی و بهره‌وری منابع، منطقی نمودن چانه‌زنی برای افزایش اعتبارات، منطقی نمودن توزیع اعتبارات در دستگاه‌ها و مناطق، تعیین ملاک‌های برآورد هزینه طرح‌ها و دستگاه‌های اجرایی منطبق با

وظایف، برنامه و فعالیت دستگاه اجرایی و طرح‌ها، مدون ساختن اختیارات مدیر در هزینه کردن اعتبارات و موارد مشابه باید بررسی و راهکارهای لازم برای آنان تدوین گردد.

۵۹- در نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی باید سیستم‌های اطلاعات مدیریت، کنترل مدیریت، پایش و ارزشیابی برنامه همواره صحت عملکرد فعالیت‌های دستگاه‌های اجرای و اجرای طرح‌ها را کنترل نماید.

۶۰- هر فعالیت و طرح باید از قبل ارزشیابی شده و حسب مورد دارای مستندات مطالعات امکان‌پذیری، هزینه-فایده، توجیهات فنی، مالی، اقتصادی، اجرایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی باشد.

۶۱- استقرار روش‌های هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت<sup>۲۸۸</sup> در بودجه‌ریزی دولتی.

۶۲- اصول بودجه نظیر اصل سالانه بودن، اصل تعادل به مفهوم برابری درآمدها و هزینه‌های دولت در یک دوره مالی، اصل جامعیت به مفهوم شمول همه منابع و مصارف و تمرکز درآمدها در خزانه، اصل وحدت به مفهوم واحد بودن بودجه دولت برای یک دوره مالی و اجتناب از بودجه‌های شبه دولتی و نیمه دولتی، اصل تفصیل به مفهوم مشروح عملیات مالی، اصل تخصیص به مفهوم تخصیص هر اعتبار به فعالیت یا طرح خاص و منع جابجایی اعتبارات بین سرفصل‌های بودجه یا دستگاه‌های اجرایی، اصل انعطاف‌پذیری به مفهوم تغییر و جابجایی در اعتبارات مواد هزینه و برنامه‌های دستگاه اجرایی بدون تغییر در جمع اعتبارات مصوب، اصل تحدید هزینه به مفهوم عدم تجاوز پرداخت‌ها از حد اعتبار مصوب، اصل تقدم درآمد بر هزینه به مفهوم اولویت منابع بر مصارف، اصل تفکیک هزینه‌های مستمر و غیرمستمر در تدوین بودجه همه باید منضبط بر قواعد مشخص و دستورالعمل‌های ارشادی قرار گیرند.

۶۳- طبقه‌بندی و آرایش سازمانی در تدوین بودجه باید براساس استانداردهای مورد توافق بین‌المللی شکل گیرد تا بر آن اساس موجب تسهیل در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اصلاح سیستم و بهبود روشها، تجزیه و تحلیل منابع و مصارف و مقایسه و ارزیابی بهتر عملکرد مالی دولت‌ها در درون کشور و با دول خارجی شود. این امر می‌تواند استفاده از تجربیات مسائل سیاست‌گذاری‌های مالی را فراهم نماید. بودجه باید تطابق سیستماتیک و ارتباط منطقی و مشخص با سیستم حساب‌های ملی (SNA) و حسابهای پولی و تجارت خارجی داشته باشد

- حرکت از طبقه‌بندی‌های اجرائی به سمت طبقه‌بندی اقتصادی و برقراری ارتباط بین سیاستهای پولی، مالی و اقتصادی دولت سند بودجه را به یک ابزار کارای سیاستگذاری مبدل می‌نماید.
- ۶۴- مراحل گردش بودجه از تهیه و تنظیم، تصویب، اجرا و نظارت باید در فرآیندهای خاص منضبط و مشخص باشند.
- ۶۵- اصول تهیه و تنظیم بودجه باید بر مبنای آمار و اطلاعات صحیح و تحلیل و نتیجه‌گیری کارشناسی از آنها باشد.
- ۶۶- تصویب بودجه در قوه مقننه باید پس از تحلیل منتقدانه و موشکافانه تخصصی صورت پذیرد. لذا سازمانی باید این خدمت را به قوه مقننه عرضه دارد. دولت باید کلیه گزارشات توضیحی بودجه در ارتباط با هر ردیف بودجه‌ای را همراه با لایحه تقدیم قوه مقننه نماید.
- ۶۷- حسابرسی عملیاتی از درآمدها باید همانند حسابرسی هزینه‌ها صورت پذیرد.
- ۶۸- سیر قانونی اجرای بودجه از نظر قانون باید کاملاً مشخص باشد تا امکان اجرای به موقع بودجه فراهم آید.
- ۶۹- نظارت بر بودجه از وجوه مختلف نظارت‌های مالی، عملیاتی، نظارت قوای مقننه و قضائیه باید هر کدام در چارچوب قوانین و مقررات شفاف صورت گیرد.

# فصل ششم

## اعلامیہ روابط بین الملل



## مقدمه

برقراری صلح، نظم و امنیت برای افراد، ملت‌ها و دولت‌ها در شرایط فعلی نظام بین‌المللی از اهم مسائل جهانی در عصر حاضر است. استقرار نظم باید از طریق نزدیک شدن به حقوق طبیعی افراد و رعایت خصیصه‌های انسانی و اخلاق باشد. در این راستا پیشنهاد اعلامیه روابط بین‌الملل مبتنی بر آموزه‌های تصوف اسلامی طرح می‌گردد که خلاصه‌ای از بررسی‌های وسیع قبلی نویسنده در حول و حوش موضوع است. این پیشنهاد در سه مبحث حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی تدوین شده است و در مرحله بعد باید تحت مذاقه و بررسی صاحبانظران مختلف قرار گیرد تا با توجه به خصیصه‌های عرفانی که در تصوف و طریقت‌های همه ادیان یکسان و مبتنی بر عشق به خالق و به تبع عشق به مخلوق الهی است به اجماع و مرحله اجرا نزدیک گردد.

روابط بین‌الملل معاصر به شرایط شکننده‌ای رسیده و نظم و ترتیبات فعلی توان برقراری ثبات و صلح را در روابط بین‌الملل تضمین نمی‌نماید. حقوق بین‌الملل عمومی نیز نتوانسته با ساز و کارهای فعلی خود شرایط لازم را مهیا نماید. و شاید یکی از دلایلی که حقوق بین‌الملل و دیسپلین‌های آن در این امر ناتوان بوده، دور شدن این رشته حقوق از فطرت و طبیعت بشر بوده است. به این ترتیب اگر سازوکارهای جدیدی بر مبنای طبع سلیم بشر طراحی گردد و فقط به منافع یکسویه کشورها ننگرد شاید بتواند قدمی در بهبود وضعیت روابط بین‌الملل در این مقطع از تاریخ بشر باشد.

بسیاری از قوانین که از شریعت ادیان استخراج شده به دلایل متنوع بالاخص در سطح کشورها قابلیت یکسان بودن و عمومی بودن یک قانون برای همه را ندارند. زیرا تفاوت خصوصیات مختلف اقوام و دول و جغرافیا و سیاست و نژاد و آب و خاک و اقلیم و بسیار بسیار ویژگی دیگر اجازه وضع یک قانون برای همه را نمی‌دهد. ولی روح شرایع که در همه ادیان هم بوده و هست و مورد احترام و باور همه عقلای کشورهای مختلف می‌باشد در همه ادیان یکسان و واحد است و آن عبارت از طریقت و تصوف و عرفان و باورهای اخلاقی در ادیان مختلف می‌باشد که هزاره‌هاست ثابت و لایتغیر بوده و عقل به آن در همه ازمینه و امکانه حکم کرده و می‌کند. پس اگر روابط بین‌الملل براساس روح ادیان که در همه ادیان واحد است تعریف و طراحی شود هم به قانون واحد

خواهیم رسید و هم از قابلیت پذیرش عمومی برخوردار خواهد بود.

## روشن‌شناسی

متکلمین و حکما در تعاریف علم و حکمت تمایز قائلند و علم را به معنی درک حقیقت عالم و حکمت را درک سرّ اشیاء می‌دانند و هر دوی آنها در مراتب تعالی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. استعاره حکمت که مدّ نظر ما قرار دارد نازله تنزّل یافته از بارقه حکمت بالغه شارع است که در تشریح احکام صوری و فرعی ادیان مختلف می‌تواند علت تقنین حکم بوده باشد. قاعده کلی اصل حکمت که تلازم عقل و شرع (به معنی قانونگزاری) را فراهم می‌آورد بنیان اصلی نگرش ما به حل موضوع است. لذا در اینجا با مدّ نظر قرار دادن این شیوه عقلی که مستنبط از روح واحد همه ادیان است سعی بر این خواهیم داشت تا مفاد لازم را برای ارائه مجموعه‌ای از اصول کلی که بتواند مورد قبول دول جهان باشد را فراهم آوریم تا همانگونه که اعلامیه حقوق بشر توانست زمینه‌ای را برای تعامل دولت‌ها با افراد طرح نماید این اعلامیه نیز چارچوب رفتار دولت‌ها را در برابر یکدیگر مشخص نماید.

## اصول پیشنهادی حقوق بین‌الملل عمومی

حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از حقوق است که به تنظیم روابط بین افراد و ملت‌ها و دولت‌ها در سطح بین‌المللی می‌پردازد و سعی بر تنظیم و اعمال حق بر روابط دیپلماسی و کنسولی دولت‌ها با یکدیگر و مناسبات دولت‌ها با سازمان‌ها و نهادها و مؤسسات بین‌المللی دارد. حقوق بین‌الملل خصوصی شامل قواعد مرتبط با مناسبات و روابط افراد ملت‌ها با یکدیگر و تفاوت‌ها و تناقضات قوانین کشورهای مختلف و روش رفع اختلافات و تعارض بین آنها و احکام و قواعد مربوط به آن می‌شود. نگاه ما به قواعد حقوقی مندرج در این بخش تعمیم حکمی احکام اسلام به حیطه حقوق بین‌الملل است. از دیدگاه حکمت، علت و سرّ هر حکمی مبنای اصلی وضع حکم است لذا با دریافتن علت احکام و روح قوانین شرعی در صدد تعمیم قواعد و احکام به سطح حقوق بین‌الملل خواهیم بود.

۱- اصل جواز عمومی در پذیرش اصول کلی حقوقی

اصول کلی حقوقی که از طرف ملل متمدن به رسمیت شناخته شده از منابع مشخص و مستقل حقوق بین‌الملل است.

۲- اصل مقبولیت حقوق موضوعه بین‌الملل در حد موافقت با شرع

منابع و قواعد حقوق بین‌الملل شامل عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از خصوصی و عمومی که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند و رسوم بین‌المللی و اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است و نهایتاً تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مؤلفین ملل مختلف به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی است بطوری که متناقض با قرآن نباشد.

۳- اصل مقبولیت حقوق بین‌الملل عرفی

عرف آن دسته از قواعد حقوقی است که دولتها در طول زمان در روابط بین خود آن را اعمال داشته و رعایت نموده‌اند به طوری که وجدان عمومی دولتها آنها را لازم‌الرعايه می‌داند به عنوان منبع ثانویه حقوقی مقبول است.

۴- اصل اولویت به عفو و نیکی و تألیف قلوب

در روابط انسانی اعم از داخلی یا بین‌المللی عفو همواره اولی به قصاص است. نباید هر اقدام سوئی را بالاخص اگر از روی جهالت بوده یا مرتکب از اقدام خود ناخشنود است پاسخ داد. عفو و اغماض نباید به ظالم‌پروری بیانجامد که در این صورت خود از ظلم بدتر است. اولی بودن عفو به قصاص یک نوع استحسان تفضیلی است و مستوجب الزام نیست و مستحسن در تخییر است.

۵- اصل وفای به معاهدات

معاهده موجب مسؤولیت الزام‌آور می‌گردد و مادام که طرف متقابل به تعهدات خویش در مورد اوضاع و احوالی که مبنای عقد و شرط اساسی رضایت طرفین معاهده بوده پایبند است الزامات معاهده نافذ است.

۶- اصل الزام به رعایت تشریفات قراردادها

برای جلوگیری از اختلافات بین‌المللی ناشی از ابهام در مفاد قراردادی، قراردادهای فی‌مابین باید با



ملاحظه جمیع امور قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی تنظیم و تمهیدات لازم از قبل در قرارداد درج گردد.

#### ۷- اصل رفتار به عدل

قضاوت و داوری به عدل بین تمام گروه‌ها و ملل یکسان است و ارجحیتی بین اصحاب دعوی نیست.

#### ۸- اصل مبتنی بودن جزا بر قطعیت جرم

هیچ دولتی حق ندارد با طرح بهانه‌های ظنی اقدام به اتخاذ سیاست‌های خصمانه در سطح بین‌الملل نماید و فقط وقتی مجاز به اقداماتی از این دست است که قطعیت جرم احراز شده باشد.

#### ۹- اصل مساوات در برابر قانون

از لحاظ حقوقی تفاوتی بین دولت‌ها نیست و همه در برابر قانون یکسانند. ملاحظات و امتیازات سیاسی در دادگستری بین‌المللی مردود است.

#### ۱۰- اصل دوام دولت

اعمال و تفکرات گذشتگان تکلیفی برای آیندگان ایجاد نمی‌کند. اگر حکومت کشوری تغییر کند دولت به معنای حاکمیت بر سرزمین کشور تغییر نمی‌کند. اگر حکومت‌های قبلی تعهداتی را با دول دیگر بسته‌اند این تعهدات مجدداً با تغییر دولت باید تنفیذ یا از اعتبار آنها کاسته یا حتی ساقط شوند. استثناء در دیون است که از مایملک حکومت گذشته به حکومت جدید منتقل می‌شود.

#### ۱۱- اصل منع سوءاستفاده از حق

کشورها حق ندارند از حقوق خود در تجاوز به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای ضعیف استفاده نمایند. اگر کشوری با اعمال قدرت نامحدود موجب زیان کشور دیگری شده باشد دادگاه بین‌المللی می‌تواند با استفاده از قاعده «سوءاستفاده از حق» مانع گردد.

#### ۱۲- اصل منع اضرار

اعمال حق را نمی‌توان وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع دیگری یا عموم قرار داد و دولتها حق

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

ندارند در احقاق حقّ خود موجبات ضرر دیگری را فراهم آورند. اگر کشوری در جنگ با دولت دیگری است حق ندارد از خاک کشور ثالث برای احقاق حقّ خود استفاده و به حقّ حاکمیت او تجاوز نماید یا اقدام به عملی نماید که سبب رسیدن زیان به کشور ثالث شود.

۱۳- اصل بر براءت است

اصل براءت مبتنی بر اصل قانونی بودن جرم است و هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنچه که به موجب قانون جرم شناخته شده باشد. اگر کسی مدّعی حقی یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند و الا حکم به براءت مدّعی علیه است.

۱۴- اصل سدّ ذرایع بین‌المللی

اعتلای بشریت منوط به اعتلای تمام آحاد انسان‌هاست و اگر فساد در کشوری رخنه کند به ضرر و زیان کشورهای دیگر خواهد بود. لذا هر عملی که عادتاً سرانجام منجر به مفسده‌ای گردد، بایست از آن ممانعت بعمل آورد.

۱۵- اصل انحصار استحسان به صاحب امر و اجازه

استحسان صدور حکم به سبب نیک دانستن و پسندیدن عملی و رعایت مصلحت خود و دیگری است و منحصر به صاحبان امر و اجازه است.

۱۶- اصل استصلاح بین‌المللی

صدور حکم و اتخاذ روش باید به مصلحت تمام اطراف کشورهای درگیر باشد و در مجموع مصلحت بشریت را از لحاظ تعالی مادی و معنوی مدّ نظر قرار می‌دهد.

۱۷- اصل استصحاب بین‌المللی مشروط به حلیت حق

با بقاء ثابت شده حق، مشروط به حلیت آن، ابقاء بر ماکان است.

۱۸- اصل عطف به ماسبق نشدن قانون

آثار حقوقی یک قانون به حقوق گذشته افراد یا نهادها یا کشورها به زمان پیش از تصویب آن تسری نمی‌یابد.

۱۹- اصل دوام تصرف بلامعارض

تصرف طولانی بدون معارض استمرار حاکمیت آن کشور نسبت به مورد تصرف را سبب و مبین شناسائی حاکمیت غیرغصبی کشورها در سرزمین‌های خودشان است. استثناء در مبحث اصل شناسائی دول ذکر می‌شود.

۲۰- اصل پاداش و کیل محق و کیفر و کیل باطل

وکالت باطل یعنی تلاش برای تفوق باطل بر حق، معاونت در جرم است و برای بردن روند جریان محاکم به صلاح و فلاح باید معاون در جرم در عقوبت مجرم سهیم و شریک گردد.

۲۱- اصل رفع تکلیف در جهل به حکم تشریحی و عدم رفع آن در جهل به حکم فطری

جهل به حکم فطری رافع تکلیف نیست ولی جهل به حکم تشریحی رافع است.

۲۲- اصل احترام به حقوق مکتسبه

حقوق و امتیازات اکتسابی که در زمان اکتساب مشروع بوده و ناش از گذشت زمان حقوق مکتسبه به شمار می‌آیند لازم الاحترام هستند.

۲۳- اصل اعتبار امر مختومه

اگر مورد منازعه و اختلاف به صورت نهایی و قطع توسط دادگاه ذیصلاح رسیدگی و تعیین تکلیف شد برای طرفین دعوی مختومه است و نمی‌توان مجدداً آن را به جریان انداخت مگر با ارائه مدارک جدید دال بر کشف حقیقت.

۲۴- اصل مسؤولیت بین‌المللی

هرگاه شخصی یا دولتی مرتکب عملی شود که به دیگری آسیب وارد آید مسئول است.

۲۵- اصل جبران خسارت ناروا

اگر شخصی یا دولتی با اقدام به عملی یا خودداری از انجام عملی به دیگری خسارت زند موظف است تا خسارت وارده را جبران نماید.

۲۶- اصل وجود حیات در قصاص

تقنین قصاص و تقید دولت‌ها به اجرای آن بازدارنده تعدی و مانع تجاوز است. قصاص و خونخواهی کشته شدگان جنگها پس از اتمام جنگ ذیل اصل مسؤولیت بین‌المللی قرار می‌گیرد.

۲۷- اصل عدم جواز به تعدی در قصاص

چنانچه جرم و جنایتی از جانب تبعه عادی یا دولتی بر تابعین کشور دیگر وارد آمد حق قصاص حداکثر به میزان جرم خواهد بود.

۲۸- اصل تسهیل در فورس ماژور (عسر و حرج)

تسهیل در قطعیت احکام در شرایط اضطرار که وقایع نامعمول روند انجام عقد را به مخاطره یا دچار توقف سازد قابل قبول است.

۲۹- اصل آزادی تجارت در حقوق تجارت بین‌الملل

تجارت مشروع در صحنه بین‌المللی آزاد است.

۳۰- اصل آزادی دریاها و جو

قوانین و مقررات مشرف بر شوارع عام و راه‌های زمینی، دریایی و هوایی بر اساس توافقات عمومی بین‌المللی در فضای ماوراء جو قابل احترام است.

۳۱- اصل شناسایی بر مبنای کرامت انسان و نه دولت

شناسایی پدیده عرضی است و نه ذاتی و به مفهوم مطرح در حقوق بین‌الملل فعلی مورد قبول نیست. سرزمین به عنوان ملکی که در اختیار دولتی باشد معیار شناسایی نیست و سکونت افراد در هر سرزمینی که به اقامت در آن ترجیح می‌دهند قابل احترام است.

۳۲- اصل شناسایی کامل حقوق مالکیت افراد و شناسایی ناقص حاکمیت دولت‌ها

حقوق مالکیت فردی قطعیت دارد ولی حق حاکمیت بر سرزمین در زمره حق مالکیت نیست. تجاوز به مالکیت افراد و ملت‌ها محکوم است.

## ۳۳- اصل اهداء تابعیت به متقاضی

تابعیت رابطهٔ سیاسی و حقوقی شخص است که او را به دولت معین مستقر در سرزمینی منسوب می‌نماید. حقوق فطری افراد برتر از حقوق موضوعه ملّی است و تنها مقررات و الزامات خاصّ حقوقی موضوعه کشور یا منطقهٔ سیاسی رافع آن است. با کشیدن مرز، انسان‌ها متفاوت نمی‌شوند و هر کس می‌تواند با رعایت مقررات و الزامات خاصّ دولت یا منطقه سیاسی هر جا که مایل باشد ساکن شود و ملّیت موجب تضييع حقوق فطری و اعطای تابعیت سیاسی و اجتماعی نیست. پس دادن پناهنده به دولتی که در تعقیب او است مجاز نیست. استثناء این موضوع تعدّی به حقّ النَّاس ملل دیگر است.

۳۴- اصل الزام شهادت به صحت و اقرار به خطا و ممنوعیت کتمان حق و شهادت زور در قضاوت‌ها و مشاجرات بین‌المللی و وظیفهٔ دیپلماسی قوام شهادت به عدل است. ممنوعیت کتمان حق و شهادت زور یا استشهاد به زور نیز از جملهٔ موارد مشمول این اصل است.

## ۳۵- اصل قبول تحقیق در حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

روش «تحقیق» در حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی در اولویت قرار دارد.

## ۳۶- اصل مذاکره در حل و فصل اختلافات و پذیرش داوری در دعاوی بین‌المللی

روش انتخاب احسن در حل و فصل بین‌المللی اختلافات روش شورا و مشورت و تعمیم آن به داوری و حکمیت است.

## ۳۷- اصل وجوب میانجیگری و اصلاح (میانجیگری اختیاری)

اصلاح و میانجیگری بین اقوام و ملل و دول از وظایف دولت‌ها است و اگر پس از صلح مجدداً یکی از طرفین جنگ به دیگری تجاوز نماید میانجی حقّ سرکوب متجاوز را دارد تا به صلح بازگردد. این خط مشی بر خلاف رویه فعلی بین‌المللی است که هر کجا جنگ درمی‌گیرد دیگر کشورها به نظاره می‌نشینند یا از جنگ آنها بهره‌برداری می‌نمایند یا به اطراف منازعه تسلیحات می‌فروشند.

۳۸- اصل آشتی دادن و دخالت در جنگ‌های بین‌المللی (میانجیگری اجباری)

طریقه آشتی از طریق رسیدگی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی توسط کمیسیون‌هایی مرکب از متخصصین و حقوقدان‌ها و دیپلمات‌ها است و مقدم به میانجیگری اختیاری است.

## اصول پیشنهادی سیاست خارجی

سیاست خارجی هر دولتی چگونگی نگرش و برخورد یک دولت را با دول دیگر مشخص می‌کند. در جهان امروز، اساس سیاست‌گذاری خارجی کشورها اقتضای منافع آنان است در صورتی که هدف باید اعتلای بشریت باشد و نه اعتلای کشور به تنهایی. منافع ناشی از اعتلای بشریت آنقدر زیاد است که باعث انتفاع تک تک کشورها نیز خواهد شد و این نفع بیش از منفعت زمانی است که سود هر کشور جداگانه حداکثر شود و حداکثر کردن سود یک کشور به تنهایی کمتر از حداکثر کردن سود یک کشور ناشی از حداکثر کردن سود جامعه جهانی است. این دیدگاه مبتنی بر استدلال‌ات ریاضی اثبات شده و بسیار دقیق است.

۳۹- اصل انطباق مصلحت اسلام بر مصلحت بشریت

در اسلام ملیت و قومیت و به تبع، منافع ملی و قومی به شکل متعارف آن تعریف نمی‌شود. اسلام به دنبال روشی است که مصالح و منافع بشریت را تأمین کند. مصلحت اسلام و دولت اسلام منطبق بر مصلحت بشریت است. همین خصیصه در سایر ادیان حقه الهی است. استثناء فقط هنگامی است که دول دیگر قصد به تجاوز به حریم اسلام و آن هم از طریق اقدام عملی به حرب داشته باشد.

۴۰- اصل تعلق اسلام به بشریت

دین اسلام مختص به مسلمین نیست بلکه متعلق به همهٔ ابناء بشر است. دستورات اسلام نیز برای همهٔ کسانی است که مایل به تبعیت از اسلام و بهره‌مندی از دستورات آن باشند است. کلیهٔ ابناء بشر نزد اسلام گرامی هستند و علت و هدف ظهور اسلام رحمت برای همهٔ ابناء بشر است. مسلمین حق ندارند خود را ارجح به دیگر اقوام و ملل بدانند و بر ایشان فخر فرورشد یا آنکه بخواهند دیگران را با تحت فشار قراردادادن هدایت یا راهنمایی کنند. همین خصیصه در سایر ادیان حقه الهی است.

## ۴۱- اصل کرامت انسانی

کلیهٔ ابنای بشر در عالم در هر وضعیت و با هر رنگ و نژاد و قومیتی گرامی هستند و نمی‌توان بدون مجوز قانونی انسانی خوار یا تحقیر نمود. اگر مخاصمتی با دولت خارجی وجود دارد نباید آن را به افراد ملت که همان بنی آدم است تعمیم داد و به برخورد خصمانه با آنها پرداخت.

## ۴۲- اصل وحدت

اصل وحدت از مسلم‌ترین اصول دینی تمام ادیان حقیقی الهی است و عنصر تشکیل دهندهٔ سیاست خارجی و دیپلماسی می‌باشد. کلیهٔ افراد بشر در حصن حصین کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله قرار دارند و همه با هم برادر و مستحق حقوق برادری و برابری‌اند. احراز این حقوق مبتنی بر دین و آئین و مسلک و عقاید افراد نیست و حکومت‌ها موظف به اعطای حقوق مساوی به همهٔ افراد و گروه‌ها با عقاید و مذاهب یا ادیان مختلف می‌باشند. استثناء فقط در محدود کردن متجاوز در تجاوز به حقوق دیگران مصداق می‌یابد.

## ۴۳- اصل عدم تبعیض نژادی

امتیاز یا محدودیت برای نژادهای مختلف قابل قبول نیست. از جمله گزینش‌ها و تنظیم سهمیه‌های دولت‌ها در مهاجرت افراد متعلق به نژادهای مختلف است که بعضاً با این هدف صورت می‌گیرد که اختلاط نژادی ناشی از نژادهای مختلف سبب تغییر اصالت نژاد کشور مهاجرپذیر نشود. این سهمیه‌بندی و سایر امتیازات مشابه یا مضایق از این دست ممنوع است.

## ۴۴- اصل بیزاری از مشرکین

تفکر و تقوا و علم هر سه ملازم یکدیگرند و ادیان برای تنویر افکار نازل شده‌اند و تلاش انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی همگی در جهت تنویر افکار بوده و هست. هر کس با گفتن لا اله الا الله حتی به دروغ وارد اسلام می‌شود و از جمیع حقوق مسلمین در جامعهٔ اسلامی برخوردار خواهد شد. مضایق وضع شده در مورد مشرکین در جهت ترغیب آنان به تفکر در کتاب خلقت و خالق آن است تا از کوته فکری خود که مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا فلزات و جواهرات می‌سازند و گویند این خدای ماست دوری جویند.

۴۵- اصل انترناسیونالیسم اسلامی در مقابل ناسیونالیسم دولت‌ها

ناسیونالیسم نباید ظرفی برای اعمال قدرت حکومت‌ها بر همسایگان و بر ملت خود باشد. با رقیق کردن ناسیونالیسم و تفاوت‌های نژادی، قومی و فرهنگی و متمایل ساختن آنها به اصول تساوی و برابری باید خرافات ناشی از تفاوت قومیت‌ها و نژادها و گروه‌ها و قبائل را منسوخ نمود. همه برادر و برابر هستیم و مرزهای سیاسی نباید وسیله دولت‌ها برای حفظ منافع خود و برتری جوئی بر دیگری سد راه اخوت انسانی گردد.

۴۶- اصل ممنوعیت تفاخر و برتری جویی ملی

توهم برتری از بی‌خبری و جهل است و همه ما مصنوع یک خالق هستیم و هیچکدام بر دیگری برتری نداریم و همه با هم برادریم و شعبه و قبیله و کشور و ملیت و سایر ویژگی‌ها دلیل برتری و فخر فروشی بر دیگری نیست.

۴۷- اصل همزیستی مسالمت آمیز

اصل در رفع موانع دوستی میان خود و دشمنان است.

۴۸- اصل دوستی با ملل و اقوام

دین بر دوستی استوار است و دوستی مراتب مختلف دارد. دوستی مؤمنین با اقوام و گروه‌های مختلف پس از عشق به خدا و نبی و ولی و وصی ع به ترتیب اهمیت زیر است:

ا - مؤمنین (آنان که بیعت عام و خاص نموده‌اند چه در رشته رسول اکرم ص و چه در رشته‌های متصل سایر ادیان الهی).

ب - مسلمین (آنان که بیعت عام نموده‌اند).

ج - مسلمین وارد در نحلّه اسلام (آنان که بدون بیعت در اجتماع مسلمین نام مسلم بر خود دارند یا به سبب اسلام والدین یا جامعه در نحلّه اسلام قرار گرفته‌اند).

د - اهل کتاب (یهود و نصاری و صابئین و مجوس و باقی رشته‌های ادیان حقه).

ه - اهل کتاب استهزا کننده.

و - مشرکین (آنان که با پروردگار عالم دیگران اعم از اشیاء یا انسانها یا حیوانات را نیز به ربوبیت می‌پرستند).



ز - کفار (آنان که پروردگار عالم را قبول ندارند).

۴۹- اصل حفظ منافع همه ملل و دول در حضور یا غیاب

هر دولتی در حفظ منافع سایر ملل و دول عالم اعم از آشکار یا پنهان و در حضور یا غیاب مسئول است و به دلیل حفظ منافع ملت خود مجاز به اجحاف به حقوق آنان نیست و عدم حفظ منافع غیر خیانت تلقی می‌شود. استثناء دفاع در مقابل حمله دول دیگر و محاربین و دیگر در زمانی است که مورد ظلم واقع شود. حفظ منافع مظلوم و برخورد با ظالم از وظایف دول دیگر است.

۵۰- اصل امانت‌داری

هر نوع مال و دارائی افراد و دولت کشوری نزد کشور دیگر امانت است و دولت میزبان موظف به امانت‌داری و رد آنها به صاحبانش است.

۵۱- اصل ممنوعیت منع خیر

توسعه و رشد کشورها در گرو و تعامل در توسعه و رشد یکدیگر است. در این ارتباط رویه بین‌المللی دولت‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود تا منجر به رفع موانع کمی و کیفی توسعه و رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای همه دول و ملل عالم شود.

۵۲- اصل بیطرفی ناکامل سیاسی

دولت‌ها در ارتباط با انسان‌ها چه شهروندان داخلی و چه خارجی مسئولند که هرگاه در زیر ستم و نیازمند حمایت باشند آنها را حمایت کنند و با ستمگر مقابله نمایند. قابل قبول نیست که عده‌ای تحت ستم باشند و سایر دولت‌ها موضع بیطرف نسبت به ستم‌دیده و ستمگر بگیرند.

۵۳- اصل نفی تحت‌الحمایگی و جواز حمایت

دولت اسلام تحت‌الحمایه هیچ کشوری قرار نمی‌گیرد بلکه کشورهای دیگر را نیز تحت‌الحمایه قرار می‌دهد.

۵۴- اصل عدم مداخله در امور کشورها

هر کشور حق دارد سرنوشت خود را خودش تعیین کند و کسی حق ندارد در تعیین و ترسیم

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی و طرح کنوانسیون‌های نوین بین‌المللی از دیدگاه حکمت

سرنوشت او تصمیم بگیرد. هیچ کشوری مجاز نیست بطور مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نماید. اصل بر اقدام متقابل و عدم دخالت در امور کشورهاست مگر گروهی تحت ظلم و ستم واقع شوند.

#### ۵۵- اصل وجوب آزادسازی ستم‌دیدگان

زمانی که به ستم‌دیدگان ستم شود سایر دولت‌ها موظف به حمایت از ستم‌دیده و مظلوم هستند و باید به رفع ظلم از ناتوانانی که به آنها ظلم می‌شود حتی با جنگ اقدام کند. این یاری در لشگرکشی‌های بین‌المللی براساس توافقات و قوانین بین‌المللی است و نباید بهانه کشورهای دیگر در تجاوز به کشورهای کوچک به بهانه آزادسازی ملل آنها قرار گیرد. استثناء دربارهٔ پیمان‌هایی است که قبلاً بسته شده باشد.

#### ۵۶- اصل حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها

دولت‌ها مکلفند تا نسبت به رفع تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی و سایر اشکال نابرابری در مورد اقلیت‌های ملی یا قومی یا مذهبی یا زبانی و اعطای شرایط مساوی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به آنان و آزادی آنها در عقاید، آراء، رسوم، سنن، مذهب، زبان، قومیت و ملیت خود بر طبق نظر و ارادهٔ خودشان، اقدام نمایند. محدودیت این اصل در تجاهر به فسق و تجاوز به حقوق دیگران است.

#### ۵۷- اصل عدم مصداق بردگی و برده فروشی در این زمان

در صحت رقیب تمام غلامان و کنیزانی که در این زمان وجود دارند شک و تردید است و همه آنها آزاد هستند.

#### ۵۸- اصل اتحاد بر حق

اتحادیه‌های مختلف اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و تجاری در بین گروه کشورهای مختلف با اهداف کلی افزایش کارآئی انتفاع بین کشورهای عضو و افزایش سود یا جلوگیری از زیان وارده ناشی از کشورهای غیرعضو همواره در جهت حداکثر کردن منافع گروهی اعضا در شرایطی قابل تشکیل هستند که باعث پایمال شدن حقوق دیگران نشوند و برای اعمال ظلم به کشور دیگر نمی‌توان با کشور ثالثی متحد شد یا معاهده بست. تعمیم این اصل با توافق یکپارچه بین‌المللی و اتحاد جهانی کشورها ضامن اجرای قوانین بین‌المللی است.

۵۹- اصل ممنوعیت ظلم و عدم جواز به یاری در ظلم  
 ظلم، عبارت از وضع یا منع شیء در غیر جایی است که باید گذاشته شود، و به اعطاء حق به غیر مستحق و منع حق از مستحق تفسیر می‌شود. عدم عمل به حق به معنی ظلم و در زمره جرم است. دولت‌ها نباید در مورد دول یا افراد آن مرتکب عملی گردند که از حق دور و به ستم نزدیک باشد یا به دولت‌ها و افرادی که به دیگر افراد و دولت‌ها ستم می‌کنند یاری کنند.

۶۰- اصل عدم جواز به سلطه‌جویی و بغی  
 دولت‌ها چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ مجاز به سلطه‌جویی، بسط ید و حکومت و ریاست بر امم عالم نیستند.

۶۱- اصل اکراه به جنگ  
 دفاع در برابر متجاوز و یاری مظلوم و استنصار بر همه واجب است و در غیر این صورت نمی‌توان به بهانه‌های متفاوت اقدام به تجاوز تکفیر یا حمله به دیگری با هر دین و مسلکی نمود.

۶۲- اصل عدم جواز به حمله و جواز دفاع  
 اصل بر اصلاح و صلح بین ملل است. تعدی از هر نوع، «تعدی از ابتدا» یعنی تجاوز و شروع جنگ و «تعدی در میانه» جنگ یعنی بیش از آنکه لازم است به دشمن آسیب زده شود یا ادامه جنگ پس از آنکه دشمن تسلیم شد یا به اسیران یا غیر نظامیان ممنوع است.

۶۳- اصل شدت برخورد با متجاوز محارب  
 تنبیه متجاوز نه تنها تأدیب اوست بلکه تنبیه سایرین در اقدام به تجاوز است. برخوردهای شدید از این نوع همانند قصاص موجب حیات جامعه بشری است.

۶۴- اصل وجوب یاری در نیکی و ممنوعیت یاری در تجاوز  
 کشورها مجاز به یاری رساندن به یکی یا دو یا بیشتر یا همه طرفهای درگیر در جنگ به دلیل منافع احتمالی فعلی یا آتی خود یا به دلیل ناخوشایندی از ایدئولوژی کشور مظلوم نیستند.

۶۵- اصل مبتنی بودن استراتژی و تاکتیک‌های جنگی بر نظر صاحب اجازه

رؤسای حکومت‌ها که به بهانه‌های مختلف جنگ افروزی نموده و افراد مملکت خود یا مملکت حریف را به کشتن می‌دهند مسؤول هستند. مباحث بسیاری در مورد وحدت فرماندهی، پایداری و استقامت، عقب نشینی، و جوب کفائی شرکت در جنگ، آمادگی رزمی و بسیج همگانی، رفتار با دشمن و حُسن رعایت مسائل حقوق بشر در جنگ و حیل‌های جنگی و کشتار نظامیان و نظامیانی که مجبور به شرکت در جنگ شده‌اند، حقوق غیرنظامیان، تسلیم شدگان، فراریان، اسلام آوردندگان، مجروحان و اسیران جنگی، هدفهای غیرنظامی، محاصره اقتصادی، تخریب اموال دشمن، استعمال تاکتیک‌های جنگی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و تشعشعی و اتمی، امان در جنگ، غنیمت جنگی اعمّ از منقول و غیر منقول، ترک مخاصمه، انعقاد پیمان‌های مکمل و عدم جواز به حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان و بسیاری موارد دیگر از حقوق بین‌الملل که در جنگ‌ها پذیرفته شده و در ارتباط با جنبه‌ها و اصول انسان دوستانه هستند لازم‌الرعایه است.

۶۶- اصل اجبار در پذیرش پیشنهاد صلح

هرگاه متجاوز درخواست صلح بدون نیت فریب داشته باشد پذیرش آن توسط دولت‌های متخاصم فرض است.

۶۷- اصل عدم جواز به اسارت دشمن پس از خاتمه جنگ

وقتی متجاوز سرکوب شد و نیروی دشمن به اسارت درآمد دیگر جوازی برای نگهداری اسرا نیست و باید آنها را یا رها نموده یا پس از دریافت فدا آزاد نمود.

۶۸- اصل عدم جواز به شکنجه و آزار اسرای دشمن

آزار اسرای دشمن و حتّی سایر مجرمین به مثابه تعدّی تلقی می‌شود و ممنوع است و شکنجه دهنده یا آزار دهنده مستحقّ مجازات است. نمی‌توان برای تلافی حمله دشمن اسرایی از دشمن که در تک و پاتک‌ها یا پیکارهای قبلی به اسارت گرفته شده‌اند را قصاص کرد یا کشت یا شکنجه نمود.

۶۹- اصل عدم جواز در تجارت و اقدامات ضدّ بشریت و ضدّ محیط زیست

فعالیت‌هایی که موجب تخریب محیط زیست، اعمّ از گیاه، حیوان و انسان گردند از جمله تولید و تجارت مواد مضر و سموم شیمیایی به منظور از بین بردن انسانها و تخریب مزارع و دامها برای ضربه

زدن به دیگران، تسلیحات برای حمله و سلاح‌های کشتار جمعی، دفن زباله‌های هسته‌ای در کشورهای ضعیف و تبانی با مأموران و رهبران آنها، تولید، مصرف، صادرات و واردات هر نوع مادهٔ اولیه یا واسطه‌ای مصرفی که باعث فساد در نبات و دام و انسان گردد و مضر به سلامتی آنها باشد و سایر موارد مشابه ممنوع است.

۷۰- اصل عدم جواز به از بین بردن مواد غذایی در جهت کسب منافع مادی افزایش قیمت مواد غذایی با از بین بردن بخشی از آن یا کاهش سطح زیر کشت جهت کاهش عرضه و نتیجتاً افزایش قیمت مجاز نیست و نمی‌توان حقّ ضعفاً و ناتوانان از ملل دیگر را نادیده گرفت و هرطور که منافع ملی اقتضاء کرد به کسب منافع پرداخت.

۷۱- اصل ممنوعیت احتکار بین‌المللی ارزاق و الزام خوراک‌رسانی به گرسنگان جهان احتکار ارزاق عمومی چه داخلی و چه خارجی جایز نیست و در صورت قحطی و خشکسالی که مردم گرسنه باشند مراجع قانونی مجازند تا برای جلوگیری از تلف شدن انسان‌ها ناشی از قحطی و گرسنگی فرمان دهند انبارها را باز کنند و قوت مردم را به آنها دهند.

## اصول پیشنهادی دیپلماسی

دیپلماسی به دو معنی کلی خط‌مشی یا سیاست‌های یک کشور در قبال مسائل سیاسی بین‌المللی اعمّ از کشورهای خارجی یا مناطق مختلف یا پیمانهای بین‌المللی اعمّ از جهانی یا منطقه‌ای و به مفهوم هنر یا فن مذاکره جهت رسیدن به تفاهم مشترک در عرصهٔ بین‌المللی می‌باشد و به هر معنی در برقراری ارتباط مفهوم پیدا می‌کند. هدف و انگیزه دیپلماسی در اصل چرائی ایجاد و برقراری رابطه با دنیای خارج است و نباید تنها در کسب امنیت و منفعت خلاصه شود و علیرغم توجه به حصول جمیع مؤلفه‌های مورد نیاز برای ایجاد امنیت و کسب منفعت برای دولت و ملت، باید به دنبال هدف بالاتری اقدام به طراحی دیپلماسی و برقراری روابط بین‌الملل نمود. هدف دیپلماسی باید اشاعهٔ تعالی انسانی باشد. قواعد کلی دیپلماسی نحوهٔ رفتار حکومت یک کشور با دیگر ملّت‌ها و دولت‌ها است که در این بخش به اصول لازم الرعایه آن خواهیم پرداخت.

۷۲- اصل مأموریت بر مبنای اجازه

احراز مناصب دینی، قضائی، سیاسی و اجرائی بر مبنای اجازه است و هیچکس از پیش خود محق نیست تا حتی در امور جزئیة فرعیة حکم کند.

۷۳- اصل اطاعت از صاحبان اجازه

هر عملی بدون اجازه صاحب‌اِذن فضولی در امر تلقی و ممنوع است. این اصل بازدارنده دیپلماسی سرخود یا اجتهاد به رأی است.

۷۴- اصل مسئولیت دیپلماتیک

بطور کلی مأمور معذور نیست بلکه مسئول است و موظف است وظایف خود را به نحوی انجام دهد که سبب تحقق حق گردد و نه سبب تحقق مأموریت اسمی وی. به عبارت دیگر مأموریت مأمور سیاسی استیلای حق بر ظلم به مفهوم گسترده حق و ظلم است. وظیفه مأمور سیاسی تنها حفظ منافع ملی یا قومی یا فردی نیست و هنگامی که او را برای نمایندگی یا مذاکره یا گزارش‌دهی یا گسترش روابط اعزام می‌نمایند در اصل برای حصول منافع بشریت اعزام می‌نمایند و نه تنها برای حصول منافع دولت متبوع یا آمر او یا فرد وی. در مأموریت او وظیفه دارد تا کلیه مملوکات حق را به میزان شأن آنها مراقبت و خدمت و التفات نماید.

۷۵- اصل مصونیت سیاسی و عدم مصونیت اجتماعی و شخصی دیپلمات

وظایف دیپلمات‌ها در حدود موارد شمرده شده در کنوانسیون وین و با این استثناء که دیپلمات موظف به حفظ منافع ملل دیگر و موظف به اعتلای حق و رفع ظلم و تعالی بشریت نیز هست، مورد قبول و احترام است. مصونیت شخصی دیپلمات‌ها نظیر توقیف و تفتیش مراسلات و منازل و لوازم آنها همانگونه که در مورد سایر افراد ممنوع است در مورد آنها نیز ممنوع می‌باشد. چنانچه دیپلماتی تجاوز به حقوق دیگران نماید که مستوجب مجازات براساس قانون باشد از جزاء معاف نیست ولی اگر شاکی فردی یا خصوصی نداشته باشد و جرم وی در زمره جرائم حقوق خصوصی طبقه‌بندی نشود طبق مصالح دولت میزبان از لحاظ عفو یا اخراج با وی برخورد خواهد شد. و چون این برخورد طبق عرف بین‌المللی غالباً متقابلاً پاسخ داده می‌شود بایست بر سبیل عفو باشد تا سبب نزاع در بین امم و ملل و دول نگردد. هیچ دولتی مجاز نیست برای تلافی اعمال دولت دیگر

دیپلمات‌های آن را مورد ایذا و اذیت قرار دهد.

۷۶- اصل تبلیغ به عمل و محدودیت امر و نهی بیانی

برای تربیت دیپلمات‌ها و دیگران این مسئله لازم است تفهیم شود که تبلیغ بر مبنای صلاح و صحت عمل است و تبلیغ زبانی فقط مختص افرادی است که در این باب اجازاتی دارند.

۷۷- اصل عدم جواز به تحمیل عقیده

تحمیل عقیده جایز نیست. آزادی فرد تا جایی گسترش می‌یابد که به آزادی دیگران لطمه‌ای وارد نسازد.

۷۸- اصل احترام به عقیده دیگران و منع تفتیش عقیده

هرکس آزاد است عقیده خود را داشته باشد و عقاید متنوع در میان اقوام و ملل مختلف جهان محترم - استثناء در عقیده شرک است - و استهزاء عقاید دیگران ممنوع است.

۷۹- اصل انطباق گفتار با کردار

دولت‌ها باید به همان چیزی که اعتقاد دارند عمل نمایند و به آنچه که عمل می‌نمایند همان باشد که به آن اقرار دارند.

۸۰- اصل ناپسندیدگی کید و نیرنگ سیاسی و اقتصادی

اصل چیزی است که چیز دیگر بر آن بنا شود. راستی و درستی اصل است. مکر مخفی کردن مقصود و اظهار غیر آن هنگام عجز از حصول مقصود به صورت آشکار می‌باشد. کید و نیرنگ یا حيله در ارتباط مستقیم با ضایع کردن حق یا حقوق دیگران به نفع خود از طریق اعمال روشهایی است که به نحوی صاحب حق آگاهانه یا ناآگاهانه، به اختیار یا بدون اختیار به رضایت یا عدم رضایت حق خود را بدون دریافت عوض عادلانه به نفع فرد متقابل از دست دهد و دور از شأن هر حکومت است که در جهت حفظ منافع خود با تصرف حق دیگران به حيله روی آورد و منافع و حقوق دیگران را از آن خود نماید. لذا هر اقدامی مبنی بر پنهان کردن واقعیت در جهت انتفاع ملی ممنوع است. استثناء در جنگ است.

۸۱- اصل صداقت در مذاکرات

صداقت و عدالت در مذاکرات اصل است و باید توسط مذاکره کنندگان رعایت شود. نمایندگان دول مقتدر نباید به شیوه‌های مختلف یا با کید و نیرنگ‌های دیپلماتیک در خلال قراردادهای متعدد با کشورهای ضعیف و عقب‌مانده موادی بگنجانند که به ضرر ملل محروم آن کشورها شود و منافع ملی کشورهای ضعیف را به نفع کشور متبوع خود به تاراج برند. قراردادهای در ظاهر مودت‌آمیز و دوستانه که در عمل باعث سوءاستفاده از ضعف و عقب‌افتادگی ملت طرف قرارداد شود باطل است. در مذاکرات چندجانبه نیز طرفداری و معیت باید از صادقین باشد.

۸۲- اصل ممنوعیت جعل کلام، دروغ و بهتان سیاسی

کلام دروغ و انتساب آن به دیگران و تشییع خلاف به بهتان یا افک یا افترا همه ممنوع و مردود است و نباید برای حصول اهداف سیاسی متوسل به دروغ و جعل کلام و بهتان و افک و افترا در عرصه بین‌المللی شد.

۸۳- اصل عدم جواز به توهین یا استهزاء

سب، توهین یا استهزاء در شأن دولت‌ها و دیپلمات‌ها و مردم آنان نیست و شدیداً نهی می‌شود. هرگونه اهانت، مرده‌باد، مرگ‌بر، کاریکاتور کشیدن، مجسمه رؤسای کشورهای مختلف را آتش زدن، شکلک درآوردن، پرچم کشوری را آتش زدن یا بر زمین انداختن یا تصویر پرچم کشوری را بر زمین زیر پای مردم برای تحقیر و خوار کردن آن کشیدن و نمایش تلویزیونی دلچکی نشان دادن یا لطفیه‌ها یا سرودهای نامحترمانه و مستهزی درباره یک کشور ساختن و از رسانه پخش کردن و بسیاری موارد مشابه خلاف اصول انسانی است.

۸۴- اصل تحیت و دفع حسن و جزاء احسن

یکی از اصول اخلاقی برخورد نیکو و پاسخ خوب و پاداش بهتر از عمل طرف مقابل است.

۸۵- اصل عدم حمایت از خائن و جواز اقدام به مثل

خیانت از صفات منهیه و رذیله و ممنوع است و نه تنها دفاع از خائن مجاز نیست بلکه عمل همانند خودش نیز مجاز است. از مصادیق خیانت در امور بین‌المللی و دیپلماسی عملیات جاسوسان است که در وظایف خود خیانت نموده‌اند یا مأموران و فرستادگان دولتی که در انجام وظایف محوله



دچار تقصیر شده‌اند و دول خارجی که به تعهدات خود عمل ننموده‌اند و مسائلی از این دست است.

۸۶- اصل عدم جواز به دادن یا ستاندن رشوه  
 رشوه دادن و گرفتن ممنوع است و فقط استثناء در پرداخت رشوه جهت اعاده حق است.

۸۷- اصل ممنوعیت غصب و اکل اموال دول و ملل دیگر به باطل  
 اکل اموال و حقوق و دارائی‌های ملموس و غیرملموس ملل و دول دیگر ممنوع است و دولت‌ها مجاز نیستند تا به بهانه‌های مختلف، اموال، مستغلات، حساب‌های بانکی یا سایر دارایی‌های منقول و غیرمنقول کشورهای دیگر یا تابعین آنها را بدون مجوز قضائی تصرف، مصادره یا حبس نمایند یا اقدام به گروکشی کنند مگر در شرایط جنگ و حرب گرم و نه جنگ سرد و آن هم تحت شرایط خاص جلوگیری از کمک به محارب. غصب نیز تصرف عدوانی در مال یا متعلق یا حق غیر است و غاصب باید مال را به مالک مسترد نماید و چنانچه مال مغضوب تلف شود غاصب ضامن مثل یا بهای آن است.

۸۸- اصل ممنوعیت ترور

ترور و قتل افراد اعم از شهروندان داخلی یا خارجی با هر وسیله و ابزار و توسط هر شخص یا دولت با واسطه یا بلاواسطه، فردی یا جمعی، بدون مستسک یا با توجیه و مستسک ایدئولوژیک، مخفیانه یا آشکار به هر شکل و نوع ممنوع است و آمر و معاون و مباشر در جرم مجرم و ولی دم حق قصاص دارد.

۸۹- اصل اکرام بر ضیف

هر کس که به کشوری وارد می‌شود نه تنها از حقوق فردی در آن کشور برخوردار و حقوق مکتسب قبلی خود را نیز به همراه می‌آورد بلکه از حقوق ویژه میهمان نیز برخوردار می‌گردد. پناهندگی به حکومت حتی برای مشرکین هم لازم القبول است. تابعیت اکتسابی ناشی از پناهندگی یا ناشی از استدعا هر دو سبب اعطای حقوق شهروندی به فرد تابعیت‌پذیرنده است و این فرد علی‌الاصول نباید از حقوق اجتماعی دیگر افراد چیزی کمتر دریافت کند و در حقوق خصوصی همانند دیگران است. بر اساس قاعده احترام بین‌المللی به حقوق مکتسب، حقوق مکتسب پناهنده یا تابعیت

پذیرنده مورد احترام و قبول است.

۹۰- اصل ممنوعیت نفی بلد و نفی تابعیت

نفی بلد افراد چه در حیطة ملّی و چه در حیطة بین‌المللی و نفی تابعیت افراد مجاز نیست مگر در موارد خاصّ محاربه و افساد در زمین.

۹۱- اصل آزادی جابجایی افراد و حذف روادید

دولت‌ها بایست شرایط لازم برای آزادی ورود و خروج گردشگران خارجی و داخلی به کشور خود را فراهم و بطور متقابل ویزا را از میان بردارند.

۹۲- اصل جواز مهاجرت و اقامت دلخواه برای کلیه افراد روی زمین

کره ارض متعلّق به خالق انسانهاست و وطن ابناء بشر می‌باشد. هر کس محق است در هر کشوری سکنی گزیند یا به آن یا از آن مهاجرت نماید. مهاجرت به و مهاجرت از هر محل یا کشور از حقوق افراد است و جز در موارد نادر تضييع حقوق دیگر شهروندان این حقوق از افراد خارجی یا داخلی قابل سلب نیست.

۹۳- اصل الزام به کتمان اسرار

اصل بر کتمان اسرار است مگر موجب تضييع حقوق دیگران شود.

۹۴- اصل ممنوعیت تجسس در امور خصوصی افراد

حریم خصوصی افراد محترم است و تجسس به هر گونه‌ای خواه با وسائل و تجهیزات جاسوسی و خواه بدون وسیله با قدم یا نگاه یا استراق سمع با هر وسیله و از هر طریق ممنوع است. نظارت بر تحرکات دشمن و بیگانگان شامل این موضوع نیست و در مواردی چون تجسس از مظنون به همکاری با دشمن در زمان جنگ یا فردی که برای دشمن جاسوسی می‌نماید مجاز است.

۹۵- اصل وجوب تجسس در امور مأموران دولتی و بیگانگان و دشمن و کشف جرایم

انواع تجسس زیر مجاز است:

أ - تجسس در اعمال و فعالیت مأموران و شاغلین بخش دولتی جهت جلوگیری از تخلف

آنها.

- ب - تجسس مرزی در ورود کالای مضر به حال جامعه یا ورود دشمن.
- ج - تجسس در فعالیت‌ها و نقل و انتقالات و تحرکات بیگانگان اعم از دشمنان یا غیره برای ایجاد شرایط امن و حفظ جان تابعین از تعرض دیگران.
- د - تجسس برای کشف جرم و تنبیه مجرم و بازگرداندن حق به صاحب آن.
- ه - تجسس در اعمال و فعالیت متجسسین (حفاظت اطلاعات).

ضمیمہ

منابع و ماخذ



## منابع فارسی و عربی

- حضرت حاج ملا علی بیدختی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ چهارم، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، بیان السَّعادة فی مقامات العبادَة. ترجمه حشمت‌الله ریاضی و محمدآقا رضاخانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، کتابخانه صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده، (۱۳۸۲)، شریعت، طریقت و عقل، ماهیت و قلمرو عقل و تفکر، انتشارات حقیقت، تهران. <http://www.sufism.ir/>
- ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ قمری.
- ابوداود، سنن ابوداود.
- ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی معروف به علامه حلّی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضویه.
- افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشرهزاران.
- اکبر کمیجانی، بیژن بیدآباد، زهرا عابدی، فریبا فهیم یحیایی، محمد عیسی زاده، فریبا شیرخانی، تحلیلی بر مالیات بر ارزش افزوده و بررسی مقدماتی امکان اجرای آن در اقتصاد ایران، گزارش مرحله اول، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارائی، ۱۳۷۱. چاپ مجدد توسط معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، ۱۳۷۴.
- <http://www.bidabad.ir/doc/malyat-vat.pdf>
- امیدبخش اسفندیار، بیژن بیدآباد، اکبر کمیجانی، رفعتی، حکیمیان و همکاران. بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت، سازمان مدیریت

- صنعتی، وزارت صنایع، دی ۱۳۷۵.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد ( غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتب اسلامی، قم.
  - بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی.
  - بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور). <http://www.bidabad.ir/doc/wto-iran-ketab.pdf>
  - بیدآباد، بیژن (۱۳۸۲). نرخ و پایه مالیاتی در مالیه اسلام و بنای حکمت در اصول فقه پویای امامیه. <http://www.bidabad.ir>
  - بیدآباد، بیژن (۱۳۸۳). عشریه در مالیه اسلام. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، تهران. <http://www.bidabad.ir>
  - بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰)، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی. <http://www.bidabad.ir/doc/convention-trade.pdf>
  - بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) «تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وامهای مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستیهای فقه متداول در کشف احکام شارع». پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران. <http://www.bidabad.ir/doc/reba-fa.pdf>
  - بیدآباد، بیژن. آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، ۱۳۸۲، تهران. <http://www.bidabad.ir>
  - بیدآباد، بیژن. موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت و حذف از بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۸۱. <http://www.bidabad.ir>
  - بیدآباد، بیژن، طرح اصولی برای تنظیم روابط بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.ir/doc/international-relations-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، مبانی عرفانی حقوق اساسی در اسلام، فلسفه حقوق، حقوق فردی، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.
- <http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoquqe-asasi.pdf>

- بیدآباد، بیژن، مبانی عرفانی حقوق در اسلام، حقوق تطبیقی، نظام‌های حقوقی، حقوق جزا از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoqooq.pdf>

- بیدآباد، بیژن، جهانی سازی و سازمان تجارت جهانی. ۱۳۸۷.

<http://www.bidabad.ir/doc/globalization-wto.pdf>

- بیدآباد، بیژن، طرح تفصیلی سیستم کشف پولشویی (Money Laundering MLD Detection System)، سیستم مکمل بانکداری راستین. اداره تحقیقات و برنامه‌ریزی، بانک ملی ایران. ۱۳۹۱. <http://www.bidabad.ir/doc/detailed-mld.pdf>

- بیدآباد، بیژن، مبانی عرفانی اقتصاد اسلامی، پول، بانک، بیمه و مالیه از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۳. <http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-eqtasade-islami.pdf>

- بیدآباد، بیژن، مبانی عرفانی روابط بین‌الملل در اسلام، حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی، دیپلماسی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۴.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-ravabet-beynolmelal.pdf>

- بیدآباد، بیژن، مبانی عرفانی علوم سیاسی در اسلام، سیاست، حکومت، ولایت از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸. <http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-olooome-siasi.pdf>

- بیدآباد، بیژن، موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی. ۱۳۸۷.

<http://www.bidabad.ir/doc/wto-agreements.pdf>

- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی اقتصاد اسلامی، پول، بانک، بیمه و مالیه از دیدگاه حکمت. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-eqtasade-islami.pdf>

- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی روابط بین‌الملل اسلامی، حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی، دیپلماسی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۴.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-ravabet-beynolmelal.pdf>

- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی علوم سیاسی در اسلام، سیاست، حکومت، ولایت از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.

<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-olooome-siasi.pdf>



- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی حقوق در اسلام، حقوق تطبیقی، نظام‌های حقوقی، حقوق جزا از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.  
<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoqooq.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی حقوق اساسی در اسلام، فلسفه حقوق، حقوق فردی، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.  
<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoquqe-asasi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی تجارت بین‌الملل در اسلام، بررسی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی از دیدگاه حکمت، ۱۳۹۰.  
<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-trade.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) خلاصه اصول روابط بین‌الملل در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی (حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی)  
<http://www.bidabad.ir/doc/inter-rel-kholaseh-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، طرح اصولی برای تنظیم روابط بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/international-relations-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول حقوق بین‌الملل عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/inter-public-law-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول سیاست خارجی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/foreign-policy-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول دیپلماسی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/diplomacy-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/hoqooqe-omoomi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق فردی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/hoqooqe-fardi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، فلسفه حقوق از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/falsafeh-hoqooq.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق جزا از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوّف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/hoqooqe-jaza.pdf>

- بیدآباد، بیژن، حدود در حقوق جزای اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی،  
<http://www.bidabad.ir/doc/hudood.pdf> .۱۳۸۹
- بیدآباد، بیژن، قصاص، دیات و تعزیرات در حقوق جزای اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/qesas-diat-tazirat.pdf>
- بیدآباد، بیژن، سیاست و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/siasat-va-hokoomat.pdf>
- بیدآباد، بیژن، دین و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/din-va-hokoomat.pdf>
- بیدآباد، بیژن، ولایت و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/velayat-va-hokoomat.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اداره امور عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/edareh-omooore-omoomi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، تحولات اجتماعی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/tahavolate-ejtemaee.pdf>
- بیدآباد، بیژن، پدیده تاریخی قتل پیامبران، عرفا و اهل تصوف، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/qatle-payambaran.pdf>
- بیدآباد، بیژن، عقل و حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/aql-va-hekmat.pdf>
- بیدآباد، بیژن، شیوه حکومت اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.ir/doc/shiveh-hokoomat-eslami.pdf>
- بیدآباد، بیژن، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۰.  
<http://www.bidabad.ir/doc/convention-trade.pdf>
- بیدآباد، بیژن، مهدی طباطبائی، برده‌داری در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۰.  
<http://www.bidabad.ir/doc/bardedari-erfan-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، مالکیت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۲. چاپ خلاصه

مقاله تحت عنوان حقوق مالکیت فردی، در حقوق و اقتصاد، ماهنامه علوم انسانی، شماره ۱، آذر ۱۳۹۲، صفحات ۵۴-۵۷.

<http://www.bidabad.ir/doc/ownership-fa.pdf>

- بیدآباد، بیژن، پیشنهاد اصول کلی کنوانسیون بین المللی مالیه عمومی مبتنی بر دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۲.

<http://www.bidabad.ir/doc/public-finance-convention-fa.pdf>

- پور مقیم، سید جواد، تجارت بین الملل نظریه‌ها و سیاستهای بازرگانی تابستان ۱۳۷۵.
- ترمذی، سنن ترمذی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰) التعریفات جرجانی. انتشارات ناصر خسرو، تهران.
- جرجانی، شریف (۱۳۶۰) ترجمان القرآن: فرهنگ عربی فارسی، ترتیب داده عادل بن علی بن عادل الحافظ. نشر بنیاد قرآن، تهران.
- جعفر سبحانی (۱۳۷۱) فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش.
- حسن آبادی، محمد و علیرضا نجار صراف پاییز، (۱۳۸۴). نیم قرن تجربه آمریکا در نظام‌های بودجه ریزی عملیاتی. تهران، بهراد.
- حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۳ق) فقه العقود، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۷) مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاوندکار، جلیل، احسان خاوندکار، افشین متقی (۱۳۸۸). سرمایه فکری، مدیریت، توسعه و مدل‌های سنجش. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- دفترنمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی ایران <http://www.irtr.gov.ir>
- دومینیک سالواتوره، تجارت بین الملل ترجمه حمیدرضا ارباب چاپ اول فروردین ۱۳۷۶.
- دیوید هلد و آنتونی سکرگر، جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.

- راغب اصفهانی (۱)، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر بیروت، لبنان.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، تجارت بین الملل (تئوریه‌ها و سیاستها) چاپ اول بهار ۱۳۷۴.
- روح الله موسوی خمینی (۱۳۷۵) تحریرالوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳ زمستان، صص ۳۵-۷.
- زوزنی، ابو عبدالله حسین بن احمد (۱۳۰۱) المصادر زوزنی، چاپ هندوستان.
- سازمان تجارت جهانی <http://www.wto.org/>
- ساکت، محمد حسین (۱۳۸۵) حقوق مالکیت فکری، تاریخچه و مبانی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰ و ۵۱.
- شرتونی لبنانی، سعید خوری (۱۹۱۲م) اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، نشر اسوه، تهران.
- شرح اللعمه الدمشقیه (شهید اول) محمدابن مکی، کتابفروشی وجدانی، قم، ۱۳۷۳.
- شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبد العالی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، نشر آل بیت قم، ۱۳۱۴ قمری.
- صدر، محمد باقر، اقتصادنا.
- صفایی، حسین (۱۳۷۰) حقوق مدنی تطبیقی، نشر میزان، تهران.
- صفایی، حسین (۱۳۷۵). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان.
- صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم عبد الکریم (۱۳۹۳)، منتهی الارب فی لغه العرب، ترجمه: محمدحسن فوادیان، علیرضا حاجیان‌نژاد، چاپ دانشگاه تهران.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق) العروه الوثقی، موسسه نشر الاسلامی.

- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان. ترجمه فارسی انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم.
  - طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار الاسوه، تهران، ۱۴۱۶ق.
  - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اسلامیة تهران، ۱۳۹۰ق.
  - علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (۱۳۸۹ق) کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، مکتبه التراث الإسلامی.
  - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا.
  - فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۶ق) التفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی.
  - کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم.
  - کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق، چاپ ۲۷، انتشارات دانشگاه تهران.
  - گرجی، ابو القاسم (۱۳۷۱) حقوق معنوی و حکم آن. خبرنامه انفورماتیک، سال ۷ ش ۳ و ۴ شهریور و آبان.
  - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی ( ) ملا محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی.
- <http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/11145>
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.
  - محتشم دولتشاهی، طهماسب. اقتصاد بین‌الملل چاپ اول سال ۱۳۷۱.
  - محمد بن عبدالباقی الزرقانی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، دارالکتب علمیه، بیروت، ۱۴۱۷ق.
  - محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۸۸)، فروع کافی، نشر قدس، قم.
  - محمد صادق روحانی (۱۴۱۴ق) المسائل المستحدثه، قم، دارالکتاب.

- مرتضی مطهری (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا.
- مقری بیهقی، احمد بن علی تاج المصادر بیهقی (۱۳۶۶) مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- میزان الحکمه، (۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش) دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- نفیسی، میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء (۱۳۱۷ش). فرهنگ نفیسی، شرکت سهامی چاپ رنگین، تهران.
- ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹) مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام. ترجمه محمدرضا عطایی، چاپ آستان قدس رضوی، مشهد.
- یوسف بن احمد بحرانی، حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.

## منابع انگلیسی

- A Dixit, Norman (1985). Theory of international trade, Cambridge University Press.
- Adam Smith (1776). An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Ahmad, Syed (1991). Capital in Economic Theory: Neoclassical, Cambridge and Chaos. Edward Elgar Publications.
- Anderson. Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide. 1996.
- Bidabad (2004), Economic-juristic analysis of usury in consumption and investment loans and contemporary jurisprudence shortages in exploring legislator commandments. Proceeding of the 2<sup>nd</sup> International Islamic Banking Conference. Monash University of Malaysia. 9-10 September. <http://www.bidabad.ir/doc/reba-en.pdf>
- Bidabad, Bijan (2014) Mystical (Sufi) foundation of international relations in Islam, public international law, foreign policy and diplomacy, a theosophy approach based on Islamic Sufi teachings. Lap Lambert Academic Publishing, OmniScriptum GmbH & Co. KG, ISBN: 978-3-659-62906-8.
- Bidabad, Bijan (2014) International Relations Principles, an Islamic Sufi Approach: Public International Law, Foreign Policy, and Diplomacy, a

Theosophical Approach Based on Islamic Sufism Teachings. Lap Lambert Academic Publishing, OmniScriptum GmbH & Co. KG, ISBN: 978-3-659-63502-1.

- Bidabad, Bijan (2015) A convention for international trade (based on Islamic Sufi teachings), International Journal of Law and Management, Vol. 57 Iss: 5, pp.522 - 551. Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/IJLMA-06-2013-0025>
- Bidabad, Bijan, (2011) Foundations of International Relations: An Islamic Sufi Approach. International Journal of Law and Management, Vol. 53, No. 5, pp. 313-339, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431111166322>
- Bidabad, Bijan, (2011) Public International Law Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 53, No. 6, pp. 393-412, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431111185178>
- Bidabad, Bijan, (2012) Public International Law Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54, No. 1, pp. 5-25, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211189588>
- Bidabad, Bijan, (2012) Foreign Policy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 54, No. 2, pp. 97-124, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211208531>
- Bidabad, Bijan, (2012) Foreign Policy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54, No. 3, pp. 173-196, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211228584>
- Bidabad, Bijan, (2012) Diplomacy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 54, No. 4, pp. 253 – 273. Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211245305>
- Bidabad, Bijan, (2012) Diplomacy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54, Iss: 6, pp.422 – 442. Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211281936>
- Bidabad, Bijan, Mehdi Tabatabaei, (2012) Slavery in Islam. An Islamic Sufi Approach. <http://www.bidabad.ir/doc/bardedari-erfan-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, (2012) Public Law: An Islamic Sufi Approach.  
<http://www.bidabad.ir/doc/hoqooqe-omoomi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, (2012) Individual Law: An Islamic Sufi Approach.

<http://www.bidabad.ir/doc/hoqooqe-fardi-en.pdf>

- Bidabad, Bijan, (2012) Public Administration: An Islamic Sufi Approach.  
<http://www.bidabad.ir/doc/edareh-omoore-omoomi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, (2012) Social Changes: An Islamic Sufi Approach.  
<http://www.bidabad.ir/doc/edareh-omoore-omoomi-en.pdf>
- Bourdieu, Pierre (1986). The Forms of Capital, in Richardson, John G., ed., Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York, Greenwood.
- Butler, Cornelia (2005). Community Capitals, North Central Regional Center for Rural Development, Iowa State University.
- Cohen, Daniel (2006). Globalization and its enemies. MIT Press.
- Fisher, Irving (1906). The Nature of Capital and Income. Macmillan.
- Flora, Alice (2005). Cultural Capital and Other Capital, Nuffield College Oxford.
- Fred Magdoff, "The World Food Crisis: Sources and Solutions", Monthly Review, May 2008.
- Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2009). The Role of Social Capital in Financial Development.  
<http://www.faculty.chicagobooth.edu/finance/Papers/trust.pdf>.
- Harker, R. (1990). Education and Cultural Capital. In Harker, R., Mahar, C., Wilkes, C. (Eds.). An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory. Macmilan Press, London.
- Hayek, F. A. von (1941). The Pure Theory of Capital. The Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama 2009.
- <http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/paris/fa/EconmicPart/EconomicInformations/ImportExport>
- [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm)
- [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/whatis\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm)
- Keith Ferguson, The world trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs, TRIMs, etc.)  
<http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html>
- Kuznets, Simon, Smith (1961). Capital in the American Economy: Its Formation and Financing. Princeton University Press.
- Microsoft Annual Report (2015).  
<https://www.microsoft.com/investor/reports/ar15/index.html>
- Musgrave, Richard Abel; Peggy B. Musgrave, (1976), Public Finance in Theory



and Practice, McGraw-Hill.

- Nelson Mandela, The great deceit
- R.W. Jones., P.B. Kenen. Handbook of international Economics. Vol .1, Amsterdam North–Holland. 1996.
- Richard A. Musgrave in United States, Congress, 1972.
- Richard W. Lindholm, “ The Value Added Tax, A Short Review of the Literature, Journal of Economic Literature , December 1970
- Robin Shreeves, The Shocking Statistics of Food Waste (and How to Keep Your Contribution to the Problem at a Minimum) Published on August 25th, 2008, Home & Garden. <http://www.refrigeratorsaver.com/>
- Robinson, Jones (1985). Accumulation of Capital. Palgrave MacMillan, United Kingdom, 2013.
- Subrahmanya, K.N.; B.S. Sreekan taradhya (eds.) taxation and centre. State financial relations, New Delhi, Deep & Deep Publications, 1983.
- Suranovic, absolute and comparative advantage, 1999.
- Tait, A.A (1988), Value Added Tax, International Practice, and Problems, IMF, Washington DC.
- The Doha agenda, [http://www.wto.org/English/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/doha1\\_e.htm](http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm)
- Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law. No. 16 1995.
- Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90
- Tymon, Alfered, Stump, Joe (2003). Cultural Capital, Journal of Cultural Economics, Springer Netherlands, Vol. 23, No. 1-2.
- Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO Switzerland <http://www.wto.org/english/englidh/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm>
- Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards: contingencies, etc, WTO, Switzerland. <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm>
- Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc. [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis/tif\\_e/agrm9\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm)
- United States Securities and Exchange Commission (2015). Washington, D.C. The consolidated statements of income data of Alphabet Inc. and Google Inc. <http://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1288776/000165204416000012/goog10-k2015.htm>

- Walter Enders Harvey, E. Lapan, International Economic theory and policy, NJ: PHI, 1987.
- Wogget, Gabriele (1993). Social Capital, Rural Sociology, No: 63.